مطبعهٔ عنایت

تاریخ محاربهٔ روس و ژاپن

۱۹۰۴ — ۱۹۰۵

— جلد دوم —

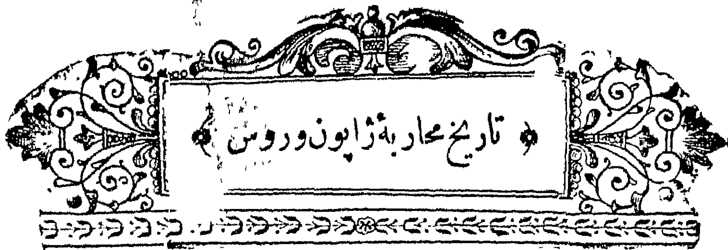
مترجمش بزبان فارسی

محمود طرزی

این تاریخ که وقوعات حربیه را که از آغاز اعلان حرب تا بوقت دستخط شدن معاهدهٔ صلح با تفصیلات تمام جامع میباشد احوال جغرافیه و تاریخیه و سوقیه تکتیکیه و سیاسیهٔ هر دو دولت محارب را نیز باتمام تفصیلاتش بیان میکند.

دارالسلطنهٔ کابل درمطبعهٔ مبارکهٔ عنایت بزیور طبع آراسته گردید

سنه ۱۳۲۴



جلد دوم

امیرال توغو

از مدت دوسالست که نام امیرال (توغو) درمابین دوقطب کرهٔ زمین طنین انداز گوشهای جهانیان میشود . این شخص که دیروزه روز مجهول وامروزه روز ابدی الاشتهار ومقبولست درنظرتمام انسانها وحتی در نزد خودروسها نیزیك استاد معظم فن حرب دیده وشناخته میشود .

قسم دوم کتاب ماچون همه کی از آثارفتوحات ومظفریات دسته های کشتیهای جنگی ژاپون بحث میراند، وامیرال توغوچون روح روان جریان این مظفریات نمایانست لهذا چنان مناسب دیده شدکه صفحه های نخستین این قسم کتاب خودرا به ترجمهٔ حال مشارالیه حصرنمائیم .

(توغو) منسوب بیك خاندان عسکری میباشدکه درزمانهای پیش مستقل خانی وافسری میداشتند . تصویرهای اجداداو بربعض اوانئی ژاپونی محکوك میباشد که آن اوانی وضروف درنزد بعضی اوروپائیانی که درجمع آوری آثارنفیسه صاحب ذوق سلیم میباشند خیلی مرغوب ومقبولست . این تصویرها منظرهٔ بهادران جنگاور خول وزره پوشی رانشان میدهدکه ازدیدن آنها دلها لرزان و دیده ها حیران میشود .

امیرال درچاردهم اوکتوبر سنهٔ ۱۸۵۷ میلادی تولد کرده است که به

این حساب در بنوقت — یعنی دروقت جنک مذکور — چهل و هشت ساله یك کپتانیست که جوان ترین و قهرمان ترین تمام عالم عسکری میبا شد .

هنوز شانزده ساله بود که در مکتب سفینه (وورسه ستر) نام شهر (لیه ریول) انکلستان میبود . سفینهٔ (فورسه ستر) کشتی ایست که برای تعلیم و تربیهٔ شاگردان تجارت بحری حاضر شده است اما شاگردانیکه از درجهٔ یکم تا بدرجهٔ پنجم ازین مکتب امتحان داده برایند در خدمات بحرئی دو لتی نیز قبول میشوند .

(توغو) تحصیلات ابتدائیهٔ بحریهٔ خودرا در انکلستان کامل کرده است ودرسنه های ۱۸۸٤و۱۸۸۵ بازبه انکلستان رفته در (مانوره ها) - یعنی قواعدهای بزرک جنکئی بحری که از طرف (فیلو) — یعنی یك نوعی از دسته های کشتی جنکئی بحری انکلیز در بحر (مانش) که بمقابل سواحل فرانسه اجرا میشد در حالتیکه خود او نیز دریکی از اقسام دستهٔ کشتی مذکور مأمور بوده وجود شده است .

هنکامیکه درسنهٔ ۱۸۹٤ محاربهٔ چین وژاپون آغاز نمود توغو به کپتانی وقوماندانئی (نانی وا) نام (کرووازور) که یك نوعی از کشتیهای جنکیست مأمور بود . در جنک مذکور اول کلهٔ طوپی که انداخته شده آنرا مشارالیه انداخته است . این کلهٔ و مرمی طوپ اولین یك حادثهٔ غریبی و یك حکایت عجیبی دارد باینصورت که هنوز درمابین دولتین مذکوره تین اعلان حرب نشده بود . فیلو — یعنی یك دستهٔ کشتیهای جنکئی چین سفائن نقلیهٔ که قطعات عسکری او را حامل بود و به (کوریه) میبرد او را محافظه و حمایه میکرد . دستهٔ کشتیهای جنکئی ژاپون بنا گهانی به این قافلهٔ واپورهای نقلیهٔ عسکر چین برخورد سفائن چین دستهٔ کشتیهای جنکئی ژاپون را دیده بکریختن آغاز نهادند . تنها (قوو شینغ) نام سفینهٔ نقلیه که درمیان آن بقدر یك هزار و ششصد نفر عسکر چین ودرزیر بیرق وافسرئی دو نفر افسران انکلیزی بود که یکی (غالس وورتی) نام کپتان ودیکری (تامله ن) نام صه به دا

عسکر بحری بودند دریك خلیج کوچك وپنهانی خود را کشیده خواستند که خود را از نظر دستهٔ کشتی جنگئی ژاپون پنهان سازند . ولیکن کپتان (توغو) این کشتی را هیچ از نظر ترصد خود دور نداشته از عقب گیری او باز نه ایستاد . تا آنکه خود را بکشتئی مذکور رسانیده راه گریز را بر و بند نمود، و یك افسری را که معیت او بود دریك قایقی سوار کرده در نزد افسران انگلیزی بکشتئی مذکور ارسال نمود وتسلیم شدن را بر ایشان تکلیف کرد .

کپتان (غالس وورتی) بجواب این تکلیف گفت : ــ که من از جنگ و مخاصمات ژاپون وچین هیچ آگاهی ندارم و در زیر بیرق انگلیزی سیر و سفر میکنم و هیچ گاه به این مسئله راضی نخواهم شد که بقدر ۱٦۰۰ نفر عسکر چین را بشما اسیر بدهم اما اینقدر میتوانم که این عسکر را بیك ساحل بیطرفی بیرون براورم . چیزیکه درین واقعه موجب غرابت دیده میشود اینست که کپتان (غالس وورتی) و کپتان (توغو) رفقای مکتب بوده اند — یعنی هر دوی شان در مکتب سفینهٔ (فورسه ستر) تحصیل علوم بحریه را کرده اند .

والحاصل کپتان توغو بر تکلیف خود اصرار و عناد ورزیده و باز برای افسران انگلیزی خبر فرستاد که حکماً یا تسلیم شوید و یا خود شما از کشتی برامده کشتی را عن ترك کنید . کپتان غالس وورتی باز قبول نکرد، لهذا کپتان توغو بر واپور (قووشنیغ) باطوپهای بزرگ بگلله اندازی آغاز نهاد . کشتی (قووشنیغ) در مدت بسیار کمی باجملهٔ مرتبات وتمامئی کشتی نشینان خود یکجا غرق و نابود گردید! کپتان غالس وورتی وصوبه دار (طامپلهن) خود شان را بدریا انداختند . کپتان توغو بجابکئی تمام کشتی فرو آورده آنها را از غرق رهایی و از دریا بکشتئی خود بر اورد و باقی هزار و ششصد نفر عساکر چین را بقعر نایاب دریا فرستاد .

اینست که اینهجوم توغو بر کشتئی قووشنیغ در سنهٔ ۱۸۹٤ با چین بمقام اعلان حرب قائم گردید .

کپتان توغو بعدازینواقعه بمحاربهٔ بحریهٔ مشهور (یالو) اشتراك ورزید ، بعدازان آهسته آهسته درمحاصرهٔ (وای‌های‌وای) اقتدارعسکری خود را درنظر دولت خود ظاهر و آشکار نمود .

باینصورت‌که ژاپونها درانوقت میخواستند که بنزدیکئی اینشهر که مذکور گردید یك قول اردوی خودرا بخشکه بیرون براورند ، وبرای اینکار لازم بودکه بیك حرکت بسیارماهرانهٔ نظردقت وقوت چینیانرا ازنقطهٔ که عسکر ژاپون درانجابرامدن میخواستند بدیگرطرف جلب کرده شود .

لهذا کپتان توغورا برای اینهجوم ساخته‌گی مأمورکردند . ومی الیه از بسیاروقتهابودکه سواحل چین وعلی‌الخصوص همین منطقهٔ که درینوقت به اجرای حرکات دران مأمورا ست بیك نظر بسیاردقیق وملاحظهٔ علمی وعملی عمیقی تتبع کرده بود . وبسایهٔ این تتبع واقفانه بیك صدمهٔ جرأت‌کارانه‌که موجب حیرت هرکس گردید تشبث ورزیده احرازموفیقت وکامیابی نمود . درزیر قوماندانی وافسرئی او (سوقایی) و(لا تاغو) نام دوکشتئی جنگئی خفیف الحجم سریع‌السیری بود : وقت شام بودکه کپتان توغو دیگهای بخار کشتیهای خودرا خیلی پرنموده وگرمی‌داده بغروب مهتاب منتظرماند .. مهتاب چون غروب نمودهمانلحظه راست بسوی بندرگاه که (دونیما) — یعنی دسته های کشتی جنگئی چین دران موجودبود بحابکئی تمام رهسپار گردید . درسینهٔ ظلمت شب تار مانند شاهین تیزرفتاربه پرواز آمده بردستهٔ کشتئی جنگئی مذکور هجوم نمود ودستهٔ کشتئی جنگی‌را بیك هیجان عظیم وتلاش واندیشهٔ جسیمی دوچار کردو گله های طوپهای آتشفشان خودرا مانند باران بالاریزان ازهرطرف بردستهٔ کشتیهای جنگی بارانیده وباز بسرعت تمام خودرا واپس کشید . دستهٔ کشتی های جنگئی چین بگمان آنکه ازطرف همه دستهٔ کشتئی های جنگئی ژاپون بروهجوم شده است مضطرب وبیقرار گردیدند .

توغو درشبیکه بردستهٔ کشتی‌های جنگئی چین هجوم وشبخون میبرد در هوا خیلی خنکئی شدیدی حکم‌فرمابود بدرجهٔ که یکشب پیش ازین هجوم چند نفر از افسران ژاپونی درمیان کشتیهای خود شان از شدت سرما انجماد یافته یك یك قالب بیروحی شده بودند .

ازین وقایع مختلفه دانسته شدکه کپتان توغو مالك یك جرئت فوق‌العادهٔ میباشدکه با آن شجاعت خود احتیاط وبصیرت را نیز ممزوج کرده است .

کپتان توغو در اثنای محاربهٔ چین وظیفه های بسیار نازك ومهمی‌که بعهدهٔ او محول شده بود بکمال خوبی ودرستی ایفانمود زکاوعرفان او مظهر تقدیر و تحسین دولت متبوعه اش گردیده حضرت ایمپراطور بمکافات خدمات واقعه‌اش اورا بریاست لنگرگاه عسکرئی (ساسه‌بو) که قیمتدارترین بندرگاهای عسکرئی ژاپون است تعیین فرمود .

توغو کوته قدوضعیف البنیه ولی متناسب الوجود وخوش سیما وجاذبه دار است . جبین بلند وفراخش برهان وفرت ذکای اوست . چشمانش مالك نگاهی بسیار تیز وجلاداری میباشد ، دهنش بزرگ وموی ریش وسرش جوکندم و ومورچه‌پی زده شده است .

امیرال توغو عیالدار است ، زوجه اش ازاصیل زادگان ژاپون و دختربزرگ یك (وتقونت) است دوپسر ویك دختردارد اولادش درمابین هشت ساله وشانزده ساله میباشند .

درسنهٔ ١٨٩٥ امیرال توغو وامیرال (ایتو) دسته های کشتیهای جنگئی ژاپون راسراز نوتنسیق وتشکیل داده نقشها و پلانهای مکملی برای آنها ترتیب وتنظیم نموده‌است . ختام این ترتیبات وتشکیلات به ابتدای محاربهٔ روس وژاپون تصادف نموده‌ازان روبرسوق وادارهٔ همهٔ کشتیهای گروو ازور وزرهپوش که درین جنگ از ژاپون موجود بوده توغو امیرال عمومی نصب وتعیین شده‌است .

امیرال توغو وقتیکه هنوز در محاربهٔ چین و واقعه های (وای های وای) بود دریاها و سواحلی راکه درینوقت برای ضبط و اشغال آن، مأمور است بخوبی دیده و شناخته است از ان رو هجوم اول (پور آرتور) که فاتحهٔ مظفریات این حرب شمرده میشود از هجوم هائیست که پیش ازین در ان خیلی فکر دوانیده و درینوقت بصورت بسیار ماهرانه آن فکر را از قوه بفعل آورده و موفق وکامیاب گردیده است •

حادثهٔ (پتروپا ولوفسك)! و میدان محاربهٔ (۱۰) ماه آگست! و ملحمهٔ کبرای (چوشیما)!! هریك ازین سه واقعه برای سلسلهٔ منتظمهٔ فتوحات یك یك عقدهٔ پایدار و این مظفریت مثلث یك یك بیرق اشتهار و هریك یك اثر نفیس صنعت حرب است که امیرال توغو بعالم عسکری هدیه نموده است • ما میباید که آثار نفیسهٔ بدایع کارانهٔ صنعت حرب بحری را در فصول مخصوصهٔ این کتاب محاربات بحری امیرال توغو بخوانیم • • •

این محاربات بحری چون بسیار مسائل مغلقهٔ بحریه را که تا محاربهٔ (چوشیما) بایك ردای شك و مبهمیت مستور بود حل و روشن نموده و به دستهٔ کشتیهای جنگئی تمام عالم عسکری درسهای بسیار مفیدی داده است • لهذا به امیرال ژاپونی امیرالهای انکلیزی و امریکائی که هم پیشهٔ او هستند بنظر بسیار حرمت و رعایت می بینند •

لورد (چارلس بره سفورد) که افسر (دستهٔ کشتئی جنگی مانش) انکلستان میبا شد • و لورد (جو نفیشر) که سر افسری عمومئی همه دستهٔ کشتیهای انکلستا نست بعد از محاربهٔ (چوشیما) تلغرافنامه های که متضمن بر حیرت و تبریك بود به امیرال (توغو) فرستاده تحسین و احترامات خودشان را علناً ابراز نموده اند • لورد (چارلس) مذکور شخصیت مادیه و معنویهٔ رفیق مکتب سفینهٔ (فورسه ستر) خود را به این کلمات ساده ولی موجز چنین تصویر نموده میگوید :

— آیا بخانهٔ خود چیزی گفتنی داری وخبری میفرستی ؟

او بجواب گفت :

— چیزی خصوصئی نیست ! به آنها بگوئید که بعا فیت میباشم ، دلم خیلی براحت و آرامیست ، همینقدر از انها نیاز واسترحام دارم که به مکتوب فرستادن خود فکر مرا مشغول نسازند .

امیرال در تمام مدت این سفر محاربه هیچ مکتوبی بخانهٔ خود نفرستاده است ، زوجه و اولاد هایش بکمال صبر و سکون امرار حیات مینمودند ، وبرای صحت ومظفریت شوهر وپدر خویش دعا ونیاز میکردند ، زوجهٔ فضیلتمند امیرال احوال استقبال را اندیشیده در امور ادارهٔ بیتیهٔ خود خیلی متبصرانه حرکت میکرد ، همهٔ خدمتگاران خود را رخصت داده هرکار خانه را خود بالذات اجرا مینمود .

والحاصل امیرال توغویك قوماندان خارقه نمائیست که عصرها کم چون اومیر وراند ، درسنهٔ ۱۸۰۵ امیرال (نلسون) انگلیزی بمحاربهٔ (ترافالغار) حاکمیت دریاها را به انگلیزها بخش نموده بود ، ومیدان محاربات بحرئی عصر نوزدهم را بشهرت مظفریات خویش پر کرده بود ، اینست که بعداز یکعصر امیرال (توغو)ی ژاپانی ، بمحاربهٔ (چوشیما) صحیفه های تاریخ اوائل عصر بیستم را بنقوش زرین موفیقات ومظفریات تزئین نموده است .

علو فکر امیرال (توغو) ازین یك نیز معلوم مشیود که دروقت وداع از خانه بزوجهٔ خویش گفت :

— یگانه رجاونیازی که دارم همینست که برای من هیچ نامه ننویسی !

وچون بعد از هجوم پر کشتیهای جنگئی دشمن شنید که بعضی از کشتی های جنگئی دشمن خسارت زده شده است گفت :

— دشمنان ما خاطر جمع باشند که ما کشتیهای آنهارا ازخودشان بهتر و

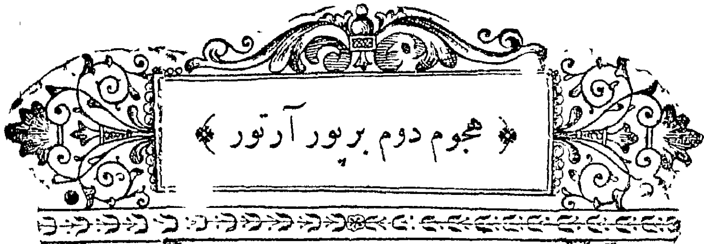
خوبتر تعمیر خواهیم کرد .

وبعد ازانکه . مانند غلبه ومظفریت (چوشیما) یك یك مظفریت بی مثیلی را احراز نمود تلگرافی که برای اخبار این کیفیت بمملکت خود کشیده است چنینست :

« این مظفریت محض ازاثر حسن توجهات حضرت (میقادو) ومعاونت روحانیهٔ آباواجدادشان ، وفداکاری ومهارت افسران ومرتبات کشتیهای جنگئی شان میباشد . »

پس اینچنین یك امیرال نوجوان غالب مظفر که به این تواضع وفضایل خویش جهان انسانیت را درسهای عبرت میدهد که میداند که عمان بیکران استقبال هنوز چه قدر فتوحات ومظفریات برای او احضار واکمال کرده خواهد بود !





افق دود آلود است. ولیکن بصورت خفیف !! در شهر، در لیمان — یعنی لنگرگاه در بندر قیل وقالها شنیده میشود و بعضی حرکتها دیده میشود ، اسرار و وقوعات شبینه که در اول امر کوچك و بی اهمیت گمان میشد آهسته آهسته ظاهر و آشکار میگردد . و هر کس از خورد و بزرگ به بود و نبود واقعه آگاه میشوند ...

بعد از ین حادثهٔ درد انگیز چنان گمان میشد که در بندرگاه اثر یك فعالیت و کارگذاری بزرگی دیده شود . بالعکس ، در دستهٔ کشتیهای جنگی روس امروز نیز عین سکونت و همان آرامی که دیروز دیده میشد بتما مها حکم فرماست . در کشتیهای جنگئی قضازدهٔ روس یك نشانهٔ زوال ، و در چهره های نفریها و افسرها یك امارهٔ حزن و ملال نمایان میشود ! افراد بحریه بکار های عادتئی هر روزهٔ خودشان کما فی السابق دوام میورزند . امرا و افسران عسکری بخلاف هر روز امروز بیك عصبیت و شدت تمام به اینطرف و آن طرف میدوند ، و بر وظیفه های مودوعهٔ خودشان اقدام تام نشان میدهند .

هنگامیکه شهر (پور آرتور) از لباس ماتم دودهای کثیف و دمه های عنیف بیرون بر امد ، قرص شمس بایك دبدبهٔ مخصوصهٔ از افق تابدار شرق ظهور نموده موجه های بحر اصفر را یکدیگر منظره، ویك دیگر هیبتی بخشید !

بعد از شب مظلم گذشته این قرص عالم آرا بشکل یك لوحهٔ جسیم قدرت تجلی کرد . ولیکن هنوز نشر شعاع نکرده . مانند یك سینئی سرخ آتشینی

جلوه گری میکرد ! وچنان گمان میشد که این کرهٔ عظمای نور باابرهای پاره پارهٔ سرخ شدهٔ افق که دردوروپیش او بود یك بیرق جسیم امپراطورئی ژاپون است که بر (پور آرتور) رفع لوای نصرت نموده است !! این خورشید معظم که درمیان آفاق سماوبه شعشعه بارکمال است ویك نظیر دلپذیر الوان رسمیهٔ ملیهٔ ژاپون را تشکیل میدهد بعدازان که برتحت عالئی افق جلوس نموددریك آن تمام سطح دریا ، وزروهٔ کوه ها ودرون دره هارا بشعاعات زرنگار خویش غریق انوار نمود .

درین اثنا بناگهان درطرف افق دیده شد که چهار کشتئی جنگی که براوج بالای دیرکهای شان (شمس طالع) — یعنی بیرق ژاپون تموج نمای عظمت بود بشکل یك قوس دائره درحالتیکه دود های سیاه ازدود کشهای آنهامیبرامد بسرعت تمام بجانب بندرگاه پور آرتور تدویرچرخ حرکت داشتند ! این کشتیهاعبارت ازیکدستهٔ کشتی جنگئی (کرووازور) حفیفی بودکه بقصداستکشاف ازاصل دستهٔ کشتی جنگی جداشده به پیش آمده‌اند . نامهای این کرووازور ها (چیتوزه) ، (قازاکی)،(تاقازاغو) و[یوشینو]بود.پس چون موجود بودن دشمن سراسر محقق شدهمه کشتیهای جنگئی روس که در بندرگاه لنگر انداز اقامت بودند بحاضری ماهورهٔ لنگر برداشتن آغاز نهادند اماحرکت نکرده برجا های خودماندند . دراین اثنا کشتیهای ژاپون نیزازحرکت صرف نظر کرده بعدازانکه زیاده ازیکساعت اطراف واکنافرا کشف وترصد کردند واپس گردیده بازدور شدند .

ازساعت هشت بیست دقیقه گذشته بود .

دستهٔ کشتی های جنگی روس بعدازانکه سفینه های ژاپون رجعت نمودند بیکوضع کاهلانه بتعقیب آنهابراه‌ افتادند ، واول بسوی شرق وبعدازان بجهت شمال‌شرق بحرکات آغاز نهادند . امااین حرکات دستهٔ کشتئی های جنگئی روس

بطول نینجامید . چونکه بعدازده پانزده دقیقه حرکت کردن واپس گشتند . ازساعت نه ربع گذشته بود .

ازین عزیمت وعودت دستهٔ کشتی های جنگی روس هیچ یك نتیجهٔ حاصل نشد . نفرات عسکرئی بحری بکمال سکوت وسکون بکار وبار خودشان، ولی اهالی قصبه ومأمورین ملکیه ازهول صدمات (طورپیل) ژاپون که یکشب بیشتر قصبه رابلرزه انداخته بود بهیجان وتلاش عظیمی افتاده بودند . درکوچهای پور آرتور ازشبیخون دیشب عکس صدای قیل وقال بسیار وبیان بسی مطالعات وافکار شنیده میشد . واین سخنان نیز واصل سمع حیرت میگردید که امیرال ژاپونی بندر پور آرتور رادرزیر گلههای طوپ خواهد گرفت . اهالی قصبه که چار بحر وزیش ازین دکانها ومالهای اهالی ژاپون را که ازپور آرتور میبرامدند بسیار ارزان و رایگان طالب وخریدار بودند امروز بتلاش واندیشهٔ آن افتاده اند که چسان یك آن اولتر ازشهر بیرون برایند ویك دار الامان برای خود تدارك نمایند .

اگرچه اینخبر شنیده شده بود که سه سفینهٔ جنگی بخسارت وفلاکت دوچار، واز حرکت معطل وبیکار شده اند — ولی هیچکس نمیدانست که درجهٔ خسارت عبارت ازچیست وچسانست . چونکه اساس تدبیر واحتیاط افسران روس این بود که درجهٔ مضرات حقیقت طورپیلهای روس رااظهار نکنند وپنهان دارند .

حتی این احتیاط خودرا بدرجهٔ پیش برده بودند که (قولومبیا) نام واپور تجارتی کمپانیهٔ (هند وچین) که درشب واقعهٔ مدهشهٔ گذشته دربندرگاه بیرونی لنگرانداز بود، ومجبوراً شاهد آنواقعه شده بود، روسها واپوره مذکوررا نظربند داشته نگذاشتند که بندرگاه را ترك کرده بیرون براید تاآنکه مبادا اسرار درجهٔ خسارت ومضرت طورپیلهای ژاپون را که بروابورهای جنگئی روس رسانیده اند فاش نماید ، حتی یك پرهٔ نیز ازافراد بحریهٔ روس رادرکشتئی

مذکور گذاشته بودند ٭

درین اثنا در داخل شهر و استحکامات ساحل آوازهٔ مدهشی که (دشمن میآید ! دشمن میآید !) بیکعکس صدای مهیبی در اطراف و اکناف منتشر گردید ٭ بواقعیکه در منتهای افق همه دستهٔ کشتی های جنگئی ژاپون بکمال هیبت و دهشت عرض وجود کرده بودند ٭

امیرال توغو قبل از زوال همه کار های خودرا حاضر و آماده ساخته و بشرف سلامتئی ایمپراطور (میکادو) اداراهٔ اقداح کرده ، قسم کلی دستهٔ کشتی های جنگی خودرا بر دو دستهٔ کشتی های جنگی که یکی از زره پوش ها و دیگری از کرووازورهای زرهپوش مرکب بود منقسم ساخته از جهت جنوب سر راست بر (پور آرتور) امر حرکت راداده بود ٭

امیرال (شتارق) روسی بمجردیکه دستهٔ کشتی های جنگئی ژاپون رادید لنگر دستهٔ کشتی های جنگئی خود را برداشته در بندرگاه بیرونی حاضر و آمادهٔ مقابله گردید ٭ کشتی های روس نظام کشاده — یعنی از همدیگر مفاصله دار بریك خطی دریك موضع پر امنیتی که گله های طوپ های ساحل ازسر آنها بگذرد بر صف نظام حرب حاضر بجنگ شدند ٭ ساعت دهونیم بودکه دفعتهً یك گلهٔ بم (۱۲ پوسی) ژاپون تام درپیش طورپیدوهای روس بدهشت بکفید ٭ این گله اول اشارت بود بر اینکه پور آرتور از طرف دستهٔ کشتی های جنگئی ژاپون (بومبارد مان) — یعنی در زیر گله ریزی گرفته شد! بحقیقت که همچنین هم شد دستهٔ کشتی های جنگئی ژاپون با همهٔ طوپهای خود یك آتش بسیار بزرگی از طوپهای آتشفشان خود باریدن گرفت سفائن حربیهٔ روس و استحکامات ساحل بمقابله آغاز نهاده ازمسافهٔ پنجصد متر و یا دستهٔ کشتی های جنگئی ژاپون بمحاربهٔ طوپ بشدت تمام آغاز کردند ٭

همه گله های دستهٔ کشتی های جنگئی ژاپون که از طوپهای (۱۲ پوسی)

می‌انداختند به بسیار خوبی بوجه دلخواه تأثیر خودرا اجرا میکرد • طوپچیان وکشتی‌بانان ژاپون چون میدیدند که گله‌های شان بر هدف مطلوب واصل شده بدرستی ایفای وظیفه میکردند، وبجوش وخروش آمده سرشار نشهٔ مظفریت میشدند •

پرنس (یاماشیما) که درسفینهٔ (میقازا) معاون امیرال توغو بود یکچند بار خود بالذات نشان گرفته گله را بمحل مقصود رسانید • حالآنکه گله های طوپ های روس پیش از انکه بهدف واصل شوند در آب میافتادند یکی از تماشا بینان که (در پور آرتور) بود واین محاربه را برأی‌العین تماشا کرده چنین میگوید:

(از هر دو جهت بصدها طوپ دریك آن رعد آسا بصدا آمده نعرهٔ جنگ وجدال سر بفلك میکشید. در میان این دغدغهٔ عظما زمین وهوا بلرزه میدرامد، وخرمنهای دودهای سیاه زرد رنگ روی سمارا تیره میساخت! سطح بحر بوسعت سه میل از افتادن گله هافواره‌ها تشکیل میداد ومعلوم میشد که طوپچیان روس بخوبی نشان گرفته نمیتوانستند• چراکه قسم اعظم گله های آنها در پیش روی دستهٔ کشتی های جنگئی ژاپون بدریا میریخت •)

دستهٔ کشتی‌های جنگئی روس خودرا در زیر دایرهٔ حمایهٔ طوپهای قلعه واستحکامات گرفته به بیرون بر امدن واز ساحل دورشدن جسارت نمیتوانستند • تنها سفینه‌های (نوویق) و(آسقولا) و(دیانا) بیك سرعت عظیمی جناح خط حرب دستهٔ کشتی جنگئی ژاپون را دور نموده کرووازورهای خفیف ژاپون را که در پشت قسم کلئی دستهٔ کشتی‌های جنگی بودند درزیر آتش طوپ گرفت • این حرکت کرووازور (نوویق) را روسها شایان تقدیر وتحسین پنداشته کپتان سفینهٔ مذکوررا به نشان (سن جورج) تلطیف وسزاوار نمودند • مع‌هذا ازین حرکت روس ها به کشتیهای ژاپون هیچ ضرر وخسارتی نرسید ولی بالعکس سفینهٔ (نوویق) با آتش گله های متعدد سفائن حربیهٔ ژاپون گرفتار وبه خسارات مهمی دوچار آمده برجعت کردن مجبور گردید •

در اثنای این محاربه یك حادثهٔ مضحکهٔ در بندرگاه بوقوع آمد که آنهم قضیهٔ قرار کردن واپور تجارتئی (قولومبیا) ست که پیش ذکر شد. لاکن اینکاش که تنها خود اوفرار میکرد! نی بلکه یك پهرهٔ روس را که در واپور مذکور برای محافظه نشانده شده بود نیز باخود ببرد.

ساعت دوازده در میان دستهٔ کشتی های جنگی روس یك دود کثیفی ظهور نموده معلوم شد که یکی از کشتی های روس را آتش گرفته است. ودر همان وقت یك گلهٔ بزرگ طوپ ژاپونی از پشت تپهٔ بندرگاه بیرونی گذر نموده کشتئی خسته خانهٔ روس را غرق نمود.

در مابین دستهٔ کشتی های جنگئی طرفین از یك مسافهٔ نزدیکی یك محاربهٔ بوقوع نیامد. امیرال (شتارق) در خود این قوت را نمیدید که در دریای فراخ بادستهٔ کشتی های جنگی ژاپون پنجه زند. امیرال توغو نیز دانست که باطوپ خانه های مکمل و مجهز استحکامات روس کاری از پیش نخواهد برد لهذا بجهت جنوب شرقی رجعت نمود و سپاه نیز دستهٔ کشتیهای جنگئی ژاپون را تعقیب نکردند.

نظر بمندرجات راپورتهای مختلف که امیرال (الکسیه‌ف) روسی فرستاده چنان معلوم میشد که کشتئی زرهپوش (پولتاوا) و کرووازورهای (دیانا) و (آسقولا) و (نوویق) روس در اقسام فروتر از خط آب دوچار خسار شده اند. گلهٔ ژاپونی که بر کشتی (دیانا) اصابت نموده است چنان تأثیر مدهشی اجرا کرده که در مدت بسیار کمی نصف آن بدریا غرق شده است. سفینهٔ (آسقولا) بیك گله دودکش و بدیگر گله قسم ماشین و بسوم گله دگل بزرگ آن خراب شده است.

از دستهٔ کشتی های جنگی ژاپون نیز که زرهپوش (میقازا) و (فوجی) و کرووازور (ایواته) میباشند نیز به بعضی خسارات کم و بی اهمیتی دوچار

شده است . قوماندان طوپچئی زرهپوش(فوجی) تلف شد، همه ضایعاتیکه ژاپونها از نفوس داده اند سه افسر، وسه نفر مقتول ، و۷ افسر ، و ۱۶ نفر سخت زخمدار ، و۳ افسر و ۲۰ نفر خفیف زخمدار شده اند .

امیرال(توغو) در راپورت رسمئی که داده است بیان کرده که بقیمت حربئی دستهٔ کشتی های جنگی هیچ خلل وارد نیامده است .

ژاپونها درینمحاربه که بسیار پیش نیامده اند خیلی عقل ومهارت بکار برده اند . زیرا استحکامات ساحل (پور آرتور) باطوپ های بسیار منزل بزرگ سیستم آخرین مجهز میبود ، واکثر استحکامات مذکوره برسر کوهها وتپه های بلندی که بندرگاه (پور آرتور) رااحاطه کرده است موجود میباشد، ونظر بسطح بحر موقع آنها خیلی بلند وحاکم افتاده است . پس طوپ هائیکه ازچنین استحکامات بلند انداخته شود از بالا بپایان بیك زاویهٔ رمئی اجرای انداخت میکنند که کشتی هاهر انقدر که به آن نزدیك شود این زاویهٔ رمی هما نقدر زیاده تر میگردد . پس چون اقسام افقئی کشتی های زرهپوش — یعنی سطحهای آن به زره خفیفی مستور میباشند هرگاه گله های بزرگ طوپهای استحکامات بلند بصورت عمودی برسطح واپور بخورد بی آنکه زره دراسوراخ کرده بگذرد بسی خرابیها ورخنه های عظیم در وجود واپور میرساند، واگر مرمی — یعنی گله درپیش ماشین واپور بیفتد احتمال قوی داردکه ماشین را ازکار وحرکت انداخته زره پوس عاطل وبیکار بماند . بناءً علیه نزدیك نشدن امیرال ژاپونی به استحکامات روس از تدابیر عاقلانهٔ او شمرده میشود .

در اثنای محاربه صلابت قلبیه وسکونت فکریهٔ عساکر بحریهٔ کشتی های جنگئی ژاپون را ازین یك مثال قیاس باید کرد : که یك نفر از کشتی بانان ژاپونی بایك پارچهٔ بم دشمن دست راستش از بدن جدا گردیده برسطح واپور بیفتاد ، این نفرئی جسور دست افتادهٔ خودرا بدست دیگر گرفته درپیش

دا کتر زرهپوش بقاعدهٔ نظام رفت و گفت : — اگر مهربانی شود که تداوئی دست مرا بعد از ین بکنید و حالا مساعده بفرمائید که برسر خدمت ووظیفهٔ خود بروم .

یکی از افسران کشتئی زرهپوش (ها تسوزه) (قازیمورا) نام صوبه داری بود که او نیز با پارچهٔ گلهٔ بم از میان دوپاره شده بود ولی او درحالتیکه نیم وجود بود بسیار بی پروایانه بطرف دیگر رفقای اطراف خود عطف نظر احترام کرده وجمع کردن تکه های خود را از یشان استرحام نموده است ! ماچون اینچنین واقعات را میبینیم ویامیشنویم میپنداریم که این چیزها کارهای طبیعئی بسیط حیات بشر است . وبرای اینست که درتصویر ماهیات وعلویات آنها بسیار خطا میکنیم .

کسانیکه به اینگونه اثر قهرمانی ودلاوری اظهارشان وشهرت میکنند آنها مانند انسانهای عادتی نیستند بلکه آنها از ان اولاد بشر اند که فطرةً بسیار بزرگ وعالی خلق شده اند .

اینگونه قهرمانهائیکه درراه شرف و ناموس ملیت و وطن و باد شاه ووظیفهٔ خود به اینگونه صلابت وبها دری فدای جان میکنند از ان انسان ها ئیست که دردفترهای دلها وفکرهای قوم وملت خود تذکارهای ابدنشانی میگذارند ، ونام شان تابه ابد به احترام یاد میشود .

سرگذشت یك ژاپونی دیگر را نیز بر وجه ذیل نقل میکنیم : — این شخص (تاغه) نام یک کرنیل ایست که دروقت هجوم برپور آرتور یك فرقه طور پیادوهای مخرب را اداره وقوماندانی میکرد . مهارت وجسارتیکه دراثنای وظیفه ومأموریت خود بکاردا شته است حقیقتاً شایان دقت وحیرت میباشد وسبب اشتهارابدی اوشده است .

مومی الیه درمحاربهٔ (چین وژاپون) کوماندان طورپیادوی (قوقاقام

بود کرنیل مذکور باطور پیدوی خود همه موانع متحرکهٔ که ازطرف چینیها وضع شده بوداز هم پاره کرده درگذشت وبه بندرگاه (وای های وای) درآمده (پنیغ یوان) نام کشتئی زرهپوش جنگئی چین رابغرق کردن موفق و کامیاب گردید .

بعدازاحراز کردن موفقیت ترفیع رتبه نمود ودرکشتئی زره پوش (کی ووهای) که ازچینیها ضبط شده بودمأمور حساب تعیین گردید . سفینهٔ (کی ووهای) هنگامیکه درسواحل مخاطره ناك جزیرهٔ (فورموز) گردش میکرد بیك طوفان شدت ناك گرفتار آمده بصورت بسیار الیم وفجیعی محو و غرق گردید .

بعد ازانکه امیدرهایی دادن سفینه سراسر زائل شد کپتان کشتئی مذکور که (موچینی) نام داشت باین مأمور حساب بصورتیکه لایق شان کشتیبانان ژاپون باشدبه استقبال کردن مرگ قرارداداند! همه طائفهٔ کشتی بر سطح وابور جمع شدند ، وبعدازکمی بجواب جوش وخروش موجه های هول انگیزی دریا آوازهٔ (زنده بادپاشاه ما)رابلندکرده همهٔ شان بیك بارگی بدریاریختندو اکثر شان محو وناپدیدگردیدند !

کرنیل (تاغه) ازدیگر رفقای فلاکت خودطالع مندتربودکه بعدازغرق شدن سفینه درحالتیکه درمیان موجهای پردهشت شناوری میکرد یك تخته پارهٔ بدستش آمده سه روزمتمادیاً درمیان امواج بحرغلطان وپویان بماند . نهایت بیك جزیرهٔ کوچکی ازجزیره های (فورموز) واصل شدو بعدازانکه یکمدتی درانجا ماندبرکشتئی که ازطرف حکومت ژاپونیابرای جستجوی کشتئی قضا زدهٔ (کی ووهای) فرستاده شده بود سوارشده به ژاپونیا آمد .

اینست که این کرنیل بکافات فداکارئی خویش درین محاربهٔ روس وژاپون بازکوماندان یك فرقهٔ طورپیدوشده بسی خدمات صادقانه وجسورانه درراه

دولت وملت اجرا وایفا نموده است ... (بومباردمان) پور آرتور بقدر (٤٥) دقیقه دوام ورزید . گله های ژاپون اگرچه در شهر خسارت وخرابئی بزرگی نرسانیدولی درمیان اهالی یك ترس ورعب عظیمی انداخت ودرشهر یك اندیشه وتلاش بزرگی حکم فرما گردید چونکه هرکس دانست که درهر گاه وبیگاه این تعرضات آتش بار دشمن دوام خواهد نمود . ازباشندگان (پور آرتور) بغیر از هیئت عسکریه دیگر هرکس بهمین فکر بودند که ازین شهر جنگی وعسکری چسان وچگونه بیرون برامده بتوانند !

(در پور آرتور) در میان چهره های ملول ومکدر یکی چهرهٔ امیرال (شتارق) بود ، این کوماندان وافسر بزرگ بحری یکشب پیش ازین برای شرف نام زوجهٔ خود بترتیب دادن یك جشن پرسرور مشغول بوده خیلی شادان وممنون مینمود ، امروز چون می بیند که از دستهٔ کشتی های جنگئی که درزیر ادارهٔ افسرئی او میباشد هفت جزو تام بزرگ آن بعضی کم وبعضی بیش دو چار خسار وزار ونزار گردیده اند لهذا خیلی دلخون واز چهره اش علامت فلاکت ومغلوبیت رونمون بود . بعداز پیشین افسران ومأمورین روس به اظهار کردن یك فعالیت عصبیهٔ آغاز نهادند . کشتیهای تجارتئی که در بندرگاه لنگر انداز بودند از بیرون برامدن یکقلم ممنوع شدند ، بسیاری از اهالئی شهر درزیر توقیف ونظربندی درامدند به احتمال این که مبادا درمیان شان جاسوس ژاپون موجود باشد . درهر نقطهٔ ساحل پهره ها وتهانه های عسکری گذاشتند . برای محافظه ومدافعهٔ راه آهن وبندرگاه (دالنی) تدابیر لازمه اتخاذ کردند .

غریب است که دیروز شهر (پور آرتور) درمیان یك سکونت تامهٔ امرار حیات مینمود وامروز بعد از پیشین یك اندیشه واضطراب بزرگی افتاده بود .

جان اصلئی فعالیت قلعهٔ (پور آرتور) امیرال (آلکسیه‌ف) که والئی عمومئی اقصای شرق است میباشد . مشارالیه چنانچه درجمله امور سیاسیه

وملکیه اجرای معاملات واعطای اوامر و تعلیمات مینمود، در فردای آن روز فلاکت اندوز نیز برای محافظهٔ شهر (پور آرتور) ودیگر اوور عسکریه بسکونت و بی پروائی که مخصوص شخص خود اوست اقدامات و اهتمامات بکار میبرد . اما این بی پروائی و آرامئی امیرال (آلکسیه‌ف) یك نقاب ظاهرئی بود که بر چهرهٔ خود کشیده بود . ولی بحقیقت صداهای مدهشهٔ طوپهای ژاپون که یکشب پیش، در پیشگاه (پور آرتور) ناگهانی کفیده وسکونت شب را خلل پذیر گردانیده بودهیچ شبهه نیست که در آسمان افکار این کپتان باعظمت واحتشام یك عکس صدای الیم بحصول نیاورده باشد ومشار الیه را بیك اندیشهٔ بزرگ مسئولیت وبازخواست ، دوچار کدر عظیم نکرده باشد !

وقتیکه محاربهٔ طوپچی در (پور آرتور) آغاز نهادهمان وقت امیرال (آلکسیه‌ف) به (پترسبورغ) این تلغراف را کشید :

« دستهٔ کشتی‌های جنگئی دشمن که مرکب از پانزده کشتئی زرهپوش و کروازور است فی الحال بگلله ریزی بر (پور آرتور) آغاز نهاد . قلعهٔ (پور آرتور) درحال به آتش دشمن جواب داد ، دستهٔ کشتی‌های جنگئی ما نیز برای اشتراك کردن بمحاربه لنگر برداشته به بیرون برامد ، اوردو ودستهٔ کشتی‌های جنگئی اقصای شرق ، درراه شان وشرف مملکت به محاربه کردن وبادشمن جسور خود سینه بسینه جنگ کردن بیك هیجان و آرزوی شدیدی متهیج و آرزوکش میباشند . »

این تلگراف نامهٔ مختصر والی عمومی اقصای شرق درعالم (پترسبورغ) که از خبر کدورت اثر پریشبانه بنهایت درجه متأثر بودندسر از نو یك هیجان بزرگی بحصول آورده بود و هرکس بیك بی صبری و استعجال بزرگی بعاقبت ونتیجهٔ این حرب که سر از نو آغاز شده منتظر میبودند . بعداز کمی این انتظار متهیجانه بیك سکونت عمیق تأثر رفیقی مبدل زوال گردید .

زیرا امیرال (الکسیه ف) در تلگراف اول خود مژده های که داده بود به این تلگراف ثانی درعالم (پترسبورغ) کسانی را که به نتیجهٔ محاربه بشدت منتظر بودند سراز نویك تأثرالیمی استیلا نمود . صورت تلگراف اینست :

« بعد از انکه دستهٔ کشتیهای جنگی ژاپون بقدر یکساعت بومبارد مان نمود آتش خود راقطع نموده و بسوی جنوب واپس گشته برفت . ضایعات ما در دستهٔ کشتیهای جنگی (۵) افسر و (٦١) نفر عسکر مجروح . (١٤) نفر مقتول شده اند . دراستحکامات ساحل (١) نفر مقتول (٦) نفر مجروح است . در اثنای محاربه کشتی زرهپوش (پولتاوا) ، و کرووازورهای « دیانا » و « اسقولا » و « نوویق » هر کدام درخد خط آب خود زخمهای شدید برداشته دوچار خسار شده اند . ضایعات و خساراتی که درقلعه واقع شده شایان تذکاریك اهمیتی ندارد . »

هر کس به این فکر افتاده بودند که نتیجهٔ این مصایب وفلاکاتی که یکی پئی دیگر میرسد بچه منجر خواهد شد ، وازدشمن بد خواه بچه گونه انتقام خواهند گرفت ! ولی فکر هیچکسی بر هیچ چیزی قرار نمیگرفت . زیرا کاراز کار گذشته بود .

دشمن چون یکبار درحرکات اولیهٔ سوق الجیشیهٔ خود تقدم یافت باز چسان میشود که درطریق ظفر توقف ورزد ؟

بعد ازانکه امیرال « الکسیه ف » را پورت (محاربهٔ ۹ فبروری) را به (پترسبورغ) بفرستاد ، واوامر وتعلیمات لازمهٔ خود رادرباب بیداری و انتباه دستهٔ کشتیهای جنگی وتعمیرات کشتیهای خسارزده بداد ، اول کاریکه کرد این بود که برای عموم اهالی (مانچوری) چنین یك بیاننامهٔ نشر و اعلان کرد :

« ای اهالی مانچوری ! بدانید که درمابین روسیه و ژاپونیا حرب آغاز

کرد ! من که، بنابر آرزوی چار وتنسیب وقرار حکومت معظمهٔ روسیه و الی عمومی اقصای شرق میبا شم همهٔ شمارا امر میکنم که این شش فقره را هر یك فردی از شما میباید که حرف بحرف تعقیب وپیروی نمائید .

اولا — درانثائیکه در مابین روسیه وژاپونیا مذاکرات صلحیه دوام داشت ژاپونها بیخبرو ناگهانی بردستهٔ کشتیهای جنگی ماتعرض خائنانه اجرا نمودند لهذا نخستین وظیفهٔ ما اینست که بمقابل این معاملات حقوق شکنانهٔ ژاپونها ، و مقاصد بیگانهٔ آنها که عبارت ازپایمال نمودن ولکدکوب کردن اراضی چینست تا بحدود روس، بصورت بسیار معندانه و فداکارانه ایشانرا منع کنیم ومقابله نمائیم .

«ثانیاً — درانثای چنین یك تجاوز ، منافع روس وچین باهمدیگر چنان مربوطست که بهیچصورت انفصال نمی پذیرد . پس لازم بود که حکومت در خصوص طرد ودفع ژاپونهادرهرباب بروسها معاونت ومدد میرساندند . چراکه ازقواعد معاونت متقابله همین بود . حالا نکه حکومت مذکوره بیطرف بودن خودرا، ودرمقابل وقایعی که گذران یابد ما نندیك سیرکنندهٔ ماندن خود رااعلان نمود . بناءً علیه جمله مأمورین مانچوری رااخطار ویاد آوری میکنم که برای همهٔ قطعات عسکریهٔ ما که خواه سیار وخواه محافظ باشند ارزاق ولوازمات گدام شانرا جمع آوری نمایند . ودر بخصوص هرانقدر که ازدست شان بیاید درمعاونت قصور نورزند .

«ثالثاً — همهٔ اهالی مانچوری، ازمعتبران، وخانزادگان، وزراع ، وتجار، وعمله جمله گی کما فی السابق بکار وبار خود مشغول باشند . وقتیکه قطعات عسکریهٔ روس برانها بیاید میباید که بقطعات مذکوره امنیت و اعتماد تامی نشان بدهند ، وچون چنین شود من عهد میکنم که ازافراد روس به اهالی بومی هیچ بدی نرسد .

«رابعاً — هرگاه برخطوط راه آهن ، وتلگراف ، وتلفون که در

مانچوری هست تخریبات ، وتعرضاتی برسد همهٔ اعیان ووجوه مملکت را که در اطراف وجوار خطوط مذکوره سکناپذیر باشند درزیر بازخواست سختی خواهم گرفت . به خطوط اخباریه ، ووسایط نقلیه زیان رسانیدن نی بلکه درخصوص تأمین ومحافظهٔ آن سعی وغیرت بکارداشتن نیزازوظایف وجوه واعیان مملکت میباشد . واگر برسراینهمه تعلیمات واخطارات بازهم برخطوط مذکوره تخریبات وتعرضات واقع آید بغیر ازانکه فاعلان جرأتکار آنهارا بمجازات بسیارشدید جزا داده شود مأمورین واهالی محلیهٔ که درهمان وقت اجرای تخریبات حاضرباشند نیزدر زیر باز خواست شدید گرفته خواهند شد .

«خامساً — خونغوزها ، ودزدان ریش سرخ که برسرمردم مانچوری یك بلای مبرمی شده اند، اردوی روس اگرممکن شود همهٔ آنهارا ازبیخ و بن برخواهدکند . لهذاشما ازضرروتضییق آنهاهیچ پروامکنید . تنها جاهائیکه آنهاپنهان باشند بما خبربدهید اردوی روس علاج آنهارا بواقعی خواهدکرد . وهرچینیٔ که ازینگونه دزدان ورهزنانرادرخانهٔ خودقبول بکنند، ویاجاهائیکه آنهاپنهان باشنددانسته خبرندهد مانند خود آن دزدان مجازات خواهند دید .

«سادساً — محقق میدانم که اهالی مانچوری بمقابل اردوی روس اعتماد تام نشان خواهند داد . ولی اگربالعکس یك قسمی‌ازاهالی ومأمورین محلیه براردوی مابدشمنی قیام ورزد بیشك وبی شبهه که آنهارابلاامان محو وتلف خواهیم ساخت . تمام‌اهالی مملکت بدانندوهیچ‌شبهه نکنندکه حکومت متبوعهٔ من همهٔ حقوق و منافعیکه درینوقت دردا خل این اراضی وسیعه دوچار ضرروتهلکه شود همه را بصورت بسیار جدی و حقیقی مدافعه و تلافی میکنند . »



که از (۹ تا به ۲۹) فبروری جریان یافته

بعد از محاربهٔ (۹) فبروری دستهٔ کشتی های جنگئی روس به بندر داخلی وا پس کشیده دربندرگاه بیرونی تنها سفینه های (قره غول) — یعنی دیده بان مانده بود. درین میانه اگرچه برای استکشاف بعضی سواحل همجوار بعضی تشبثات خوردوریزهٔ بوقوع آمده بودولی بادستهٔ کشیهای جنگی ژاپون درهیچ جاهیچ یك تماسی دست نداده است. باوجود آنهم روسها درایام متعاقبه دوکشتئی قیمتدار دیگر نیزضایع کرده اند:

در (۱۱) ماه فبروری کشتئی نقلیهٔ نقب دریایی روس که (یه نه س) نام داشت درحالتیکه مشغول بعملیات سدکردن مدخل (تالیه ن وان) راباطوربیل بود، ازطوربیلهای که خوداو وضع کرده بود بتأثیرباد وجریان آب از جای خود خطا خورده به کشتئی مذکورمصادمه نمود. ودر آن واحدغرق ونابودش ساخت.

درین واقعهٔ هول انگیز (٤) افسرو (۹۲) نفرعسکر ترك جان وجهان کرده اند. روز دیگر (بویارین) نام کرو وازور روسی نیز بعین همین فلاکت ترك جامهٔ حیات کرده، — یعنی این کشتی نیزدرخلیج (تالیه ن وان) بایك نقب دریایی خود روسها تصادف کرده محوونابودشده است.

در (۱۵) فبروری بوقت شب درحالتیکه موجه های دریا مانندکوه ها بالامیبرامد دستهٔ کشتیهای جنگی طوربیدوی ژاپون بازیکباربر (پور آرتور) تاخت وتاز نمود، اما بسبب تیرگئی ظلمت شب وشدت هوا دوچار انقسام

شدند ، تنها (آساغیری)و(هایاتوری) نام دو مخرب های طورپیدوی ژاپون
ازطو فان کردلهٔ برف که بشدت حکم فرمابود استفا ده کرده بردو سفینهٔ
دشمن که درپیشگاه مدخل بندرگاه وظیفهٔ دیده بانی را ایفا میکردند هجوم
برده بغرق کردن وناپدید ساختن یکی ازین دوکشتی موفق وکامیاب شده‌اند .
اما امیرال (توغو) دراثنای این طوفانها بهیچ یك حرکت جدی وحقیقی
تشبث نکرده بلکه تنها بترصد خصم اکتفا ورزیده است . اینهم ازدوسبب
نشأت میکرد : یکی آنکه هنوزاستحضارات ولوازماتی که برای سد کردن
مدخل (پور آرتور) که دراواخر ماه فبروری اجرا کردن آنرا امیرال
(توغو) مصمم نموده بوداتمام وختام نیافته بود . ثانیاً اینکه قوت کلئی دستهٔ
کشتیهای جنگئی ژاپون تناقصی کرده بود . زیرا بعضی سفینه های ژاپون که
بصورت خفیف دوچار خسارشده بودند برای تعمیر بسواحل ممالك ژاپون
فرستاده شده بودند . دیگراینکه در(۱۲) ماه کروواز ورهای روس که در
(ولادیووستوق) بودندبنا گهان دردریای ژاپون ظهورکرده بودند ازاثرو
امیرال(توغو)مجبورشده بودکه یك دستهٔ کشتی راازدستهٔ کشتیهای جنگئی خود
تفریق داده درزیرافسری امیرال (قامیمورا) بدریای مذکوربفرستد .

درحوالئی(ولادیووستوق) امسال زمستان کمترشدت نموده ازانرو
(راتزه نشتاین)نام قوماندان بحری روس بواسطهٔ وابورهای یخ شکن مدخل
بندرگاه (ولادیووستوق) راازیخهاپاك کرده برای سیرسفائن بیك حال مساعدو
موافقی درآورده بود . در(۱۰) فبروری (غروموبوی)و(روسیا)و(روریق)
نام کروواز ورهارادرزیرافسری خود گرفته به استقامت جهت شرقی ازبندر
گاه(ولادیووستوق) بیرون برامده بود . روزدیگردرپیشگاه آبنای (چوغا
رو) یك کشتی تجارتی ژاپون راغرق کرده است . ودرهمان وقت یك کشتئی
سوداگرئی دیگرژاپون نیزازطرف این کروواز ورهای روس به پیش انداخته

شده بود ولی کشتئی مذکور حکمتها بکار برده خود راازدائرهٔ تأثیر کشتیهای جنگئی مذکور بیرون براورده است ۰

امیرال (قامیمورا) که باکشتئی زرهپوش (هاتسوزه) وکرووازورهای (ایجومو) و (آجوما) و (ایواته) و (یاقومو) بمقابلهٔ دستهٔ کشتیهای جنگی (ولادیووستوق) رفته بود اگرچه یکچندروزدران حوالی گردش نموده است ولی بادشمن هیچ برنخورده ۰ باوجود آنهم به امیرال (قامیمورا) یك وظیفهٔ بسیار مشکل ونازك داده شده بود که آنهم عبارت ازین بود که بندرگاه (ولادیووستوق) رادرزیر ترصد بدارد ، وسواحل دریای ژاپون ونقلیاتی که درین دریا از طرف ژاپون اجرا میشود بمقابل صدمات دستهٔ کشتیهای (ولادیووستوق) دائمادر زیر محافظه وامنیت بگیرد ۰

برای ترصد (مانجور) نام واپور جنگئی طوپکش روس که در (شانغهای) نام بندرچین اقامت داشت ژاپونها (زوما) و (آقیت زوشیما) و (ایجوما) نام کرووازورهای خودرا بمنصب نهر (یانغجه) فرستاده بودند ۰ بعد از مناقشه ومذاکرهٔ بسیاری که روسها باماْمورین چین کردند نهایت الامر روسها مجبور شدند که بنابر قاعدهٔ بیطرفی دول در (۸) مارچ اسلحه وتجهیزات واپور طوپکش خودرا دربندر گذاشته پی کار خود برفت ۰ کرووازورهای ژاپون نیزازپهره داری رهایی یافته برای ایفای دیگر خدمات برفتند ۰

(سیووچ) نام واپور طوپکش روس نیزیك سفینهٔ غائب شدهٔ شمرده میشد ۰ زیرا این کشتی نیزدر بندرگاه (اینقو) بایخها محصور مانده بود وگیرم که یخها باز شود بازهم از انتظار تجسس کشتیهای ژاپون رهایی نخواهد یافت وبرفرار کردن موفق نخواهد شد ۰

دستهٔ کشتیهای جنگی تقویهٔ روس که درزیر کوماندانی قونترامیرال (ویره نیوس) بود از اوروپا برخواسته در نصف اخیر ماه فبروری بقسم جنوب بحر

احمر مواصلت کرده بود برای این دستهٔ کشتیهای جنگی یك سر بسوی شرق راه پیمودن یك حرکت جرأت کارانه شمرده میشد . چونکه صرف نظر از مشکلاتیکه برای تدارك کردن زغال از بندرگاههای دولتهای بیطرف درین راه دور ودراز برای اودرپیش است، واصل شدن شان بدون آنکه از طرف دستهٔ کشتیهای جنگی ژاپون دیده شود بیك بندرگاه اقصای شرق روس غیر قابل وعدیم الامکان بنظر میآمد . واگر بخواهد که دستهٔ کشتیهای جنگئی ژاپون راازهم شگافته خودرا بهدف مقصد رساند اینهم بسبب ضعف قوت او محال مینمود بناءً علیه در (۲۳) فبروری قونتر امیرال (و یرهنیوس) را امر بازگشت داده شد .

اینست که باینصورت دستهٔ کشتیهای جنگئی اقصای شرق روس از هر قسم قوهٔ معاونه ومدد رسانی محروم ماندند . حال آنکه حکومت ژاپون دو کروازورزرهپوش دیگر که از (جنوه) خریداری کرده بود در (۱٦) فبروری به (یوقوزوکا) که از بندرهای ژاپون است مواصلت کرده بودند . که باین سبب قوهٔ بحریهٔ ژاپون یك تفوق وبرتری مهمی حاصل کرد .

در نصف اخیر فبروری ویس امیرال (ما قاروف) بردستهٔ کشتیهای جنگی روس که در بحر محیط کبیر بود به سر افسری بزرك نصب وتعیین گردید اما تارسیدن مومی الیه امر وکوماندانی دستهٔ کشتیهای جنگی را بازهم امیرال (شتارق) ایفا مینمود .

شهر (پور آرتور) کم کم به مناسبات خارجیه اش خلل میرسید . مثلا در (۱۷) فبروری خط تلگراف تحت البحری که (پور آرتور) را به (چه فو) ربط داده بود از طرف ژاپونها بریده شد . ازدیگر طرف در جهت های (اینقو) اشقیای چین خطوط مخابرهٔ تلفون وتلگراف (پور آرتور) را که تابه قصبهٔ (دالنی) موجود بود قطع نمودند .

این دوحادثه اگرچه دردیگر ایام آنقدر اهمیت واعتباری نداشت ولی نظر بشرائط معلومهٔ وقت حاضر اهمیت بسیار بزرگی راحائز بودواین دوحادثه سبب آن شد که امیرال (الکسیه ف) یك آن اولتر قرارگاه خود را به (موکدن) نقل بدهد. لهذاپیش ازانکه (پور آرتور) راترك کند یك باردیگر نیززیارت کردن ودیدن طوپخانهای ساحل را مناسب دانست درا ثنای این زیارت به افراد طوپچی ازشجاعتی که در محاربهٔ (۹) فبروری نشانداده بودند اظهارتشکر نمود و برای دیگرحرکات که بعد ازین بوقوع آیدآنهاراتشویق و ترغیب کرد ، وبه بعضی ازانهانشانهانیزبخش نمود . بعد ازان بقرارگاه عمومی خود — یعنی (موکدن) عودت نموده براردوودستهٔ کشتیهای جنگی اینچنین یك اوامریومیه نشروتعمیم کرد :

«ای اردوی جسوروای دستهٔ کشتیهای جنگی غیور ! بخوبی بدانید وفراموش مکنید که نظردقت حضرت چار ، و بلکه تمام عالم انسانیت درینوقت بطرف مامعطوف مانده لهذابرای مدافعه کردن مملکت ، وفرونیاوردن دولت روسیه راازصف دیگردولتهای معظمه برما فرض ودینست که جانسپاری ، وفداکاری رااساس وظیفهٔ خودبدانیم .

«هرگاه دشمن ما ، چنانچه میگویند : خیلی قوتمندوتوانا باشد ازین چه بهتر! چرا که درینصورت بایك دشمن همیار وکفوخود جنگ میکنیم ، ودشمن خودرا لایق بخود می بینیم . ازانسبب افتخار باید بکنیم ، چونکه شرف وشانی که نفرهای بری وبحری ماحاصل کنند نسبت به بزرگی دشمن بزرگ میشود .

«درتاریخ شرف وشان اردوودستهٔ کشتیهای جنگی ماخاطرات ومآثر بسیاری ازبزرگان هموطن ماسطوراست ، لهذاآن مردمان بزرگ درین وقت حاضرمشق تجربه وعرفان شماباید بود .

« جناب حق ، که دایما اسباب حقانیت را محافظه وذی حق را بحق میر ساند دربنبار مارا هم محافظه خواهد فرمود . چون چنینست برای دوام کردن بر محاربه یکجاشویم ، وسعیهای خودرا یکی بکنیم ، هریکی از شما برای حسن ایفا کردن وظیفهٔ مودوعهٔ خویش ،بباید که اعتدال دم وسکونت فکر راپیشه کنید . »

بعدازنشر کردن این اوامر یومیه « الکسیه ف » باهمهٔ ارکان حربیه ، وجملهٔ هیئت سیاسیه وقلمیهٔ خود یکجاشهر (پور آرتور) را ترك کرده بعد ازین مسئولیت مدافعهٔ شهر تنهــا بعهدهٔ کوماندان « پور آرتور » جنرال (اشتوسل) باقی بماند . کوماندان مذکور دراول امرادارهٔ عرفیه رااعلان ، وبرای اطمئنان قلوب واذهان باشندگان شهر ، ودیگر نقاط یك بیانامهٔ نشر واصدار نمود .

تشبث نخستین برسد کردن مدخل پورآرتور

۲٤ — فبروری

هجومهای اول ودومی که ازطرف دستهٔ کشتیهای جنگی ژاپون بر کشتی های جنگی روس بوقوع آمده بود اگرچه قوای معنویهٔ روسها رامنکسر ، و قسم مهم سفاین حربیهٔ شانرا مأیوس ومتضرر ساخته بود ولی باوجود آنهم دستهٔ کشتیهای جنگی روس هنوز بحالیکه برحرکت کردن غیرمقتدر باشد نرسیده بود . بناءً علیه درجوار « شه مولپو » که ژاپونها سوقیــات عسکریه اجرا میکردند — یعنی باواپورهای نقلیه ازسواحل ژاپون به اراضئی مانچوری عسکرمیبراوردند احتمال اجرای تعرض ازطرف کشتیهای جنگی روس برانها درهر آن وهرزمان موجود بود ، وچون سفائن روس که در محاربه های اول از طرف دستهٔ کشتیهای جنگی ژاپون خسار زده

شده بودند آهسته آهسته تعمیر میشدند احتمال تعرض را بیشتر میکردا نید . دیگر اینکه بمناسبت شدت طوفانهای برف مدخل (پور آرتور) را همیشه درزیر ترصدداشتن برای دستهٔ کشتی های جنگی ژاپون کیفیت بسیار مشکلی بود . لهذا ویس امیرال (توغو) اندیشید وقرار داد که یکچند سفینه های تجارتی را درمدخل پور آرتور غرق کرده کشتیهای روس را درا نجا حبس نماید .

امیرال توغو برای اجرای اینکار پنج عدد سفینهٔ بزرگ وکهنهٔ تجارتی بدست آورد . مرتبات سفاین مذکوره عبارت از (۱۰) افسرو (۶۹) نفر عسکر بود . این نفرها ازمیان صدها دلاوران داوطلب انتخاب شده بود ، وهمه گی آنها درزیر کوماندانی (آریما) نام کپتان کشتی زرهپوش «میقازا» که سفینهٔ امیرالست داده شده بود .

تنگترین جائیکه درمدخل بندرگاه است تقریباً (۳۰۰) مترومیآید اما خط آب سفاین جسیمهٔ حربیه به بلندی (۷) مترو میباشد لهذا قسمی که درمدخل بندرگاه مذکورمساعد برای سیرسفائن باشد زیاده ازصد مترو پهنایی ندارد .

تشبثاتیکه برای سدکردن مدخلهای بندرگاههائیکه التجاءگاه دستهٔ کشتیهای جنگی دشمن شده باشند بوقوع میآید بمشکلات و موانع بسیار بزرگی بر میخورد . اینگونه تشبثات خیلی مشکل است . و یك حرکت حربیه ایستکه اکثرتابع طالع و تصادف میباشد . درمحاربهٔ بحری (اسپانیا ، وامریکا) کوماندان دستهٔ کشتیهای جنگی امریکابرای سدکردن بندرگاه «سانتیاغو» که دستهٔ کشتی های جنگی اسپانی دران التجا کرده بود نیزهمچنین یك تشبثی اقدام نموده بود . و اجرای اینکار را به صوبه دار بحری (خوبسون) نام افسری محول نموده بودند . صوبه دار مذکور در

(مه ر یماق) نام کشتی کهنه و بزرگی سوار شده کشتی مذکور را در مدخل بندر مذکور غرق گردانیده است ، ولی وا اسفا که اصل مقصد حاصل نشده بود — یعنی اصل مدخل سدوبند نشد .

صرف نظر از تدابیر یکه دشمن در باب منع این کار بکار ببرد در آب ها ئیکه جریان در ان موجود باشد غرق کردن یك کشتی را بمحل مقصود از کار های بسیار دشوار فن بحریست . زیرا کشتی مانند یك جسم ثقیلی بسرعت ووضعیت شاقولی سقوط نمیکند و آهسته آهسته غرق میشود از انرو جریان آب اورا از نقطهٔ هدف مقصد دور تر می اندازد .

امیرال (توغو) اینخصوص را بنظر دقت واهمیت گرفت . و پنج کشتئی که برای غرق گردانیدن تدارك نموده بود به سنگ وچیم و دیگر مواد ثقلیه و بعضی مواد مشتعله مانند پترول ، و نفت وغیره پرومالامال نمود . وبرای دردادن این مواد مشتعله ترتیبات الکتریك نیزساخته بودکه بهاینصورت دریك زمان واحد هم کشتیها آتش میگرفتند ، وهم بقوت پرشدن آب در کشتی بسرعت تمام درقعر دریا فرومی رفتند .

با این سفینه ها (۱۲) عدد سفینه های مخربهٔ طورپیدو نیز یکجا میرفت ، وظیفهٔ این طورپیدوها آن بودکه اولا کشتی جنگئی (رەتویزان) روسی را که خسارزده شده ودرمدخل بندرگاه مانده است سراسر ازکار انداخته، وضرر آن رامانع میآیند ، ثانیاً بعدازانکه کشتی های آتش بار خودرا درمحل مقصود غرق سازند مرتبات آنهارا تخلیص ورهائی میدهند .

پیش ازانکه این پنج کشتی بصوب مقصود حرکت کنند ، رفقای افسران ودلاوران داوطلب کشتیهای غرقی با آنها مراسم وداعیه وتشییعیه را ایفا کردند ، وبرای حسن موفقیت وکامیابئی آنها دعاهاونیازها کردند .

« یاشیرو » نام کپتان کشتی زرهپوش (آساما) یك قدح نقره ئینی که یکی از شاهزادگان ژاپون به او هدیه کرده بوداز آب پر ساخته ، ودلاوران داوطلب کشتی سواران غرقی را خطاب نموده این نطق آتی را بخواند :

« شمارا بیك موقع بسیار تهلکه ناکی که در زیر شدت آتش دشمن معروض میباشد میفرستم . باز گشتن از ین معرکه درهزار یك محتملست . شمارا که باین موقع تهلکه ناك میفرستم چنان میپندارم که از اولاد های جگرپارهٔ خود جدا میشوم ، ولیکن اگر صد اولاد میداشتم همهٔ آنها را در راه این شرف وسعادت فدا میساختم وسرهای آنها را در گذرگاه دشمن که باین خاك مقدس پای تعرض انداخته اند سد ممانعت مینمودم ! واگر تنها یك اولاد میداشتم آنرا نیز از ین شرف محروم نمیساختم ! بروید، اولادهای من بروید! جسارت وشجاعت اولادهای مملکت (شمس طالع) را بر دشمن اثبات نمائید! در اثنای ایفای وظیفه اگر دست راست خود را غائب کنید بدست چپ خویش، واگر هر دو را غائب کنید باپایهای خویش کوشش کنید ! وشاید پایهای شما هم برود باسر خود غیرت کرده درباب بجا آوردن امر کوماندان خود سعی وجهد ورزید !

«اما این را هم بخوبی بدانید که بر هر یکی از شما وظیفهٔ بسیار عظیم ومسئولیت بسیار جسیم بار کرده شده است . هر کسیکه در خود برای ایفای اینچنین وظیفهٔ عالی متانت کافی نمی بیند از حالا بگوید ! نرفتن عیب نیست ، اما در حالتیکه در دلش بقدر ذره اثر خوف وتردد باشد وبجسارت کاذبه وشجاعت ساخته کارانه بساحهٔ جنگ و وغا برود، عیب وعار بزرگ شمرده میشود .

در ینجا نطق کپتان بصداهای پر هیجان (زنده باد میکادو) منقطع گردید ، بعد از انکه اینطوفان تهیجات زائل شد کپتان باز بر سخن خود دوام کرده گفت :

پس چون چنین است شمارا وصیت میکنم که بمیرید! همهٔ تان بلااستثنا بمیرید ! ولکن حیات خود را حقیر شمرده تنها برای حاصل کردن نام وشهرت

نمیخواهم که خودتانرا بتهلکه بیندازید. میباید که ممات هیچ یکی ازشما دشمن تانرا مسرور وشادان نسازد! هیچ یك مرگ بیفائده و بی ثمره نباید بود. هرکس بعدازانکه وظیفهٔ خود را احسن ایفا واکمال کرد موت را در آغوش باید کشید !!

« از پشت پردهٔ استقبال یك سمای منوری میبینم و به تجلی یك روز مسعودی منتظر میباشم ، که آن روز شادمانی و مسرت هانست که بسایهٔ حمیت و فداکارئی مانند شما اولادهای وطن دستهٔ کشتیهای جنگئی دشمن در بندرگاه (پور آر تور) محبوس ماند. و بشنیدن این خبر مسرت اثر تمام ژاپونیا بوجود شما افتخار بکنند. در بنهنگامیکه از شما مفارقت ابدی میکنم لازمهٔ وداع را باقدح شامپین ایفا خواهم کرد چونکه وظیفهٔ شما رونق فکر و وضوح قلب بکار دارد ولی شامپانیا چیزیست که رونق وصافیت فکر و روح را زائل میکنند .

« بیائید، ای عسکرهای فدا کار و ای اولادهای حکمدار ظفر اقتدار؛ و ای نونهالان چمن وطن و ای قهرمانان شهادت کفن ! بیائید که همهٔ مایکجا یك یك قدح از آب صاف و براق که حیات هر چیزست نوش کنیم! آری، آری بنوشید ! بنوشید و بسفینه های خود تان که مقبر ابدی تان خواهد شد سوارشوید! زنده باد میکادو! زنده باد حکمدار ما !! »

بمجردیکه هوا کسب سکونت نمود بحرکات سد بندرگاه آغاز ورزیده شد. سفائن که دستهٔ کشتیهای جنگئی حریق را تشکیل داده بود روز (۲۳) فبروری درزیر حمایهٔ یك دستهٔ کشتیهای جنگئی که از مخربهای طوربید و متشکل بود بر هسپا ری برامده در شب درجوار (لیائوتیشان) باهمدیگر یکجا شدند . از نتیجهٔ کشفیاتی که از طرف مخربها اجرا میشد هیچ یك کشتئی جنگئی دشمن بغیر از یك کشتی دودیر که تصادف نشد. بعد از ان سفائن حریق، کنار ساحل را گرفته یکسر بسوی شمال شرقی بحرکت آغاز نهادند و برای آنکه تاممکن باشد خودرا از انظار تجسس دشمن نگهدارند سلسلهٔ جبال (لیائوتیشان) را سپر کرده بدشمن

تقرب کردن خواستند . طوربیدوهادائما بهمین اصول حرکت میکنند . ساعت دو نیم بود که این دستهٔ کشتیهای جنگی در پیشگاه (پور آرتور) ظهور نمود .

روسها بعداز هجوم (۸) فبروری برای آنکه بعدازین بار با آنچنان مصائب گرفتار نیایند بکمال انتباه و بیداری میبودند ، ازین سبب همهٔ روشنیها و چراغهایی را که در بندرگاه و قصبه موجود بود خاموش ساخته بودند ، تنها (پروژه کتور) های قوت ناك الکتریك سطح دریارا تابسیار جاها روشن میداشت . کشتئی زرهپوش (رهتویزان) درجهت چپ مدخل در یکجای کم آبی بخشکه نشسته بود . طرف سر سفینه چون در آب بسیار تر فرو رفته بود رهایی دادن او قابل نشده بود . و مانند یک کشتئی نگهبانی که دائما برای گله انداختن مهیا باشد پهلوی آنرا بطرف دریا دور داده بهمان حالت ترك شده بود . پهره داران کشتئی (رهتویزان) در مسافهٔ (۵) کیلومترو کشتیهای ژاپون را دیدند . و بمجرد دیدن بشدت تمام بگله انداختن آغاز نهادند ؛ و طوپخانه های ساحل نیز به این آتش طوپ اشتراك ورزیدند : آتش طوپ تا به ساعت پنج صبح دوام نمود .

پیش از زوال سفینه های ژاپون در زیر آتشهای شدید طوپخانه های روس ، و در میان شعاعات شدیدهٔ پروژکتورهای الکتریك که از چار طرف بر سطح دریا پرتو انداز انعکاس بود بشدت و سرعت تمام به پیش بتاختند .

درمیان این ضیاهای شدید چشمان سفینه را نان و مرتبات سفینه های ژاپون بدرخشیدن آمده در خصوص شناختن راه و تعیین جهت حرکت و استقامت خودشان خیلی متحیر و متردد ماندند بحقیقت که اگر ضیای الکتریك را تمام بر چهرهٔ شخصی عکس نمایند دیدن و تفریق کردن برای آنشخص ممکن نیست . نه دوربین و نه سایبان هیچ چیزی بمقابل این ضیای شدید سپر نمیشود . و ومانند کوران حرکت کردن لازم میآید ، تعیین مسافه وجهت یکقلم مفقود میشود .

سه کشتئی که درپیش بود پیش ازانکه بمدخل برسد با گلههای طوپهای روسها غرق گردید • دو کشتئی دیگر که درپئی آنها بود تا بمدخل به پیش رفتن موفق شد : یکی ازین دو کشتی در پیش قلهٔ الکتریك و نامبه برابری کشتئی (ره تویزان) از طرف مرتبات آن غرق شد ، آندیگر استقامت حرکت خودرا گم کرده و یك کمی دیگر بسوی شرق رفته درخارج خط سیر سفائن غرق شد •

مخربهای طورپیدوی ژاپون به (ره تویزان) نیم جان نزدیك شدن موفق نشدند • اما بر دستهٔ کشتیهای جنگئی گرووازوردروسی که درینوقت درپیش روی بندرگاه بیرونی اخذ موقع کرده بودند رخ نمودند •

هر کشتی که خودرا برای غرق آماده کرده بودندیك یك قایق بزرگی در پشت خود باریسمان بسته کرده میکشیدتا آنکه بعدازغرق کردن کشتی غرق کننده گان خودرا باآن قایقها رهایی دهند • طورپیدوها نیزافرادرا ازین قایقها درخود جمع میکردند •

حال آنکه طورپیدوها بسبب تأثیر آتش دشمن بکناره کشیدن مجبور بودند • لهذا قایقها بی یاروبی مددگار بسرخودمانده بودند • یکچند قایق درجائیکه سفینهٔ آخرین غرق شده بود بخشکه نشست • و یك قسمی از افراداسیر دست دشمن شدند، ویك قسمی درمیان قایقها قتل گردیدند • تنها یك قایقی که درمیان آن یك افسر و (۲۸) نفر عسکر بود بکشیدن خودرا از آتش دشمن موفق شده بعدازانکه بسیارمدتی بر روی موجهافرارها و نشیبهای بسیاری دید، نهایت بساحل یك جزیرهٔ کوچکی ازجزائر مجتمعهٔ (میااوتو) خودرارسانده توانستند • ودرانجا بیك کشتئی بادئی چین تصادف کرده باآن کشتی به (چیفو) رفتند • ودرانجا ازطرف قونسولوس — یعنی شهبندر ژاپون استقبال کرده شدند • یك قایق دیگر نیز که درمیان آن هفت نفر بودروزدوم بعدازپیشین درروی دریای آزادازطرف دستهٔ کشتیهای جنگئی ژاپون دیده شده درحال

رهانیده شده اند .

این حرکاتی که برای محاصرهٔ (پورآرتور) از طرف دریا بروی کار آمد هیچ یك نتیجهٔ موفقیتی منجر نگردید . تنها اینقدر شد که برای مظفریات آیندهٔ دستهٔ کشتی‌های جنگی ژاپون برای تجربهٔ جسارت قهرمانانه ، وحسیات صداقت پرورانهٔ مرتبات — یعنی عساکر بحریهٔ ژاپون یکواسطهٔ خوبی شده . وبحقیقت چون نظر شود دیده میشود که برای ایفای این وظیفهٔ مهمهٔ مشکله هزاران افراد برفدا کردن جان دریغ نکرده‌اند . بسیاری از افراد به داوطلبی براه ده بدلخواه خود عسکر شده‌اند ، حتی بعضی کسان بسبب کثرت وانبوه داوطلبان برای آنکه جلب رقت دلهای امیران را کنند تا که ایشان را قبول کنند انگشتهای خودشان را بریده بخون خود استدعانامه ها نوشته‌اند . ودر آن استدعانامه های خود دانسته بودند که اگر ازفدا کردن جان درراه حضرت (میکادو) محروم بمانند خود را خود خواهند کشت .

روسها ، وعلی الخصوص مطبوعات روسها در اوروپا از این فعالیت و بیداری که درباب مدافعهٔ بندرگاه بکار برده شده تفاخرها ، وشادمانیهای بی اندازه نموده‌اند . به این تفاخرها تا یکدرجه حق هم داده میشود . زیرا پورآرتور نیز خود را فشا نداد که سراسر بخواب وعطالت نیست ، وکم و بیش اثر حیات درو موجود است !

از دیگر جهت یکنظر بیطرف میدید که دو کشتئی تجارتی کهنه تا از بسیار دور جاه برخواسته درمیان هزاران گله‌های طوپ های آتش ریز غران ، وصدها ضیاهای شدید الکتریك درخشان خود را ابمدخل بندرگاه رسانید ، ووجود خود را خود بدست خود در راه سد راه شدن دشمن غرقهٔ ممات نمود ! یکبار بحسامت ، وقوت تاثیرات مدهشهٔ وسایط مدافعهٔ که بسوی این دو کشتئی فرسوده متوجه شده تفکر وملاحظه کرده شود ! افواه ناریهٔ ثقلیه ، وطوپ

های کوچك چاپ سریع آتش که در استحکامات ساحل بود باطوبهای دور انداز کشتئی (ره تویزان) همه گی از یکسر بران یکمشت دلاوران داوطلب ژاپنی که دردرون آن دو کشتئی فدایی بودند آتش بارمیریختند ، و آن آتشخواران شرف و شان ، آتش را گلستان شمرده به پیش میرفتند : تا آنکه کردند آنچه کردند !

این واقعه چون بنظر دقت و ملاحظه گرفته شود بلاشبهه حکم میشود که کشتیهای روس درخصوص مانوره و حرکت قابلیت تمام ندارند ، وطوبچیان سواحل و واپورهای روس در نشان زدن ، و آتش راسوق و اداره کردن مهارت شان کمتر است . و برای ژاپونها درینواقعه اگرچه در ظاهر عدم موفقیت رخنمود ، ولی در حقیقت حال یك مظفریت معنویهٔ باطنئی عظیمی را حاصل کردند .

روز دوم اینواقعه بوقت سحر (بابان) ، (آسقولا) (نوویق) نامان سه گرو واززور روسی از بندرگاه بیرون برامده خواستند تااثبات نمایند که تشبثات ژاپون منتج موفقیت نشده است .

درین اثنا یکچند گروواز وروطوربیدوی ژاپونی در خارج منزل آتش طوپ نمودار شده بازرجعت کردند . امیرال (شتارق) روسی درباب این هجوم (۲۵) فبروزی به نائب چار — یعنی (الکسیه ف) که در (موکدن) بود این راپور مفصل را فرستاده و او نیز باتلگراف ازقرار ذیل بخود چار عرض کرده است :

«حکایهٔ مفصلهٔ را که درباب هجوم طوربیدوهای ژاپون بر کشتئی (ره تویزان) از طرف ویس امیرال (شتارق) رسیده بکمال احترام بذات حشمتپناهی شان عرض میکنم :

« روز (۲٤) فبروری وقت صبح بودکه صدای انداخته شدن طوپ از کشتئی (ره تویزان) سکونت و آرامئی را که ازمدتی در حرکات عسکریه پدیدار بود خالی پذیر ساخت .

« ره تویزان بایك دقت مخصوصهٔ بالا اعمال بطرف شبه جزیرهٔ پلنگ

برطور پیدوبی که بسوی او درحرکت بود آتش میکرد • وطوپخانه های ساحل نیزباره توبزان به آتش اشتراك ورزیده بقدریکساعت به طوپ اندازی دوام نمودند • ولی چون بساعت چار کشتیهای آتش دشمن باطورپیدوها بسوی مدخل بندرگاه وکشتئی رەتوبزان یکسر بشدت هجوم آوردند آتش توپهای ما بلافاصله بصورت مهلکانه یگله ریزی دوام نمودند •

آتش برای دشمن آنقدر مهلك ومؤثر شده بودکه کشتئی آتش اول دشمن را دردادە درنزد قلهٔ الکتریك غرق گردانید • ودیگریك گلهٔ که خوب نشان گرفته شده بود کشتئی دیگری دشمن را دردامنهای (کوەطلا) غرق کرده است • این کشتیهای دشمن را سفائن طورپیدو تعقیب میکرد • ازین فهمیده شدکه سفائن مذکوره بعملیات سدکردن مدخل بندرگاه وبرهوا کردن کشتی (رەتوبزان) مکلف ومأمور بودند • نظربه اقوال بسیاری از شاهدان معلوم شدکه بسایهٔ پروژەکتورهای الکتریك دوطورپیدوی دشمن بقعردریا غرق شده است • وازمرتبات آنها فردواحد رهایی نیافته است •

«کشتیهای آتش بعملیات سد کردن مدخل بندرگاه موفق نشده بالعکس دوچار پریشانی شده اند • سفائن طور پیدوی دشمن نیزاگرچه چندبار بر کشتی (رەتوبزان) هجوم نموده‌اند وتابدمیدن شفق بأجرای آتش برهم دیگرشان دوام ورزیده اند •

«چون روشنی صبح جهان را روشن ساخت دو کشتی دیگر دشمن نیز دیده شدکه بسنگلاخها خورده ازهم پاره پاره شده بود ، ولاشهٔ یك سفینهٔ طورپیدوی ژاپون نیزدیده شد که درنزدیکهای ساحل (شبه جزیرهٔ بلنگ) غرق شده بود • ازنتیجهٔ تحقیقاتی که اجراشد معلوم گردیدکه کشتیهای آتش که حجم استیعابی آنهابه (٣٠٠٠) «تون» بالغ میشد بعضی مواد اشتعالیهٔ بسیار مؤثری پرومالی شده بودند • باوجودیکه درباب خاموش کردن آنها

بسیار سعی وفدا کاریها اجرا شد ولی باز یکهفته متمادیاً در میان علوها و شعله ها درسوختن بودند .

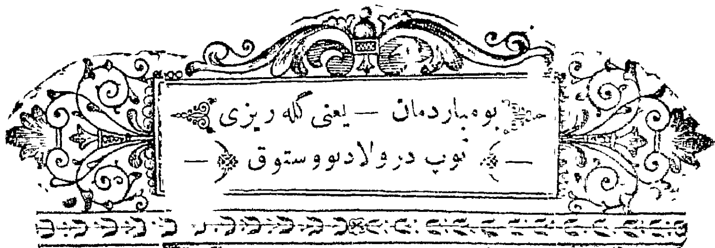
« عقب گیری دشمن محال بود ، چونکه درجوار مدخل بندرگاه بسیاری از اجسام بر سطح دریا دیده میشد . ه از علایم آنها معلوم میشد که ترتیبات نقبهای بحری از طرف دشمن در انجاها وضع شده باشد . »

امیرال (شتارق) بسیاری از فقرات این راپور خود را بر مسموعات و روایات استناد داده ، واز دیده شدن لاشهٔ یك طور پیدو بحث رانده است ؛ حال آنکه این سخنها هیچ یکی مقارن صحت نیست .

درشب « ۲۵ » فبروری یکچند مخرب طور پیدوی ژاپون بعضی قایقهای بزرگی بادبان دار چینی را در پیش روی خود سپر کرده بار بر کشتئی (ره تویزان) هجوم کردند . ولی باز هم بموفقیتی نائل نشده باز رجعت کردند . روز دیگر بوقت صبح (بایان) و (دیانا) و (آسقولد) و (نوه یق) نام کرووازورهای روسی برای استقبال طورپیدوهای (به ستر آشنی) (وه نوچیتلنی) که برای مقصد استکشاف بساحل غربی نیم جزیرهٔ (قوآنتونغ) فرستاده شده بودند وهنوز برنگشته بودند از بندرگاه بیرون برامده بودند . اما در عین زمان دستهٔ کشتیهای جنگی ژاپون بکرووازورهای مذکور آتش بزرگی کشاده آنهارا واپس به التجا ردن بحمایهٔ طوپخانهای ساحل مجبور گردانیدند . یکچند کرووازور ژاپونی بردوطورپیدوهای روسی که بیرون برامده بودند هجوم برده یکی را درجوار خلیج (کبوتر) غرق کردند . و دیگری به (پور آرتور) به فرار کردن موفق شده است .

قسم کلی دستهٔ کشتیهای جنگی ژاپون در پیش روی « پور آرتور » صف کشیده استحکامات ساحل وبندرگاه درونی وشهر را در زیر آتش طوپ بقدر (٤٠) دقیقه گرفتند .

در « ۲۹ » فبروری ژاپونها جزیرهٔ (حایانتو) را ضبط واشغال نمودند .



— ۶ مارچ —

دوروزهای اول مارچ یك واپور تجارتی (نمسه) از (ولادیووستوق) برامده به (حاقودانه) بیامد. وخبر داد که دستهٔ کشتیهای جنگئی کروواز ورهای روسی در (۲۹) فبروری باز ازبندرگاه (ولادیووستوق) بیرون برامده‌اند .

دستهٔ کشتیهای جنگئی ویس امیرال (قامیمورا) که از یك زرهپوش و (۶) کروواز ورمرکب بود بمجرد شنیدن اینسخن در دریای ژاپون درامده و یکچند روز در انحاها گشت و گذار کرده، و به اثر قدم دستهٔ کشتیهای جنگئی دشمن تصادف نکرده ، در (۶) ماه مارچ بجزیرهٔ (آسقولد) مواصلت کرد؛ این جزیره بجهت جنوب شرقئی (ولادیووستوق) بمسافهٔ (۲۵) میل واقع شده است .

دستهٔ کشتیهای جنگئی ژاپون چون بجزیرهٔ مذکور نزدیکشد سرعت سیر خود را کم نمود ؛ و آهسته آهسته و بکمال احتیاط در نزدیکئی بندرگاه بیك جایی که از منطقهٔ تأثیر طوپخانه های استحکامات ساحل دشمن بیرون بود بیك نقطهٔ محفوظ ولازمی کمین گزین شد .

هوا بسیار خنك بود، ترمومترهٔ سانتیگراد در تحت الصفر (۳۱) درجه را اشعار مینمود . موجه‌های بلند یکه برسطح دستهٔ کشتیهای جنگئی آب افشانی میکرد ، بمجرد ریختن یخ میبست ، و از جائیکه کشتیها بود تا بساحل که مسافهٔ (۵۰۰۰) مترو بود مانند یك صحرای یخی بنظر میامد .

کوهها و تپه های کوچك کوچکی که از دور معلوم میشد با برفها مستور و مانند چادرهای سفیدی متصادف انظار دقت میگردید ؛

قائهٔ چراغ دوار سیاه رنگ جریرهٔ (آسقولد) با این منظرهٔ سفید یك ضدیت عجیبی تشکیل میداد •

امیرال (قامیمورا) دوگرو وازور خفیف خود را در ینجا گذاشت ؛ و قسم کلی دستهٔ کشتیهای جنگئی خود را که عبارت از زرهپوش (هاتسو زه) وگرووازور های زرهپوش (آجوما) و(ایواته) و(ایجومو) و(یاقومو) بودند یکسر بسوی شمال بر (ولادیو وستوق) راندند •

سفینهٔ پیش دار یخهارا شکسته دیگر سفائن نیز بر راهی که او کشاده بود کوشش میورزیدند که خودرا به ساحل نزدیك سازند • در بندرگاه بیرونی (ولادیو وستوق) هیچ یك کشتئی دشمن دیده نشد ازین جهت امیرال (قامیمورا) دستهٔ کشتیهای جنگئی خودرا در داخل دائرهٔ تأثیری استحکامات (بوسفورد) ندر آورده یکسر بسوی استحکامات ساحل شمال شرقی در پیش رفتن بود • باینصورت چون تقریباً (۸۰۰۰) متر و نزدیکشدند باطوپ های سنگین و بزرگ و وسط چاپ خود بر شهر و خلیج (شاخ طلا) با آتش طوپ آغاز نهادند • از طرف دشمن هیچ مقابلهٔ نشد چونکه استحکامات که هدف طوپ های ژاپون میباشند از خاك ساخته شده حتی در میانشان هنوز هیچ یك طوپ هم وضع و تعبیه نشده بود •

دراطراف استحکامات داخلی اگرچه بعضی حرکات عسکریه دیده شد ولی چون دانستند که گله های شان تابه کشتی های ژاپون نمیرسد آنها نیز سکوت اختیار کردند •

درانثای این بومباردمان که تقریباً (٥٠) دقیقه دوام نموده (٢٠٠) گله از طرف ژاپونها انداخته شده بود حالاً نکه بسبب زیاده بودن مسافه در شهر تنها یك انسان تلف و یکچند نفر مجروح و یکچند خانه تخریب شده است •

بعد از پیشین ژاپونها یکسر بسوی جزیرهٔ (آسقولد) عودت نمودند •

مقصد امیرال (قامیمورا) ازین بومباردمان این بود که تحقیق کنند که آیا دستهٔ کشتیهای روس در بندرگاه هست یانیست و اگر باشد اورا به بر امدن و محاربه

کردن اجبار نماید . حالآنکه اینمقصد استحصال نشد . ژاپونها هیچ یك کشتئی روس راندیدند ودرشبهه وتردد ماندند که آیا کرووازورهای روس به (ولادیووستوق) عودت کرده اند یانه !

چون شب حلول نمود برای مصون ماندن از هجوم طورپیدوهای دشمن بیك بندرگاه مخفئی درامده شبرا بسر آوردند . روزدیکرچون روشنی شدژاپونها دستهٔ کشتیهای جنگئی خودرا بدو مفرزه تفریق داده یکی رابه (امریکا)نام خلیج فرستادند؛ودیگری رابتفتیش جاهاومواقعی کهازنقطهٔ نظر فن حرب بحری شایان اهمیت بودندمأمورکردند . در (٧)مارچ دستهٔ کشتیهای جنگئی ژاپون بعدازانکه نقاطه مهمهرا از نظر گذرانیدندهردومفرزهدرپیشگاه جزیرهٔ (آسقولد) باهم دیگریکجا شدند . وبسوی شرق مدخل بندرگاه (ولادیو وستوق) تقرب ورزیدند ؛ امااازهم دیدن کشتیهای دشمن قسمت نشد . ژاپونهاابنبار آتش نکرده تنهاباجرای حرکت نمایش اکتفاورزیدند .

بعد ازین ، دستهٔ کشتیهای جنگئی ژاپان بسوی خلیج (پوسیهت) رفت . لاکن درانجانیز ازدشمن یك اثرندیده یکسر بسوی ساحل (سبریا) تباعد نمودند .

اینحرکت امیرال(قامیمورا) رای توسیع دائرهٔ فعالیت روسهابك درس عبرت خوبی شد . چونکه روسهااز ظهور نمودن دستهٔ کشتیهای جنگئی ژاپون درپیشگاه (ولادیووستوق) که یگانه نقطهٔ استنادشان درساحل بحرمحیط است ازغفلت وکاهلی برامده بکمال ساختن نقصانهای استحکامات ساحل بندرگاه مذکوربه صرف کردن سعی وغیرت آغازنهادند .

محول شدن دستهٔ کشتیهای جنگئی پورآرتور

درزیرکوماندانئی امیرال ماقاروف

« امیرال ماقاروف » کپتان بسیارصاحب شهرتیست که دریناراز طرف

دولت روسیه برای اخذ انتقام مضائی که برروسها در پیشگاه (پور آرتور) رسیده مأمور شده است . این کپتان صاحب شهرت در (پترسبورغ) بعد از انکه درحضور یك پاپ بزرگ که به اعتقاد خودشان گویا بر احوال غیب واقف بود زانو بزمین عبودیت شده و درحق خود از وی دعاها گرفته از میان آوازهٔ تحسینها و آفرینهای یك جم غفیری براه برامده بود . مومی الیه در داخل قارهٔ بسیار مزین و مطنطن ریلیکه بر دو خط آهنین که سبریارا از یکسر بدیگر سر قطع نموده بود در (٤) مارچ به (خاربین) مواصلت یافت . شهر (خاربین) چون از آمدن امیرال مذکور خبردار بود از انسبب ایستگاه راه آهن با بیرقهای روس و سبزه ها و گلها آراسته شده بسیاری از مردم کوماندان نو دستهٔ کشتیهای جنگی اقصای شرق رابکمال بیصبری انتظار میکردند . امیرال در ایستگاه راه آهن بمراسم استقبال بسیار دبدبه داری مظهر گردید بعد از انکه یك کمی در استاسیون آرام گردیکسر بسوی (موکدن) حرکت نمود . در انجا نیز یکشب گذرانیده و بوالئی عمومی ملاقات و مذاکرات دور و درازی کرده صبح وقت رهسپار گردید ، و در (٨) مارچ به (پور آرتور) واصل شد .

مومی الیه از هرجا زیاده در نجا به استقبال بسیار شعشعه داری مظهر گردید هنگامیکه امر و کوماندانی بدست ادارهٔ مومی الیه درامد بحقیقت که دستهٔ کشتی های جنگی پور آرتور سراسر دیگر حال ، و دیگر رونقی پیدا کرد . این کوماندان جسور و صاحب عزم باین یك خوب میدانست که یك دستهٔ کشتیهای جنگی اگرچه آنقدر قوتی هم نداشته باشد که در دریای واسع بادشمن مقابله کند باز هم دایما مدافعهٔ مطلقه را اختیار کردن ان چنان خطای فاحش و بزرگی شمرده میشود که مافوق آن متصور نیست !

« امیرال شتارق » که سلف امیرال (ماقاروف) است در عدم فعالیت ، بدرجهٔ پیشرفته بود که درخصوص تعمیرات لازمهٔ سفائن خسارزده نیز بدرجهٔ شاید

وباید تشبث نموده بود .

امیرال (ماقاروف) برسیدن در پور آر تور درحال باتلگراف از ممالك روسیه بصدها استادکاران ماهر را طلب نمود وازماشین خانه‌های بحرئی اورو پای روسی بسیاری از اسباب های لازمهٔ واپورهای جنگئی مختلف الاقسام را برای احتیاط جلب کرد . ازچنینان عملهٔ بسیاری رادرداخل بندرگاه بکار انداخت . حوض که در (پور آرتور) موجود بود خیلی کوچك بودوزره پوش بزرگ دران نمیگنجید ! لهذا بحفر کردن یك حوض بزرگ که زره پوش های جسیم برای تعمیردران بگنجد تشبث نمود . اما در مخصوص سعیهای که صرف گردید بیك نتیجهٔ موفقیتی منجر نشد .

امیرال (ماقاروف) مدخل بندرگاه رادرزیر نظارت وآگاهی خوبتر وبیشتری بگرفت . پروژه کتور های الکتریك رادرطرفین مدخل بیشتر گردانید . برای دفع کردن تشبثات دشمن ازطوپهای خفیف طوپخانهای متعددی دراطراف سواحل بندرگاه تشکیل داد . پیش ازان درشبها خدمت دیده بانی پیش رو نیزموافق مطلوب جریان نه نمیمود . امیرال (ماقاروف) در بندرگاه بیرونی خدمت دیده بانی پیش رورابصورت منتظم وداعمی ترتیب داد .

« ما قاروف » ازروزی که به (پور آرتور) رسید رخنهای زره پوش (ره تویزان) را نیزموقتاً باتخته ها گرفته وطوپهای سنگین وبزرگ آنرا کاملاً بیرون بر آورده تابداخل بندرگاه بشناوری برسانید .

زره پوش (ره تویزان) رابیك کشتی ربط دادند وچون ازمدخل بندرگاه بکمال سنگینی وعظمت حرکت می نمود زنگهای همه سفائن حربیه متمادیاً نواخته میشد ؛ ودرساحل بهزاران مردمان جمع آمده [هوررا] میکشیدند ؛ واین کشتی دیو آسادرمیان این صداها در بندرگاه داخل میشد :
اسم [ره تویزان] که پیش از (۱۱۵) سال در دفتر تمام قوای بحریهٔ

روس بکمال شان وشرف ثبت شده بود درشب (٩) فبروری (١٩٠٤) بنابروقوع شبخونی که ازطرف ژاپونها اجراشد ازنظر اعتبار افتاده برای همه دستهٔ کشتیهای جنگی روس یك علامت مصائب مشئومهٔ شده بود .

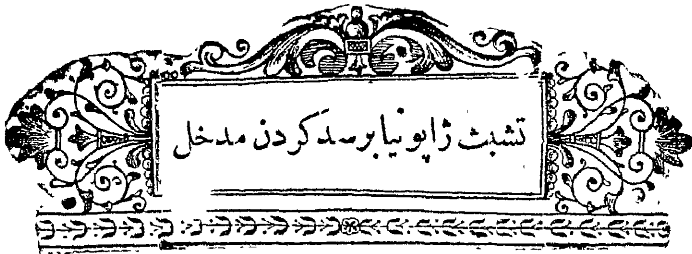
درهنگام وصول [ماقاروف] به (پور آر تور) احوال معنویهٔ دستهٔ کشتیهای جنگی (پور آرتور) نیزخیلی پریشان بود . افرادوافسران دستهٔ کشتیهای جنگی که تابه آنوقت بغیراز بی‌موفقیتی و ناکامی‌دیگر چیزی ندیده‌بودند امن‌واعتماد خودشانراازسلاح ونفسهای خودسراسرغائب کرده‌بودند . اینهم یك چیزی طبیعی ایست زیرا تنهاافرادبحریهٔ روس نی ، بلکه مکملترین مرتبات دنیانیزهرگاه دریك عطالت ومسکنت دائمی بمانند وهرآن ازطرف کشتیهای دشمن بتهلکهٔ بومباردمان معروض شوندهیچ شبهه نیست که همه غیرت و فعالیت ، وجمله قوهٔ معنویه وجسارت خودشانراغائب خواهند کرد .

افسران وافراد میگفتند (که هرساعتی که مادراینجابصورت عاطلانه بگذرانیم ژاپونها برمایك درجه فائق ترمیشوند .)

افرادبحریهٔ روس درخصوص تعلیم وتربیه نسبت بمرتبات دستهٔ کشتی های جنگی ژاپون خیلی دونتروفروتر بود . بعداز اعلان حرب وخسارت یافتن دستهٔ کشتیهای جنگی روس درلنگرگاه داخلی بهفته ها ساکنانه و عاطلانه بیکارگذرانیدند . حالآنکه دستهٔ کشتیهای جنگی ژاپون همه بحر اصفررایك جولانگاه دائمی ساخته بودند .

درمابین قیمت عسکریهٔ مرتبات این دودستهٔ کشتیهای جنگی فرق و نسبت بصورت فوق العادهٔ تزایدکرده بود .

این است که دستهٔ کشتیهای جنگی روس بهاینچنین حال نومیدی وپریشانی اوفتاده بودکه درین زمان امیرال [ماقاروف] به (پور آرتور) مواصلات کرده بغیرت وفعالیت عادیهٔ خوداحوال معنویهٔ معیت خودرا تاممکن مرتبه اصلاح نموده



پور آرتور را باطور پیل

— ۱۰ مارج —

شناور شدن «ره تویزان» ، وفعالیت کوماندان جدید ژاپونهارا دانستا نده بودکه بعدازین روسهادر دریااز سکون وعطالت فارغ خواهند شد •

اگرچه ژاپونها میدانستند که دستهٔ کشتیهای جنگی (پور آرتور) بادستهٔ کشتیهای جنگی ژاپون دربحر فراخ وواسع نجه زدن نخواهند توانست • ولی باوجود آنهم ازبعضی تعرضات ناگهانی روسها بی اندیشه نبودند • وچون تاحال دربحر اصفر بهیچ یك مشکل ومانعهٔ دوچار نشده بودند • و آزادانه حرکت داشتند علی الخصوص که درسواحل (کوریه) مسئلهٔ بیرون بر آوردن عسکر سراسر موقوف بر آزادی حرکات وبی اندیشه بودن ازتعرضات دستهٔ کشتیهای جنگی روس میبود ، ازان ودرباب رفع کردن این اندیشه ازتفکر وملاحظه هیچگاه فارغ نمیبودند •

ژاپونها کشتیهای ناقل عسکر خودشانرا تنهابه (شه مولپو) نی بلکه به «شینامپو» نیز خالی میکردند ، که ازاین شینامپو تابه دستهٔ کشتیهای جنگی (پور آرتور) «۱۹۰» میل بحری مسافه موجود است • پس به اینسبب تهلکهٔ ملحوظه بیشتر میشد •

لهذا امیرال (توغو) باز تشبثات سد کردن مدخل بندرگاه (پور آرتور) راسرازنو تصمیم نمود • اماچون ازیك طرف وقت مساعد نبود و ازدیگر

طرف کشتیهای آتش غرقی به آسانی تدارك نمیشد مشار الیه مجبور گردید برینکه بطور پیل مرا جعت نماید .

در(۱۰) مارچ دودستهٔ کشتیهای جنگی که مرکب از کشتیهای تارپیدوی مخرب بود ترتیب داده شده، یکچند دقیقه بعداز نیمشب به لنگرگاه خارجی که از کشتیهای دشمن خالی بود نزدیك گردانید . مع هذا اسفائن مذکوره ازطرف پروژه کتورهای دشمن کشف گردیده ازطرف استحکامات ساحل درحال بزیر آتش شدیدی گرفته شدند .

ازین دوفرقه مخربهای طور پیدو (آقه بونو) ، (ساسا نامی) ، «او زوغومو» نامان کشتیهایی که فرقهٔ اول راتشکیل میدادند بگله باری استحکامات سواحل پروانکرده درمواقع مختلفهٔ مدخل لنگرگاه بوضع کردن طور پیلهای ثابت آغاز نهادند .

فرقهٔ دوم که از(آساشیو، وقا زومی ، و آقانزوکی) نامان کشتیها مرکب بود ، برای ستر واخفانمودن عملیات فرقهٔ اول را ازمخربهای روسی درجهت غربی دماغهٔ «لیائوتیشان» رفته اخذ موقع نمودند .

بعداز نیمشب شش عددمخربهای روس که «ولاستنی» و (ودنوچیتانی) و [به ستراشنی] و (بوینو سلوی) و «ره چیتانی» و (ستره غوچی) بودند برای کشف کردن قوت ومعلوم کردن مقصد حرکت ژاپونها ازلنگر گاه داخلی بیرون برامدند . ودرساعت چاردرجنوب دماغهٔ (لیائوتیشان) باسه عددمخربهای سالف الذکر ژاپون که درانجا اخذ موقع کرده بودند بجنگ آغازنهادند . هنوزسپیدهٔ صبح نودمیده بود که درمابین کشتیهای طورپیدوی طرفین ازمسافهٔ بسیارنزدیك محاربهٔ خیلی شدید طوپچی بوقوع امد .

اینمحاربه که بقدر (۲۰) دقیقه امتدادورزیده است اززبان یك روسی که حاضربوده بدینوجه حکایت میشود :

« کشتیها بیکدیگر خود آنقدر نزدیك شده بودند که مرتبات روس به کشتیهای ژاپون بدست گلهٔ هم می انداختند . ولی این هم هایسبی که بتاقی شان در نمیگرفت هیچ ضرربه ژاپونها نمیرسانید . اما گله های طوپ بصورت مکمله اجرای تخریبات مینمود . کشتیهای طرفین بتأثیر گله های همدیگر غربال آسا شکاف شکاف شدند . »

از راپوری که امیرال (توغو) درحق اینواقعه نوشته است چنان معلوم میشود که کشتیهای روس در محاربه خیلی خسارت زده شده اند ویکی از میان آنها بیکار و بیحرکت مانده ویکی در گرفته است . ولی کشتیهای ژاپون هیچ یکی بدرجهٔ که ازمحاربه خارج بماند خسارزده نشده است .

روسها باوجودیکه دومثل ژاپونها بودند از حرکت قطعی احتراز کرده اند . وطرفین باختیارخود ازهمدیگر جداشده اند اینمسئله خیلی غریبست که درأثنای چنین محاربهٔ شدید طوپچی که ازینقدر مسافهٔ نزدیکی اجرابشود؛ واز طرفین هیچ یکی بخسارت عظیم وحدی گرفتار نیایند ؟ اگرچه تاریکی نیزیك قدری سبب عاذر هست ولی کشتیهای روس که دومثل کشتیهای ژاپون بودند اگر بیکاره گی ، وبی مهارتی نمیداشتند البته ازین تفوق عددی خود استفاده کرده یك کاری از پیش میبردند . والحاصل درمحاربهٔ کوچك باز افسران و مرتبات بحریهٔ روسی بیمهارتی وتردد ، وترس خود شانرا اثبات کردند . اما جای تعجب و حیرت اینست که کوماندان دستهٔ کشتیهای جنگی طورپیدو چون به پورت آرتور بیامد از نشر و اعلان دروغ مظفریت خود وبرهوا کردن یك طورپیدوی ژاپونی هیچ شرم نکرد !

درین اثنافرقهٔ دیگر طورپیدو وظیفهٔ خدمت خودرا که پاشانیدن طورپیل بود در اطراف بندرگاه کامل کرده بود . امادرخصوص اینوظیفهٔ مهمهٔ مهلکه تا بکدام درجه احرازموفقیت کرده باشند معلوم نیست . اینمسئله را

وقوعات آینده ظاهر خواهد ساخت !

این فرقهٔ طورپیل فشان، بساعت هفت صبح هنگامیکه از بندرگاه بیرونی میبرا مد در راه به (ره چیتلنی) و « ستره غوجی » نامان دو طور پیدوی روس تصادف کردند. این طورپیدو ها بعد از محاربهٔ (لیائوتیشان) به پورآرتور عودت میکردند، ولی از ضربهٔ مدهشهٔ محاربه سرسام و واله شده از دیگر رفیقهای خود جدا افتاده اند. ولی وا اسفا که باز هم از ضربهٔ تأدیب ژاپونیها تخلیص گریبان نتوانسته اند. چونکه فرقهٔ ژاپون بر هجوم کردن قرار داده کشتیهای روس را که آرزوی در آمدن بندرگاه را داشتند استقبال کردند. کشتیهای روسی از محاربه احتراز کرده تمام قوت خود را بگریختن صرف کردند، و برای آسانی فرار خود از همدیگر جدا شدند. بنابرین کشتیهای ژاپون نیز بجدا شدن از هم مجبور شده دو عدد آنها در پی (رهچیتلنی) روسی افتادند. اما (سازانامی) ژاپونی بشدت تمام بر (ستره غوجی) روسی خود را بینداخت، و بمحاربهٔ بسیار شدید طوپ آغاز نهاد. تجهیزات این دو کشتی به این نسبت بود : (ستره غوجی) یك عدد طوپ ۵ ملیمتر و و ۷ سانتیمترو، و سه عدد طوپ ۷ ملیمترو، و ۲ سانتیمترو میداشت، (سازانامیٔ) ژاپونی نیز یك عدد طوپ ۵ و ۷، و پنج عدد طوپ ۷ و ۵ سریع آتش را حامل بود.

کپتان (سازانامی) اولا به این فکر سلیمی افتاد که آتش تمام طوپهای خود را تنها بر ۵ و ۷ طوپ بزرگ روسها جمع و توحید نمود. باین صورت در ساعت بسیار کمی نفرهای طوپچی طوپ مذکور را یکان یکان کشته، و طوپ را بدرجهٔ که قابل استعمال نشود بخراب کردن موفق شد.

بعد ازین (سازانامی) به قوت طوپچی تفوق عظیمی بر (ستره غوجی) پیدا کرده آتش طوپ خود را بر دیگر اقسام حیاتیهٔ سفینه متوجه ساخته،

یك گله ۵ و ۷ بخط آب کشتی روسی رسیده ماشین سفینه راتخریب وسفینه را ازحرکت کردن غیر مقتدرساخت . طوپهای خفیف سفینهٔ ژاپونی نیز طوپهای ۷ و ٤ روسی رایکان یکان ساکت وخاموش نمود .

دریئوقت یك حادثهٔ بوقوع آمده است که تابه اینـدم درتاریخ محاربات بحریهٔ جدیده امثال آن سبقت نکرده : چنانچه بعدازساکت کردن طوپهای دشمن (سازا نامی) خودرا بکشتی (ستره غوجی) که ازحرکت ومدافعهٔ نفس خودعاجز بود دیواربدیوار نزدیك ساخت . وچون دوثلث مرتبات روس تلف شده بود هیچ کسی برای مقاومت ژاپونهادرکشتی دیده نمیشد . ژاپونهادرحالتیکه قمه های بحری و طپانچه های شش تکهٔ شان را بدست داشتند بکشتی روسهادا خل شدند ، و هرطرف کشتی را جستجوکردند ولی درقمارهٔ که باقی مانده کان کشتی التجابرده بودند داخل نشدند . بعدازان کشتی رابیك ریسمانی بخودبسته ، وبیرق ژاپونی رابران برافراشته بکشیدن آغاز نهادند . اگرچه (ستره غوجی) را « سازا نا می » تابسیارجاها کشید و لی بمناسبت شدت طوفان و آب گرفتن بسیار کشتی ریسمان بریده شده سفینه به امواج دریاترك گردید . ازساعت ده یك ربع گذشته بودکه بابیرق ژاپونی درقعربحرغرق شده . روسهائیکه دراستحکامات ساحل بودندغرق شدن این کشتی رادیده بودند وچون بیرق ژاپونی بران بود کشتئی ژاپون گمان کرده همچنان اخبارکرده بودند . سفینهٔ دیگرروسی بعدازانکه دوچار خسارات جدی وعظیمی گردید بهرصورت که بود بفرارکردن موفق شده .

درین محاربه ضایعات ژاپونهانسبتهٔ بسیارجزویست . در سفینه های (سازا نامی) و « آقه بونو » تنها دونفرتلف ، وچارنفرمجروح شده اند . درزمان شدت محاربه (یامازاتی » نام صوبه داربحری با یکنفرعسکربکشتی « ستره غوجی » برجهیده بطرف دنبالهٔ آن بیرق ژاپونی راآویخته است .

سفینهٔ مذکور وقتی که ضبط گردید منظرهٔ خون آلود سطح آن بسیار فجیع و دهشت انگیز بود . درهر طرف جسد های پاره پاره شدهٔ دشمن دیده میشد ، وخود بدن وهر طرف واپور طور پیدوی مذکور با دانه های گله های دشمن شکاف شکاف شده خانهٔ زنبوری میماند .

ویس امیرال (ماقاروف) و ضعیت فلاکت دوطور پیدوی مخرب خودرا بمجرد یکه بدید هما نلحظه با کرووازور های (نوویق) و « بایان » باالذات ازبندرگاه بیرون برامد . اماچون درین اثنا دستهٔ کشتیهای جنگی ژاپون به بندر گاه بیرونی خیلی نزدیك شده بودند دوکرووازور روسی (ستره غوجی) رازهایی داده نتوا نسته پیش از زوال درساعت هشت بی واصل شدن بمقصد باز ببندرگاه داخلی بعودت کردن مجبور شدند .

اینهم شایان دقت است که درانشب کرووا زورهای ژاپونی بقدر گاه رس به پور آرتور نزدیك شده ازانجا بگله ریزی آغاز نهادند . نظر به راپور امیرال (توغو) چنان معلوم شده است که بقوت ضیای پروژدکتور های الکتریك هدفهای نشانگاه های طوپهای مابخوبی دیده شده گله های کرووا زورهای ماکارگر ومؤثر می افتادوبحقیقت که درانشب درپور آرتور بسیار انسا نهای مقتول ومجروح درهرطرف افتاده بود .

امیرال (توغو) اگرچه میدانست که کرووازورها بر شهر ویااستحکامات خسار جدی و حقیقی نمیرسا ند ولی مقصد او ازین حرکت آن بودکه قوهٔ محافظه رازحمت بدهد ، وپریشان وسرگردان ساخته شوروولوله برپا کند . قسم کلی دستهٔ کشتیهای جنگی ژاپون تمام شب رادرنزدیك بندرگاه خارجی بسر آورده است .

وقتی که دنیابروشنیٔ صبح روشن شد امیرال (توغو) کرووازورهای خودرابدوقسم منقسم سا خته یك قسم آنرابطرف خلیج (تالیه‌ن وان)

ودیگر قسم آنرا بسوی خلیج (غولوبینایا) فرستاد، وظیفه و خدمت اینها این بود که درانطرفها اجرای کشفیات بکنندو درهرجا که هر کشتیٔ روسی رابیابند بلاامان هجوم برده تخریب نمایند . قسمی که بطرف (تالیه نوان) میرفتند درجوارجزیرهٔ (زان شان تان) یك وابور قرنتینهٔ روسی رایافته ها بلملاحظه آنراغرق کرده اند .

قسمیکه درطرف سواحل غربی (پورآرتور) اجرای کشفیات و حرکات میکردند درخلیج (کبوتر) لاشهٔ (وه نو چیتلنی) نام سفینهٔ مخرب طورپیدوی روسی رادیدند که بدنهٔ آن کاملاً در آب غرق شده بود، وتنها دیرکهاودودکشهای آن از آب بیرون مانده بود .

خوداميرال (توغو) بادستهٔ کشتیهای جنگئی زرهپوش بجهت غربئی (پیانوتیشان) رفته وجبالمرتفعه رامسپرکرده دریك موقعیکه از استحکامات ساحل دیده نمیشد لنگرانداز گردید، وازمجاباطوپ های (۳۰) سانتیمتروئی و (٥) ملیمتروئی درازبرشهرو بندرگاه درونی بفن انداخت مقوس به بومبارد مان کردن آغاز نهادند . اميرال (توغو) سومین دستهٔ کشتیهای جنگئی کروواز ورخودرادریك موقعی که مدخل بندرگاه دیده شودوازدائرهٔ تأثیرطوپ های دشمن خارج باشد گذاشت . این کرو وازورها نتایجی را که ازانداخت تحصول میآمد بواسطهٔ تلگراف بی سیم به امیرال (توغو) اخبارمیکردند .

بومباردمان پیش از زوال بساعت (۱۰) ابتدا کرده تابساعت یك بعداززوال دوام ورزیده است . طوپخانه هـای روس به این آتش گاه گاه جواب داده اند .

ژاپونها ازمسافهٔ (۱۲،۰۰۰)متر(١٥٤)دانه گله های بزرگ بفن انداخت مقوس انداخته اند. (رهتویزان) ودیگریکچند کشتی جنگئی روس که در بندرگاه داخلی بودند از گله های کشتیهای ژاپون اگرچه خسارت زده شدندولی

این خسارات جدی نبود. روس‌ها ضایعات خودشان‌را باینصورت نشان میدهند: دراستحکامات (٦) نفر مجروح، دردستهٔ کشتی‌های جنگی یك نفر مقتول، درشهر (٣) نفر مقتول، یك نفر مجروح.

در راپورت خود امیرال (توغو) نشانداده است. که بردستهٔ کشتیهای جنگی هیچ ضرری از طوپ‌خانه های استحکامات دشمن وارد نیامده‌است.

بعداز پیشین اقسام مختلف دستهٔ کشتی‌های جنگئی ژاپون باز باهم یکجا شده همهٔ شان بهاس‌الحرکات عودت کرده اند، ودرایام متعاقبه درافقهای (پور آر تور) هیچ دیده نشده‌اند.

این یك امر آشکاری بودکه ازمسافهٔ (١٢،٠٠٠) متر بومباردمان هیچ یك تاثیری حقیقی نخواهدبخشید. امامقصد امیرال (توغو) ازین بومباردمان دو چیز بود یکی آنکه برای انداخت ازمسافهٔ بعیدیك تجربهٔ اجرا کنند دیگر اینکه دشمن را سراسیمه وبیدل سازد.

راست ترش اینکه این بومبارد مان یك رسم خوش آمدئی بود. که برای امیرال روسی ازطرف امیرال ژاپونی اجرا کردید. آن امیرال روسی که دو روز پیش ازین بقلعهٔ (پور آر تور) مواصلت کرده، ودردلها وفکرهای عمومی امیدفتوحات، ودرمساعی یومیه نشانهٔ حیات ودردریا و خشکه اثر اقبال ونجات برپا کرده‌بود! لهذا امیرال ژاپونی به امیرال روسی یك تصویر مظفریت وبرای خوداویك مقدمهٔ مصیبت نشاندادن میخواست!

بحقیقت چون نظر شود همچنین است: آن امیرال (ماقاروف) که بمظفریت وغلبهٔ او همه کس امیدوار بودند بعداز یوم ورود او به (پور آر تور) واقعهٔ جنگئه طورپیدوها بوقوع آمده امیرال مذکور بکمال شجاعت وچابکدوی برای امداد طورپیدوهای خوددویدامااو افسوس که درمقابل قوت خصم زیاده ازنیم ساعت ایستاده شده نتوانسته بیك مأیوسیت عظیمی واپس به بندرگاه عودت کرده بوده

البته که این رجعت سریعه آمال وتخیلات بسیاری از امیدپروران را منکسر ومضمحل کرده خواهد بود .

این حوادث راامیرال (الکسیه ف) با این تلگراف نامه به چار عرض و اشعار کرده بود .

موکدن ، ۱۱ مارچ

کوماندان دستهٔ کشتیهای جنگی امیرال ماقاروف ازپور آرتور چنین مینویسد :

« شش سفینهٔ طورپیدو که در ۱۰ مارچ از بندرگاه بیرون برامده بودند باطورپیدوهای دشمن که درپئ آنها کرووازورها بودباهم تصادف نمودند . یکی یکبار درمابین طورپیدوهای طرفین محاربهٔ بسیار شدتناکی درگرفت . درین اثنا طورپیدوی (ولاستنی) برطورپیدوی دشمن یك طورپیل (ویت هیت) انداخته یك کشتئی طورپیدوی دشمن را غرق نمود .

« اما مع التأسف که دروقت برگشتن طورپیدوهای مابه بندرگاه ، سفینهٔ (ستره غوچی) خسارات جدی وبزرگی برو برسید . ماشینش چون از کار وا افتاد آهسته آهسته بغرق شدن رونهاد .

درساعت ۸ صبح پنج طورپیدوی دیگر سالمآعودت نمودند . هنگامیکه حال سفینهٔ (ستره غوچی) را بافلاکت منجر دیدم بیرق خودرابر کرووازور (نوویق) اویخته ، وکرووازوربایان را همراه گرفته ، به امداد سفینهٔ (ستره غوچی) شتافتیم . اما چون پنج قطعه کرووازورهای دشمن طورپیدوی مارا ازهر طرف احاطه نموده بودو کشتی های زرهپوش شان نیز در نزدیك شدن بود کشتئی (ستره غوچی) را که بقعر نایاب دریاغوطه خوار گرداب فنا گردیدرهانیده نتوانستم .

درساعت (۹) چارده قطعه سفاین حربیهٔ دشمن درپیشگاه (پور آرتور) جمع آمده از مسافهٔ بسیار دوربا طوپ های بزرگ چاپ شهررابه بومباردمان کردن آغاز نهاد .

«سفاین حربیهٔ ما از بن بومباردمان خیلی کم و بی اهمیت خسارت یافتند . بناءً علیه هر آن بمحاربه کردن با دشمن بایك شوق و هیجان بزرگی حاضر و منتظر میباشند .

«در طوپخانه های استحکامات ساحل ما درجهٔ تنویرات بدرجهٔ فوق العاده میباشد . طوپ خانه ها منفرداً با آتش خودشان طورپیدوهای دشمن را بدور کردن مجبور نمود .

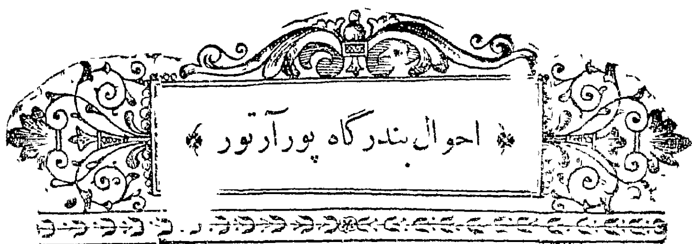
«در روز طوپهای قلعهٔ ما بشدت به آتش دشمن جواب دادن گرفت . از بن درجه مسافهٔ بعید معلوم است که بومباردمان هیچ فائده و تأثیری ندارد بسیاری از مرمیهای دشمن از مسافهٔ (۱۲) کیلومتر وانداخته شده است .

«اینست وقوعاتیکه بعرض کردن آن بحضور ذات حشمتپناهی کسب شرف میورزم فقط»

دیده میشود که راپور نخستینی که امیرال (ماقاروف) نوشته نیز مانند راپور نخستین امیرال (الکسیه ف) حوادث بسیار تلخ و امیدشکنی را جامع میبا شد . حالا نکه در (پترسبورغ) پیش از انکه بر ایدند حضور راهب بزرگ زانو بزمین زده بود ، و مظهر دعاو مو اعید او شده بود ، و از طرف راهب مذکور به او توصیه شده بود که مانند حوادث های گذر آمیر (الکسیه ف) نی ، بلکه مژده ها و بشارتهای بسیار مرغوب و فرحت آمیزی باید که بفرستد . حالا نکه وا اسفا که چنین نشد ! . .

ماقاروفیکه تمثال مشخص مظفریت دستهٔ کشتیهای جنگئی بحر محیط کبیر شمرده میشد ، واز پترسبورغ تا به پور آرتور که میآمد در تمام گذرگاه او نشهٔ جاوید ، و در دلهای حسرت زدگان امیدهای جدید می بخشید ، هیچ شبهه نیست که البته بنوشتن سطرهای راپور خود خیلی منفعل و شرمگین بوده باشد ! . .





احوال بندرگاه پورآرتور

و کیفیت استحکامات ساحل آن

از احوال عمومیهٔ بندرگاه (پور آرتور) قبل از این یك نبذهٔ بحث را نده بودیم ، و گفته بودیم كه بندرگاه درونی آن وسعت كافیه ندارد ، و بندر گاه بیرونی آن نیز جامع شرایط لازمهٔ كامله را جامع نمیباشد ، و از این رو یك بندرگاه مكمل عسكری شمرده نمیشود ، در ینوقت میخواهیم كه این تفصیلات را توسیع و اكمال نمائیم :

مدخل این بندرگاه كه شرقاً (كوه طلا) و غرباً (شبه جزیرهٔ پلنگ) و منتهای شمالی آن را یك دماغهٔ تنگ و سنگستانی تشكیل میدهد به درازی (۹۰۰) متر و میباشد ، تنگترین محل آن همان جایست كه بدریای بزرگ و عمیق منتهی شده است ، فراخی این محل (۳۰۰) متر است ، و اسعترین محل آن (۵۵۰) متر و میباشد كه در وسط آبنا صادف شده است ، حالا آنكه در ینقطه قسمیكه برای سیر سفائن مساعد و كار آمدنی باشد هم بسیار تنگ و هم بسیار كم آبست ، در وقت جذر عمق آب در نجا از (۵) تا به (۶) متر و میرسد ، از ین سبب در ینوقت نی بلكه در هر زمان نیز سفائن جسیمه از نجا به بسیار مشكلات میگذرند ، نظر بقول یك افسر بحریهٔ المانی كه بسیار وقتها در (پور آرتور) مانده بود گویا مانورهٔ بیرون بر آوردن یك كشتیٔ زره پوش صنف اول به یكچند ساعت اجرا میشود ، علی الخصوص كه گاه گاهی بعضی كشتیها در میان این آبنا بریگها بند مانده بسیار روزها راه را مسدود میدارد ، تا بزمان اعلان

حرب اگرچه یك قسمی ازین محذورات رفع نموده شده بود ولی باوجود آنهم حرکت برامدن ودرامدن کشتیهابه آسانی اجرا نمیشد .

بنابرین احوال مدخل دستهٔ کشتیهای جنگی روس بکمال سهولت ازین مدخل برامده نمیتوانست . این‌ست که بندرگاه (پورآرتور) از نقطهٔ نظر عسکری محذورهای بزرگی دارد .

یکی اردو قسم که بندرگاه داخلی ازان ترکیب یافته (لنگرگاه شرق) است که دردامن (کوه طلا) واقع شده است . دیگر قسم (لنگرگاه غرب) است که از (نیم جزیرهٔ پلنگ) اول بسوی غرب وبعدازان بسوی جنوب ممدود گردیده است . (بندرگاه شرق) عبارتست از یك حوضهٔ پنج گوشه که طول آن در زمان جذر (۵۲۵) . و عرض آن « ۳۹۰ » ، وعمق آن (۵) متر ومیباشد . این عمق تنها درزمان مد برای زره پوشها کافی میآید . سفائن جسیمه وقتیکه بدرامدن تعمیرخانه مجبور گردند درین بندرگاه میاد رانند درین بندرگاه تنهاده کشتی گنجایش درامدن رادارد .

« بندرگاه شرق » دارآمادارایك (ریختم) — یعنی دیوار سرك سنگ بستی که سفینه هابه آن نزدیك شده با حد که اتصال می‌یابند محاط میباشد . در گوشهٔ شمال شرقی بندرگاه یك حوضی موجود است که تنها کرو وازور ها ازان استفاده کرده میتوانند . این حوض بواسطهٔ دوعدد ماشین مخصوص در ضرف (۹) ساعت سراسر از آب خالی میشود . درکنارشرقی آن برای طورپیدوهانیزیك تعمیرخانه موجود است .

در جهت شرق (لنگرگاه شرق) تعمیرخانه های کشتیهاوانبارخانه ها ودکانها ، و مخزنها موجود است ، ودرساحل شمال آن شهر(پورآرتور) افتاده است . جهت غرب بندرگاه با خط شمندو فری که از روسیه آمده است منتهی میبا شد . یك شعبهٔ این خط راه آهن برسرك سنگ بستی که

دایر آمادار بندرگاه را احاطه کرده است دور میکنند .

(لنگرگاه غرب) بسیار واسعست ، قسم شرقی آن (۲،۰۰۰) مترو طول ، و (۱۵۰۰) متروعرض دارد . قسم جنوبی آن زیاده از (۲،۰۰۰) مترو طول ، و « ۷۵۰ » متروعرض را مالك است . این حسابها دوزمان مد است ، امادرزمان جذرنصف آن خشکست .

روسها درسنهٔ « ۱۹۰۱ » بهکندن انجاها آغازکرده اقسام شرق ، و شمال (شبه جزیرهٔ پلنگ) رابحالتی که قسم کلئی دستهٔ کشتیهای جنگی روس را استیعاب کرده بتواند آورده اند ، وکشتیهای زرهپوش درهمین حالمگر اندازمیباشند . ولی باوجود آنهم اقسامی که کنده وپاك شده اند چون کنجا یش همه دستهٔ کشتیهای جنگی هارانداردازانرو یکی از نقصانها ومحذورات بندرگاه قلعهٔ (پور آر تور) که شهرت مکملیت آن و لوله انداز آفاق است شمرده میشود .

درساحل جنوب (بندرگاه غرب) چینیان پیش ازین برای طورپید هایك حوض مخصوص ، ویك مگازهٔ طورپیل ساخته بودند . ژاپونها درسنهٔ ۱۸۹۵ آنهارا خراب کرده بودند . ودرسنهٔ ۱۸۹۸ سرازنوبار تعمیر یافته اند .

(لنگرگاه خارجی) اگرچه برای لنگراندازی کشتیها خیلی مساعد ومفید است ولی چون به بادهای مدهش شرق وجنوب معروض میباشد کشتیها دران آرام نمیتوانند . درموسم تابستان چون باد هابه بسیار شدت میوزد کشتیها مجبورمیشوند که لنگر برداشته ازبندرگاه خودرا بدریای فراخ بکشند تا آنکه باد آنهارا بسنگلاخهای ساحل نزند .

درسنهٔ ۱۸۹۸ دراثنای بادیك واپور جنگی بزرگ طوپ کش چین که درین بندرگاه بود با (۱۳۰) طایفهٔ خود غریق لجهٔ گرداب فنا گردیده است ، وازهیچ طرف به امداد ومعاونت اوکسی رسیده نتوانسته است .

کذالك به تجربه ثابت شده است که در موسم زمستان نیز بخشکه خنکهای اینجا طاقت آوردن نیز ممکن نمیشود . بنابرین اسباب حال کشتی‌های جنگی که درین (بندرگاه خارجی) باشند در هیچ وقت از حالتی که به دریاهای فراخ باشند فرق ندارد .

«استحکامات ساحل» خیلی مکمل است . استحکامات طبیعی جغرافیهٔ (پورت آرتور) برای [illegible] قلعهٔ بسیار مکمل بحری خیلی مساعد خلق شده است .

[illegible] (نیم جزیرهٔ پلنگ) به بلندی (۱۵۰) متر یك کوهی موجود است که آن را (کوه پلنگ) مینامند . از سر این کوه چون نظر شود دائرهٔ نظر بسیار وسعت پیدا میکند . حوصهٔ شرقی (بندرگاه داخلی) را (کوه طلا) که به بلندی (۱۱۰) متر و ست از دریا تفریق میدهد [illegible] روی این کوه یك برامه گاهی پیدا شده است و بران قلهٔ منار الکتریك موجود است . در جهت شرق کوه طلا یك صف تپه های پست و بلندی موجود میباشد که در آخر با (کوه صایب) منتهی میشوند .

این است که بین منطقهٔ اراضی که تعریف آن داده شد در اول امر چینیها بمعرفت (خانه کن) نام برگد — یعنی [illegible] (روسیانی) سیزده عدد استحکامات منتظمهٔ مستحکمهٔ دایمی ساخته بودند که هشت عدد آنها در (نیم جزیرهٔ پلنگ)، و پنج عدد آنها در شرق (مدخل لنگرگاه) بنا یافته شده بود . مؤخراً روسها (۲۲) عدد طوپ خانه های استحکامات دایمئی خود را بروجه آتی توزیع و تقسیم کرده اند :

درشبه جزیرهٔ پلنگ : (۱۰) طوپخانه : جملةً (۵۷) طوپ :

(نمبر۱) (٤) عدد طوپهای دورانداز صحرائی (۹) قوطی .

(نمبر۲) (۵) عدد طوپهای (قانه) (۱۵) سانتیمتروی .

(نمبر۳) (٤) عدد طوپهای (دراجه) (۹) قوطی .

(نمبر٤) (٨) عدد(خمبره)های بم پران که آنرا(هاون)(میناسندبا(٢) عدد طوبهای (٥) سانتیمترویی .

(نمبره)(٥) عددطوبهای(٢٥)سانتیمترویی، و(٢) عددطوب (٥،٧) سانتیمترویی ؛

نمبر (٦و٧) (٤) عدد طوب هاون (٢٧،٥) سانتیمترویی ، و(٨) عددهاون (٥ ،٢٢) سانتیمترویی .

نمبر (٨)(٦) عددهاون (٢٢،٥)سانتیمترویی و(٢)عدد طوب (٧ ،٥) سانتیمترویی ؛

نمبر (٩) (٥) عدد (١٥) سانتیمترویی طوبهای دراز (قانه) .

نمبر(١٠) (٢)طوب(٥،٧) سانتیمترویی .

این طوبخانه های استحکامات(شبه جزیرهٔ پلنگ)که نمبروارمذکور گردید باطوبهای سنگین ومیانه چاپ خود، منطقهٔ بحرئی پیش روی خودرا کاملاً درزیر آتش میدارد . یکچندی ازین طوبهاتا(خلیج کبوتر) که بقدر(٨)کیلومتر ومسافه دارد به آتش خود اجرای تأثیرمینمود . طوب های سنگین وبزرگ چاپ مسافات بعیده را درزیرتأثیرمیگرفت، وطوبهای خفیف میانه چاپ این استحکامات ها هجومهای نزدیك کشتی های دشمن را مدافعه ، وسواحل را محافظه میکردند .

در کوه طلا

(٧)طوبخانه جملتاً (٣٦) طوب :

نمبر (١١) (٤) عدد طوب (١٥) سانتیمترویی .

این طوبخانه مدخل بندرگاه راوهمهٔ بندرگاه غربی . وخط مدافعهٔ بری رادرزیرآتش میگرفت .

نمبر (١٢) طوبچئی شهراست : (٢) طوب ٧ ، ٥ سانتیمترویی .

نمبر (١٣) (٦) عدد هاون ٥، ٢٧ سانتیمتروی، و٢ عدد طوپ ٥،٧ سانتیمتروی .

نمبر (١٤) ٢عدد طوپ ٥،٧ سانتیمتروی .

نمبر « ١٥ » ٥ عدد طوپ ٢٥ سانتیمتروی .

نمبر ١٦ ٥ عدد ١٥ سانتیمتروی از طوپ های (قانه)

نمبر (١٧) ٦ عدد ٥، ٢٢ سانتیمتروی، و٢عدد ٥،٧ سانتیمتروی .

نمبر (١٨) ٤ عدد (٩) فوطی .

این طوپ خانه های استحکامات کوه طلا باطوپهای سنگین و وسط چاپه خود تمام منطقهٔ دریایی را که در پیشگاه اوست وجبهه های شرق، وشمال، وشمال غربی رادرزیر آتش گرفته میتوانست .

(در جبل صلیب)

(٤) طوپ خانه جملتهً ٢٧ طوپ :

نمبر (١٩) ٥ عدد ١٥ سانتیمتروی طوپ های (قانه)

نمبر (٢٠) ٥ عدد ٢٢ سانتیمتروی هاون، و٢ عدد ٥٧ سانتیمتروی طوپ .

نمبر (٢١) ٦ عدد ٢٢ سانتیمتروی هاون، و٣ عدد ٥.٧ سانتیمتروی طوپ .

نمبر (٢٢) ٥ عدد ٢٢ سانتیمتروی هاون. و٢ عدد ٥.٧ سانتیمتروی طوپ .

این استحکامات خلیج (تاچه) را بصورت مدهشانه درزیر آتش میگرفت .

تصور امپراطوری روسیایی درباب انشا کردن استحکامات دائمی (پور آرتور) بدینصورت بود که مذکور شد . واین انشاءآت بصرف کردن (١٥) ملیون روبله که تخمیناً (٣) ملیون لیرای عثمانی میشود درظرف پنج سال بختام میرسید .

به انشاءآت تحکیمیهٔ قلعهٔ (پور آرتور) درسنهٔ ١٨٩٩ ابتداورزیده شده است اما چون دولت روسیه مبالغ مخصصهٔ مذکوره را رسانیده نتوانست انشاءآت بصورت مکمل بسر نرسید. دروقتیکه اعلان حرب میشد احوال استحکا

مات ساحل به اینصورت ذیل بود :

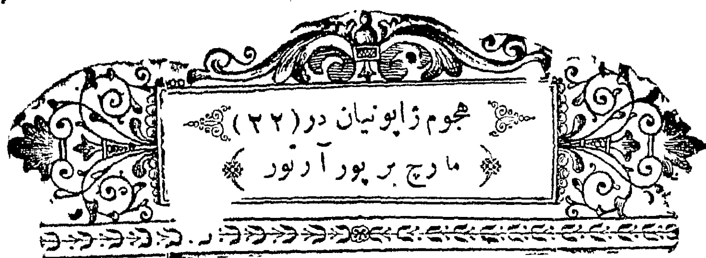
استحکامات نمبرهای [۲ ، ٦ ، ۷ ، ۹، ۱۳، ۱۵، ۱۹] ساخته وحاضر و آماده بودند.

استحکامات نمبرهای [۱، ۳، ٤، ٥، ۱۲، ۱٤، ۱٦، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۱] بطرز دوقت انشاشده اسباب ما لزمهٔ آن بسبب فقدان مالی مکمل نشده بود .

استحکامات نمبرهای [۸ ، ۱۰ ، ۱۱ ، ۲۲] هنوز هیچ به انشاءآت آن آغاز نشده بود . (۱)

(۱) بسوی نقشهٔ (پور آرتور) دیده مطالعه فرمائید !





امیرال (ماقاروف) باوجود یکه میدانست که ژاپونها در بندرگاه داخلی طورپیل افشانده اند بازهم با ٤ زرهپوش، و ۲ کرووازور، و یکچند مخرب طورپیدو در ۱۳ مارچ بندرگاه داخلی راترك کرده بدریای فراخ برامد، و یك مانوره — یعنی قواعد بزرگ نظامی بحری اجرانمود. واین حرکات بیرون برامدن واستکشافات روسها بلافاصله یکچند روز دوام نمود. امامقصد (ماقاروف) تماس کردن با کشتیهای مهاجمین نبود. بلکه از خروج واستکشاف مراداین بود که کرووازورهای ترصد ژاپونهارا یکقدری دور کند؛ وبه اینصورت سوء تاثیرات وبیدلئی که ازسبب سکونت وعطالت بر افسران ومرتبات کشتیهای روس پیداشده است تا یکدرجه رفع وازاله نماید.

ازین حرکات استکشافیهٔ روسها چنان معلوم شدکه طورپیلهای ژاپون تنها در مدخل، وجوار آن نی، بلکه بندرگاه خارجی راهم درتهلکه انداخته است. وازینست که امیرال (توغو) قرارداده است که اول به انداخت، قوس دستهٔ کشتیهای جنگئی روس را مجبور کنند که از بندرگاه داخلی بیرون براید، بعدازان به انداخت مستقیم اورابه منطقهٔ که طورپیل افشانده شده است جلب نماید.

در ۱۳ ماه مارچ اگرچه درما بین کرووازورهای ژاپون ودستهٔ کشتی های جنگئی روس بقدر بیست سی گله ردوبدل گردیده است امابقسم کافی تماس پیدانشده است. زیراقسم کافی بعدازبومباردمان (پور آرتور) برای اکمال نوا قص خود به (ساسه بو) عودت کرده بودند. دران اثنا امیرال (قامیمورا) نیزاز استکشافات بیفائده که بمقابل بندرگاه (ولادیووستوق) اجرانموده بودعودت

کرده به (ساسه بو) آمده بود .

در ۱۹ مارچ بوقت شام هردو دستهٔ کشتی های جنگی ژاپان ، باتفاق همدیگر برای اجرای پلانی که پیش از ین مذکور گردید بر پور آرتور حرکت کردند .

در ۲۲ مارچ بعد از نیمشب دو طورپیدوی ژاپون بر کشتی های دیده بان روسی که در بندرگاه خارجی بودند بشبخون بردن تشبث کردند ، ولی از طرف پروژه کتورهای الکتریك کشف گردیده و بزیر آتش گرفته شده برجعت کردن مجبور شدند . صبح ساعت چار باز همین دو طورپیدو یك طورپیدوی سوم را باخود همراه گرفته بفکر اینکه از رخاوت وسستی که از هجوم اول بر دشمن وارد آمده باشد استفاده کنند سر از نو باز هجوم بردند ولی باز موفق نشده برگشتند .

بوقت سحر دستهٔ کشتی های جنگی ژاپون که از ٦ زرهپوش ، و ٦ گروواز ور زرهپوش ، و ۸ مخرب طورپیدو مرکب بود بر سه فرقه منقسم ، و از سه استقامت های مختلف یکی یکبار در پیشگاه پور آرتور بدیدار گردید . ساعت ۹ بود که دستهٔ کشتی های جنگئی زرهپوش وطورپیدو درماببن (لیائوتیشان) ، و (خلیج کبوتر) رسیدند . دستهٔ کشتیهای جنگی گروواز ورها در اول امر خارج از منزل طوپهای استحکامات ساحل بدو فرقه منقسم گردیده یکی در جنوب مدخل ودیگری درجنوب شرقیٔ آن اخذ موقع نمودند . زرهپوشهای (فوجی) و (یاشیما) مانند بومباردمان اول باز در پشت سلسلهٔ جبال (لیائوتیشان) درامده به انداخت قوسی از پشت کوه شهر ولنگرگاه را بزیر آتش گرفت .

روسها چون در کشتیٔ بی حرکت (رهتویزان) و بعضی استحکامات ساحل که به استقامت کوههای (لیائوتیشان) بود بعد از بومباردمان اول ترتیبات انداخت مقوس را حاضر وآماده کرده بودند . لهذا درینبار روسها نیز به انداخت مقوس مقابله کردند .

کرووازورها ، وزرهپوشهای روس بنابرین بومبارد مان بندرگاه دا
خلی را ترك داده ، درحالیکه زرهپوش (آسقولد) بیرق کوماندانرا حامل
بود به پیش افتاده ، ازمدخل بیرون برامدند ، وازطرف کرووازورهای
ژاپون به آتش بسیار شدیدی استقبال شدند .

قبل الزوال ژاپونها آتش خودشانرا قطع کرده آهسته آهسته یکسر بسوی
جنوب شرق رجعت نمودند . مقصد اساسی ژاپونها که جلب نمودن دستهٔ
کشتیهای جنگی روس را بمنطقهٔ طورپیل بود حاصل نشد .

یکی از کپتانهای بحریهٔ ژاپونی که (یزوطاقا) نام دارد ، ودرین جنگ
درکشتیٔ زرهپوش (فوجی) بوده است در ذیل مشهودات یومیهٔ خود
تفصیلات این بومبارد مانرا چنین مینگارد :

« طورپیدوهای ما که بشب هجوم برده بودند رجعت کردند . ازطرف
سفینهٔ امیرال اشارت شدکه یکسر بسوی استقامت جزیره های (لیائوتو)
حرکت شود بعد ازتبلیغ شدن این امر دستهٔ کشتی های جنگی یکسر بسوی
منزل آتش بحرکت آغاز نهاد . ما ــ یعنی (فوجی) و« یاشیما » امر گرفته بودیم
که درپشت سلسلهٔ کوه لیائوتیشان رفته ازانجا بر شهر وبندرگاه گله ریزی
مخصوص اجرا نمائیم لهذا به آنجا رفته برای خود یك موقع مناسبی انتخاب کر
دیم . بسبب دوربودن مسافه بزرگترین ودرازترین طوپهای خودرا تاکه
ممکن بود سربالا کرده به آتش آغاز نهادیم . هردو کشتی ما بنوبت آتش میدادند ،
وبه نقشه و پلان نظر دوخته همیشه یك یك منطقهٔ معین شهر وبندرگاه را
درزیر آتش میگرفتیم .

« این راهم مشاهده کردیم که سفینه برای اینچنین انداخت ، روبالا خیلی
مساعد نیست . چونکه به انداختن هرمرمی هرقسم این کشتیهای جسیم
جداجدا بلرزه میدرامد ، وصداهای مدهشی ازاعضای آن میبرامد .

« بعد ازانداخته شدن مرمی دوم تلگراف بی سیم اینخبررا آورد :

« از کرووازور « آقاشی »:

« مرمیٔ دوم ۵۰۰ متروبه پش روی هدف افتـاد . استقامت پهلو راست مینماید . »

« امیرال (توغو) سه قطعه کرووازوررابه برابری مدخل بمسافهٔ ۱۳ کیلومتروامر اخذ نمودن موقع راداده بود تا آنکه نقطهٔ اصابت گله های مارا دیده بواسطهٔ تلگراف بی سیم بماخبربدهند .

« بعد ازانداختن یك مرمیٔ (یاشیما) تلگراف بی سیم باز اینخبررا آورد:

« گله برشهر اصابت نمود ؛ برهمین نشان بر آتش دوام ورزید ! »

« کشتی [یاشیما] را در انداخت تقلید کرده باطوپهای سنگین ووسط چاپ خود به اجرای آتش سریع وشدیدی آغاز نهادیم .

« سفینه میلرزد ، وفریادها میبرارد ، صداهای مانشسته ، ومانند یك ماشین جانداری همهٔ مامتصل کوشش میورزیدیم گله های که از (پور آرتور) انداخته میشد چون یکی برمااصابت نمیکرد دارازرومغروروومفتخرمیبودم که بناگهان یکی یکبار درهوااول یك صفیری ، وبعد ازان مدهش یك صدمهٔ شنیده شد. بعدازان یك دودزنگاری رنگی مارااحاطه ، ویك ستون جسیم علو بهوا برامد . درین آن ندانسته ام که چه کرده ام . وقتیکه بخود آمدم خود رادر خسته خانهٔ کشتی یافته ام که سرم درمیان یخها گرفته بسته شده بود؛دوکتور گفت که یك مرمیٔ چاپ بزرگی درمابین مرکز، و قلهٔ زرهپوش سفینه اصابت کرده است . من زخمدار گله نبودم ؛ ولی بنابرتضییق شدید هوا بی اختیـار بیهوش شده به پشت افتاده ام وسرم به دیوار قله خورده مجروح شده است .

« تخریبـاتی که مرمی درسفینه اجرا کرده بود حقیقتاً خیلی مهم و

جدی بود : مرمی سطح کشتی راشکافته ، ودرطبقهٔ دوم هرچه که به پیش رویش آمده لیسیده برده است .

« مسند های سطح وابورا کثر کج مج شده ، وبعضی به بیرون انداخته شده بود! درطبقهٔ دوم دوازده نفر قسماً پارچه پارچه شده ، وقسماً بصورت بسیارسنگینی مجروح شده بود . دردیوارهای سطح وابور، وطبقهٔ زیرین آن لکه های خون ، وریزه های مغزسر درهرجاهرجادیده میشد. بعضی پارچه های مرمیٔ مذکوراز طبقهٔ دوم هم گذر کرده ؛ بدیوار هاوسقف ، وسطح طبقهٔ سوم نیزدرهرهرسو خلیده بود . برسطح وابورنیز یك رخنهٔ بجسامت غیرمتناسب کشاده بود ، وقسم های چوبین آنرا آتش داده بودند »

در (٢٦) مارچ ویس امیرال (ما قاروف) باهمه دستهٔ کشتیهای جنگی روس درپیشگاه جزیره های « میائوتو » یك حرکت استکشافیهٔ اجرانمود . درینجا کروواز ور (نوویق) بایك مخرب طورپیدو بیك کشتیٔ کوچك ژاپونی تصادف نمودند که این کشتی مالزمهٔ حربیه رابجزیرهٔ (حایانتو) که موعد تلاقی دستهٔ کشتی های جنگی ژاپون است میبردند . سفینهٔ مذکوره رااولا بریسمان بخود بستند ، وبعدازان مرتبات آنرا کشیده سفینه راغرق کردند .

تشبث کردن ژاپونیان باردوم برسد نمودن

مدخل بندرگاه پورآرتور

— در ٢٧ مارچ —

این حرکات فعالانهٔ دستهٔ کشتیهای جنگی روس را . ومسئلهٔ نقلیات عسکریهٔ ژاپونیانراچون امیرال (توغو) بزیرنظردقت دراورد به اندیشه افتاد که هرگاه دستهٔ کشتیهای جنگی روس بحرکات فعالانهٔ روزمرهٔ خودبکارافتد مسئلهٔ اخراج نمودن عسکرژاپون درهر لحظه بزیر تهلکهٔ عظیمی خواهد بود ، لهذا امیرال ژاپونی بازدرصدد آن افتاد که بازیکچند کشتیٔ رادرمدخل

بندرگاه «پور آرتور» غرق کرده دستهٔ کشتیهای جنگی دشمن رادردرون بندرگاه معطل وبیکار بگذارد .

دربنبارباز چهار کشتی دیگرتدارك کرده ایندفعه دردرون آنها غیراز سنگ ومواد احتراقیه ، بسی نقبهای زیردریایی نیز گذاشته بودکه درمدخل بندرگاه افشانده شود ودیگر اینکه دربنباردرمیان سفینه های مذکورطوپهای متعدد سریع آتش ۷ ، ۳ سانتیمتروپی نیز برای مدافعهٔ طورپیدوهای دشمن نهاده بود . ودرپی هر واپور دودوقایق بزرگ برای رهانیدن مغروقین بسته شده بود . وبرای محافظت ، وحمایت این کشتیهاپك دستهٔ کشتیهای طور پیدوی بسیار قوتناکی ترفیق شده بود . این دستهٔ کشتیهای جنگی از (۱۰) قطعه مخرب طورپیدو ، و٦ سفینهٔ طورپیدومرکب بود کشتیهای این باری نیز از اول بار بزرگتر و نوتر بودند .

درشب « ۲۷ » ماه مارچ دوساعت بعد از نصف شب — یعنی بعدازانکه قمر غروب نمود ، و عالم راظلمت تیرهٔ شب فرا گرفت این دستهٔ کشتیهای جنگی بحرکت آغاز نهاد . وبعد از نیمساعت به بندرگاه بیرونی واصل شده طورپیدوهادرپیش همه میرفتند تاآنکه کشتیهای غرقی رادرجاهائیکه غرق شدن شان لازمست برسانند .

دستهٔ کشتیها ی حریق غریق را از مسافهٔ بسیار بعیدی قسم کلنهٔی سفاین حربیه تعقیب میکردند . اینهادربنبار برای آن آمده اند که در اثنای غرق کردن کشتیهای حریق براستحکامات آتش کنند وانظاردقت دشمن را بسوی خود جلب کرده عملیات غریق راآسان نماید .

امشب وظیفهٔ دیده بانی را کشتیهای جنگی طوپ کش [بوبر] و « ادت واشنی » روسی درمدخل بندرگاه ایفامیکردند . دستهٔ کشتیهای جنگی حریق ژاپو را ازمسافهٔ « ۴۰۰۰ » متر ودورتر ازمدخل دیده ها ملاحظه آتش بسیار شدیدی

اجرا کردند، در پی آن استحکامات ساحل نیز به این آتش اشتراك ورزیدند .

پیشروترین کشتیهای حریق از ساحل غربی (کوه طلا) به «۱۰۰» مترو برهوا شده است . کشتی دیگر که در پی آن بود از آنهم پیشتر رفته بود که یك طورپیدوی « زیلنی » نام روسی بروهجوم برده آنرا در دامن «کوه طلا» غرقهٔ بحر فنا ساخت . سفینهٔ سوم نیز در همان برابری ازطرف مرتبات خود کشتی غرق گردید . کشتی آخرین در جهت غربی بندرگاه و به برابری قلهٔ الکتریك در حالتیکه طرف سرش به یك کشتی دیگر که در تشبث دفعهٔ اول غرق شده بود تکیه یافت غرق گردید .

درین اثنائیکه این کارها میشد طورپیدو های ژاپون نیز بیکار نمانده هر ۶ وا پوربیکبارگی بر طورپیدوی (زیلنی) هجوم بردند . وبعدازانکه طورپیدوی مذکور بکمال مهارت . و لاوری تا خوب وقت مدافعه و محاربه نموده آخرالامر همهٔ مرتبات آن تلف و هلاك گردیده ، ویك افسر نیز تلف شده ، وکوماندان او بصورت بسیار مهلکی زخمدار گردیده ، وماشینش ازکار افتاده ووجودش مانند غربال شکاف شکاف شده در نزد ساحل شرقی در پیش دو سفینهٔ حریق ژاپون غرق گردیده است .

سرکوماندان دستهٔ کشتی‌های جنگی ژاپون ویس امیرال (توغو) را پورتی که درباب این تشبث سددومین تنظیم نموده بروجه آتیست :

« در روز « ۲۶ » مارچ دستهٔ کشتیهای جنگی متحد ژاپون بسوی پور آرتور یکسر حرکت کرده روزدیگر بساعت سه ونیم به تطبیق واجرای پلان و نقشهٔ محاصرهٔ پور آرتور آغاز نهاده است .

« برای خدمت کردن این مقصد چهار عدد سفینهٔ نقلیه دوزیر حمایت دستهٔ کشتی‌های جنگی طورپیدوی مابطرف بیرون مدخل بندرگاه مواصلت نموده اند ، وبا وجود انعکاس شعاعات شدیدهٔ پروژه کتورهای خصم و آتشهای

طوپتابه نزدیك مدخل رسیدند. سفائن نقلیهٔ مادر زیر آتش شدید ومهلك سفینه های قره غول، واستحکامات دشمن یگان یگان بسوی کانال مدخل پیش رفتند.

« از همه پیشتر سفینهٔ نقلیهٔ (شی یومارو) میرفت. چون در ساحل غربی کوه (طلا) رسید) نیم میل دورتر از خشکه لنگر انداخته از طرف خود مرتبات او آتش داده شده غرق گردانیده است.

« (فوکی مارو) که درپی شی یومارو میرفت از بغل کشتئی مذکور گذشته و یکقدری پیشتر رفته درأثنای که میخواست خود لنگر انداخته خود را غرق کند از طرف یك مخرب دشمن با طورپیل غرق گشته است ودرهمان وقت تنگ طایفه های کشتئی مذکور به انبار زیرین کشتی درامده طورپیل را آتش داده اند وکشتی را در محلی که برای آنها تعیین ومقرر شده بود غرق کرده اند.

« بعد ازین کشتئی (یاهیکو مارو) پیش شده درپهلوی کشتی فوکی مارو بهمان صورت وهمان وضعیت اشتعال وغرق شده است.

« آخرترین همه کشتئی (بونه یامامارو) بود که اینهم از استقامت وبرابریکه به او امر شده بود حرکت نموده یکقدری پیشتر از کشتیهای فوکی مارو، وشی یومارو واز طرف طورپیل دشمن غرق شده است.

« ازین کشتی هائیکه بکمال سکونت وجسارت وظیفه های خودشان را ایفا نمودند زیاده ازین دیگر کار وخدمتی که آرزو شود نبود. حرکات جسورانهٔ این فدائیان از درجهٔ تحسین وآفرین خیلی بالاتر است! اما هزار افسوس که مدخل بندرگاه بوجهیکه قناعت بخش بودسد وبند نگردید وبعضی راه هائیکه درحین حاجت سفاین دشمن ازان گذر کرده بتوانند باقی ماند. و واسعترین این راهها درمابین کشتئی (یاهیکو مارو) وکشتئی (بونه یامامارو) میباشد.

« اجرا کردن این وظیفهٔ مهمه به افراد وافسران فدائی داوطلبی که در تشبثات سد اول مأمور بودند سپرده شده بود . ضایعات مابد بموجب است:

« کوماندان (تاکوهیروزه) وکوماندان (سوغینو) ویك افسر دیگر ویك نفر عسکر تلف شدند . یك صوبه دار زخمدار بسیار سنگین ، ویك کپتان و شش نفر عسکر ویك ماکینیست زخمدار خفیف شده اند . دیگران از طرف دستهٔ کشتی های جنگئی طورپیدوی مارهایی داده شده‌اند .

« کوماندان (هیروزه) و (سوغینو) درسفینهٔ (فوکی‌مارو) بودند که هردوی شان بصورت بسیار قهرمانانه ترك حیات کرده اند . در اثنای لنگر انداختن کشتی ، (سوغینو) به انبار زیرین کشتی برای آتش دادن طورپیل درآمده است ، وهمان جا تلف شده است . « هیروزه » طایفه های کشتی را بسوار شدن قایقها امر نموده ، وخودش برای جستجوی (سوغینو) رفته است . امادرین اثنا یك پارچهٔ بمی بسرش اصابت نموده حالاً هلاك شده است .

« این کوماندان که برای تمام عالم عسکری یك نمونهٔ امتثالی شده است بحرکات جسورانهٔ خود یك تذکار برگزیدهٔ شجاعت واطاعت رابرای تمام رفقای عالم عسکری خویش بیادگار گذاشته رفته است .

« دستهٔ کشتیهای جنگی طورپیدو که مکلف بررهایی دادن افرادفدائی کشتی های مذکوربودند چون اجرای این وظیفهٔ خود را مجبوراً درزیر آتشهای بسیار شدیدد شمن میکردند ازانرو هدف مشکلترین کارها شده‌اند .

« طورپیدو های (آ نوتاقا) و (تی‌سویام) بقدر یك میل بمدخل لنگر نزدیك شده بودند که بایکی ازمخرب طورپیدوهای دشمن برابرشده بلاامان بران هجوم نموده اند وبه آتش بسیار شدید و مدت بسیار کمی کشتئی دشمن را شکاف کرده وماشینش را معطل کرده در دامنهٔ کوه طلا غرق گردانیده است .

« باوجودیکه مدت مدیدی دستهٔ کشتیهای جنگی طورپیدوی ما درزیر آتش دشمن مانده است ولی هیچیکی ازان دوچارخسار نشده است .»

سی و پنجد قیقه ازساعت پنج گذشته بود که دراستحکامات ساحل (پور آرتور) بازازسرنویك اثرتلاش وهیجان پیداشد ! چونکه بازدراستقامت جنوب طورپید های متعدد ژاپون نمایان گردید . مقصدژاپونهاازین هجومهای کوچك کوچك پی هم آن بودکه خصم مدافع خودرا آزاربدهد ، وماندە کند ، وبیتاب وبیتوان سازدوبواقعیکه همچنین هم بود : زیرابعجردیکه یکدو طور پیدوی ژاپون نمایان میگردید روسها بگمان اینکه همه دستهٔ کشتیهای جنگی دشمن هجوم آورده است به تب وتلاش می افتادند وهمهٔ قوهٔ مدافعه مسلح شده مجبور میشدند برینکه هرکس بسروظیفهٔ خود بدود .

استحکامات ساحل درحال برطورپیدوهای مذکور آتش کردند اما چون دیدندکه آنهادرمنزل آتش نمیدرایند دانستندکه ژاپونهابا ایشان تمسخر واستهزا میکنند ازانرو آتش خودرا کسستند .

درساعت ٦ که صبح دمید ، قسم کافی دستهٔ کشتی های جنگی ژاپون نیزبرطرف افق نمایان گردید . لهذا امیرال (ماقاروف) نیزبادستهٔ کشتیهای جنگی خوداز برابری کشتیهای مغروقه درگذشته به بندرگاه بیرونی برامده وبه ترتیبات صف آرائی محاربه آغازنهاد . چون ترتیبات ختام یافت درحالتیکه کروواز ورهای (نوویق) و (بایان) و (آسقولد) درپیش روی همه بود دستهٔ کشتیهای جنگی بحرکت افتاد . وچون بمنزل آتش تقرب کردند کشتیهای جنگی ژاپون مقابله نکرده یکسر بسوی جنوب دورشده برفتند .

درانثنای سد لنگرگاه (پور آرتور) فداکاری که قوای بحریهٔ ژاپون نشا نداد حقیقتاً که مافوق هرگونه مدح وثنا میباشد . بسی بسی افسران ونفراتی بودند که درمخصوص مردن را بجان قبول کردند ، وبرای اکتساب

شان وشرف صفحه های تاریخ ژاپون، بمثالهای اینگونه جلادت ، وشجا عتها حیات خودرا بمکافاة دادند . هریکی ازینها یك قهرمانیست ؛ وحرکا تیکه بران تشبث کرده‌اند از چنان مشکلترین وانع ، ومدهشترین شدائدیست که طبیعت بشریه آنرا قبول کرده نمیتوانند .

هرگاه زنهای ژاپون ازسبب تولید کردن چنین اولادها که در راه حکم دار خود به اینقدر حمیت ، وفدا کاری نشانداده اند بر تمام زنان اوروپا وامریکا اعلان رجحانیت وبرتری بکنند سراسر حق بدست شانست .

افعال حماستکارانهٔ این دلاورانیکه مردن را درراه شرف وشان ملت میکادو ، بزرگترین شرافتها شمرده اند ودرا ن راه جان باخته اند یکان یکان نوشتن خارج دایرهٔ امکانست ازان وبذکر یکچندی ازانها اکتفا میورزیم :

نخستین ذکر این مناقب برگزیده که میبایدبا آب طلا برصفحهٔ بقا نوشته شود به تذکار مناقب کوماندان (هیروزه) آغاز کردنش اولی وسزاست :

کرنیل (هیروزه) برادر کپتان سفینهٔ زرهپوش (اوشیما) ست که بسن پانزده سالگی بمکتب بحریه درامده است .

یکچندسال بعدازانکه ازین مکتب شهادت نامه گرفته برامده بود بمعیت وهمراهئی سفارت ژاپون در (پترسبورغ) (آتشه ناوال) — یعنی افسر بحرئی سفارت تعیین شده بود . دراثنای مدت پنجسالی که درین ماموریت بود مظهر محبت وتوجه فوق العادهٔ رجال حکومت وافسران عسکرئی روسیه گردیده بود . وبه‌اینسبب بر بسیار تفصیلات مفیدهٔ متعلق احوالات روسیه کسب وقوف نموده است راپورتهائیکه دربنباب بحکومت خود فرستاده است هریك مجموعهٔ بسیارقیمتدار معلومات وحوادث بود . بعدازانکه مدت مأموریتش بختام رسیدازراه (سیبیریا) بمملکت خودعودت کرده که درباب احوال اینجاها نیز خیلی تدقیقات وتتبعات نموده است .

درتشبث سداول (هیروزه) کپتان کشتئی (هوقوقومارو) بود . چون کشتئی خودرا به نزدیك مدخل برسانید چهارعددپروژه کتورهای الکتریك ضیاهای بسیار قوتناك شدیدی را براو توجیه نمود، وازاستحکامات مانندباران گله ریختن آغازنهاد . اما باوجود آنهم این کوماندان جسور کشتئی خودرا تا بمحل مقصود درسانید ودرانجا بکمال سکونت و آرامی همهٔ طایفه هارا بقایقها سوار کرده کشتی را به آتش زدن امر داده است . خودش هم در اثنائیکه میخواست به قایق بنشیند . شمشیرش را که درقمارهٔ واپور مانده بود بخاطر آورده بکمال اعتدال دم واپس بکشتی آمده است وشمشیر خودرا گرفته به قایق نشسته است ، ودرهماندلحظه کشتی آتش گرفته غرق شده است .

دریبار (هیروزه) کپتان کشتئی (نوکی مارو) بود ، باز کشتئی خودرا تابدرون کانال مدخل رانده است ، ودراثنائیکه میخواست لنگر بیندازد سفینه باطوربیل دشمن اشتعال یافته است . هیروزه طایفه هارا بقایق سوار کرده . وخودش نیز خواسته است که درقایق بنشیند امادرینوقت (سوغینو) نام افسر بسیار جسور وقهرمان را که رفیق او بود درمیان قایق نشینان ندید بکمال جسارت حیات خودرا به تهلکه انداخته باز بکشتئی نیم سوخته برامد وبه بسیار آرامی درهر طرف کشتی رفیق شجاعت خودرا جستجو کرده است اماچون ازیافتن رفیق خودنومید گشت ، وموجهای آب نیزازسطح کشتی بالا برامد بالمجبوریه خودرا به قایق انداخت .

دراثنائیکه طایفه ها بکمال گرمی وغیرت به پرکشی آغاز نهادند یکپارچهٔ بمی آمده کاسهٔ سر این کرنیل غیور را ازهم پاشانیده ، و وجودش را بدریا پرانیده است .

کوماندان (هیروزه) بسیار باوقار وجدی یك افسری بود . وقتیکه هنوز بمکتب بود درمیان رفقای خود بجسارت وجدیت ممتاز شده بود . به شعر و ادبیات

نیز شوق و هوس داشت. غزلهایی که در (ساسه بو) گفته شده است اکثر آن اثر خامهٔ بلاغت اوست. از مکتوبیکه یکی از امرای عسکریهٔ ژاپون در یکی از جریده‌ها نشر کرده است اینچند سطر آتی را نقل میکنیم :

« اول شناسائی من با (هیروزه) در مکتب بحریهٔ (آتار یشما) در سنهٔ ۱۸۸۸ آغاز نهاده است . در انوقت هنوز (۲۰) ساله بود . (هیروزه) در کشتی گیری ها، و پهلوانیهائیکه باصول ژاپون اجرا میشود فوق العاده اثبات مهارت کرده است .

در سنهٔ ۱۸۹۱ وقتیکه من از (ولادیوستوق) برگشته بودم او به تحصیل زبان روسی آغاز نهاد . اگرچه من بسعی و غیرت خود که درباب تحصیل داشتم خیلی مفتخر و مغرور میبودم ، ولی چون فعالیت (هیروزه) را درباب تحصیل علوم و فنون دیدم انگشت بر دهان حیرت ماندم .

در سنهٔ ۱۸۹٦ هنگامیکه من به معیت سفارت ژاپون در پترسبورغ بمأموریت (آتشه ناوال) تعیین شدم (هیروزه) نیز بهمین مأموریت با من مقرر شد . هردوی ما در یك اوتاق میبودیم ، و بسیار ساعتها و وقتهای خوشی با هم میگذرانیدیم ، اکثر در فن حرب، و احوال کوماندانهای مشهور مباحثات و مناقشات دور و درازی مینمودیم . ولی چون دیدم که باینصورت مانع تحصیل زبان روسئی او میشود از انرو در پنجم طبقهٔ عماراتیکه در ان بودیم برای او یك اوتاقی مقرر کرده تنها در وقتهای طعام باهم یکجا میشدیم .

« درین اثنا خبر وفات مادر کلانش رسیده بدرجهٔ آن بیچاره را متأثر گردانید که بقدر ده روز متمادیاً به اشکریزی بگذرانید . تا آنکه بدرد چشم بسیار شدیدی گرفتار آمد . من بر و یکقدری قهر کردم ، و چون گفتم که اگر دگر گریه کنی سفارت ترا برای معالجهٔ چشمانت بمملکت خواهد فرستاد . بمجرد شنیدن اینسخن بی اختیار از جا برخاسته و اشکهای خود را پاك کرده وعده کرد که بعد ازین دوباره گریه نخواهد کرد ، و بر حزن و کدر خود غلبه کرده چشمانش

هم جور خواهدشد .

« صاحب خانهٔ که دران نشسته بودیم یکشب مارامهمانی کرد، در اثنای طعام صاحبهٔ خانه از خاندان حکمدارئی ژاپون بحث کشاده بعضی کلمات سبك و نامناسبی برزبان راند . (هیروزه) که همیشه درمقابل طایفهٔ نسوان خیلی مشفقانه ومتواضعانه خصلت رامالك بوداز شنیدن اینسخن شعلهٔ غضب در چشمانش بدرخشید و به نگاههای شدید خود بدرستی بقایلهٔ سخن بفهمانید که اگر دیگربار چنین سخن نالایق برزبان براند همانلحظه اورا محو خواهد کرد . بجناب میکادو محبت وصداقت بسیار شدیدی میپرورانید، وهمیشه درخیال آن بود که چسان درراه اوفدای جان بکند . »

بعدازذکر کردن اینحرکت شجیعانهٔ یك کرنیل ، حرکت قهرمانانهٔ یك حواله داری را نیز ذکر کردن میخواهیم :

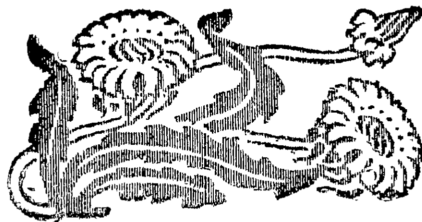
هنگامیکه برای غرق کردن کشتیهای آتش داوطلبان را جمع میکردند در میان داوطلبان (هایاشی) نام یك حوالهداری بود که از حوالهداران صنف دوم کشتئی زرهپوش (میقازا) بود .

این فدائی پرجوش وخروش یك انگشت خودرابریده بخون آن عریضهٔ قبول شدن خود را نوشته است . حواله دار (هایاشی) دراصل پسر یك دهقانی بوده است بزرگترین آرزوهایش این بود که بمکتب بحریه درآید . اماچون درجهٔ تحصیلش بسیار پست بوددر امتحان دخول مکتب کسب استحقاق نمود .

بیچاره (هایاشی) یکمقدار جزوی پیسهٔ که بدست داشت آنرا همه گی کتاب خرید ، وشب وروز متمادیاً در تحصیل کوشش نمود . وباز امتحان داده بدرامدن مکتب موفق گردید ، ودرانجا نیز بسی سعی وغیرت کرده دوسال بعد برتبهٔ حواله دارئی صنف سوم بیرون برامد . پیش از تشبث سد دوم این مکتوب را برای والدهٔ خود فرستاده بود :

«در مکتوبی که پیش ازین برای شما فرستاده بودم نوشته بودم که در ۲۴ فبروری بیک مرگ بسیار ذی شرف و شانی نائل و سزاوار خواهم شد. اما و اسفا که امیدم بهبار رفت . چونکه کشتئی کهنهٔ (قانشیه مارو) که دران سوار بودیم باوجودیکه به گله های آتشهای دشمن پروا نکرده برای رسانیدن خود را بمحل مقصود کوشش ورزید، ولی هزار افسوس که پیش از رسیدن بمحل مقصود بسنگی برخورده پاره پاره شد .

«اینست که درین بار باز خود را در سلک داوطلبان جان نثار مینویسانم، و کوشش میکنم که قبول شوم ، پس هرگاه موفق شدم این مکتوب من وداعنامهٔ آخرینم خواهد بود . فقط * »





دستهٔ کشتیهای جنگی روس چون بدست امیرال (ماقاروف) درامد ، وفعالیتیکه او درینباب اظهار نمود ایمسئله نقلیات عسکریهٔ بحریهٔ ژاپونرا یك چند وقت دوچار توقف نمود . ازجمله اردوی دوم بری ژاپون که در زیر کوماندانی جنرال (اوقو) بوددر حالتیکه یك قسم بزرگ آن درسفینه های نقلیه سوارشده بودندباز هم بخشکه بیرون براورده نشدند،ودر لنگرگاههای (شه مولپو) و (شینامپو) بجریان احوال بحری نظرکرده حاضرباش و منتظر مانده بودند .

مجلس ارکان حربیهٔ ژاپون چنان آرزوداشتند که هنوز این‌اردورا در ماه مارچ بساحل شبه جزیرهٔ (لیائوتونغ) بیرون برارند تا که هم مرور اردوی اول را از (یالو) بواسطهٔ این‌اردو آسان نماید ، وهم خط رجعت فرقهٔ روس را که درساحل (یالو) بود درزیر تهدید وتخویف بدارد . اردوی دوم چون بجائیکه براوردن آنرا نقشهٔ مجلس ارکان‌حربیه‌مقرر کرده بودند براورده نشد ازاثرو درحرکات مرور کردن ازیالو برای‌اردوی‌اول نیز تأخیر وتعطیل رخ داد .

تا به اینزمان نه کشتیهای حرب ژاپونها ونه سفاین نقلیهٔ شان بهیچ ضایعاتی دوچارنشده است . دستهٔ کشتیهای جنگی روس چون یك اثرحیات وفعالیت جزوی‌که درباب گاه‌گاه برامدن‌وبعضی استکشافات اجرا کردن، وگاه گاهی مانوره نمودن‌نشان داد سوقیات عسکریهٔ ژاپون رادر سواحل (لیائوتونغ) دوچارتعطیل گردانیدکه اینهم دلیل‌واضح وبرهان‌روشنیست

بر ینکه هیئت عالیهٔ افسرئی ژاپون باوجود جرأت فوق العاده در تشبثات ، وشدت ومتانت خارق العاده دراجراآت بازهم تاچه درجه بصیرت واحتیاط رارعایت میکنند .

امیرال (ماقاروف) در روزهای اول اپریل نیز برحرکات استکشا فیهٔ خود دوام ورزید وازتحرکات خودنتایج بسیار مفید و خوبی حاصل کرد ، چونکه برای افسران وافرادعسکریك دلیری واعتمادتامی برنفس خودشان، وکوماندان خودشان پدیدارگردید. افسران که تابه اینزمان ازهرنوع تجارب ومانوره محروم مانده بودند ازنتیجهٔ فعالیت کوماندان خود بمانوره کردن ، واصول محاربات طوپچی را بخوبی آموختن آغاز نهادند . مرتبات نیزدر خصوص فن انداخت ، واستعمال ماشین کم وبیش ممارسه وملکه پیدا کردن گرفتند که ازینسبب خوف واندیشهٔ که سابق دردلهای شان جا گرفته بودرفته رفته زایل شده میرفت ، وباخصم شجیع وقهرمان خود مشت وگریبان شدن را آرزو مینمودند .

درهمین اوایل ماه اپریل درژاپونیا یك مجلس عالیٔ حرب انعقاد یافت . درین مجلس درباب ظاهر نشدن اثر فعالیت کشتیهای جنگی ژاپون ازروز (۲۸) مارچ تا به (۱۲) اپریل مذاکره ومباحثه نمودند . درخشکه یك قدم به پیش انداختن ، موقوف برفعالیت حرکات بحریه میبود . حالآنکه بریه وبحریهٔ روس روزبروزکسب قوت مینمودند . لهذا لازم و لابدبود که این دستهٔ کشتیهای جنگی روس را که از چند هفته باینطرف برای ژاپونها موی دماغ شده است بحالت عطالت و بیکاری مبتلا گردانند تا آنکه فارغ البال بعملیات اخراج اردوی دوم ، وپیش بردن حرکات حربیه آغاز نمایند .

برای اینحرکات واسباب لازم می آمد که بر کشتیهای جنگی امیرال (ماقاروف) یك حرکت حربئی بسیار شدیدانهٔ اجرا کرده شود ، امابنابر

ملاحظهٔ دیگر چنان لازم می آمد که قاعدهٔ بصیرت واحتیاط را رعایت کرده شود .
این ملاحظه این بود که امیرال (توغو) این محاربه را که هنوز نو آغاز کرده است از نظر احتمال بسیار دراز شدن ، وامتداد یافتن آن حساب وتخمین میکرد ، وبنا بر نحساب مجبور بود بر ینکه نابتواند کشتیهای جنگی خودرا از خسار وزیان محافظه ووقایه نماید . زیرا هنوز در دست روسیه دو لنگرگاه حربئی بزرگ ، ودرهرلنگرگاه مکمل دستهٔ کشتیهای جنگئی قابل الحرکت ومهمی موجود بود، وعلی الخصوص که دردریای (بالتیك) اوروپا نیز دستهٔ کشتی های جنگئی بسیار مکمل ومنتظمی که درهرزمان حاضر ومهیای حرکت بودند داشت . اما بحریهٔ ژاپون درپئی خود چون چنین یك قوهٔ احتیاطیه رامالك نبود ، وبهمین قوهٔ موجودهٔ خود با تمام قوای بحریهٔ روس بجنگ کردن مجبور بود لهذا میبایست که نابتواند کشتیهای خودرا از ضایعات وخسارات محافظه نماید .

حالآنکه از طرف دیگر این هم خیلی لابدوضروری دیده میشد که ژاپونها اخراج عسکر خودرا بخشکه یك آن اولتر انفاواجرا نمایند، تا آنکه پور آرتور را از طرف خشکه نیز در زیر تضییق وفشار آورده سقوط آنرا زودتر و آسانتر بعمل آرند . زیرا (پور آرتور) هرانقدر که چابکتر سقوط کند . دستهٔ کشتیهای جنگئی که دران متحصن است نیز همانقدر زودتر وچابکتر ضبط ومحو میشود .
حالآنکه مسئلهٔ اخراج عسکر برای محاصرهٔ برئی (پور آرتور) بازهم وقوف بر محوکردن دستهٔ کشتی های جنگئی دشمن بود !

امیرال (توغو) به حل وایفای این وظیفهٔ مشکل مغلق بهم آمیخته محض بسایهٔ ذکاودرایت مخصوصهٔ خویش موفق وکامیاب آمد، ودستهٔ کشتیهای جنگئی روس رامعناً ومادةً به بسی خسارات عظیمه دوچار گردانید . بنگرید که چه نقشه وپلان برای اینکار ، با پرکار ذهن پرکار خود بکشید :

پلان امیرال (توغو) این بودکه بر خط سیری که دستهٔ کشتیهای جنگئی دشمن دایما برای محاربه کردن وباز گشتن بران حرکت مینمود طور پیلهای مدهش ومتعددی بیفشاند، وبعدازان یك حرکت نمایش کارانهٔ نمونهٔ (الحرب خداع) رابکار آورده دستهٔ کشتیهای جنگی دشمن راازبندرگاه بیرون برارد ،وبران طور پیلهای افشانده گی خود برابر آورد ، وبضایعات عظیمه وخسارات کلیه گرفتار نماید! این فکر وترتیب رابه امیرال (ژاپونی) دوسه چیز تلقین نموده بود: اولا میدانست که درمیان گرو وازورهای روس سفاین سریع السیر کمتر است ،وثانیاً تنگئی مدخل بندرگاه نیز معلوم بود ، ثالثاً (ولادیووستوق) نیز خیلی دور بود که بدین سه سبب هرگاه دستهٔ کشتیهای جنگئی دشمن برای محاربه براید مجبور است که باز به بندرگاه عودت کند ، وچون خط سیر وحرکت این خروج ورجوع امیرال (توغو) رابخوبی معلوم بوداز روپلان خود در ابموقع اجرا وتطبیق بنهاد :

ژاپونها در بدایت حرب هیچ یك کشتئی (طورپیل) رامالك نبودند لهذا برای برطرف کردن این نقصان (قوریومارو) نام یك واپور بزرگ تجاری را بحال کشتئی طورپیل تحویل دادند ودر بعضی مخربهای طورپیدو نیز ترتیبات وضع نمودن طورپیل را ساختند ، بعدازان امیرال (توغو) نظام حرب ،وطرز انقسام دستهٔ کشتیهای جنگئی خودرادر پیشگاه پورآرتور بدینصورت ترتیب داد:

کشتیهای جنگی شمارهٔ (۱) (زرهپوشها) سرعت فی ساعت (۱۸) میل	کشتیهای جنگی شمارهٔ (۲) گرو وازورهای زرهپوش سرعت فی ساعت (۲۰) میل	کشتیهای جنگی شمارهٔ (۳) گرو وازورهای محافظه شده سرعت فی ساعت (۲۲) میل	
اسامی	اسامی	اسامی	
آساهی	نیشین	چیتوزه	
میقازا	قازونغا	طاقازاغو	
حاتسوزه	آساما	قازاکی	
شیکی شیما	طوکیوا	یوشینو	سرعت
فوجی		اقاشی	۱۹
یاشیما		نی تاقا	۲۰

از دستهٔ کشتیهای مخرب طور پیدو نیز
بحرکات واقعه این سفاین اشتراک
کرده است

از فرقهٔ (۱)	ازفرفهٔ (۲)	ازفرقهٔ (٤)	از فرقهٔ (٥)
آساشیو	ایقازومی	موراقومو	حاروزامه
قازومی	ینا جوما	شیرانوهی	حایاقوری
آقانزوکی	او بورو	بوکبری	آساکبری
	آقه بونو	قاغه رو	مورزامه

ارسفینه های طور پید نیز اینها بودند

ار فرقهٔ (۹) : — شیدوری ؛ مونا زورو ؛ قازازاکی ؛ عایابوزا
از فرقهٔ (١٤) : — جوبامه ؛ حانو ؛ قاری ؛ حاشی ؛ تاقا

این است که امیرال (توغو) بااین دستهٔ کشتیهای جنگئی که مذکور شددر شب (۱۱) اپریل بسوی (پور آرتور) توجه نمود، وبمسافهٔ که ازهیچ یك بلندترین ترصدگاه ساحل دیده نشود نزدیك شد .

تیره کئی ظلمت شب چون عالم راخوب فرا گرفت ، امیرال خودش بالذات فرقهٔ (٤) وفرقهٔ (٥) مخربهارا . وفرقهٔ (١٤) طورپیدوهارا ، با کشتئی طورپیل (قوریومارو) همراه گرفته به بندرگاه بیرونی رفت .

این دستهٔ کشتیهای جنگی درنیم شب به آنجا واصل گردید . هوا خیلی خراب بود، متصل باران میباریدوشدت باریدن باران مانع روئیت میشد .

طورپیدو های ژاپون ازین شرایط هوائیه استفاده کرده درمواقع معینهٔ بندرگاه خارجی درهرجابوضع کردن طورپیل موفق وکامیاب آمدند .

امااین رانیزبگوئیم که چهارعدد وژه کتورهای ساحل متمادیاً براطراف نشر

ضیا مینمودند. وسفاین متعدد روس نیز وظیفهٔ دیده‌بانی پیش رو را اجرا میکردند.
باوجود اینهمه بیداری وهوشیاری روسها، به‌این موفقیت خود، ژاپونها همانقدر که افتخار ومباهات کنند روسها نیز باید همانقدر خجل وشرمسار شوند.
اسباب موجبهٔ این غفلت روسها نیز بدینصورت ایضاح میشود:
عدد سفینه‌های دیده‌بان پیش رو یکی این بود که خیلی کم، وافسران آنها نیز بدقت واهتمام نقصان داشتند. ودیگر اینکه باران خیلی بشدت از ابرهای دمه آسای سطح بحر همیریخت، ودرچنین هوای بسیار خراب، جهتهای دورلنگر گاه خارجی رادیدن ممکن نمیشد. پروژه‌کتورهای الکتریك نیز در اوقاتیکه هوا بارانی ورطوبت زیاد باشد اطراف را بخوبی روشن نمیکنند.
والحاصل ازغفلت وعطالت روسها، واینهمه مساعده ومددکاری هوا، ژاپونها استفادهٔ خوبی کرده، وبراجرای پلان وضع نمودن طوربیلهادردریا موفق وکامیاب آمده بازپس عودت، وبه‌قسم کلی ملحق شده‌اند.
همهٔ طوربیلها — یعنی نقبهای بحرئی ژاپونها که درکشتئی (قوریومارو) بارکرده بودند اثر اختراع یکی ازمعلمین دار الفنون (توکیو) بودکه بامرکبات پرشده بود. تأثیری که این مرکبات اجرا مینمود چنان تخمین میشد که ازهمه طوربیلهای که تابه اینزمان مستعمل شده است بسیار فایق وبرتر باشد. اینست که این آلات مدهشهٔ ناریهٔ جدید الاختراع اول بار بمقابل دستهٔ کشتی های جنگئی روس اجرا کرده میشد. به بینیم که نتیجهٔ آن چه میشود؟

وقایع ۱۲ اپریل

صبح روز ۱۲ اپریل هنگامیکه خورشید معظم باکمال احتشام درافق پورآرتور جلوهٔ دیدار نمود، ازطرف پورآرتور یان دیده شدکه درمنتهای افق (۶) قطعه کرووازورهای کوچك دستهٔ کشتیهای جنگئی سوم، وهمه دستهٔ کشتیهای جنگئی دوم طورپیدوهای ژاپونی نمودار گردید. این کشتیها

بسببی که مسافهٔ مابین مدخل وایشان تبدل وانحراف نمیورزید بخوبی دانسته شدکه برجای خود ثابت، وبندرگاه ومدخل رادرزیر ترصدوانحصار گرفته‌اند.

روشنئی صبح دنیارا روشن ساخته بودکه طورپیدوهای روس ازدیده‌بانی وپهرهٔ لیائوتیشان فارغ شده برای استراحت به بندرگاه برمیگشتند. امّا سه قطعه ازین طورپیدوها بسبب ظلمت طوفان وشدت باران به قسم‌کاری رسیده نتوانسته بودند، صبح بساعت (٦) دیده شدکه طورپیدوهای مذکور تمام قوت خودرا بماشین های خودداده درپیش، وطورپیدوهای ژاپون بکمال سرعت وشدت درپئی آنها افتاده‌اند.

دوطورپیدوی روس بسبب سرعت سیری که داشتند اگرچه سالماً به بندرگاه رسیده توانستند، ولی طور پیدو های ژاپون راه بر(ستراشنی) نام واپورطورپیدوی روسی بریده ازمسافهٔ بسیارکمی بروبچنان شدت آتش کردندکه درزمان بسیارکمی طورپیدوی روسی را بقعربحرنایاب غریق گرداب فنا گردانید.

کرووازور (بایان) روسی که درپیش مدخل بندرگاه درقراولی ودیده‌بانی میبود چون طور پیدو را بحال تهلکه دید به امداد آن دوید، ولی تااو میرسیدکارازکار گذشته بود. کرووازور (بایان) اگرچه بدور راندن مخربهای ژاپون موفق شدولی کشتئی (ستراشنئی) خودرا رهایی داده نتوانست. حتی کشتیهای ژاپون رااز رهایی دادن غرق شدگان (ستراشنی) نیزبتوپ منع نمود. غیراز پنجنفرکه ازطرف کشتئی (بایان) رهایی یافت دیگرجملهٔ مرتبات (ستراشنی) باخود اوملبس جامهٔ فنا گردیدند.

درین اثنا دستهٔ کشتیهای جنگی سوم ژاپون بر کشتئی (بایان) حرکت کرده کشتئی مذکور بااین قوت متفوق مقابله کرده نتوانست، وباطوپهای خودبه آتش دشمن جواب داده داده رجعت نمود.

قسم کای دستهٔ کشتیهای جنگئی روس، درین اثنا به ترك کردن بندرگاه داخلی، وبیرون برآمدن به بندرگاه خارجی مشغول بود . ویس امیرال (ماقاروف) دستهٔ کشتیهای جنگی خودرا امرداد که دستهٔ کشتیهای جنگئی ژاپون را ازین حوالی بدور براند :

کشتئی (بایان) به پیش ودرطرفین آن سفینه های طورپیدومیرفتند . درپئی این ها (پترویاولوفسك)، (پولتاوا)، (دیانا) (آسقولد).(نوویق) میرفتند . کشتیهای روس از بسیار مسافهٔ دور به آتش ژاپونهاجواب میدادند، ورفته رفته از (پور آرتور) دور میشدند .

قسم کائی دستهٔ کشتیهای جنگئی ژاپون درین اثناتقریباً (۳۰) میل از (پور آرتور) بجهت جنوب غربی درپشت سرجزیره های (میا ئوتاو) بنظام حاضرباش ایستاده بودند . ویس امیرال (توغو) ازدستهٔ کشتیهای جنگی فرقهٔ سوم ژاپان که درپیش روی دستهٔ کشتیهای جنگئی روس به توپ اندازی میپرداخت بمجردیکه این تلگراف بی سیم را گرفت :

[روسها مارا تعقیب، کردن گرفتند ودرپئی ما افتاده اند] بهمانلحظه دستهٔ کشتیهای جنگئی (۱) و(۲) را امر حرکت داد .

امیرال (توغو) ازدمهٔ که سطح دریارافرا گرفته بود . استفاده کردن خواسته برای آنکه دفعتهً بردستهٔ کشتی های جنگی روس که درپئی دستهٔ کشتیهای جنگی سوم افتاده هجوم نماید به پیشراندن شتاب ورزید .

مقصد دستهٔ کشتیهای جنگی سوم ژاپون چون دورکردن دستهٔ کشتی های جنگی روس راازبندرگاه واستحکامات ساحل بود ازان وبنظام ازهم کنده وپریشان درپیش پیش دستهٔ کشتیهای جنگی روس رجعت میکردند .

ازساعت (۸) (٤۰) دقیقه گذشته بود که یك باد شدیدی برخواست . دزیایکی یکبار ازدمه رهایی یافت . دستهٔ کشتیهای جنگی روس که درپئی دستهٔ

کشتیهای جنگی سوم ژاپون ، بقدر (۱۵) میل ازپور آرتوردور شده بودند ، بناگهان دستهٔ کشتیهای جنگی ژاپون را که دوچند قوت اوبود در مقابل خود بدید . لهذاامیرال « ماقاروف » بسرعت تمام امرباز گشت را بداد . درین اثنا کشتیهای (پوبیه دا) و « پره سوه یت » و (سیواستپول) روسی نیزبندرگاه داخلی را ترك کرده به بیرون برامده بودند .

امیرال (توغو) دستهٔ کشتیهای جنگی روس رابه تعقیب کردن آغاز نهاد . ژاپونها بردوخط ، نظام محاربه رااخذ کرده بودند : خط اول مرکب اززرهپوشهای (میقازا) ، « آساهی » ، (فوجی) ، « یاشیما » ، (هاتسوزه) بود . کرووازورهای (نیشین) و « قازوغا » نیزدرجهت راست این خط میبودند . خط دوم راچارقطعه کرووازورهای صنف دوم تشکیل میداد که درپیش روی آنها زرهپوش (شکیشما) اخذ موضع نموده بود . کرووازورهای (آساما) و « توکیوا » ی صنف اول ژاپونی بر محافظهٔ جناح یسار دستهٔ کشتیهای جنگی بمقابل هجوم طورپیدوهای روس مأموربود .

دستهٔ کشتیهای جنگی ژاپون بسرعت ۱۸ میل فی ساعتی دستهٔ کشتی های جنگی روس راتعقیب میکرد . امادستهٔ کشتی های جنگی روس پیش ازانکه بزن آتش مؤثردستهٔ کشتیهای جنگی ژاپون دراید به التجابردن بزیر حمایهٔ استحکامات ساحل موفق وکامیاب آمد .

امیرال « ماقاروف » بگمان آنکه ژاپونها (پور آرتور) رابزیر بومباردمان خواهند گرفت ازان رو برای آنکه بانوپهای استحکامات ساحل یك معاونت خوبی بمقابل دستهٔ کشتیهای جنگی ژاپون برساند درجهت شرقی بندرگاه ونزدیك (کوه طلا) به نظام واسع ، وکشاده بگرفتن ترتیبات محاربه امر نموده .

ازساعت (۹) (٤۰) دقیقه گذشته بودکه ازطرف سر زرهپوش « پترو پاولوفسك » که کشتی سواری خودامیرال روسی بود ، و « گراندوك سیریل » که

از شهزاده گان روسست نیزدران بود یك ستون دود تیرهٔ بسیار بزرگی بهوا بلند شد ! ودرعین همان زمان دوعمود فوارهٔ شعله پاشی بطرف سما ترفع نمود . وپئی هم سه چاردفعه صدا های مدهش کفیدن اشتعال بسیارعظیمی شنیده شد . ازمیان این دودهاوشعله هادیده شدکه طرف سرسفینه درزیر سطح آب غوطه خورده ، وطرف دنبالهٔ آن درحالتیکه چرخ سکان آن بهوا معلق مانده بود بلند شده بود ، بعد ازلحهٔ که باین وضعیت ماند دفعتهً بشدت تمام بیکطرف میل کرده درضرف دودقیقه درمیان موجهاغرق وناپدید گردید!!

زرهپوش (پترو پاولوفسك) بیك طور پیلی تماس کرده بود که یکشب پیش ازین ژاپونهادرانجا گذاشته بودند . خودامیرال (ماقاروف) ، ورئیس ارکان حرب قونترامیرال « مولاس » ، وقسم اعظم (٥٧٦) نفرمرتبات آن درمیان موجهاوشعله ها محو ونابود گردید . تنها (٧) نفرافسرو(گرا ندوك سیریل) وکپتان کشتی که بصورت وخیم زخمداربود ، و(٧٣) نفر ازمرتبات رهایی داده شده است که اینهانیزاکثر زخمی بوده اند .

این سفینهٔ زرهپوش مغروقه بیك ملیون یعنی ده لك طلای انگلیزی بردولت روسیه تمام شده بود ، وبنام بندرگاه « پتروپاولوفسك » یادشده بود! حالا نکه قیمت خودامیرال خیلی بزرگتر ازین بود !

بعد ازغرق شدن کشتی کوماندان ، امر واداره کردن دستهٔ کشتیهای جنگی راامیرال پرنس « اوحتومسکی » که بزرگترین ، وقدیمترین افسران دستهٔ کشتیهای جنگی بوددرعهده گرفته عودت نمودن کشتیهارابمدخل امرنموده .

این است که درین اثنافلاکت برفلاکت دیگرضم وعلاوه گردید . یعنی کشتی زرهپوش [پوبیه دا] نیزبیك طورپیلی مصادمه نمود ، وبصورت بسیار مدهشی رخنه دارگردید واینهم بشدت بیك طرف میل کرد ، ولی چون بما شینش ضرر نرسیده بود کشان کشان خود را تابدا خل بندرگاه

رسانیده توانست .

زرهپوش (پتروپاولوفسك) زخم مدهش طورپیل را تام برجگرگاه خودخورده بود . دربالای همین نقطه جبخانه ومهمات ناریهٔ طوپها ، ومرمیات طورپیدوها موجودبود . عددمرمیات - یعنی کارتوسهای طوپهای بزرگ بقدر (۴۰۰) دانه موجودبود . اینست‌که خزینهٔ موادناریه بمجرد کفیدن طورپیل اشتعال ورزیده ویك ماشین طرف سرکشتی را ازهم پاره پاره کرده است . ویك قسم بزرگ سفینه راخوردوخاش کرده ومانندسیلابها آب در درون کشتی هجوم نموده درحال غرقش کرده است . واین مسئله تحقیق نکرده ونخواهدکردکه آیا امیرال (ماقاروف) بچه صورت وچه کیفیت وفات کرده است ؟ .

کسانیکه دردالان طبقهٔ زیرین بودهیچ یکی تخلیص نفس نتوانسته بودند . کسانیکه برسطح واپوربودند یك قسم بسیار آنهاسوخته ، ویك قسم درمیان دود خفه شده ، ویك قسم بتاثیر صدمهٔ که بوقوع آمد محو وتلف شده‌اند . شهزاده (کراندوك سیریل) ازسطح واپورخودرابه بحرانداخته وبعدازان که یك مدتی شناوری کرده ازطرف کشتیهای دیگر رها نیده شده‌است .

دراثنای اشتعال درنهایت یك جهت پل کوماندان امیرال (ماقاروف) ، ودرنهایت جهت دیگر (کراندوك سیریل) میبود . مشارالیه وقتیکه بروسیه عودت میکرد در (خاربین) بیك مخبرانکلیزی احتساسات حال فلاکت خودرا به اینصورت نقل وبیان کرده است :

«یکی یکبارچنان گمان کردم که زمین ، آسمان ، دریاباهمدیگر مصادمه کرده دنیا هرج ومرج گردید . ازپایان یك ستون شعلهٔ علو فشانی که چشمهارامیدرخشانید بطرف بالا بلند گردید ؛ بعدازان یکصدای مهیب جانخراشی شنیده شد ؛ درحال یکدود خفه کنندهٔ بسیار تیره ومضیق مارااحاطه کرد ، رویم سوخته . وچشمانم

سیاهی کرده بود . در آن واحد مانند دیوانه گان سرسام شده بودم ! نهایت یك کمی عقل بسرم آمده دیدم که جهت سر (پتروپاولوفسك) غرق شده میرود ، و سطح و اپور لحظه بلحظه بر آب میشود . نعشها و جسدهای بیشماری که در هر هر طرف سطح و اپور افتاده بودند آب های دریا آنهارا روفته بدریا میبرد ! در هر هر طرف آثار انقاض حیات و ممات دیده میشد ! یکی یکبار خواستم که از پل کوماندان فرو آیم . چون بنزدیك زینه رسیدم یکدود بسیار گرم و چسپناکی برمن هجوم کرده این آرزوی مرا منع نمود . آرزوی یگانه ام این بود که خودرا بدنبالهٔ کشتی برسانم . بهزار مشکلات از زینه فرو آمدم . درمیان دودها ، وشعله ها و خرمن اعضای بشریه پیشرفتم ! همه قوتم راجمع کرده برقلهٔ طوپ برامدم و ازان جا خود رابدریا پرتاب کردم ! فکر کردم که میباید برروی آب یك مدتی بسیار باید شناوری کنم . تاخودرا از گرداب عظیم وتلاطمیکه دراثنای غرق کشتی دردریا بحصول آمده است وارهانم . این فکر عقلم را بدهشت میانداخت ! تضییق و فشار آب تابوقتیکه شقیقه هایم رابدرجهٔ کفیدن رسانید درزیر آب بودم بعد ازان برروی آب برامده بجگرم هوای تازه داخل گردید ! تاآنکه بختم یاری کرده یك تخته پارهٔ از انقاض کشتی بدستم آمد . برای دیدن کشتئی (پتروپاولوفسك) به اطراف خود نظر انداختم تاآنکه نظر وداعیهٔ آخرین باشد . اما بجز دریای ساکن وملایم دیگر هیچ چیزی ندیدم . بلی ، برروی دریا بجز یکچند پاره چوبی ، ویکچند انسانی که برای تخلیص نفس خود کوشش میکردند دگر هیچ اثر وعلامتی که دلالت برین فلاکت عظما کند موجود نبود !! نمیدانم که ازین میان چقدر زمان گذشته بود بعد ازان آموختم که درمابین اشتعال وغرق یك دقیقه وچهل ثانیه گذشته بود . »

مامور اشارت ومخابرهٔ سفینهٔ زرهپوش (پتروپاولوفسك) (بوقحوف) نام شخصی که ازجملهٔ رهائی یافته گانست نیز بدینصورت حکایهٔ حال کرده است :

« بسوی بندر گاه برمیگشتیم ؛ من در دائرهٔ سکان کشتی بودم وصحیفه های دفتر اشارت را ورق میبردم . آخرترین امر امیرال (ماقاروف) . این بود : (سفینه های طورپیدو به بندر گاه داخلی عودت کنند .) سفینهٔ زره پوش بسبب تبدیل نظام خیلی آهسته آهسته حرکت میکرد . یکی یکبار یك لرزهٔ بسیار مدهشی بحصول آمد . بعد ازان صدای یك اشتعال وکفیدن مدهش‌وهولناکی شنیدم ؛ درپئ این اشتعال یك اشتعال مدهشتر ومخوفتر دیگر نیز برامد! همانلحظه بطرف دروازه دویدم لاکن در وازه را بازکرده نتوانستم،وخودرا از حجره بیرون‌انداختم . دیدم‌که کشتی‌بیك بغل‌میل‌کرده بنای‌غرق‌شدن رادارد . دریك‌جهت‌پل‌یك‌افسری رادیدم‌که بروافتاده‌بود . این افسر امیرال «ماقاروف» بود! ازهرطرف پارچه های انقاض ، واعضای بدن خوردوخاش شده ، وآهن پاره ها ودیگرمواد مانند باران میریخت ! آه وانین مجروحین و دیگر بسی صداهای دهشت قرین شنیده میشد . و همهٔ این مناظر الم انگیزرایکدودبسیارکثیف وغلیظی‌ستر وپنهان میکرد . موجهای آبیکه درکشتی هجوم‌نمودمراازجائیکه‌بودم برداشته ببرد ! بعدازان بیك چیزی‌که برروی آب بود دست اندا ختم . افتادن دیرکهای کشتی را بیاد دارم دیگرهیچ چیزی نمیدانم ! »

درمیان تلف شدگان یکی از رسامان و مصوران روس‌که (وه رچا کین) نام داشت وبتصویر کشتی وقایع حربیه شهرت شعار بود نیز موجود بود . مومی الیه درجوانی بفکر آنکه بسلك بحریه دراید به مکتب بحریه داخل گردید . امابعدازان برسامی سلوك کرده درکشتیهای حربی درجا های بسیاردور سیاحتهااجرانموده قابلیت صنعتکارانهٔ خودرااوسعت داده است . دراینبار به نیت آنکه وقایع محاربات اقصای شرق را ثبت دفترخاطرات نماید ، ودر آینده لوحه های مصوررسیا قیمتداری‌ه علوشان‌وموفقیتهای روسیه

را بعالم اعلان کند از پترسبورغ به اقصای شرق عزیمت کرده است .

این صنعتکار محترم بعد از چندروزیکه برای مردن درمابین موجهای بحر به (پور آرتور) رسیده بودسن (۶۲) سالگی غرقهٔ بحر فنا گردید .

یك شخصی که این فاجعهٔ غرقشدن زرهپوش (پتروپا ولوفسك) را از (پور آرتور) مشاهده کرده بود دید نیهای خود را بدینصورت حکایت وبیان میکند :

« سفینهٔ (پتروپاولوفسك) آهسته آهسته پیش میرفت . به انتظار محاربهٔ که قریباً وقوع آن درمد نظر بود همهٔ ماساکت ومستغرق سکون بودیم . درینوقت کشتی امیرال به برابری پشته سنگ قلهٔ الکتریك رسیده بود ؛ طور پیدو هانیز به بندرگاه میدرامدند . اینست که درین زمان از جهت راست سر (پتروپاولوفسك) یکدود سفیدی بلند شد و دو بارنی هم یکصدای مهیبی خفه شدهٔ بهم پیچیدهٔ شنیده شد . بعد از لحظهٔ همهٔ سفینه را یکدود نارنجی رنگی احاطه نمود . بادوربین اینقدردیده میشد که بسیارچیزهای متنوع بهوا بالاشده بازپس میریخت و علو ها وشعله ها یکسر بهوا بلند میشد . کاسه برجهای دیرکهاپاره پاره گردید کسانیکه در اطراف من بودند صداهای الم انگیز . [غرق میشود ! غرق میشود ! !] را اظهار مینمودند . بحقیقت که کشتی امیرال بیکطرف کج شده ازطرف سرغرق شده میرفت . تاآنکه دودکشهاودیرکهاوتماموجودکشتی ازنظرنهان وبطرف قعربحرپویان گردید . بجای انتظار امید پرورانهٔ که یك آن اول دردلهابود حالا یك سکوت الیم ومؤثرقائم گردید ! »

این حادثهٔ غیرمأمول درمیان دستهٔ کشتیهای جنگی روس ناقابل تعریف یك پریشانی وسراسیمگی برانگیخت . هرسفینه چنان گمان میکرد که نوبت فلاکت حالا باو نیز خواهد رسید قسم اعظم افسران وکوماندانان کشتیها

ازترس حیران بودندکه چه کنند ، ونمیدانستندکه چه امربدهند .

همهٔ کشتیها چنان اعتقاد میکردندکه بریکساحهٔ مهلکی که همهٔ آن باطور پیلهامستور است میباشند . لهذا همه افواه ناریهٔ کوچك و بزرگ خود را بسوی دریا دورداده برای اشتعال دادن طورپیلهایکه درزیرسطح بحروبر خط سیرکشتیهافرض میکردند مانند باران گله ریختن آغاز نهادند . استحکامات ساحل نیز بریك دشمن گمانی وخیالی متصل آتش میکردند . سفائن حربیهٔ روس نظام محاربهٔ خودرا فراموش کردند . عاقبت بهزار مشکلات یکی پی دیگربه بندرگاه داخلی درامدند .

امیرال(توغو) بعدازانکه این احوال مؤلمهٔ دستهٔ کشتیهای جنگئی روس را ازدوربکمال سکونت تماشا کردبعداززوال به دستهٔ کشتی‌های جنگی خود امرعودت راداد . دراول امربرای پنهان داشتن جهت حرکت خودبه اینطرف و آنطرف دوروگردش کرده بعدازان بازدرجوار(پور آرتور) اما ازدائرهٔ روئیت دشمن بیرون بیك نقطهٔ آمده درانجا توقف نمود .

درین روزکه برای بحریهٔ روس سرازنویك روزماتم شمرده میشودضایعات روسها بروجه آتیست :

ازصنف درجهٔ نخستین یك زرهپوش، ویك طورپیدوی بزرگ، با(۶۰۰) نفر انسان غرق وناپدید گردید؛درمیان اینهایك کوماندان هیبت نشانی موجود بودکه نقطهٔ یگانهٔ امید واستناد یك کتلهٔ جسیم بشریت بود ، وبسایهٔ متانت ودرایت خویش دستهٔ کشتیهای جنگئی(پور آرتور) را که بهجوم نخستین دشمن سراسرازحرکت محروم مانده‌بود دریك زمان بسیارکمی حیات تازهٔ بخشیده بود .

یك زره‌پوش دیگر نیزازصنف اول بصورت بسیاروخیم دوچارخسارت شده بوده

﴿ ترجمهٔ احوال امیرال ماقاروف ﴾

امیرال (ماقاروف) درسنهٔ (۱۸٤۸) در (۲۹) دسمبر بدنیا آمده که ازین حساب در اثنای وفات خود (٥٦) ساله بوده است .

مومی الیه حسور، متین ودرفن حرب بحری صاحب یدطولا ومالك فکر عملی یك کوماندان بود . غیرازین مهندس، کیمیاگر، واقف علم احوال میاه، واز ارباب اختراع بود . تألیفات او درنزد متفننین فنون بحریه خیلی قیمتدار است . بعضی از آثار او بزبان ما — (یعنی زبان ترکی عثمانی) نیز ترجمه شده است .

اختراع نخستین امیرال (ماقاروف) ساختن بعضی ترتیبات مخصوصهٔ بود که برای منع کردن هجوم آب از رخنه های که بگلّه ها در کشتی کشاده میشود خیلی مفید مینمود . این ایجاد (ماقاروف) بمرور زمان نتیجه های بسیار خوبتری بخشیده در دیگر ممالك بصورت خوبتر تطبیق واکمال شده است .

درمیان آثار مهمهٔ امیرال (ماقاروف) (یه رماق) نام سفینهٔ یخ شکن شایان ذکر وتحسین است که بااین کشتی خودش بالذات دربحر منجمد شمالی تجربه ها اجرا کرده بود .

امیرال (ماقاروف) ذکاودرایت جبلی خودرا درهمهٔ خدمات ماموره خود آشکار واظهار نموده است .

دروقتیکه (۲۹) ساله بود کپتان وکوماندان کشتئی (کراندوک قسطنتین) شده بمقابل خدمات جرئتکارانه وتهلکه ناکی که دران کشتی ایفا نموده غیر ازان که بدو نشان تلطیف شده است یك قبضه شمشیر طلاهم باو احسان شده بود .

در سنهٔ (۱۸۸۰) (ماقاروف) باجنرال (سقوبلوف) به ترکستان رفته ودر هجوم (کوك تپه) که حاکمیت روسیه را دران حوالی همین هجوم برپاساخت اشتراك ورزیده است . درسنهٔ (۱۸۸۲) کپتانئی سفینهٔ (ویتیاز) که از کرو

وازورهای منتخبترین آن دوربود دربحرمحیط اجرا مینمود .

درسنهٔ (۱۸۹۰) به رتبهٔ قونتر امیرال ترفیع نموده بمفتشئی طوپچئی بحریه ، و بعد از یکمدتی به کوماندانی تعلیم دستهٔ کشتیهای جنگی بحر (بالتیك) تعیین گردید . بعداز چهارسال کوماندان دستهٔ کشتیهای جنگی بحرسفیدروسیه شدکه این دستهٔ کشتیهای جنگئی مواخراً به مناسبت حرب (چین — وژاپون) به اقصای شرق رفته بود . بناءً علیه امیرال (ماقاروف) آبهای اقصای شرق را بصورت بسیارمکمل میشناخت .

درسنهٔ(۱۸۹۹) بسرکوماندانئی بندرگاه (قرونشتاد)تعیین شد . هنگامیکه بسرکوماندانئی دستهٔ کشتیهای جنگئی اقصای شرق تعیین میشد درهمین مأموریت بود .

مومی الیه درمانورههای که دروقت کوماندانی های دستهٔ کشتیهای جنگی بحرسفیدو بحربالتیك اجرا کرده بود مهارت ودرایت خودرا برهمه گان ظاهر و آشکار ساخته بود . انگلیزها امیرال (ماقاروف) راخوب شناخته بودند ، واوضاع واطوار ومتانت افکار اورا لایق افسران انکلیزی یافته بودند ، نه افسران روسی !

طالع شئامت انگیزی که از(۸) فبروری سنهٔ (۱۹۰٤) لاینقطع عقب گیری کرده آمده است فدا شدن امیرال (ماقاروف) رابابك طورپیل حیله کارانهٔ حربی نتیجه بخشید .

اینست که یك مشت موادناریهٔ جسیمترین زرهپوشها ومشهورترین کوماندانهارا دران واحد محووفنامیسازد !

یك آلت حرب کوچکی که عبارت ازیك پیپ طورپیل باشد ، به ثقلت (۱۲) ملیون کیلوگرام یك کتلهٔ جسیمهٔ را درلمحهٔ بصرمحو نمود . پس بنگرید که اینچه تأثر ست لهذا کسانیکه به لوحه های زره فولادی (٤۰) سانتیمتروی کشتیهای

زرهپوش خود مباهات میکنند درین عصر (۲۰) که فنون وصنایع واصل مرتبهٔ بالاشده خیلی عجب مینماید !

هر آن قدرکه صنعت ومعرفت ترقی میکند وسائط تخریبیه نیز با آن نسبت تکمل و افزونی میگیرد ، وانسان که همهٔ این قوتهای مهمه را بساحهٔ علانیت و میدانگاه صنعت بیرون بر آورده باز در پیش روی محصول فکر واختراع خود عاجز و ضعیف میماند !

انسان چه مخلوق غریبی است ! در حالتیکه کنه و حقیقت الکتریك رانی ، بلکه ماهیت حقیقیٔ یك ذرهٔ عالم رانیز نمیداند در راه استحصال مقاصد خود از الکتریك ، وازخوفناك ترین قوای طبیعیه استفاده میکنند . ودر حالتیکه از دفع کردن وکم ساختن تأثیرات مخربهٔ قوهٔ مذکوره سراسر عاجز میباشد از استعمال مدهش ترین مواد ناریه از برای تلف ساختن هم نوع خود هیچ خودداری نمینماید!



این موفقیت وکامیابیٔ عظماکه برای دستهٔ کشتیهای جنگی ژاپون مفت ورایگان وبدون ضایعات نمایان حاصل گردید درژاپونیا یك سرور بزرگی حاصل کرد . ناظر بحریه امیرال (یامامونو) به اینصورت یك تلگراف تبریکنامه به امیرال (توغو) فرستاده است :

« درین یك هیچ شبهه نیست که این موفقیت شعشعه ناك محض از اثر فضایل عالیهٔ حضرت میکادو دوست . باوجود آنهم حرکات فداکارانه وسعیهای شجیعانهٔ افسران ومرتبات‌یکه درزیر کوماندانی شما بودنیز در بخصوص دخل عظیمی دارد .

« اطوار وحرکات افسران ومرتبات مذکوره الحق که سزاوار هرگونه ستایش وآفرینست به شما و جمله افسران و مرتبات لیاقتمند شما تبریکات صمیمی خود را تقدیم میکنم وتا وقتیکه ایفای این وظیفهٔ بزرگ که درعهده گرفته ایم درمد نظرما باشد دائما طهار کردن همچنین غیرت وطن پرورانه

خود مارا امیدوار میباشیم . هدف مقصد هنوز دور ست ؛ لهذا برای ایفای کال وظیفهٔ که بر مالازمست میباید که همهٔ ماسعیها و کوششهای خود را متحد سازیم .»

ژاپونها به وفات امیرال (ماقاروف) بسیار متاثر شدند . چونکه مومی الیه در اثنای اقامتش در ژاپونیا با بسیاری از رجال حکومت معارفه پیدا کرده بود ؛ وهم رفیق تحصیل امیرال (توغو) بود .

درروزیکه امیرال (ماقاروف) غریقهٔ گرداب فنا گردید امیرال(توغو) بیرق (شمس طالع) کشتی (میقا زا) را که دران سوار بود برای علامت ماتم تابه نصف فرو آورد . ودر پیش روی همه امرا واركان حرب این نطق عالیجنابانه رابرخواند :

« رفیقان ! امروز چون یکی از رفقای تحصیل ودوستان صمیمی ام امیرال (ما قاروف) فدای شئامت بیطالعی خود گردیده ازان سبب خیلی متأثر و دلخون میباشم . اماچه چاره که و جدانم مرا بر ترتیب دادن این خدعهٔ حربیه ازبهر منافع دولت که ازهرچیز در پیش من مقدس ترست مجبور نمود . درین دقیقه اگرچه ازین سبب که یك رفیق دراتمند خود را محو کرده ام خیلی متأسف میباشم، ولاکن دستهٔ کشتیهای جنگی ماچون مظفریت بحریه رابکمال شان وشرف حاصل نمود خیلی مسرور وممنون میباشم ! »

در تمام ژاپونیا وعلی الخصوص درشهر (قوبه) برای استراحت ارواح روسها که درراه وظیفه وخدمت محو شده اند باقانوسهای سفیدیك مراسم تعزیه اجرا شده است . دردست بسیارکسان بیرقهای بود که بران این کلمات نوشته شده بود :

« بوفات امیرال دلاورروس همهٔ ژاپونیا تأسف میکنند ! »

درین مراسم موزیکه — یعنی باجه خانه های نظامی به مارش ماتم ساز میشدند !

مقصد حقیقی ژاپونها این بود که دستهٔ کشتیهای جنگی روس را بر خط طورپیل که افشانده بودند سوق نماید . همه حرکات دستهٔ کشتیهای جنگی ژاپون ازین نقطهٔ نظر سوق و ترتیب شده بود .

ژاپونها طورپیلهای خود شانرا بر همین نقاطیکه دستهٔ کشتیهای جنگی روس برای بومباردمان در انجا اخذ موقع نمودن را عادت کرده بود افشانده بودند .

باوجود آنهم ساحهٔ اینقدر دریای واسع را با طورپیل بحال تهلکه آوردن محال مینمود .

متخصصین بحریه این فلاکت دستهٔ کشتی های جنگی روس را محضا از اثر تصادف ویك بدبختی حمل میکنند .

دریك اثر تألیفیکه از طرف شعبهٔ استخبارات نظارت بحریهٔ المانیا نشر شده است این سطرها را میخوانیم :

« هرگاه تفکر کنیم بخوبی ظاهر و آشکار میگردد . که مؤکل حرب بصورت بسیار علانیه درباب غرق کشتیٔ امیرال روس، ژاپونیانرا در زیر حمایت گرفته یاری و مددگاری داده است . چونکه دراثنای یکمد تیکه عبارت از نیم یکشب بود درمیان بندرگاه خارجی بسیار واسع « پور آرتور » ژاپونها آیا چقدر طورپیل وضع کرده توانسته باشند ؟ البته که نسبت بمدت وقت ، یك مقداری جزوی افشانده توانسته خواهند بود . ازین مقدار کم یك طورپیلی بیاید ؛ و یکی ازز رهپوشهای صنف اول ،که آنهم زرهپوش سواری امیرال باشد اصابت کند وکشتی ، وامیرال ، وهمهٔ ارکان حربیه و جملهٔ مرتبات را در آن واحد غرق و نابود سازد آیا بجز یاریٔ مؤکل حرب دیگر چه خواهد بود ؟!! »

بعضی ارباب فن حرب امیرال « توغو » را مواخذه و خرده گیری میکنند که چرا ازین پریشانی و اضطراب که در دستهٔ کشتیهای جنگی روس

حاصل شده بود . استفاده نکرده برچنین سفائن حربیهٔ که سرافسر کل آن تلف شده وازدیگران سررشتهٔ مانوره وامردادن کم شده یك هجوم مدهشی نبرد ، ودستهٔ کشتی های جنگی روس رابیك هزیمت کاملهٔ دوچار نمود ؟

این موآخذه نابجاست . چرا که امیران ژاپونی درینجا احتیاط رابکار برده است . چه نکه از تهلکهٔ طورپیل خود اونیزمیترسید . دیگر اینکه دستهٔ کشتیهای جنگی ژاپون هرگاه میخواست که کشتیهای روس رادرزیر یك آتش مؤثری بگیرد مجبور بودکه لااقل بقدر (٤) کیلومتروبآ نها نزدیك شود . حالا نکه اگر به اینقدر مسافه نزدیك میشد درزیر دائرهٔ تأثیر استحکامات ساحل میدرامد . که درانحال بمحاربه کردن بادودشمن مجبورمیگردید .

این موفقیت (۱۲) اپریل ژاپونها برای افکار ونظریات معترضین سفائن جسیمه یك دلیل ظاهری نوی بظهور آ ورده است چونکه اینهامیگویند:

« مادامیکه یك زرهپوش بسیاربزرگی که بصرف شدن ملیونها بوجود آمده است ، بایك سلاح تحت البحر بسیارارزانی درظرف یکدودقیقه محو ونابود شده میتواند ، پس دولتهایی که اقتدار بهمرسانیدن دستهٔ کشتیهای جنگی زرهپوش بزرگ راندا شته باشد برای آ نهاطورپیدوهاونقبهای تحت البحری سلاحهای مکمل مدافعه وتعرض شمرده میشود .

امازدیگر طرف اینرانیزازنظردقت دورنباید داشت که استفاده کردن وموفق آمدن ازین سلاحهای تحت البحرازطرفین مخاصمین ضعیفترین آنها نی بلکه قوتمندترین آ نهامیتواندکرد .

والحاصل در(۱۳) ماه اپریل دستهٔ کشتیهای جنگی ژاپون ازنقطهٔ اس الحرکات باربه پیشگاه (پورآرتور) عودت نمود . درخارج بندرگاه هیچ یك سفینهٔ دشمن دیده نمیشد .

در(۱۵) اپریل بوقت صبح و. قه های مخرب (۲) و(٤) و(٥) وفرقهٔ

طورپیدوی (۹) به بندرگاه خارجی آمده بجستجوی طورپیلهای که از جای خودشان خطا خورده بودند آغاز کردند، یکچند طورپیلی را یافته برهوا کردند،

ساعت (۷) دستهٔ کشتیهای جنگی (۳) و (۱) و (۲) در پیش بندرگاه خارجی آمده دریك نقطهٔ که مدخل را درزیر ترصد داشته باشد اخذ موقع کردند .

گروه و ازورهای (نیشین) و (قازوغا) بجوارساحل غربی (لیائوتیشان) رفتند، وازانجا به بندرگاه داخلی به اجرای آتش آغاز نهادند . طوبخانه های ساحل و کشتیهای که دردا خل بندرگاه لنگر انداز بودند به این آتش ژاپونها مقابله ورزیدند .

بعدازظهر دستهٔ کشتیهای جنگی ژاپون رجعت کرد . ازین بومباردمان که ژاپونها (۱۸۵) مرمی صرف کردند نتیجهٔ بسیار جزوئی حاصل گردید .

اینست که حرکات بحریهٔ که از سه روز دوام نموده موجب نتائج وخیمهٔ روسها گردید به اینصورت خاتمه پذیر شد .

درروز (۲۲) اپریل روسها یك مصیبت دیگری نیز گرفتار شدند که آنهم یك اشتعالی بود که از وضع نمودن طورپیل درپیشگاه (پور آرتور) بوقوع آمد وموجب تلف شدن (۲۰) نفر و (۱) افسر گردید .

بنابرخبر وفات (ماقاروف) امیرال (الکسیه ف) از (موکدن) به (پور آرتور) آمده وتا بوقتیکه دیگر کوماندانی مقرر شود کوماندانی دستهٔ کشتیهای جنگی بحر محیط کبیر روس را درعهده گرفت . تا آنکه بجای (ماقاروف) امیرال (سکریدلوف) که کوماندان سابق دستهٔ کشتیهای جنگئی بحر سیاه بود تعیین گردید .

درروسیه بعداز امیرال (ماقاروف) مشهورترین امیرالها همین بود (سکریدلوف) حرکت خروج امیرال (ماقاروف) را ثواب وجایز نمیدانست حتی این فکرخود را به یکی از مخبرهای جریدهٔ فرانسوی بیان کرده بوده واینه نیز بصورت محرمانه به مخبر مذکور فهمانیده بوده که سرافسر بزرگ آنست

دستهٔ کشتیهای جنگئی (پور آرتور) و (ولادیووستوق) را یکجا وباهم بتواند • وبه این میال بود که دستهٔ کشتیهای جنگی را بحرکات بیرون برامدن بی نتیجه بی تاب وتوان نباید کرد • بلکه منتظر بلك فرصت فائده مند گردیده به ظهور نمودن آن فرصت دستهٔ کشتیهای جنگی را بشدت استعمال باید کرد •

حرکات دستهٔ کشتیهای جنگئی ولادیوستوق

{ از ۲۳ اپریل تا به ۲۷ آن }

کوماندان (رایزه نشتاین) که به کوماندانئی دستهٔ کشتیهای جنگئی طور پیدوی (پور آرتور) تعیین شده بود • بجای آن قونترامیرال (یه سه ن) مقرر گشته بود • امادر بنبار کوماندان دستهٔ کشتیهای جنگئی کروواز ورروسیه که در (ولادیووستوق) بودند تعیین گردید •

قونترامیرال (یه سه ن) که اصل المانیست بمقصدی که فکر تشبث کارانهٔ مرتبات کشتیها محکوم عطالت نماند در (۲۳) اپریل علی الصباح با کروواز ورهای زره پوش (روسیا) و (غرومبوی) و (بوغاتیر) (وروریق) ودو طورپیدو از بندر گاه خروج نمود •

کروواز ور (روریق) بمجردیکه از بندرگاه برامد در ماشین آن بلك خسارتی بوقوع آمده روز دیگر به بندرگاه برگشت • دیگر کشتیها یکسر بسوی (ژه نسان) توجیه حرکت کرده در (۲۵) اپریل پیش از ظهر به بندرگاه مذکور مواصلت کردند •

ازبیم آنکه مبادا در پیش روطورپیل و نقب دریایی باشد دستهٔ کشتیهای جنگئی از بندرگاه بقدر (۵) میل دورتر اخذ موقع کرد تنها طورپیدوها بمقصد استکشاف بدرون بندرگاه درامدند • در بندرگاه به کشتی حربی و نه کشتی تجاری موجود بودتنها (قویومارو) نام یك معونهٔ کوچکی موجود بود که آن هم ازطرف طورپیدوهای روس بعد از انکه طایفه های آنرا بخشکه براوردند غرق گردیده

است • اهالی ژاپون که درانجا بودند فرار کردند ، قوهٔ محافظه نیز راستعمال کردن آتش جسارت نتوانستند ، چونکه اگر چنین میکردند بیم آن بود که دستهٔ کشتیهای جنگی روس شهر رادر زیر طوپ بگیرند • چارساعت بعد طور پیدوها باز به دستهٔ کشتیهای جنگی خود التحاق کردند •

دستهٔ کشتیهای جنگی (ولادیووستوق) بعداز استکشاف (ژه نسان) باز بدریا برامده دروقت شام بیك کشتئی تجارئی ژاپونی تصادف نمود که این کشتی ارزاق ومأکولات ودیگر لوازمات برای عسکر ژاپون بارکرده میبرد • کرووازور (غروموبوی) بعدازانکه مرتبات کشتی را که عبارت از (۱۲) نفر ژاپونی و (۱۵) نفر کوریه یی بود جمله رادر نزد خود بصفت اسیر حرب نگاه داشت کشتی مذکور را که (تاقامورا) نام داشت غرق نمود •

درساعت (۱۱) شب دستهٔ کشتیهای جنگی روس بیك کشتی نقلیهٔ بزرگ ژاپون که (کینشومارو) نام داشت تصادف نمود • این کشتی بچاپ (٤٧) میلیمترو با (٤) دانه طوپ میترالیوز — یعنی طوپ آتشفشان ازسیستم (هوچکیس) مجهز بود و برای دستهٔ کشتیهای جنگی امیرال (قامیمورا) که درساحل شرقی (کوریه) گردش داشت زغال وجبه خانه وارزاق میبرد ، وغیرازین یك بلوك افرادمعاونه که بفرقهٔ (٤) پیاده منسوب بود بایك چندنفر مسافر رهرو درین سفینه موجودبود این بلوك بعدازان که درحوالی قصبهٔ (ایوهن) که در ساحل شرقی کوریه کائن ست اجرای استکشاف نموده ازراه بحربه (ژه نسان) عودت کردن میخواستند •

سفینهٔ (کینشو) درانشب ازسبب غلاظت وکثافت یك دستهٔ تیره (٤) سفینهٔ طورپیدورا که برفاقت این کشتی مأموربودند گم کرده بوده کپتان کشتی نقلیهٔ مذکور چون کرووازورهای روس راازدور دیدندبگمان آنکه دستهٔ کشتیهای جنگی امیرال (قامیمورا) ست به دستهٔ کشتی های جنگی مذکور اشارت

داد که زغال آورده است . روسها اشارت رادانستند قونترامیرال (یه سه ن) گرووا زور (روسیا) را بیشتر فرستاده خودش بادیگر کشتیها یکنیم کیلومتر ودورتر بماند .

یك مخبر جریدهٔ ژاپون احوالی راکه درین اثنا وقوع یافته است به اینوجه تصویر وحکایه میکنند :

« امکان فرار متصور نبود ، کپتان کشتی (میچوغوش) افسران بحریه را بنزد خود جلب کرده برای مذاکره کردن با کوماندان دستهٔ کشتیهای جنگی روس بکشتیهای روس رفتنشانرا تکلیف نمود وخوداو نیز با آنها یکجا به گرووا زور (روسیا) عزیمت کرد . روسها همهٔ اینهارا محبوس کرده به (سبریا) فرستاد .

افسران باقی مانده مابین خود عقد مجلس کرده بمذاکره ومشاوره آغاز نهادند . درین اثناسه نفر اسیر روسی به کشتیهائیکه افسران ژاپانی دران آمده بودند ، سوار شده به سفینهٔ (کینشو) آمدند . وتکلیف کردند که باهمهٔ افسران و مرتبات تسلیم سلاح کرده عرض اسارت بکنند ، و یا آنکه سفینه را باایشان یکجا غرق خواهند کرد ، و برای مشورت کردن یکساعت باایشان مهلت داده بازپس گشتند .

« نیمشب بود ، دمهٔ که یکساعت پیشتر جهانرا فرا گرفته بود سراسر رفع و زائل گشته کرهٔ قمر انوار لطیف خودرا برسطح دریای آینه مثال همیریخت ! کپتان تولی مذکوره که (شیما) نامداشت درنزد افراد آمده فکر وقرار خودرا به آنها تعیین نمود ! درکشتی نقلیهٔ (کینشو) یك سکوت عمیق حکمفرما بود . جمله افراد عسکری ژاپون درقات میانه گی کشتی جمع آمده بودند . یك قسمی ازینها بلا حرکت برجای خود ایستاده بودند ویك قسم دیگر به پر کردن تفنگها و سوار کردن سرنیزه های خود شان مشغول بودند ! سرحواله دار تولی خریطه ها و نقشه ها واوراق رسمیهٔ سائره را بجمع کردن آغاز نهاد . یکی از حواله داران دیگر همین چیزهارا از نزد افراد جمع نمود . بعد ازان همهٔ این اوراق

را به آتشدان وابور انداخته محو وفنا نمودند .

« از بهر آنکه روس ها را بر احوال خود هیچ سررشته ندهند نمبر های غنند خود شانرا که بر سرشانه کیهایشان بود بر کنده بدریا انداختند .
در وقتیکه این کارها میشد از نیم شب یکساعت گذشته بود — یعنی از زمان مهلتی که ازطرف روسها داده شده بود گذشته بود . درین آن یك طور پیدوی روس بطرف سرکشتی ژاپون آمده اخذ موقع نمود ! بنابرین کپتان (شیما) باز بنزد افراد تولی خود آمده به آنها فهمانید که چارهٔ سلامت ونجات نماند بعد ازین هرچه که آرزو دارند اجرا کنند ودر حرکات خود مختار و آزاد هستند . افراد مذکوره از شنیدن این کلام کپتان خود به دالان دیگر افسران خود آمدند . تاکه بیاموزند که افسرانشان چه خیال دارند وایشان نیز آن ها را پیروی کنند . دروازهٔ دالان بسته بود چونکه افسران مذکور که بدالان بودند باخود چنین قرار داده بودند که عار اسارت را قبول نکنند وبا کشتی یکجا محو ونابود شوند . لهذا همهٔ شان در دالان در آمده دروازه را بر خود بسته بودند وبغرق شدن کشتی انتظار داشتند . افراد چون آمدند بعضی از افسران برینقرار دادند که تا جان داشته باشند با دشمن پنجه زنند وبعد از ان بمیرند ! ! اینقرار را (ترادا) نام صوبه دار داده بود .

« کپتان (شیما) یکچند دقیقه بعد از انکه افراد را بسر خود ترك کرده بود (قو ریزو) و (جوریزاقا) نام دو حوالدار از اسیر افتادن بدست دشمن خود کشی کردن را مرجح شمردند ، ودر پیش روی صد یگر ایستاده باتفنگچه یکدیگر خود را در یك ان ویك زمان تلف نمودند ! بعضی از افراد نیز آن ها را پیروی کردند . دهباشی (اوقانو) شمشیر خود را کشیده شکم خود را با آن پاره نمود .

« کپتان (شیما) وحوالدار (حانیموتو) با (٦٠) نفر دیگر قرار دادند که تا به نفس واپسین با دشمن به سلاح مقابله کنند باوجود ان هم تنبیه نمود که تا

ازطرف روسها آتش نشود زنهار استعمال سلاح نکنند . زمان مهلت چون گذشت روس ها به آتش کردن آغاز نهادند . ژاپون ها نیز به آتش شدید تفنگ به آن ها مقابله کردند . عاقبت حال نزدیکشده بود یك طوربیل روس آمده دروسط کشتی (کینشو) اصابت نمود وکشتی رادوپاره ساخت ! درظرف (١٣) دقیقه کشتی غرق گردید وباتمام کشتی نشینان خود درمیان موجها ناپدید گردید !!

اما عسکرهای ژاپون تاصرف شدن آخرترین کارتوسهای خود بمقابل روس‌ها به اجرای آتش دوام ورزیده اند ودرنهایت امردرحالتیکه نداهای (زنده باد میکادو !) رابه سموات بلندمیکردند بقعردریاغوطه خوارگرداب فنا گردیده‌اند . !!»

این اثرمقاومت ومردانگئی که ازین یك مشت عسکرژاپون بمقابل دستهٔ کشتیهای جنگئی روس بظهور آمد حقیقتاً چنان حرکت قهرمانا نه ایست که درتاریخ جلادت عسکری بخط زرین نوشته باید شد . درمیان مسافران رهروان کشتی (کینشو) ده نفرتاجر بود که اینها در اول امر درفلوکه ها سوار شده نگریختن قرارداده بودند . یکی ازینها درحق جریان وقعه این تفصیلات را میدهد :

« درکشتی غیرازکپتان کشتی یك مأمور محاسبهٔ بحریه ، و (٤) افسرکوچکی بحریه . و (١٤) نفرکشتیبان وازعساکربریه (٦) افسرو (٧٣) نفرعسکر و (٧٧) نفرافراد معاونه و (١٠) نفرمسافر رهرو و (٧) نفرطایفه که جمعاً (٢٥٨) نفر شود موجود بود . ازیك نفر پرسیدم که آیا رفقای شما چه قرارداده اند بجواب گفت :

« این کشتی را که جان خود ما را به آن سپرده‌ایم هیچ یکی ما اصلا ترك نخواهیم کرد . پیش ازان که ازژاپونیا برآییم اینچنین یك مرگی را آرزو می

کردیم اما برشما دل ما خیلی میسوزد چرا که تاجر هستید ٠

« من درکار خود متحیر بودم درین اثنا دیگر تاجرها نیز درنزدم آمده بعد از مشاوره ومذاکره دریك فلوکهٔ نشسته برفرار قرار دادیم ٠ از بهر آنکه از طرف گرووازور (روسیا) دیده نشویم (۷) نفرما در فلوکه درازافتادیم و(۳) نفر دیگر بقوت تمام به پرکشیدن آغاز نهادیم ٠ از خوبی طالع ما قمر نیز درین اثنا در زیر ابرها پنهان گردید ! بقدر (۲۰۰) مترو دور شده بودیم که یکصدای طوپی شنیدیم درعقب این صدای طوپ صداهای شیلیك تفنگ بگوش مارسید ٠ مادایما براستقامت غربی میرفتیم بعداز (۲) ساعت یك ظلمت دمهٔ کثیف هرطرف مارا استیلا کرده جهت استقامت خود را گم کردیم تاآنکه بساعت (۹) شعاعات شمس اطراف را روشن ساخته باز براستقامتی که داشتیم به پرکشیدن دوام ورزیدیم سردی ، گرسنه گی ، تشنه گی ، مانده گی ، وجود همهٔ مارا بیتاب وتوان کرده بود ٠ نهایت بعد اززوال ازدور یك جزیرهٔ کوچکی دیده به آنطرف توجیه حرکت نمودیم ٠ این جزیره جزیرهٔ (سین فو) بودکه درساحل شرقئی (کوریه) موجود بود ٠ »

باسفینهٔ (کینشومارو) (۷۳) نفرژاپونی غرق شده، و(٤٥) نفر رهایی یافته است ٠

کپتان (شیما) چون برعسکر خود تنبیه کرده بودکه تا ازطرف دشمن آتش نشود ایشان به آتش آغاز نکنندازان وتا بوقتیکه از گرووازور (روسیا) آتش میشد درکشتی (کینشو) یك سکوت عمیق بیك انتظار الیم حکم فرمابود!

عدم مهارت و ممارسهٔ روس ها را درنشان انداختن این واقعهٔ کوچك نیز یك مثالی تشکیل کرده است ٠ چونکه بریك واپورتجارتئی که ازمدافعهٔ نفس خود عاجز، ودرمسافهٔ کمتراز (۱۰۰) متر بود، میبایست که اول طوربیل خود شانرا برهدف اصابت میدادند ، حالآنکه طوربیل سومین کشتئی (کینشو) را غرق نمود ٠

در (۲۷) اپریل بوقت شام دستهٔ کشتی های جنگئی روس بسرعت تمام به (ولادیووستوق) بازدرامد دستهٔ کشتی های جنگئی (قامیمورا) تابه (۲۷) ماه در (ژه نسان) منتظر سفینهٔ (کینشومارو) مانده ، بعدازانکه برماجرا کسب اطلاع نمود درپی دستهٔ کشتی های جنگی روس افتاد . امادستهٔ کشتی های جنگی روس چون همانشب به بندرگاه (ولادیووستوق) درامده بود ازین تعقیب (قامیمورا) هیچ یك فائدهٔ حاصل نشد .

(٤) طور پیدوی ژاپون درشب (۲۹) اپریل درخلیج (اوسوری) که درجهت جنوب شرقی (ولادیو وستوق) کا ئنست ظهور نمود . قسم کلی نیز بوقت صبح به پیشگاه جزیرهٔ (آسقولد) آمده است . اما بعد از پیشین دستهٔ کشتی های جنگی ژاپون بازبراستقامت جنوب وا پس رفته است .

ژاپونها ازین حرکت خروج دستهٔ کشتی های جنگئی روس باز به اندیشه افتادند ومعلوم شدکه موا صلات ونقلیات عساکریهٔ شان در بحر های اقصای شرق هنوزدرزیرامنیت نمیباشد .

اگرچه موفقیت کشتی های روس دراثنای این خروج خیلی جزوی وبی اهمیت بود ، وضایعات ژاپون نیز کم واعتباری نداشت . اماسفائن روس این فعالیتیکه اجرا نمود دستهٔ کشتی های جنگی ژاپونرا دوچار انقسام کرده انظار دقت شانرا از (پور آرتور) به اینطرف جلب نمود که این هم فائدهٔ بزرگی برای دستهٔ کشتی های جنگی روس رسانیده است . وهرگاه از اول محاربه دسته های کشتی های جنگی (ولادیووستوق)و (پور آرتور)توحید حرکات کرده این مانوره ازطرف هردوی شان مشترکاً بکمال شدت ومهارت اجرا میشد نقلیات عسکریهٔ ژاپون بتأخرات وتعطیلات عظیمی گرفتار میشد .

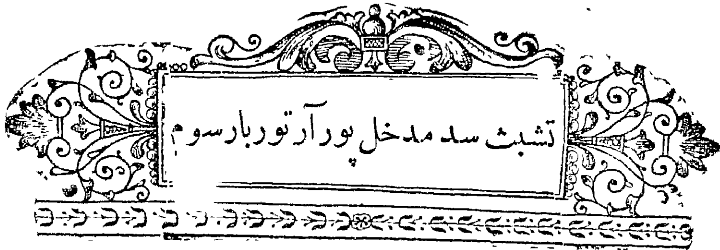
حالآنکه بعداز واقعهٔ غرق شدن (پتروپاولوفسك) این تشبثات واقعهٔ قونتراامیرال (یه سهن) برجریان عمومئی احوال حرب هیچ یك تأثیرمهمی

اجرا نتوانسته است .

در اینجا یك سوال وارد میشود که چرا ژاپونها دستهٔ کشتی های جنگی (ولادیووستوق) را ترصد نکردند و گذاشتند که در بحر اجرای حرکات کنند .

حالآنکه قسم کلی دستهٔ کشتی های جنگی ژاپون در بحر اصفر در پیشگاه (پورآرتور) مشغول حرکات بود . و برای ترصد بندرگاه (ولادیووستوق) دیگر قوهٔ کافیه را مالك نبود . و بایك چند کروواز ور خفیف ترصد آن عدیم الامکان مینمود . بناءً علیه ژاپونیان درین مسئله حق داشتند بر ینکه در بحر از ادمنتظر فرصت بوده هر وقت که خبر دستهٔ کشتی های جنگی (ولادیووستوق) را بگیرد بایك قوهٔ فائق در جستجوی آن بر اید . واینرا هم ژاپونیان درمد نظر داشتند که اگر یك بار بادشمن تصادف نمایند حساب خود شانرا به آنها یکبارگی تسویه ویکطرفه خواهند کرد . لهذا الاجار تابظهور آنفرصت بتعجیزات و تصدیعات دستهٔ کشتی های جنگی (ولادیووستوق) تحمل میکردند .





(۳ ماه می)

درنهایت ماه اپریل هنگامیکه اردوی نخستین برّی ژاپون بر گذشتن نهر (یالو) تشبث مینمودند بر امیرال (توغو) نیز این وظیفهٔ مهمه گذاشته شده بود که دستهٔ کشتی های جنگئی پورآرتور روسیه را در بندرگاه حبس کند . مواصلات وارتباطات بحریهٔ اردوی مذکور برّی که از ژاپونیا تا به (ریقاحو) [که ازیالو (۲۰) میل مسافه دارد] نگذارد که دستهٔ کشتیهای جنگئی روس تعرض وحمله آوری بتواند . بناءً علیه در (۲۸) اپریل بسیاری از کشتی های جنگئی وطورپیدو های ژاپونی در پیش گاه (پورآرتور) عرض وجود نموده یکچندساعت ها گشت وگذار نمودند . لهذا دستهٔ کشتی های جنگی روس در وقتیکه ژاپونها بحرکات عسکر گذرانئی خود ازنهر یالو مشغول بودند بر هیچ یك حرکت تعرضکارانهٔ تشبث واقدام نتوانستند وازانسبب هیچیك مصادمهٔ درمابین دسته های کشتی های جنگی روس وژاپون بوقوع نیامد .

ژاپونها بعدازانکه اردوی نخستین خودرا ازیالو گذرانیدند خواستند که یك اردوی دیگر خودرا ازجهت شرقئی نیم جزیرهٔ (لیااوتانغ) بیرون برآورند، وبرای این اخراج درجوار (پچهوو) یك جایی را انتخاب کردند که ازین جاتابه پورآرتور (۶۵) میل بعد مسافه دارد . پس اگر یکچند کروازور یا یکچند طورپیدوی دشمن بر کشتی های نقلیهٔ بطئی الحرکهٔ پر ومملو از آدم ولوازمات هجوم ویاشبخون زندتهلکهٔ عظیمی برای اردوی ژاپون میباشد . ازینسبب ویس امیرال (توغو) بارسوم باز برسد کردن مدخل پورآرتور

تشبث نمود . این تشبث سوم چنان تشبث جسورانه و فداکارانه ایست که در تواریخ محاربات بحریه نظیر و مثیل آن بسیار کم و نادر دیده میشود .

برای این تشبث هریك بحجم (۲۰۰۰) و(۳۰۰۰) (تون) دوازده عدد سفینه انتخاب شده بود که درمیان آنها غیر از انکه مانند کشتی های تشبث های اول مواد ثقیله ومشتعله پر شده بود ، هریکی ازانها باتوپ های خفیفی نیز مجهز شده بودند .

برای این سیاحت شهرستان مرك باز بهزاران دلاوران ژاپونیان بکمال ذوق و شوق دواطلب برامدند، وبرای حاصل کردن این شرف وشان خیلی فداکارانه مسابقه ها کردند .

بهر سفینه سه سه افسر داده شده بود، وکوماندانئی همهٔ این دستهٔ کشتیهای جنگی به کپتان (میوزد حایاشی) سپرده شده بود . بااین دستهٔ کشتی های جنگی برای مقابلهٔ طورپیدوهای روس (آقاکی) و«چوقاکی»نامدو وابورطوپ کش، وفرقه های (۲ — ، ۳ — ، ٤ — ٥) مخربها ، وفرقه‌های(۹، — ۱۰، — ۱٤) طور پیدوهارفاقت میکردند تاآنکه هم محافظه ومدافعهٔ کشتی های آتش را بکنند ، وهم بعدازتمام شدن کار مرتبات را رهایی بدهند .

روز (۲) ماه اپریل بوقت شام دستهٔ کشتی های جنگئی ژاپان جزیرهٔ (حایاتو) را ترك کرده یکسر بسوی (پور آر تور) حرکت نمود . و همه گی مانند یك کتلهٔ جسیمه نی بلکه از استقامت های مختلف حرکت کردند تاآنکه نظر روس هارا بخود جلب نکنند . دستهٔ کشتی های جنگئی مذکوریکی ازاستقامت ساحل غربی ، ویکی ازاستقامت ساحل شرقی بردو فرقه تقسیم شده حرکت نموده یکسر بسوی مد خل حرکت نمودند .

اما باد بسیار شدیدیکه درین شب بوزیدن امده بود دریارا بسیار قهر آلود ساخته بود . لهذا بعد از کمی نظام ارتباط فرقه ها از هم گسسته

کوماندان دستهٔ کشتی های جنگی امید نتیجه بخشیدن کار را ضعیف دیده امر
باز گشتن را بکشتی ها داد ، ولی این امر از طرف چهار کشتی فهمیده شده
دیگر کشتی ها بر راهیکه داشتند دوام ورزیدند •

ساعت یك ازشب گذشته بود که از یکطرف استحکامات ساحل واز
دیگر طرف کشتی های (اوت واشنی) و (کیلیاق) وغیره مینا چی که کشتی های
دیده بان بودند طورپیدوهای ژاپون را دیده بشدت تمام آتش کشادند •

والی عمومی امیرال (الکسیه ف) در ابتدای محاربه به سفینهٔ (اوتوا
شنی) درامده حرکات دفع هجوم را بالذات اداره نمود •

صفهای کشتیهای ژاپون بسبب خرابی هوا وطوفانی بودن دریا بفاصلهٔ
نیم نیمساعت در پیشگاه (پور آرتور) ظهور مینمودند وبسوی مدخل پی
هم پیش میشدند • انحال کشتیهای ژاپونها امر مدافعهٔ روسها را بسیار آسان نمود •

کشتیهای حریق از طرف روسها بیك آتش بسیار مؤثر وشدیدی استقبال
شدند وچونکه دو چار تعرض طورپیدوهای دشمن شدند تنها دو کشتی آن
بدرامدن مدخل موفق شدند ودر انجا از طرف مرتبات آن غرق گردیده
اند • بعضی از کشتیهای حریق به طور پیلهایی که از طرف روسها افشانده
شده بود تصادف نموده بر هوا شده اند ، متباقی آنها نیز با آتشهای طوپهای
استحکامات وطورپیدو های روس در نقطه های مختلف بندرگاه خارجی
غرق گردیده اند •

آتش طوپهای روس تا بساعت « ٤ » صبح دوام ورزیده است ، وجبه
خانهٔ بسیاری صرف کرده است • تنها از کشتیها وطوپخانه ها (۲۵۰۰) مرمی
انداخته اند •

این حرکت قهرمانانهٔ ژاپونها سراسر بی نتیجه نمانده بود ، چونکه بواسطهٔ
سفائن مغروقه • مدخل برای کشتیهای بزرگ سد شده بود • وبرای کشتیهای

خورد بو سعت (۱۰۰) متر و یك خط سیر مانده بود . امازره پوشها و کرووا زورهای زره پوش در (پور آرتور) تا یك مدتی محبوس ماندند و با دریا ارتباط شان منقطع گردید . باوجودیکه طورپید وهای ژاپون فعالیت و مساعی فداکارانهٔ بلیغ نمودند اما باوجود آنهم تخلیص مرتبات کشتیهای حریق خیلی مشکل شده بود . چونکه تنها آتشهای دشمن نی بلکه طوفان دریا نیز موانع عزیمهٔ پیش میآورد . بناءً علیه تنها (۸) افسر و (۳۶) نفر عسکرها یی داده شده توانستند ، ضایعات عمومی ژاپو نها در ینشب به (۲۰) افسر و (۱٤۰) نفر بالغ شده است و بعضی طورپیدو ها نیز به خسارات جدیه گرفتار آمده است .

یکی از محررین روس که بصفت مخابر جریده در (پور آرتور) میبود و (دانشه نقو) نام داشت، صحنهٔ میدانگاه محاربهٔ امشبه را از ذروهٔ کوه (طلا) تماشا کرده و مشهودات خود را بر وجه آتی حکایه کرده است :

« بساعت یك شب یك یکبار صدای طوپ طنین انداز شد ؛ از کوه طلا تا به بسیار دور جاها یك خط برقئی بدر خشید ! به ضیای پروژه کتورهای الکتریك ا دور یك کشتیٔ آتش ژاپونی دیده شد . کوه طلا با صداهای مهیب طوپ ها بلرزه درامد ! قمر نیز بصورت بسیار خیره و تیره نشر ضیا مینمود . دمه تمام افق را استیلا کرده بود ، وازمیان این دمهٔ تیره یك خط ضیا دار — یعنی شعا عات الکتریك نفوذ مینمود . اگرچه دستهٔ کشتی های جنگئی دشمن درمیان تاریکی دیده نمیشد ولی کرووا زورهای دشمن که کشتی های آتش و طورپیدوهای خود را حمایه و محافظه میکرد دسته های شعاع الکتریك خود را متصل برما سوق مینمود . تمام قلعهٔ (پور آرتور) در حال فعا لیت بود هر طرف آتش میافشانید . درهر طرف ولوله ها شنیده میشد . کشتی های آتش دشمن همهٔ اینطوفان آتش را بنظر بسیار حقارت

دیده بیك جسارت قهرمانانهٔ پیش میشدند . سه طورپیدوی دشمن که به پیش روی دیگر کشتی هابود وبقدر (۷) کیلومترودوربودیکی ازانها بصورت بسیاروخیمی دوچارخسارشده دوعدد آن واپس گشتند..معمافیه کشتی های آتش مستریحانه وبی پروایانه به پیش می آمدند .

« ساعت یکنیم بود که کشتئی پیشروترین آتش دشمن نمایان گردید . این کشتی خیلی بزرگ و بسیار سفیدیك کشتی بود ، درمیان ضیای الکتریك وامواج دریا بسرعت پیش میآمد بعدازین یك کشتی دیگرنیزکه ازین کشتی بزرگتربود درپی اولی درمیان موجها نمودارگردید . مرمی های مادراطراف آنها می بارید . اما سکونت واعتدال دشمن جداً حیرت افزا بود ! کشتی که در پیش روبود غرق گردید . کشتی نشینان آن درحالتیکه صداهای زنده باد (میکادو !) را بفلك میرسانیدند درمیان موجها غائب گردیدند . این کشتی را یك کشتئی دیگرکه باگله های طوپ ها شکاف شده بود تعقیب نمود .

« کشتی های مذکوررادوکشتی دیگرنیزازعقب پیروی داشت . اماپیش ازانکه بمدخل برسند از طرف طوپ های استحکامات غرق گردیدند . ژاپون ها درأثنای غرق تیرهوا درمیدادندتاآنکه کیفیت غرق خودرابدیگر رفقای خود اخبار کنند .

« کشتی ششمین نیز در جنوب غرق گردید . درین اثنا کشتئی هفتمین که ازهمه بزرگتر و شکل آن رفته رفته بضیای الکتریك یك منظرهٔ خوف ناکی پیدا میکرد درمیان آتش های طوب های ما بکمال سرعت وجسارت پیش می آمد ، و آتش طوپ های ما رابه طوپ های میترالیوزخودبشدت جواب میدادند . نهایت بعد از یك کمی تردد سرراست بمدخل درامده در آنجا خودرا خود غرق گردانید . وچون دانسته شد که کشتی نشینان این

کشتی خیلی آدمان تجربه کار و ماهر میباشند از انسبب زنده گذاشتن آن ها جائز دیده نمی شد . لهذا درانثنای که بفلوکه ها سوار میخواستند بشوند فلوکه های آن هارا درزیر باران گله گرفتند . اگر راست بگویم در نفس خود بمقابل این آدمانیکه که باسرکشت و گریبان شده‌اند یك حس عمیق حیرت واحترام بحصول آوردم . آتش چون خیلی بریں ها شدت میکرد برها را از دست میگذاشتند تا آنکه بگمان طوپچیان ما بیاید که همه وفات کردند . وچون بمجردیکه طوپ های ماساکت میشد ازهمین سکوت آنی طوپ های ما استفاده کرده بکمال سرعت برهپیمایی میکوشیدند امادرنهایت هر دقیقه عدد برکشان کم‌شده میرفت تا آنکه فلوکه بانعش مردگان مملو گردیده .

« ژاپونها ر رهایی دادن از طرف ماراضی نمیشدند ، وبه فلوکه‌هاوطور پیدوهای تخلیصیه ٔ ماتنزل نمیکردند ! کشتی‌بانان ژاپون درزیرگله های ماترك حیات میکردند ولی‌هیچ یك فلوکهٔ شان اشارت قبول‌کردن اسارت را بر نمی کشیدند . در یك فلوکه که (۱۵) نفرزخمی و (۲۳) نفرسالم بود بسنگ های ساحل برخورده پاره پاره شد وکشتی نشینان آن بخشکه افتادند ولی ازبرای آنکه اسیرنشوند یگان یگان خودرا بدریا انداختند والحاصل (۸) نفر را که برسر یك دیرك کشتی ٔ غرق شده خود را گرفته بودند بهزار زور و زحمت رهایی داده توانستیم . یك قایق ما که برای رهایی دادن مرتبات یك کشتی غرق شده رفته بودند کشتی نیمغرق مذکور برقایق ماباطوپ مترالیوز به آتش کردن آغاز نهادند . طرف صبح سکونت حاصل شد . انقاض کشتی های خورد وخاش شده برای میدان محاربه یك علامت حزن والم تشکیل میداد ! ...»

درانثنای این تشبث سوم برسد کردن مدخل (پور آرتور) شجاعت وفداکاری که ژاپونها بکار بردند در تاریخ جلادت وشجاعت ملتی ٔ شان یك

صفحهٔ درخشان دیگر علاوه کرده است .

ژاپون ها درحق قهرمانی قاعده ومسلکی که دارند این ست که انسان عالی آنست که درراه یك مقصدعالی تنها حیات خودرا به تهلکه انداختن کفایت نمیکنند بلکه وفات کردنش درآن راه لازم ولابد بایدبود .

ژاپون‌ها اعتقاد شان این‌است که روح ابدی میباشد وحیاتیکه بعداز مردن میابند نتیجهٔ اعمال وحرکات سابقهٔ شان خواهد بود لهذا کسیکه درراه حکمدار خود بحمیت وصداقت ترك جان کند روح اوبه جسد یك طفلی که درمیان یك عائلهٔ مسعودومرفه الحال نوتولدیافته باشدتعلق میگیرد . ویاآنکه درعالم ارواح بیك حیات جاودانی مظهرشده بدیگرزندگان وطن خود معاونت خیریه میرسانند وبامملکت وملت که دران زنده‌گی داشت ارتباط ومناسبت ابدی میداشته باشد .

این است که این حیات روحانی‌ثانی، درنظر یك ژاپونی، ازحیات مادیهٔ اولیهٔ شان خیلی قیمت دارترست . یك ژاپونی مردن را درمقابل دشمن خیلی شرف ناك یك چیزی میشمارند .

قهرمانانیکه درراه (میکادو) بصداقت وفات کنند شان وشرف که حاصل میکنند تنها به عائله ها واولاد واحفاد شان انتقال کرده ودرنزد انسال مستقبله برای خودشان یك حرمت مخصوصه حاصل نمیشود بلکه آن شرف وشان شان به آباد واجداد شان نیز شامل میشود .

روز (۳) ماه می پیش از ظهور قسم کلئی دسته کشتی‌های جنگی ژاپون درپیش گاه (پور آرتور) ظهورنموده تابشام به عملیات تخلیصیهٔ نفری‌های مغروقه خود بپرداخت ویك چند کشتی ترصدرا دراینجا گذاشته وبازپس به اس الحرکات خود شان که جزایر (آلیوت) است عودت کردند .

روز (٤) می دستهٔ کشتی‌های جنگی ژاپون درپیش گاه (طاقوشان)

ظهور نمود مقصد این بود که روس ها را به این ذهاب باطل بینداز ندکه گویا ژاپون‌ها دران جا عسکر میبرارند. حالآ نکه درحقیقت حال در (۵) می عسکر خود را درقریب (پیچه وو) به بیرون براوردن آغازنهادند .

اس‌الحرکات‌دستهٔ کشتیهای‌جنگئی ژاپون

برای حرکات دستهٔ کشتی‌های جنگی ژاپون دربحر اصفر نخستین بار خلیج (آران) که (۳۰) میل در جنوب (شه مولپو) واقع است وظیفهٔ اس الحرکات را دیده بود . وچون یخها باز شد در موقع (حایچو) که (٤۵) میل درشمال غربئی (شه مولپو) واقع است یك اس‌الحرکات نوی تأسیس داده شد . بندرگاه (حایچو) باوجودیکه غیرمحفوظ بود وبسببی که در پیش روی آن جزیره های کوچك وسنگلاخ های بحری موجود میباشد برای سیر سفائن غیرمساعدبوده ولی چون حرکات دسته کشتی های جنگی را این احوال از انظار دشمن پنهان میداشت برای اس الحرکات مفید و کار آمدنی بود . وغیر ازین از (ساسه بو) تابه جزیرهٔ (شوشایدو) یك تلگراف تحت البحر تمدید شده بود واز (حایچو) تابه جزائر مجتمعهٔ (سیر جنیس هال) یك استیشن تلگراف بی سیم نیز تأسیس واقامه شده بو . بعدازان که دراوائل ماه مارچ ژاپون‌ها جزیره های (آلیوت) و(بو لونده) راضبط نمودند بمقصد آنکه به [پور آرتور] نزدیك تر یك اس الحرکات تدارك کنند درجزیره های [آلیوت] درآب نای [طون غوز] برای دسته کشتی‌های جنگی خود یك استنادگاه متین بوجود آوردند . دریکم ماه می اردوی اول بری ژاپون نهر[یالو] راگذشته بود . تابه آن تاریخ ضایعاتیکه دردسته کشتی‌های جنگی روس خواه درمحاربه وخواه بقضاورسیده کی وارد آمده ازین قراراست :

عدد	اجناس کشتی	نامها
«۱»	زرهپوش	پترو پاولوفسك
«۲»	کرووازور	وارياق ، بويارين
«۲»	طوپ کش	قوربه نس، مانجور
«۳»	مخرب طورپیدو	«وه نوچیتلنی»[ستره غوجی»«ستراشنی]
«۱»	کشتئی طورپیل	«یه نه ئس»

وغیرازین ها دیگر بعضی کشتی هائیکه بخسارات وخیمه دوچارشده اند بسبب عدم کفایت وسایط لازمه وموجودنه بودن اسباب کامله تعمیرات آن در [پور آرتور] خیلی به سنگینی و آرامی اجرا میشد .

دسته کشتی های جنگی ژاپون درهمه این وقایع مختلفهٔ که تابه اینزمان گذران یافته است اگرچه کاملاً از خسار وزیان مصون نمانده ولی تابحال هنوز هیچ یك سفینهٔ جسیمهٔ حربیهٔ خودش را ضایع نکرده بود . دیگر این که تعمیرات کشتیهای ژاپون دربندر گاهها ئی که باهر نوع اسباب ولوازمات مجهز ومستعد درسواحل ژاپون موجوداست بکمال سرعت وسهولت اجرا میگردید .

نسبت برتری دسته کشتیهای جنگی ژاپون بر دسته کشتی های جنگی روس بعد ازین حرب (۳) ماهه زیاده تر افزونی گرفته بود . امااز دیگر جهت تششبثاتی که برای حبس کردن دستهٔ کشتی های جنگی روس در (پور آرتور) اجرا شده بود هنوز نتیجه قطعی ومکملی حاصل نتوانسته بود . - یعنی مدخل بندرگاه هنوز بدرستی سراسر سدوبند نشده بود .

بناءً علیه ژاپونیاتااوائل ماهی مطابق برج جوزاسنه (۱۹۰٤) حاکمیت بحریهٔ مطلقه را هنوز بدست نیاورده بود . ودسته کشتیهای جنگی روس باوجودیکه دوچار ضعف وکمقوتی بود بازهم گاه گاه بحرکات تعرض کارانهٔ

خود ژاپونها را به اندیشه واضطراب می اندا ختند .

بهرحال تعرض محتمل این دسته کشتی‌های جنگی روس بمقابل قوت وبیداری دسته کشتی های جنگی ژاپون که اس الحرکات خودرا بجزیره های (آلیوت) استناد داده است موجب هیچ تهلکهٔ جدی وحقیقی دیده نمیشود . لهذا قرارگاه عالئی عسکرئی ژاپون درسواحل (لیائو تونغ) بکشیدن وسوق کردن عسکر هیچ مانع ومحذوری ندید .

کیفیت

براوردن عسکر بخشکه، ونقلیات بحریه

این را تاریخ عسکری اثبات میکند که اگر تشبثات جدی — یعنی قصد وعزم تمام در باب عسکر ریختن بخشکه اجرا شود، ازطرف مقابل — یعنی از طرف قوهٔ عسکریه که خشکه را مدافعه ومحافظه میکنند منع کردن آن خیلی دشوار است . چونکه مدافعه کننده گان مجبور اند که یا قطعات عسکریهٔ خود رابدرازئی تمام ساحل تقسیم باید کنند، ویا آنکه یك قطعهٔ معین ساحل را با تمام قوت های که دارد باید بپوشنند . حالآنکه هجوم کنند گان نقطهٔ را که برای عسکر ریختن انتخاب میکنند بسبب سرعت حرکات قافله هایشان تا بسیار وقت ظاهر وپدیدار نمیسازند، وبسایهٔ حمایهٔ طوپ های دستهٔ کشتی‌ها،درنقطهٔ که هجوم بران میخواهدبشود، زیاده ازمدافعین ساحل، قوهٔ عسکریه بخشکه براورده میتوانند .

هرگاه دشمن مالك قوت های افزونی باشد، درانوقت برای مهاجمین دریك آن به نقطه‌های مختلف عسکر براوردن تهلکه ناکست . اگرچه ازنقطهٔ نظر سوق الجیش مفرزه هاوپارچه‌های متفرق عسکری را برای یك هدف معین در نقطه‌های متعدد بخشکه براوردن چندان خطای عظیمی شمرده نمیشود، امامقدار

قوهٔ عسکریهٔ که بخشکی اخراج میشود درهمان یکنقطهٔ که هدف انتخاب شده است، عسکر براوردن بهتراست ازینکه برچند نقطه های مختلف ساحل براورده شود.

غیر ازین یك سبب دیگری هم هست که اگر در نقاط مختلفه بخواهند عسکر براورند، درانوقت مهاجمین را کشتیهای جنگی متعددی بکاراست تا هر نقطهٔ را که عسکر میبرارند جدا جدا حمایت کنند. و تقویت بدهند. دیگر اینکه مفرزه های متفرقی که درجدا جدا جاها بیرون برایند درخصوص کشف وترصد اراضئی دشمن بخیلی مشکلات برمیخورند، واحتمال بسیار قوی دارد که هر مفرزه جدا جدا بقوتهای از خود افزو نتر دشمن پیش آمده جداجدا محو وپریشان گردند. از همه بدتر اینکه هرگاه اینچنین جدا جدا مفرزه ها بساحل ریخته شود بعد ازانکه بساحل برایند از همدیگر جدا و متفرق مانده، و حرکات عسکریه از دست یك امر و یك بولی بیرون برامده، درخصوص سوق واداره مشکلات عظیمه پیش میاید.

بنابرین، فن سوق الجیش، سوقیات براوردن عسکر را همیشه بریکنقطه امر وتنبیه میکند، وتا که ممکن باشد تقرب کردن کشتیهای قافله های عسکر را بساحل توصیه مینماید.

برای عسکر ریختن درساحل منتخب ترین نقطه هالیما نهایعنی — بندرگاههاست که بردیگر نقطه ها مرجح وبرتراست. بعد ازان خلیج های کوچك وپنهان محفوظ اهمیت دارد. آخرترین همه ساحل های بارصاف می آید. اگرچه اینچنین ساحلهای باز برای عسکر ریختن هیچ مساعد وموافق نیست؛ اما بمقابل این بعضی فائده هائی نزدارد که ازانجمله هاجمین ازطرف مدافعین کمتر مقاومت دیده میتوانند، وچون ساحل ازهر طرف بازو کشاده است کشتیهای هجوم کنندگان بکمال سرعت بهرطرفی که خالی یابند نزد یکشده عسکر میریزند.

هر گاه نقطهٔ که عسکر دران براورده میشود درنزد یکئی بندرگاه ویا خلیج انتخاب شود؛ درانوقت وظیفهٔ یگانهٔ قطعات عسکرئی که اول بار میبرایند همانست که بر بندرگاه مذکور هجوم برده بندرگاه را ضبط کنند تا آنکه قسم کلئی سفاین نقلیهٔ قافله های عسکر یرا به آسانی وسهولت براورند، وبرای براوردن ارزاق، ومهمات، وطوپخانه وحیوانات نیز آسانی وسهولت پیش شود. اینچنین یك بندرگاه ویا یك خلیجی را بدست آوردن برای حرکات عسکری فوائد سرعت وانتظام عظیمی را موجب میشود. واگر چنین نباشد میباید که عسکر را درقایقها وکشتیهای کوچك پرکرده بساحل براورند لهذا میباید که سفاین نقلیه باینچنین آلات نقلیهٔ صغیره بدرجهٔ کفایت مجهز باشند.

یکی از شرطهای اساسیهٔ عسکر ریختن خشکه اینست که نقطهٔ که دران عسکر ریخته میشود تا که ممکن باشد میباید به جائیکه حرکات عسکریه میخواهد در انجا اجرا بشود نزدیك باشد. زیرا باینصورت از رفتارهای ابتدائی سیلزوم فارغ شده، بردشمن بناگهانی یك هجوم وشبخون بیخبرانه برده اورا بمحاربهٔ قطعی مجبور کرده میتوانند. وغیرازین درمابین هدف، ونقطهٔ که عسکر درانجا ریخته میشود یك ارتباط خوبی پیدا میشود. دیگر شرط اینست که میباید یك قسم مهمی از ساحلی که نقطهٔ عسکر براوردن است، واراضئی همجوار ان در زیر آتش دستهٔ کشتیهای جنگی عسکر براورندگان باشد؛ تا تعرض مدافعه کنند گانرا رفع کند. شرط سوم میباید که سیر وحرکت درد ریایی که عسکر بساحل آن اخراج میشود سهولت وآسانئی کاملی داشته باشد. شرط چارم میباید که آبهای ساحلی که نقطهٔ براوردن عسکر است عمیق ومحفوظ بود. شرط پنجم میباید که ازطرف دریا وخشکه امر مدافعهٔ نقطهٔ عسکر ریز به آسانی بشود.

در داخل دائرهٔ تأثیر ونفوذ استحکامات جسیمهٔ دشمن عسکر ریختن بساحل ممکن نمیشود. که اینمسئله را مانوره های بحری متعددی که پیش

ازین جنگ ، روسها در پیشگاه (پور آر تور) اجرا کرده بودند ثابت کرده است . اما اینهم شرطست که این گونه استحکامات ساحل بازآنوقت مفید وبا اهمیت است که باقطعات جسیمهٔ عسکری محفوظ باشد ، وهم از دیگر طرفهای نزدیك خود نقطهٔ عسکرریز نداشته باشد . چونکه اگرها چنین درخارج دایرهٔ تأثیر ونفوذ استحکامات عسکر براورده بتوانند درانوقت هیچ حیثیت واهمیت آن ها باقی نمیماند .

در خصوص عسکرریختن بخشکه بهترین قاعده ها واصولها همینست که بیخبرونا گهانی دریك نقطهٔ عسکر براورده شود ، وتادشمن خبر کرددهجوم برو برده شود . بنابرین ساحلی را که عسکر دران ریختن میخواهند ، میباید که پیشتر آنرا کشف وترصد کرده باشند ، امادروقت جنگ کشف وترصد آنجاها خطای عظیمی شمرده میشود ، چونکه کشتیهای که برای کشف وترصددرانجا بروند نظر دشمن رابخود جلب کرده دشمنرا بر براوردن عسکر آگاه میسازد .

عملیات عسکر براورونی خشکه میبایدکه به امر وبولئی یك کومان افسر سوق واداره شود . وانمسئله را بواسطهٔ تلفون که ازکشتیها تاخشکه ممدود شده باشدودیگر بعضی اشارات اجرا نمایند . برای هرفرقهٔ سفائنی که عسکر نقل میدهند بقدر دوکیلو متروازساحل یکجایی مقرر باید کنند . زیرا کشتیها ازهمدیگر فاصله دارلنگرانداز میشوند . صف ها ونظامهای که در وقت عسکر رابخشکه کشیدن استعمال شود ؛ باید که مانند صف ونظامیکه در اثنای سیروسفر گرفته شده بود اجرا گردد . وانمسئله رادروقتیکه هنوز در راه باشند به کپتانهای کشتیها ، وافسران کندکها وعندها باید که فهما نیده شود .

براوردن عسکر را بخشکه بصورت عمومیه به اینصورت بوقوع میآید :

قدمهٔ اول راکشتیهای قراول و پیشدار میبرد . این قافلهٔ پیشدار که برفاقت چند عدد سفینه های جنگی میباشند بسرعتی که ممکن باشد خود را

بساحل میرسانند ، واگرممکن باشد درشب عسکر خود رابخشکه میریزند .
همین جائیکه قافلهٔ پیشدار عسکر خود رابیرون براورده اگر قابل اخراج قسم کلی باشد درحال آن نقطه رابااستحکامات پل داری محکم کرده آهسته آهسته آن استحکامات راتقویت ومتانت میدهند .

بعد ازانکه قافلهٔ قراول وپیشدار بیرون براورده شد ، عسکر سواری یعنی — رساله بیرون میبراید ، ودرحال این رساله برای کشف احوال دشمن واراضی به پیش رانده میشود . درپی این قافله ، قافلهٔ قسم کلی میبراید ، وبعد ازان قافله های کدام ومهمات حربیه براورده میشود .

اینست که باینصورت قافلهٔ سفریهٔ عسکریه هنوز دراول برامدن انچنین برسه قسم جدا میشود . اما بهتر آنست که دوسه ساعت پیش از آمدن قسم کلی قافلهٔ پیشدار باهمهٔ مهمات ولوازمات حربیهٔ خود یکجا بخشکه برامده درانجا جایگیر بشوند ، وبعد ازان قسم کلی براینـد . باوجود اینهم اینقسم حرکت در وقتی قابل اجرا میشود که درجهت خشکه از طرف دشمن تهلکه وبیمی نباشد . اما اگر بیم وتهلکه باشد ، لوازمات حربیهٔ قافلهٔ پیشدار بعد ازقسم کلی بخشکه بیرون کشیده میشود .

بهترین وقتها برای رسیدن به نقطهٔ که عسکر درانجا میریزند از شفق یك کمی پیشتر است . چونکه به اینسبب فائدهٔ شبخون بردن بردشمن هم حاصل میشود ، وهم درباقی روز فرصت درازی برای براوردن عسکر بدست میاید . واگر بوقت شفق اخراج عسکر ممکن نباشد بواسطهٔ پروژه کتورهای الکتریك درشب اجرا کردن آن لازم میاید . ودرین اثنا بواسطهٔ بالونها جهت خشکه ودریارا ازروی هوا درزیر ترصد ودیده بانی باید بدارند .

سوق ونقل قطعات جسیمهٔ عسکریه راباهمه قطارهای قافله های لوازمات ومهمات حربیهٔ شان، ازراه بحر بسوی خشکه آنقدر مشکل وزحمت ناك یك

کاریست که بجز عالم عسکری قدراین مشکلها وزحمتهارادیگرعوالم نمیدانند .

بنابرین پیش ازانکه حکایهٔ سوق الجیشیه ، و جمع آوری سفر حربی اوردوهای ژاپان را بیان کنیم . درینباب که آیاسوقیات بحریه چسان میشود ؟ آیا عسکر را چسان سوار میکنند ؟ وچگونه بخشکه میبرارند ؟ میخواهیم که بر رفقای عسکری خود بعضی معلومات مفیده عرض نمائیم :

برای تشریح کردن قواعد عمومیهٔ مسئلهٔ مذکور ، چون بهتراز مثالهای تاریخیه دلایل قوی پیدا نمیشود ، لهذاا ینمعلومات راازصفحه های تاریخ حرب چند سال پیش ازین که انگلیزها به افریقا و جرمنها بچین اجرا کرده اند بیان میکنیم .

در اثنای سفر (بوئر) ازاوکتوبر مصادف برج عقرب سنهٔ ۱۸۹۹ تابه اوکتوبر ۱۹۰۰ حکومت انگلستان به بندرگاههای افریقای جنوبی (۳٤٠٠٠٠) عسکر ، وازماه جون مصادف برج سرطان سنهٔ (۱۸۹۹) تابه ماه فبروری حوت سنهٔ (۱۹۰۱) (۱۰۰۱۷۰۰۰۰) تون مهمات حربیه بیرون براورده است ، وبرای این نقلیات (۷۲۰) قطعه کشتی استعمال کرده است .

(حکومت (المانیا) یعنی — جرمن دراثنای سفر چین برای سوقیات عسکریهٔ خود دراول امر (۳۰) قطعه کشتئی بزرگ جدا کرد ، وبا این کشتیها (۹۳۷) افسر و (۲۱۰۲۲۳) نفر . و (٦۳۳) عرابه ، و (٦۲) قطعه طوپ ، و (۳۰۰٤۱۲) متر مکعب لوازمات ومهمات حربیه سوق کرده بود .

غیر ازین از (۳) ماه دسمبر برج میزان سنهٔ مذکوره تابه (٤) دسمبر (۲۹) سفینهٔ دیگر ترتیب داده لوازمات شمندو فر یعنی — ریل ، خانه های چوبی ، اسپ ها ، غله ، حیوانات جاندار ومقدار بسیار زغال سنگ به بندر (تاقو) ی چین سوق کرده است . حرکات بیرون برامدن همهٔ این هیئت سفریه باجملهٔ لوازم حربیهٔ ان بعد از رسیدن کشتئی آخرین به

هفت روز به انجام رسیده است . ولی همهٔ سوقیات عسکریه بسه ماه هنوز سراسر تمام نشده بود .

جاهائیکه دریك کشتی برای حموله وباربرداری مساعدوموافق است . بنابرملاحظات صحیه درصدی (۶۰) آن برای نشیمن، ودرصدی (۴۰) آن برای ماشینها، ورغال سنگ، ومرتبات کشتی مخصص میشود .

سوار کردن عسکررا درکشتیها نیز بدینصورت اجرا میشود :

طوپ ها، وتفنگهای ما شین دار، ومانند آن دیگر اسلحه میباید که بهمه حال درسطح واپورباشد . یك کشتئی نقلیهٔ کهازهمه واسطه های مدافعه کردن نفس خود محروم وعاجزاست، این تدبیر برای اوواجب ولازم می باشد تاآنکه ناکدرجه مالك مدافعه کردن نفس خود شود . اگرچه طوپ هارادر وقت لزوم ناگهانی بزودی وچابکی سوار وتیارکردن موجب خیلی مشکلاتست ولی باوجود آنهم ازهمین تدبیری که گفته شد اجتناب نباید کرد یعنی — همهٔ اینگونه مشکلات را بنظر گرفته طوپ ها، ودیگر افواه ناریه را تامیتوانند برسطح واپوربگنجانند .

هیئت صحیه، ولوازمات خسته خانه را میباید که برهمه کشتیهامتساویاً تقسیم نمایند تاکه هرکشتی مساوی وبرابرمالك دوکتور، وهرگونه وسایط لازمهٔ صحیه وطبیه باشند .

درهنگام نقل دادن قطعات جسیمهٔ عسکری؛ (جزوهای تام تعبیه) همه گی یکجا میباشند بود، وتامیتوانند ازپاره پاره کردن ومتفرق ساختن آنها اجتناب ورزند . وبرای آنکه هرآن وهرزمان بمحاربه کردن حاضر ومهیاباشند سنگین باریکه نظاماً با خود میبردارند میباید که ازخودجدانکنند . دیگرمهمات حربیه رانیزسنگین های شانرا نیز وخفیفتر های شانرابسربگذارند . اماهمان چیزهایی که بسیارضروری باشد وازدیگرچیزهای خفیف هم بیشتربکارشود بارهم باید

که درزیر گذاشته شوند. ودر وقت بیرون براوردن بعکس این ترتیب گذاشته میشوند .

جنس وطبیعت اسباب مالزمه ئیکه در کشتیها بار میشوند نظر بحجم، وشکل، وسنگینی آن هادر امر حمل ونقل تأثیرات گوناگون اجرامیکنند. بزرگی، و جسامت مالزمهٔ حربیه میباید که از یکحد معینی تجاوز وافزونی نکند. زیرا کشتی های بزرگ یکسر بسوی ساحل نزدیک شده نمیتوانند از آن واینگونه اشیای ثقیله را بنا برضرورت به قایقها وکشتیهای کوچك بار کرده بدانصورت بساحل اخراج کردن لازم میآید . اینست که اینمسئله را نیز دائما درزیر نظر دقت وتأمل باید داشت .

خلاصهٔ کلام هرگاه آرزو شود که عملیات عسکر سوار کردن وعسکر براوردن بدون توقف دوام کنند، وحرکات حاضرئی سفر حرب بیك انتظام تام جریان نمایند میباید که هرچیز از امور مهم گرفته تابه تفرعات کوچك از اول حاضر شده باشد وخیلی خوب در ان فکر واندیشه شده باشد .

در یچنین سفر آماده گئی که از اول تدابیر درست درانشده باشد، وبخوبی حاضر شده باشد، هنگامیکه نقلیات عسکریه آغاز کند همه دستهٔ کشتیهای جنگی نقلیه برای سوق ونقل یك اردوی بزرگ وبرای هرنوع احمال واثقال آنها باید که حاضر شوند . وباید که باهمهٔ ترتیبات ولوازماتی که برای سرعت و سهولت بارکردن وفرو آوردن لازم وبکاراست مجهز باشند وبه اینصورت دربندرگاهها ئیکه ازانجا حمل ونقل اجرا میشود اثبات وجود کرده به وظیفهٔ خود آغاز میکنند . دربندرگاهها میباید که پلهای مصنوعئی سردستی، وسد های پخته کاری ساخته ومهیا شده باشد . اینمسئلهٔ بارکردن کشتیها میباید که ازروی پلان ونقشهٔ بسیار مکملی اجرا شود، ودرزیر ادارهٔ مأمور های نظارت های حربیه وبحریه، وافسران ارکان حربیه بوقوع آید .

بعدازانکه دراول امر مهمات ومالزمهٔ حربیه بارشد، به سوارشدن عسکر امر داده میشود . قطعات عسکریهٔ که دراردوکاه کشاده ؛ وفراخ ، ویا چو نیهای چوبی سرد ستئی میباشند بیك انتظام تمامی برامده دردستهٔ کشتیهای جنگی نقلیه به ترتیبی که نقشه شده باشدسوارمیشوند ، وتمام شدن امرسوارئی عسکرهمان، وحرکت کردن دستهٔ کشتیهای جنگی نیزهمان !

بنابرتجربه هائیکه حاصلشده ، برای سوار شدن عسکرازسدهای بختهٔ بندرها بکشتیها اینقدر وقت ومدت لازمست :

برای صدنفرعسکر	۱۰	دقیقه
برای یك اسپ	۱	دقیقه
برای یك طوپ	۱۰	دقیقه

المانها دراثنای سفرچین یك کندك عسکررا باجملهٔ سنگین بار آنها در ظرف یکنیم ساعت ازسدسنگ بست کناردریابه واپورهاسوارکرده است . روس ها (۸۰۰) نفرعسکررا باجملهٔ اسلحهٔ آنها درظرف (۸) ساعت ازسدسنگ بست کناردریابواپورهاسوارکرده توانسته است .

وبعکس، اگرواپور درپیش سدسنگ بست استاده نباشد، وبمسافهٔ ۲۰ دقیقه راه دورتربود درانوقت در(٤) ساعت (۲) کندك، ودر(۸)ساعت (۲) بلوك عسکرسواری ، ودر(۱۵) ساعت (۲) بطریه یعنی — (۲) طوپ خانه سوارکرده میتواند .

انکلیسها (۲۲۰) اسپ را در(۷)ساعت و(۳) ربع ؛ روسها (۶۲۰۰) پیاده را درده ساعت بکشتی نشانده اند . درمسافه هائیکه نزدیك باشد برای آنکه بمجرد رسیدن به بندرگاهی که اخراج دران میشود همانده به اخراجات آغاز کرده شود بهمراه سفاین نقلیهٔ مذکوره معونه ها ، وقایقها ، و کشتیهای کوچك همراه میشود .

عملیات اخراج — یعنی عسکر براوردن ، ازعملیات ارکاب — یعنی عسکرسوار کردن خیلی مشکلتراست . درین عملیات چنان بعضی موانعاتی ظهور میکنند که بفکرهیچ یکی ازمدبرترین بصیرتکاران نیزنرسیده باشد . علی الخصوص درکشیدن اسپانی که بسرچرخی دریا گرفتارشده باشند، آنقدر مشکلاتی دیده میشود که تصویروتعریف آن بگفتن ممکن نمیشود . سدهای سنگ بست پخته کاری که کشتیها به آن نزدیك شوند خیلی کم بدست هجوم کنندگان می افتد . ودرانحال بواسطهٔ معونه ها ، وکشتیهای صغیره حمولهٔ سفاین نقلیه رابساحل نقل میدهند . درعملیات فروآوردن اسپ هاوقاطرهارابه معونه هاوقایقها که مشکلترین عملیات اخراج است هرگاه دریاپرموج وهوا طوفانی باشد تهلکه های بسی عظیمی پیش میآورد . چونکه صندالها ومعونه هائیکه درپیش واپورهابرای گرفتن حموله نزدیك میشوند ازشدت هواوموج درهرآن وزمان به تهلکهٔ مصادمه کردن باواپور . وازهم پارچه پارچه شدن معروض میباشند .

باد ویاطوفان ناگهانئی که ظهور کند عملیات اخراجیه را تایکمدتی سراسر معطل وعدیم الاجرامیگذارد . که به اینصورت زمانهای بسیارقیمتداری ضایع میشود . وغیرازین هرگاه به زمان جذرتصادف شود معونه هاوصندالهابساحل نزدیك شده نمیتوانند ؛ به این سبب برای بلندشدن آبها انتظار کشیدن لازم میآید .

علی الخصوص دربندرگاه (شه مولپو) این حادثهٔ جذرومدبسیارتأخیرهاوسکته های بدی راسبب میشود . چونکه کمی وبیشئی آبهای این ساحل بقدر (۷) متروازهم فرق میکنند .

گاهی صندالها ومعونه ها برریگهای نزدیك ساحل می نشیند که تازمان مدانتظار کشیدن وجواب قطعی میگیرد . درسفرچین بسیاری ازمعونه

های المان همچنین بر ریگ نشسته بسیار روزها در میان دریامانده اند ، و بعد ازان بهزار مشقت رهایی داده توانسته اند . نان وخوراکه رسانیدن برای اینگونه ریگ نشینان نیز هزارگونه زحمت و مشقت دارد که عسکر تا یکچند روز حیات بسیار محرومانهٔ بسر میآورند .

پیش ازانکه آلات حربیه بخشکه براورده شود حرکات اخراج افراد عسکریه را کامل باید کرد . چونکه درانزمان در سفینه هاتنها مردم فعله وکار گذار باقی میمانند ، ودرباب عملیات اخراج لوازمات حربیه آسانی پیش میشود .

عسکری که بخشکه میبرایند میباید که تاممکن باشد بچابکی آمادهٔ حرکت بشوند و عرابه هائیکه برای آسانی فرو آوردن ، وبر آوردن ازهم بازشده اند بچابکی تمام پس اقسام متفرقهٔ آنهارا ترکیب ، و سوار کرده برای حاضر کردن جای برای دیگر قطعات هماندم برفتار آغاز میکنند . دربندرگاهائیکه دران اخراج بوقوع می آید چنان لازمست که ازیك بردیگر ریختن حیوانات ، وعسکر ، ولوازمات دیگر خیلی احتراز باید شود . چونکه اینچنین چیزها از رفتار های بسیار مسافه های درازی بیشتر عسکر را مانده و ناتوان میسازد .

عسکریکه یکبار بخشکه براورده شود . و بازبنابر تضییق وهجوم سخت دشمن واپس بکشتی سوار شدن شان لازم آید مسئلهٔ خیلی تهلکه ناکیست اما اگر وقتیکه مجبوریت قطعی حاصل شود بسی تلفیات و ضایعات عظیمی را بچشم گرفته اینگونه عملیات دشوار تهلکه دار رانیز بسر رسانیدن ممکنست .

عسکریکه بخشکه براورده میشود قدمه قدمه حساب میشود . قدمهٔ اول سفائن نقلیه چون بوجه مطلوب عسکر خود را معهٔ لوازماتش بیرون براوردوا پس عودت میکنند ، و قدمهٔ دوم عسکر را ازساحل مملکت خود برداشته به هدف اخراج نقل میدهند . هیچ شبهه نیست که دیگر قدمه هانسبت به قدمهٔ اول بمشکلات کمتری تصادف کنند ، و بسرعت وانتظام خوبتر اجرای

سیروسفر بتوانند .

حالاچون تا یکدرجه از سوقیاب بحریه معلومات گرفتیم باید که بسوی نقلیات بحریهٔ ژاپانیهامتوجه شویم : در وقت شام روزپنجم ماه فبروری قدمهٔ اول نقلیه بندرگاه (ساسه‌بو) راترك کرده‌بود ، این قدمهٔ نخستین از قطعات فنی عسکری مرکب بود . چونکه این قدمه برای قطعات عظیمهٔ دیگرو سایط وتدابیر لازمهٔ سهولت وسرعت اخراج آنهارادربندرگاهها تدارك و و آماده میکردند .

ژاپونها درباب براوردن اردو های خوشانرا بخشکه سرعت و انتظام راممزج ویگانه ساخته ، درهرکارهای مشکل این مسئله،کمال خوبی‌ودرستی خودرانشا نداده اند .

چون مسئلهٔ اخراج عسکردرخاك «کوریا» بعمل‌میآید لهذالازمست که اول ازاتفاق ژاپانها باکوریا بحث رانیم .

اتفاق باکوریا

محبوس ماندن کشتی های جنگی‌روس در(پور آرتور) درهمه‌اطراف وهمه عالم اقصای شرق بسی‌تأثیرات معنوی وحرکات باطنی اجرا نمود که نتیجهٔ نخستین این محبوسیت اتفاقنامه‌ایست که‌در۲۳ ماه فبروری‌با (کوریا) عقد شده است .

این‌اتفاق‌نامه ،(کوریا) را سراسر بزیرحمایهٔ ژاپان دراورد، وخیالات وتصوراتیکه ازرمان های دراز ژاپان ها درحق مملکت مذکورمیپرورا نیدند بیکباره گی بمیدان علانیت بیرون براورد . معاهده نامهٔ مذکور مرکب ازین چند فقرات بود :

۱ — کوریا ، برعهده وزمهٔ خود میگیرد که همیشه باژاپان بمنا سبات

دوستانه ، وخوش روشی رفتار وحرکت نماید ، ودرخصوص صلح وآسایش اقصای شرق همیشه پیروی وصیت ونصیحت ژاپان را وعده میکنند .

۲ — دولت ژاپان ، راحت ، وامنیت حکمدار (کوریا) رادرعهده میگیرد .

۳ — دولت ژاپان استقلالیت ، وتمامیت ملکیهٔ کوریا را بصورت قطعی محافظه میکنند .

٤ — هرگاه یك دولت سوم ، ویا اختلال وفساد داخلی که حقوق حکمرانی ایمپراطوری کوریا را ، ویا استقلالیت ، وتمامیت ملکیهٔ کوریارادر زیرتهدید واضطراب وبیم درارد ، درباب برطرف کردن اینگونه ناگواری ها حکومت ژاپان بهر گونه تدابیر لازمه توسل مینماید . و درین خصوص حکومت کوریا به اومددگاری وپشتبانی میرساند . بنابرای بدست امدن این مقصد ، ژاپان بعضی جاهای که از نقطهٔ نظر سوق الجیش مالك اهمیت واعتبار باشد درووقت لزوم آنجاهارا درزیر اشغال عسکری گرفته میتواند .

۵ — هردو حکومت برین یك تعهد میکنند که بادولت سوم هیچگاه برخلاف این مقاوله دیگر معاهده عقد کرده نمیتوانند .

این است پنج فقرهٔ عهدنامه که درمابین حکومتین منعقد گردیده وبران اتفاق کرده اند . اگرچه حکومت (کوریا) این معاهده نامه را ازتنگی و فشار احوال بمجبوریت قبول نموده است ولی از سیطره فئی بیفائدهٔ کم شرفی که داشت رهایی یافته به حالت متفق دولت حامئی همسایهٔ خود داخل گردید .

برای ژاپانها ، اینمعاهده نامه اهمیت وفوائد دوبالایی را مالك بود : اولا بر مملکت کوریا یك نفوذ وحاکمیت حقیقئی بدست اورد ، بعدازان بحرکات ومعاملات خویش همهٔ روایاتی را که دربارهٔ افکار استیلاجویانه ، وحرص وطمع غصب کارانهٔ اودرعالم نشر وشهرت یافته فعلاً رد وتکذیب نمود . چونکه دولت ژاپان محافظهٔ تمامیت ملکیهٔ کوریا ونگهبانئی حقوق حکمرانی ایمپراطورئی

(کوریا) را درزیر کفالات وضامنئی خود گرفته درنظرتمام عالم اثبات کرد که مقصد او ازین اتفاق وسعت در ملك گیری نیست ، بلکه برای مدافعهٔ حقوق مشروعهٔ خودبه این حرب درامده است و آرزوی یگانهٔ اوعبارت ازمسلك عالیجنابانهٔ منافع تجاریه ، واقتصادیه میباشد .

این عهدوپیمان اگرچه ازجهت عسکری از(کوریا) به ژاپان هیچ فائده و ومنفعتی نرسانید . زیرا اردوی کوریا یك اردوی حربئی وقت حاضر شمرده نمیشد ، اما برای عساکر اردوهای ژاپان فوائد کلی حاصل نمود . چونکه این دو حکومت متفق شدند ، ومملکت این دوست متفق برای اخراجات ونقلیات عسکریهٔ ژاپان همه وسایط واسباب مددرسانی خودکشاده و آماده گردید . از نتیجهٔ حسنهٔ این اتفاق برای خالی کردن کشتیهای نقلیه ، ورسانیدن غله و ارزاق عسکریه ، وهموار کردن راهها ، وخدمات منزل عمله ومزدور کاران بسیاری ازمردم خود مملکت متفق خود بدست آورد . ژاپانها برای محکم کردن وپایدار ساختن این دوستی واتفاق ، ودل بدست آوری مردم مملکت متفق خود درست معامله گی راپیشه گرفته وجه قیمت هرچیزیراکه میگرفتند پیشه گی ونقد میدادند ، وبقرض هیچ داد وستد نمیکردند .

برای قوت دادن این معاهده نامهٔ که در ۲۲ ماه فبروری مطابق حوت سنهٔ ۱۹۰۴ درمابین ژاپان وکوریا امضا گردید دولت ژاپان (مارکی ایتو) را که ازسرافرازان سیاسیون ژاپان بود بصفت سفیرمرخص فوق العاده به کوریا فرستاد . مشار الیه با جمله همراهان خود در ۱۳ ماه مارچ از (توکیو) مفارقت کرده به جائیکه آنرا (کوبه) میگویند واصل شدند ، وبتاریخ ۱۷ مارچ برج حمل سالماً به (شه مولپو) مواصلت نمودند .

درانجا ازطرف هیئت استقبالیهٔ حکومت (کوریا) بکمال عزت واحترام استقبال گردیده بعد اززوال باقطار مخصوص راه آهن به (سه ئول) پایتخت

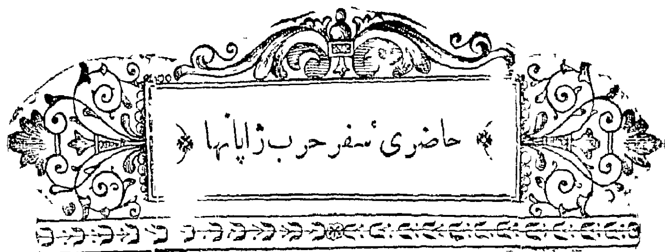
حکومت کوریا رسیدند ٠

در ۱۸ ماه درسرای امپراطور از طرف خود امپراطور و پسرش عناسب شرف وشان (مارکی ایتو) یك رسم قبول بسیار باشکوهی اجرا گردید ٠ درین مراسم مارکی (ایتو) اعتماد نامهٔ خود را به امپراطور تقدیم نمود ٠

در ۲۱ ماه با امپراطور ملاقات خصوصئی بوقوع آمد ٠ در ۲۵ ماه برای وداع یك ملاقات ثانی نیز دست داد در ملاقات اول به مارکی (ایتو) یك رتبهٔ بزرگی داده شد ٠ بهمراهان او نیز نشانهای بزرگ بزرگی عطا گردید ٠ در ملاقات دوم مارکی (ایتو) وهمراهانش با حضرت امپراطور و پسر او یکجا طعام خوردند ، و بقدر دوساعت مصاحبه ومکالمه کردند ٠ امپراطور کوریا این اول بار است که با مردم دولت غیر در یك سفره طعام خورده است ٠ وقتیکه رخصت می شدند امپراطور تا بپایان مهمانان خود را مشایعت نمود ٠ در ۲۹ ماه مارکی (ایتو) وهمراهانش در (توکیو) واصل شدند ٠

اینست که آمدن وبازگشتن مارکی (ایتو) که مرد سیاسئی بزرگ ژاپانست باینصورت به انجام رسید ٠ مشار الیه اول کاریکه در (کوریا) اجرا نمود این بود که بقدر یکچند ملیون (یه‌ن) قرض گرفت تا آنکه تعهدات جدیدهٔ حکومت (کوریا) را خوب محکم کنند ، وحکومت کوریا را بخوبی بخود ربط نماید ٠ ثانیاً بازمامداران امور حکومت ژاپان ملاقات های دور و دراز ی کرده به آنها بدرستی نفهمانید که برای رسیدن بمنزل مقصد ترقی ، میباید که درشهراه مدنیت قدم بقدم ژاپانیهارا تعقیب و پیروی نمایند ، ودرهر خصوص به وصایا و نصایح حکومت ژاپان تابعیت کرده حرکت کنند ، واگر اینچنین نکنند تمامیت ملکیه ، واستقلالیت مملکت شان دوچار تهلکه خواهد شد ٠ واگر نصایح ژاپان را بشنود ظاهراً وباطناً ژاپان به کوریا معاونت ومدد میرسانند ٠

والحاصل این اتفاقنامهٔ که در ۲۳ فبروری سنهٔ ۱۹۰٤ مابین کوریا وژاپان منعقد گردید طالع واقبال کوریارا با تاریخ ژاپان مزج ویگانه گی بخشید ٠



درین حرب اقصای شرق ، اردوهای طرفین مانند سفر حرب سنهٔ (۱۸۷۰) یکی یکبار بحال سفرحرب حاضر نشده اند . بلکه هردو دولت محارب ، قوهٔ عسکریهٔ خودشان راتدریجاًو پی همدیگر به سفرحرب حاضر کرده توانسته اند . وسبب یگانهٔاین اران پیش آمده بودکه مرکزهای عسکریهٔ هردو طرف ازممالك (کوریا) و (مانچوری) که منازع فیه میباشد خیلی دور افتاده بود ، ووسایط نقلیه یعنی — اسباب نقل دادن عسکر ومهمات ولوازمات آن نیزخیلی کم ومحدود بود .

باوجود اینهم درین خصوص ژاپان نظر به خصم خود بیکو ضیعت مساعد تر وموافقتر میبود : چونکه اولا اردوهای ژاپان برای داخل شدن به (مانچوری) پنج یك مسافهٔ که اردوهای روس قطع بکنند می پیمودند ؛ ثانیاً دسته های کشتی تجارتی بحریهٔ ژاپان دریکبار ویکزمان یکچند فرقهٔ عسکریه را به یکبار گی سوق ونقل میتوانست کرد .

اما اینقدربودکه راههای داخل (کوریا) خیلی بدوناهموار بودکه ازین سبب حرکات پیش رفتن را به مشکلات می انداخت لهذا برای آنکه دربندرها ولنگرگاههاییکه عسکر براورده میشدلشکر برهمدیگر نریزد ، ازانسبب لازم بودکه کم کم عسکر براورده شود .

اینست که بنا برین سببها درروز پنجم فبروری تنهایك اردو یعنی — فرقه های دوم ودوازده هم درساحل (کوریا) بحالت حاضرباش سفرحرب وضع شده توانسته است ؛

در (٦) مارج ، برج حمل نیم اردوی اول، بخشکه بر امده است و در (۱۸) ماه اپریل برج ثور فرقه های (٥) و (۱۱) امر حاضرباشئی سفر حرب را گرفته است .

درباب بر اوردن عسکر بخشکه از بیم دستهٔ کشتی های جنگی (ولادیو وستوك) روس ژاپانها به احتیاط تمام مجبور میبودند . در روزهای اول سوقیات بیرون بر اوردن عسکر ، یك مانع یگانهٔ که درباب حرکات دستهٔ کشتی های جنگئی (ولادیووستوك) شده بود این بود که لنگرگاه (ولادیووستوك) دران روزها بایك طبقهٔ خفیف یخ مسدود شده بود ، و بعد از انکه ویس امیرال (کامیمورا) بادستهٔ کشتیهای جنگئی خود برای محافظت و امنیت دریای ژاپان مأمور گردید باز هم دستهٔ کشتیهای (ولادیووستوك) برای سوقیات بحریهٔ ژاپان تهلکهٔ عظیمی تشکیل داده بود .

مدت حاضرئی سفر حرب برای قطعات محاربه (۸) روز ، و برای قطعات نقلیه عبارت از (۱۰) روز دوام ورزیده است . هر قدمهٔ نقلیه در یکزمان معین در بندرهای متعدد به سفائن نقلیه سوار کرده شده است .

اردوی اول در (۱٥) فبروری یعنی در ظرف (۱۰) روز کاملاً بحرکت حاضر ومهیا بودند . در جنگهای زمان حاضر حرکات حاضرئی سفر حرب هرگاه بکمال انتظام اجرا شود برای مظفریات آینده فاتحهٔ کمال و فال خیر نکوئی مآلی شمرده میشود .

ژاپانها چون هر چیزی راازاول حاضر و آماده کرده بودند از ان و خواه درخصوص حرکات حاضرئی سفر حرب ، وخواه درباب کارهای نقلیات یك انتظام تامیکه شایان حیرت است نشانداده اند .

هنوز در ماه جنوری که مصادف برج دلو است ، قدمات حاضرئی سفر حرب حاضر و آماده شده بود ، و همان قطعات عسکریهٔ که از همه اولتر سوق و

فرستاده میشدبه بندرها و لنگرگاههای که ازانجادرکشتیهای نقلیه سوار شدن شان لازم بود رسانیده و حاضر شده بودند . وبرای اینکار اول قطعات عسکریه دوردست مملکت راانتخاب کردند . مثلااول‌ازقطعات‌عسکریهٔ سواحل شرقی که بهپیمودن مسافهٔ بسیاری مجبور بودند به سوقیات عسکری اغاز نهادند .

این تدابیروحرکات بچنان آرامی‌وانتظام اجرا شده است که دربیرون هیچ کسی‌ازان‌خبردار نشده‌است . تلگراف نامه های روزی درین خصوص قبول واستعمال نشده ، و تلگراف نامه های بی رمزهم درخصوص نقلیات عسکریه هیچ معلومات و اخباری درج نکرده اند . اخبار ها و مطبوعات داخلی ازین رهگذر هیچ بحث وبیان ننموده‌اند . اخبارهای روزانهٔ دولت های‌بیگانه که درژاپان طبع و نشرمیشد بسببیکه ازهیچ چیزخبردار نمیشدند ازان وهیچ چیزی نمینوشتند . قوم ژاپان که فطرتاًوطبعاًخموشی‌گزین‌واسرار نگهدار ، و ازصحبت و اختلاط بیگانگان کناره گیر میباشند درین اوقات بیشترخموشی و آرامیرابرخودلازم‌گرفته‌بودند .

بمجردیکه امرحاضرئی سفر حرب اعلان گردیددریك‌لحظه همهٔ قشله ها وچونیهای عساکر نظامیه خالی گردید ، برای آنکه جای خودشان را به قطعات عسکراحتیاط‌واگذارند قطعات نظامیه یکچندی درخانه هاجایگیر شدند . یك سیاح جرمنی‌که یکی ازین خانه هارادیده بوددرپیش قناعتکاری و ساده گئی نفری های عسکری ژاپان حیران مانده میگوید : که افراد مذکوره برتخته های خشك‌میخوابیدند ، و ازخوابیدن برنهالین ولحافیکه صاحبان‌خانه به آنهامیدادند استغنا وکناره جوئی می‌کرده اند .

سیاح المانئی مذکور ازنفریهای نظامئ ژاپان چون پرسیده است که : (چرالحاف ونهالین استعمال نمیکنید ؟) آنها بجواب گفته اند که : (خواب راحت بعدازین برماحرامست .)

درین اثنا همهٔ اهالئی ژاپان تابه فقیرترین آنها نسبت بقوت و قدرت خود بمعاونت حکومت شتابان شده اند . یك اخبار ژاپان چنین یك فقرهٔ درج کرده بود : (برای مایان بعد ازین مالك بودن بریك ساعت قاب طلا عیب بزرگی شمرده میشود ، مامیباید که ساعتهای طلای خود را در راه زینت شرف وشان ناموس مللی خود صرف کرده بعوض آن ساعتهای کم قیمت وقت نما استعمال کنیم .) (۱۰۰) ملیون (یه ن) درظرف چند روز در داخل مملکت برای قرض دادن بدولت زیاده از پنج بار حاضر ومهیا گردید . تنها توانگران وسرمایه داران نی ، بلکه مزدور کاران ، وخدمتگاران برای اثبات کردن صداقت ومحبت به حکمدار محبوب القلوب خود از نفقهٔ روزانهٔ خود یکچند (ین) داده به استقراض عمومی اشتراك میورزیدند .

غیر ازین، گروه فقرا نیز در هر محله دفترهای اعانه باز کرده بجمع آوری پیسه درمیان خود شان آغاز نهاده اند وپیسهٔ که جمع آوری کرده اند آنرا بخانه های کسانیکه بدار الحرب رفته اند بخشش وعطا کرده اند . بعضی ازین دفترهای اعانه بقدر چار پنج هزار (ین) جمع آورده است .

دریك ژاپانئی بسیار حقیر نیز اثر غیرت وحمیت بسیار بزرگی مشاهده شده است . مثلا یك پیره زنی به یکی از مرکزهای پولیس رفته بنام حکومت (۲۰۰) (ین) اعانه داده گفته است که : این وجه را برای معیشت زمان پیرئی خود پس انداز کرده نگاهداشته بودم ، وچون درینوقت حیات دولت خود را از حیات ذاتئی خود مقدستر والزمتر میشمارم ازانرو ترك کردن این مبلغ جزوی را به اعانهٔ دولت وظیفهٔ مقدس ومهم خود میدانم)

دایرهٔ وزارت حربیهٔ دولت ژاپان مجبور گردید که یك دفتر مخصوصی برای قبول کردن هدیه ها واعانه های مردم باز نماید . درظرف چند روز از (۲) ملیون (یه ن) زیاده درین دفتر وزارت حربیه جمع وگرد آمد که یك

قسم مهمی ازین مبلغ از طرف فقرای اهالی آورده شده بود. کسانیکه هیچ پیسه نداشتند بغیر از یك لحاف ونهالین که برای خود میگذاشتند دیگر همه سامان خانهٔ خود شانرا به عسکر میدادند . بعضی کسان نیز بدناً و فعلاً اجرای معاونت میکردند . حتی مزدورکاران لك کارخانهٔ تیل کشی در روز یکساعت ازززن ومرد ازحد معین خود زیاده ترکار کرده حاصلات همین یك ساعت زیادتی خود شانرا بحکومت ترك کرده بودند .

توانگران وبزرگان ژاپان قیمت دار ترین جواهر والماس های خود شانرا دربانکها خوابانیده منافع آن هارا به اعانهٔ عسکری صرف کرده‌اند .

زن های ژاپان نیز درخصوص حمیت وصداقت ازمردان‌پا کم نیاوردند . برای پرستارئی مجروحان ، وتداوئی بیماران ، ومعاونت کردن به خانه های کشته شده گان هیئتها وجمعیتهای متعدد ومختلفی ازطایفهٔ زنان کمرهمت و غیرت برمیان بستند . برگزیده‌ترین ، وسرفرازترین این جمعیتهارازوجهٔ محترمهٔ مارشال (اویاما) که اردوهای ژاپانرا به علم وفضل عالم پسندانهٔ خود سوق واداره کرده ، یعنی — سرافسر کل دولت ژاپان بود ریاست مینمود .

درین حاضرئی سفر حرب سعیهای دلیرانه ، وکوششهای مردانهٔ که از صنف خاص وعام ژاپانها منظور نظر حیرت عالمیان گردیده است حقیقتاً مثالهای نادرالامثالیست که هر یك ازانها آثار پایدار غیرت ملی را تشکیل میکند . درینجا بعضی ازان افعال حمیتکارانه وغیرت وطن پرورانهٔ آن‌هارا ذکر میکنیم :

درشهر (کوبه) یك شیرفروش بود که دودبه شیررابر شانهٔ گرفته بخانهٔ خود میبرد و هنوز از حاضرئی سفر حرب آگاه نبود . دراثنای راه خبر جمع آوری عسکررا برای سفر حرب شنید . چون اواز افراد نفر یهای عسکر بود بمجرد شنیدن این خبر همان دبه هارا بر زمین گذاشته بی آنکه بخانهٔ خود برود یکسر بسوی دایرهٔ حربیه دویدنرا آغاز نهاد . ودرانجا بیان نمود که من از صنف

افراد عسکر احتیاط میباشم ، و برای آن آمده ام که مرا بدار الحرب بفرستید .

درین اثنا رئیس بلدیهٔ شهر مذکور از راه میگذشت دید که دو دبهٔ شیر در راه افتاده است ؛ از مردمان همجوار پرسید که این دبه های شیر از کیست ؟ آنها کیفیت را بیان کردند .

بنابرین رئیس بلدیه که یك جنتلمن بسیار زیبا و خوش لباسی بود همان با نگکئی دو دبه شیر را بر شانهٔ خود گرفته بخانهٔ صاحب آن ببرد و بزوجهٔ او تسلیم نمود !!

اینواقعه یك لوحهٔ نفیسهٔ عبرتست که از یکطرف حسیات حرب جویانهٔ یك نفر عسکر یرا نشان میدهد که جان فدا کردن را در راه دولت و ملت خود از بزرگترین لذتهای حیات میشمارد . واز دیگر طرف حمیت و فدا کارئی یك رئیس بلدیه را نمودار مینماید که برای محافظهٔ ناموس ملی خود تا بدرجهٔ حمالی تنزل وفروتنی میکنند !

یك افسر نو جوان بسیار دلاور درین اثنای سفر حرب برای زوجهٔ عزیزهٔ خود چنین نوشته است :

« دولت ما عقا بل دشمن اعلان حرب نمود ؛ حوادث اعلان حرب بگوش ما از صدای هر گونه ساز و موسیقی لطیفتر ، و شیرینتر میآید . از شنیدن این خبر مسرت اثر فرحت وسرور بی اندازهٔ که برای من حاصلشده نمیدانم که به کدام زبان قلم بتو بفهمانانم !

« خودت میدانی که من بغیر از تو هیچ کسی ندارم و ترا از جان خود زیاده تر دوست دارم . بسببی که بیکس بزرگ شده ام همهٔ محبت ودوستئی که درحق ابوین من در دلم تجلی نموده همه را برای تو وقف و حصر نموده ام .

« حالا از تو جدا شدن لازم امده است ؛ چونکه در ساحل آسیا و صحراهای مانچوری قوم ژاپان که من نیز یکی از اجزای فردیهٔ آن میباشم با دشمن خود

دست و گریبان میشود ! بلی، من یکی از اجزای فردیهٔ جسم ملتی ژاپانم که درظاهر حال نسبت به این جسم مقدس بدرجهٔ (هیچ) میمانم • ولی در حقیقت حال آن چنان یك جزء فردی ام که به الطاف مالانهایهٔ بادشاه محبوب القلوب خود پروردهٔ کمال و عرفان گردیده یك عالم کبرای معنوی شده ام !

« دل یك عسکری که بجوش وخروش آمده باشد، مانند بحریست که پر موج شده باشد ، پس چنانچه موجها باساحل مصادمه کرده ، وبهم خورده خورده سکونت پذیر میشود ، همچنان دل پر جوش وخروش یك عسکر نیز بجنگ کردن ، وخون ریختن دشمن آرام وقرار میگیرد ! اینست که میروم وچنان میروم که دیگر واپس نیایم ! لهذا بمجردیکه پایم به آنطرف ساحل برسد نمیخواهم که فکر وخیالم بغیر از دشمن بادیگر چیزی مشغول ومتعلق گردد ؛ عقلم ، فکرم حواسم همه گی به آن منحصر باید شود • آرزوی یگانه ام همینست که تامرگ باتمام قوت خود محاربه کنم • پس برای اینکار لازم آمد که بصورت ابدی از توجدا شوم ، وفکر وخیال خودرا یکقلم از تو بردارم • زیرا اگر تو در زیر نگاه من باشی ممکن نیست که به تمام آرزوی دل خود همه فکر وحواس خودرا بجنگ وقتال منحصر بتوانم ، وبوجه دلخواه خود به بادشاه و مملکت خود خدمت بتوانم ، لابدکه یك گوشهٔ دل ، ویك قسم حواسم باتو گرفتار خواهد بود • حالانکه درینمسئله شریك گنجایش قبول ندارد !

« پس بگو ، توچه میگویی ای محبوبهٔ خوشروی من ! »

زن جوان ،وخوشرو، وعسکر، ودلاور، این سخنان پرتاثیرشوهر خودرا بکمال صبرومتانت شنیده اینچنین جواب نوشت :

« درراه نام وشان بادشاه محبوب القلوب ، ووطن ، وملت مانندتو یك شیرین دل خودرا خندان خندان فدامیکنم ؛ واین ایام وصال ما که مانندیك خواب بسیار لطیف وشیرینی بسیارکم مدت دوام نمود به ایام فراق که تاابد

دوام خواهد ورزید بکمال جسارت فدا میسازم وبتمنی ونیاز مندی حاصل شدن موفقیت وکامیابئ آرزوهای دل تو تسلی یاب میشوم .»

فداکاری وجانسپاری یك والدۀ رانیزاینچنین روایت میکنند :

دوسه روز بعد از اعلان حاضری سفرحرب یك نوجوان ژاپانی بدائرۀ عسکریۀ که مامور جمع اوری عسکر بود مراجعت کرده قبول شدن خود را درسلك عسکری از افسر بزرگ ان دائره رجا واسترحام میکنند ، ولی وا اسفا که رجا واسترحام اوقبول نمیشود . چونکه والدۀ اورابجزاو دیگرمعین وحامئ نیست . قانون عسکری ژاپان شخصی را که والده، یاپدرش بجزاو دیگر کسی نداشته باشد بعسکری قبول نمیکنند بنابرین نوجوان مذکور محزون ودلخون بخانۀ خود میآید . والده اش سبب حزن وغمگینیش رااز ومیپرسد . او نیز کیفیت رابأو میفهماند .

والدۀ دلاورها در از شنیدن اینسخن برخواسته بدرون اوتاق میدراید ، ویك خنجر بدست آورده بجگر خودفرو میبرد ویك فریاد جانخراشی میبرارد . پسر ، سراسیمه به اوتاق میدراید . والده میگوید :

« اینست اولاد من حق وجودیراکه ترا ازشرف خدمت کردن محروم کرده بود همینست ! حالا برو ! به آن افسر بگوکه والده ام مرد ، او نیز ترا بجایی که آرزوداری می فرستد . تونیزخودرادرراه باد شاه ووطن مانند من فدامیسازی . اینرا گفته ، و بوسۀ وداع آخرین رااز جبین پسرخود گرفته عازم دار بقامیشود . »

اینست که اینهم یك منظرۀ عبرت آوریست که سببیکه هرطرف آن خون آلود است درنظر اول بچشم انسان مکروه برمیخورد . ولی درحقیقت حال این تماشای الم انگیز مقیاس بسیاربزرگ ، ودلیل بسیارروشنیست که درجۀ فداکاری ملت ژاپان را بمیدان علانیه ظاهر و اشکار میسازد .

فضیلت عالیهٔ جنگ پرورانهٔ یك والدهٔ بهادر دیگر رانیز چنین حکایت میکنند:

« قوموتومارا کی »نام یك حواله‌داری بودکه در صنف عسکری احتیاط ثبت وقیدشده بود. چون پیش از وقوع سفر حرب او بصمت دوافروشی بولایتهای بسیار دور ژاپان رفته بود؛ والده اش چیزی دیگ وکاسهٔ که داشت همه را فروخته برای جستجوی پسر خود سفراختیار نمود. پسر کوچك دیگرش نیز برای جستجوی برادرخودبدیگرطرف روانه شد. اماجستجوی والدهٔ بیچاره بیهوده میشد. تاآنکه در یکشهر پسه اش نیز تمام شد. باوجود آنهم والدهٔ بیچاره از جستجوفارغ نشد بغیراز یك لباسیکه سترعورت اورا بکند دیگرهمه لباسهای خود رافروخته بازبراه افتاد. پاپیاده، بالیاخره آخر کار پسرخودرادریك ده بسیار دوردست ولایت « شیبا » پیدانموده باخود به توکیو آورده بدایرهٔ عسکریه اش تسلیم نمود.

هدیه وتحفهٔ آخرین این والدهٔ عسکر به پسرش این بودکه یکدسته از موی سرخود. ویك کتاب خوبی درفن « سوق الجیش » به اوعطانمود.

هدیهٔ حربیهٔ یك بیوه زنی نیزشایان تذکار است: درماه فبروری یك پیره زنی بدایرهٔ حکومت شهر« کوبه » برای دادن اعانهٔ حربیه آمده‌بود. مبلغیکه میخواست اعانه بکند عبارت ازده هزار« ین » بود.

شوهرزن دروقت زندگی خود پاسبان عبادتخانهٔ مشهور (سانتومی‌با) بود. این مبلغ ۱۰ هزارین ازانزمانها تدارك وجمع شده بود. مرد؛ هنگامیکه بمرض موت گرفتار آمده بود برن خودوصیت کرد که هروقتی فرصت ظهور کندبدون تأنی ودرنگ درراه بجاآوردن وظیفهٔ خدمت باد شاه و وطن همین مبلغ جمع آمده راصرف کند. لهذا زن، این محاربهٔ ژاپان و روس رابرای بجاآوردن وصیت زوج خودفرصت خوبی اتخاذکرده بدون تأنی مبلغ مذکور موروثی خود راآورده به صندوق اعانهٔ حربی تسلیم

کرده است .

وطنپرورئی یك مرد محکومی — یعنی یك جنایتکاری که از طرف قانون بقتل محکوم شده است نیز شایان تذکار است :

یکی از اصناف بزرگران جبراً سرقت وقتل کرده از طرف حکومت به قتل محکوم گردیده بود ، ودر حبسخانهٔ (ایشیغایا) در (توکیو) محبوس بود . هنگامیکه ساعت معین قتل محکوم مذکور رسید مأمور حبسخانه برای خبردار کردن او آمده دیدکه بدست خود محکوم مذکور دو (ین) گرفته است . مأمور حبسخانه بمحکوم مذکور تکلیف نمودکه به این دو (ین) هرچیزیکه دلت میخواهد خریده بخور تا خوردنئی آخرینت شود ولی محکوم بیچاره بکمال تشکر و نزاکت این تکلیف مأمور را رد نمود . وبه بسیار رجا و نیاز عرض کردکه :(همین وجه محقرکه نقد هستئی موجود منست بصندوق اعانهٔ حربیه تسلیم شود تا آنکه در آخر این زندگانئی فانی یك عمل خیری ازمن سرزده باشد ، وموجب تخفیف گناهان من بشود) .

مأمور چون میدانست که اعانهٔ جنایتکاران قبول نمیشود اینسخن محکوم بیچاره را رد نمود . محکوم باز رجا کرد که : (اگر به صندوق اعانهٔ حربیه قبول نشود بیك عائلهٔ که مردشان بمحاربه رفته باشد بدهد ، وجسد اورا نیز بعد از قتل بیکی از مکاتب طبیه بدهند تا شاگردان تخته مشق عملیات جراحیهٔ خود بسازند .)

مأمور وعده کرد که این رجای او قبول میشود محکوم ازین وعدهٔ او خیلی ممنون شده بکمال خوشی وسرور بسوی قتلگاه روانه شد . واین حرکت آخرین خود رایك نیکی وفضیلتی دانسته وبهمان فکر تسلی یاب شده تسلیم جان نمود .

عالیجنابئی یك دزد ژاپانی را نیز ذکر کنیم : در شهر «اوزاقا» دریك مهمانی

بزرگ، یکی ازکیسه برانِ ژاپانی درجیب یکی از بزرگان ساعت بسیار اعلای طلائی رادیده بیك حیلهٔ ساعت مذکوررا میدزدد . صاحب ساعت چون فردا ببیند که ساعتش ضایع شده است دریکی از اخبارها اینچنین یك اعلانی مینویسد :

« دیشب دریك مهمانئی بودم، ساعتیکه درجیب داشتم ضایع گردیده است . ولی من ازدزدی که آنساعترا ازمن دزدیده شاکی نی ، بلکه شاکرم . زیرا آنساعت برمن آنقدر گران وسنگین بودکه از برداشتن آن عاجز وبزحمت بودم . واین سنگینئی آن ازان بودکه ساعت مذکوررا درپترسبورك پیش ازچند سال یکی ازبزرگان روس بمن تحفه کرده بود . وچون دربنو قت بروی دولت متبوعهٔ من شمشیر کشیده جنگ میکنند ازاز وهدیه وتحفهٔ اینچنین یك قوم دشمن درنظر من ازهرگونه شرف وقیمت بعید افتاده است »

کیسه بری که ساعت را دزدیده بود چون روزدیگر اینفقره را در اخبار بخواند ، وبسوی نشان ونمبر ساعت دید فهمید که ساعت بحقیقت تحفهٔ روسیست . لهذا ساعت رادریك قطئی مزینی گذاشته بخانهٔ صاحب ساعت فرستاد، واینچند سطررا نیز بریك کاغذی نوشته دریك گوشهٔ قطی بگنجانید :

« هنگامیکه ساعت شمارا میگرفتم چنان گمان میکردم که مال یك هموطنئی عزیز خود رامیگیرم . ولی چون دانستم که مال دشمنست اگراین ساعت از یك پاره الماس باشد بازهم درپیش من قیمت پشیزی را ندارد !

حاضری سفر حرب روسها

حرکات حاضرئی سفرحرب اردوی روس حقیقتاً به بسیار مشکلات، وخیلی تأخیرات وتعطیلات بوقوع آمد . اسباب این تعطیلات را نیز یکان یکان نقل وحکایه میکنیم :

اولا : حاضرئی سفرحرب اردوی روس به اینمسئله بسیار مربوط مانده بود که منطقهٔ تجمع اقصای شرق ، با او روپای روسی میبایست که خوب

اتصال داشته باشد ، وخط راه آهنی که منطقهٔ مذکوره را با او روپا متصل داشته بود، آیا برای نقل عسکر ومهمات جنگ تاچه درجه قابلیت واستعداد را مالك بود ؟ . ثانیاً خط راه آهنی که از داخل اوروپای روسی یکسر به اقصای شرق ممدود شده بودیك خطه بود یعنی —یك قطارریل بران رفت و آمد میتوانست که مسافهٔ این خط تابه (ولادیو وستوك) مقدار (۷۸۰۰) ، ومسافهٔ آن تابه (پور آرتور) مقدار(۸۰۰۰) کیلومتروبود . و غیرازین ؛ این خط یکپاره ، یعنی ازاوروپای روسی تابه مانچوری یکسرویکدم متصل هم نبود ، چونکه درما بین تالاب عظیم (بایکال) وا قعشده بود . برروی این تالاب نقلیات بواسطهٔ وابورهااجرا میشد . درزمانهائیکه طبقهٔ یخ نازك باشد این وابورها وظیفهٔ یخ شکنی‌را نیزبجامی آوردند ، وچون درزمستانها که طبقهٔ یخ ستبری وکلفتی پیدا کند سوقیات عسکر به ازروی یخ پیاده پااجرا میگردید . پس نظر بن سببهائیکه بیان گردید ریل سیبریادرابتدای ماه فبروری برج حوت سنهٔ ۱۹۰٤ درروزی بیشترازدوقطار ریل آورده نمیتوانست . ازینسبب هیئت آمری یعنی — افسرئی روس لزوم قطعی دیدندکه تاممکن باشد قابلیت خط مذکوررا برای نقلیات زیادتی وافزونی دهند .

در(٦) فبروری برای حاضرئی سفرحرب (اردوی منطقهٔ عمومئی اقصای شرق) امرداده شد . در (۱۰) فبروری برای (دایرهٔ عسکرئی سیبریا) امرحاضرئی سفرحرب عطا گردید . مجموع قطعات مذکوره عبارت بود از(۲۰۰)کندك پیاده ، و(۱۷۸) طرب رساله ، و(٦۸) طوپخانه ، و (٥٤) تولی عسکر فنی ، و (۱۷) غند طوپچئی قلعه ، و (۳) تولی تفنگ ماشین دار .

حرکات حاضرئی سفرحرب قطعات عسکریهٔ (مانچوری) بسرعت و انتظام اجرا شده‌است . زیرا موجود حاضر آن ، ازموجود حاضرئی سفر

حرب آن کم فرق داشت وازانسبب بزودی ودرستی بدرجهٔ مقدار حاضرئی سفرحرب خود رسید .

وبعکس آن، حاضری سفرحربئی قطعات عسکریهٔ سیبریا بمشکلات بسیاری اجرا کردیده است . حاضرئی سفرحرب (قزاق) های صنف دوم وسوم نیز بمشکلات وقوعیافته است .

حاضرئی سفر حرب غند های پیادهٔ سیبریا از ۱۹ تابه ٤۱ روز ، و ازغند هـای (قزاق) از ۸ تابه ۲٤ روز ، و از طوپخانه ها از ۱۵ تابه ۱۸ روزدوام نموده است .

والحاصل درنهایت ماه اپریل همهٔ قوای عسکریهٔ روس دراقصای شرق باین صورت بود :

(۱) اردوی (مانچوری) : ۸ فرقهٔ پیاده و نشان اندازکه هرفرقه عبارت از دوغندست . ۲ لوای مستقل پیادهٔ اوروپایی که هرلوا عبارت ازدودوغند میباشد . اردوهای (۱،۲،۳) سیبریاکه یکنیم فرقهٔ آن عبارت ازقازاقها بوده است .

(ب) قوه عسکریهٔ منطقهٔ (اوسوری) : که مرکب ازدوفرقهٔ نشان انداز بود .

(ج) قطعات محافظ حدود (ماورای آمور) : که مرکب از ۵۵ تولی پیاده ، و ۵۵ طوب سواری ، و ٦ طوپ خانهٔ جبل بود . این قطعات عسکری برنمونهٔ عسکرهای محافظ حدود اوروپا تشکیل یافته بودکه هم برای محافظهٔ خطهای راه آهن ، وهم برای اجرای حرکات با اردوی سیار استخدام و استعمال کرده میتوانستند شد .

در (۱۰) ماه فبروری اردوی (مانچوری) چون تشکیل یافت برسه قول اردو منقسم شده بود ، (قول اردو) عبارت ازیکقطعهٔ عسکری میباشد

که ازیك اردوکمتراست .

حالا آنکه دراثنای حرکات عسکریه باینصورت تقسیم ، ونظام حرب شان اهمیت واعتنا نشده ازانرو (قول اردوها) پارچه پارچه شده است یعنی هنگامیکه قوای عسکریه بدارالحرب رسیدند به ترتیب واصول منتظم جزو تام قول اردوهارا بنظر اعتبار نگرفته بصورت درهم وبرهم بر بعضی اردوها تفریق وتقسیم کرده وبجاهائیکه لازم بود فرستاده شده است . وسبب اینهم جریان احوال ووقایع شده بود ، چونکه به عسکر احتیاج کلی دستداده بزودی ازهمان عسکر موجودهٔ دارالحرب بفائده برداشتن مسارعت ورزیده شده است وبه اینصورت ازاصل نظام حرب اردوسراسر بدیگرگونه یك نظام حربی تشکل کرده است .

در ٦ فبروری یك امرنامهٔ امپراطوری امیرال (الکسیه ف) را برهمه قوای بریه و بحریهٔ اقصای شرق سرافسرکل تعیین ومقرر نموده بود . سر افسری اردوی « مانچوری » راپیش از امیرال « الکسیه ف » جنرال (لینه ویچ » که افسرقطعهٔ عسکریهٔ (آمور) بود ایفاواجرامینمود .

در (۲۰) فبروری جنرال « کروپاتکین » که ازیاوران امپراطوری و ناظرحربیه بود بسر افسری اردوی (مانچوری) تعیین ومقرر گردید . جنرال (لینه ویچ) به افسری اردوی (اوسوری) باقی بماند .



درباب کیفیت هیئت افسری ، وصنوف مختلفهٔ عسکری ، وجزو های تام سوق الجیش ، وتنظام حرب . ووضع الجیش ، وصورت تجمع و دیگر تفرعات اردوی روس که برای محاربهٔ ار دوی ژاپان دراقصای شرق حاضر شده بود بعضی تفصیلات زیاده ترالازم دانستیم :

امر حاضری سفرحرب در ٦ فبروری ۱۹۰٤ داده شد . دران هنگام

قطعات عسکریهٔ که درمنطقهٔ عسکریهٔ (مانچوری) و « آمور » موجودبود ازینقرار است :

قول اردوی اول سبیریا : مرکب بودازلواهای (۱ ، ۲ ، ٦) که هرلوا ازچهارچهار غند وهرغنداز دودو کندك تشکیل یافته بودند .

یك طرب سواری — یعنی رسالهٔ قطعهٔ (او سوری) که مرکب ازسه غند شش شش طربه بود . یك غند طوپچی سبیریای شرقی که مرکب از (۸) طوپخانه که ٦ طوپخانهٔ صحرا و ۲ طوپخانهٔ کوهی بود . و یك کندك سفرمینای اول سبیریای شرقی که مرکب از ٤ تولی بود .

قول اردوی دوم سبیریا : نخجمین غند گرندیل نشان انداز سبیریای شرقی که مرکب از « ٤ » غند دودو کندکی بود : نخستین غند قازاق (ماورای بایکال) ، که مرکب از (٦) تولی بود . غند قازاق (آمور) ، که مرکب از (٦) تولی بود . مفرزهٔ مستقل قازاق (آمور) که مرکب از « ۳ » تولی بود . دومین کندك طوپچی سبیریای شرقی که مرکب از (٤) غندك بود . کندك طوپچی (ما و رای بایکال) که مرکب از (۲) غند بود . دومین طوپخانهٔ قازاق ماورای بایکال .

قول اردوی سوم سبیریا : غند های سوم و چارم گرندیل نشان انداز سبیریای شرقی ، که مرکب از (۱٦) کندك و یك تولی تفنگ ماشین دار بود . غند قازاق ماورای بایکال ، که مرکب از دوغندشش شش تولیئی بود . کندك طوپچی سبیریای شرقی، که مرکب از (۳) طوپخانه بود . طوپخانهٔ قازاق ماورای بایقال . برای این اردو غیرازین جزوهای تامی که مذکور گردید، نهمین غند سبیریای شرقی و سومین کندك سفرمینا ازاو روپا آورده شده است .

خارج جزو تامها : غند دومین فرقهٔ سی ویکم ، که مرکب از دوغند

چار چار کندکی بود . دومین کندك طوپچی تولی سی و یکم ، مرکب از (۳) توپخانه . تولی دوم فرقهٔ پیادهٔ سی و پنجم، مرکب از (۲) غند چار چار کندکی . کندك دوم طوپچی تولی سی و پنجم. مرکب از (۳) طوپخانه . فرقهٔ نخستین سبیریا ، مرکب از چار غند چار چار کندکه . فرقهٔ قازاق ماورای بایقال ، مرکب از چار غند شش شش تولیئی . دیگر یك غند ماورای بایقال، مرکب از (۶) تولی . ششمین طوپخانهٔ قازاق ماورای بایقال ، مرکب از (۴) طوپخانه . کندك سفر میدانی دوم سبیریای شرقی، مرکب از (۴) غند . تولی شمندوفر یعنی — ریل (اوسوری) ، مرکب از ۸ تولی . غند ریل (ماورای آمور) ، مرکب از (۱۶) تولی . کندکهای سفر میدان با قطعاتیکه پسان از اوروپا آورند به شش شش غند رسانده شده است . و تولی شمندوفر ماورای آمور به ۲۴ تولی واصل کردیده است .

محافظهای قلعه در (پورت آرتور) : هفتمین تولی کرندیل نشان انداز سبیریای شرقی، مرکب از چار غند سه سه کندکی . دو کندك طوپچئی قلعه ، مرکب از (۸) غند ، و تولی سفر میدانی (قووانتونغ) . در (ولادیووستوك) : تولی هشتمین سبیریای شرقی ، مرکب از چار غند دو دو کندکی . دو کندك طوپچئی قلعه ، مرکب از (۸) غند و یك تولی سفر میدانی قلعه ، و یك تولی نقب زن . در (نیکولایوفسك) : یك غند پیادهٔ قلعه ، مرکب از (۳) کندك . یك غند طوپچئی قلعه . و یك تولی نقب زن . در (نووکیه فسکوی) : یك مفرزه طوپچئی قلعه و یك تولی نقب زن . برای تشکیلات دیگرین (۴) کندك . قطعات محافظ حدود ماورای آمور: ۱۳ کندك پیاده و ۵۵ طرب سواری ، و ۶ غند طوپخانه .

اینست که در ۶ ماه فبروری امر حاضرباشئی سفر حرب اینقدر عسکر یکه مذکور کردید برای جنگ و قتال بحار به حاضر و مهیا کردیده بود . جمع همهٔ این حاضرئی سفر حرب در ۶ فبروری تقریباً (۱۵۴،۰۰۰) نفر لشکر بود .

قطعات منطقهٔ عسکریهٔ سیبریا که در ۱۰ فبروری امر سفر حرب به آنها داده شده: فرقه های پیادهٔ دومین، وسومین سیبریا که مرکب از چار چار غند چار کندکی بود. یکم، دوم، سوم، چارم کندکهای مستقل طوپچئی سیبریا که جمعاً از ۸ طوپخانه مرکب بود، وغیر از ان با ۷۷ طوپ فیشن قدیم نیز مجهز بود. کندك گرندیل شکارئی سیبریای غربی.

فرقهٔ قازاق سیبریا: مرکب از دو دو غند شش شش تولیئی. سومین، ششمین، نهمین غند های قازاق سیبریا هر یك مرکب از شش شش تولی کندك قازاق مستقل سه سه تولئی. یك غند سفر مینای سیبریای غربی و قطعات میگزین، مرکب از ۸ کندك.

جمع همهٔ این امر سفر حرب ـ ۱ فبروری تقریباً (۵۰،۰۰۰) نفر عسکر بود.

قطعات عسکریهٔ که از اوروپا تا آخر ماه اپریل برج ثور سنهٔ ۱۹۰٤ بدار الحرب فرستاده شده است:

فرقهٔ نهمین گرندیل شکارئی سیبریای شرقی، مرکب از چار غند سه سه کندکی. کندکهای سوم فرقه های یکم، ششم، هشتم گرندیل سیبریای شرقی، مرکب از ۲۸ کندك.

۲۳ طوپخانهٔ لازمئی که قوت فرقه‌های پیادهٔ سیبریای شرقی را کامل کند. همهٔ جمع طوپخانه‌ها ۳۸ طوپخانه. ۲ بطریهٔ طوپهای (هاوان) که از غندك طوپخانه های اوروپا گرفته شده است. ۲ غند تفنگ ماشین داریك کندك سفر مینای مکمل اسباب، مرکب از ٤ غند ٥ کندك چارمین سفر مینای سیبریای شرقی، مرکب از سه غند. ٤ غند سفر مینای اوروپایی کندك پل‌ساز سیبریای شرقی. یك غند (بالونچی) سیبریای شرقی.

جمع همهٔ عسکریکه از اوروپا بر سفر حرب حاضر باش فرستاده شده است ٤۷ هزار نفر است. غیر ازینها در ۷ اپریل یك طرب سوارئی قافقاسئی دلخواه نیز تشکیل یافته فرستاده شده است. ودر ۲۰ اپریل یك فرقه قازاق (اوره نبو

رک) ویك تولی قازاق (اورال) نیز بر سفر حرب بحاضر باشی امر گرفته است .

مناسبات ومشابهاتیکه درمابین این سفر حرب وسفر حرب چین، وژاپان موجود است

درین سفر حرب حرکات عسکری ژاپانها درباب بیرون براوردن عسکر بخشکه، ودیگر حرکات اولی، بسفر حرب پیشتر شان که با چینیها اجرا نموده بودند خیلی مشابهت بهم میرساند . لهذا قارئین کرام اگر بطرز خیلی مختصر احوال ووقایع چند سال پیشتر ازین رابیاد بیاورند بیهوده وبیلزوم نخواهد بود .

در تابستان سنهٔ ۱۹۹٤ عساکر بریهٔ چین، یك قسمش در (کوریای) شمالی موجود بود، ویك قسمش درجهت های (ما نچوری جنوبی) . و طرفهای پایان نهر (یالو) جمع میآمدند . دستهٔ کشتیهای جنگی چین نسبت به دستهٔ کشتیهای جنگی ژاپان اگرچه بمرتبهٔ دونتروفروترمینمود، ولی بازهم در (پور آرتور)، و «وایهای وای» موقع گرفته برای سوقیات، وعسکر براوری ژاپان خوب یك تهلکهٔ تشکیل کرده بود .

حرکات استیلا کاری قوای عسکریهٔ اردوی اول ژاپان درماه جون برج جوزا اول ازضبط واستیلا کردن (موزامفو) و عسکربراوردن به جوار (شه مولپو)، و «زه نسان» آغاز کرده است . قدمهٔ آخرین این از دوبعد ازانکه یك دستهٔ کشتیهای جنگی چین محو گردید به (شینامپو) برا ورده شده است .

این اردوی نخستین ژاپان، عساکر چین را که در مقابل شان بودبلا درنگ پایمال کرده به (یالو) واصل شدند . وبعدازانکه همهٔ دسته های کشتی جنگی چین را دسته های کشتی جنگی ژاپان سراسر محوو پریشان گردانید اردوی دوم ژاپان در آخر ماه اوکتوبر به (پیچه وو) بیرون براورده شده

یکسوین (پور آرتور) حرکت ، ودرنهایت ماه نومبر برج عقرب پور آرتور راضبط واستیلا کرده است .

درنهایت سنهٔ ۱۸۹٤ ژاپانها درمنطقه های (فه نغ هوانچه ن) و (هایچونغ) و« پور آرتور» اردوگاه زمستانی خود دراوضع ونصب کرده بودند . درماه فبروری ۱۸۹٥ درنزدیکی (هایچونغ) به تجاوز چینیان دوچارشده درحال بتعرض آغاز نهاده دشمن خود را یکسر بسوی شمال طرد و تبعید نموده اند . و در ماه مارچ برج حمل (نیوچوانغ) وحوالیٔ آنرا ضبط و استیلا کردند .

بعدازین مظفریت متارکه ، و آن متارکه رامعاهدهٔ صلحیه تعقیب نموده است . ازین اجمال بسیط فهمیده میشود که ژاپانها همان حرکات عسکریهٔ مظفرانهٔ که درسنهٔ ۱۸۹٤ و ۹٥ برچینیها استعمال کرده بودند در یاسفر حرب سنهٔ ۱۹۰٤ و ۹۰٥ برای روسها نمونه گرفته اند . زیراطرز ترتیب ، واجرای حرکات اینسفر عظیم به ترتیب واجرای حرکات ششماه اولی سفر حرب سنهٔ ۱۸۹٤ تمامها مشابه ومطابقت .

حرکات مذکوره بالخصوص خلاصه کرده میتواند شد :

اولاً طرفین دولت (کوریا) را بنظر اهمیت واعتبار نیاورده بسرعت تمام سواحل کوریا را بدست آوردند ، وبه اینصورت برای مالکشدن حاکمیت بحریه بحرکات شدیدهٔ تعرضیهٔ دسته های کشتی جنگی خود آغا زنهاده .

ثانیاً ، بیرون برآوردن قطعات عسکریهٔ که ازهمه پیشتر حاضری سفر حرب شان اجرا شده بود بساحل کوریا ، وحرکات عسکریه رایکسر بسوی قسم پایانی نهر « یالو » اجرانمودند . ودرانجا بخوبی جا یگیرشدند . وبعد ازانکه حاکمیت بحریه را خوبتر مالکشدند نقطه های عسکر بیرون براوردنرا بسوی غرب — یعنی بسواحل مانچوری نقل دادند .

ثالثاً ، اردوی دوم را بساحل غربی (مانچوری) براوردن ، و بر (پور آرتور) حرکت کردن ، ویك قول مهمی رااز (فه نغ هوانغ چه ن) برراه سلسلهٔ جبال بر « لیائویانغ » حرکت دادن ، ودیگریك قول را برراه (هایچونغ) بداخل های (مانچوری) سوق نمودن همهٔ این حرکات از واجباتی بود که ژاپانیها براجرای آن مجبور بودند .

بنا برین ملاحظات ژاپانها ذی حق شمرده میشوند که نقطهٔ منطقهٔ اخراج عسکری خودرادرساحل (بحراصفر) انتخاب کرده اند .

حرب ، چون دراوایل ماه فبروری آغاز کرده است ازانرو کیفیت هوائیه نیزدرخصوص نقطهٔ انتخاب ساحل بحراصفر ازتأثیر خالی نمانده است .

اولالنگرگاه های غرب (کوریا) ازجنوب گرفته تابه شه مولپو درهرسه سال ازیخ خالی وعاریست . حالآنکه لنگرگاههای شمالی ازدسمبر تاماه مارچ انجماد میکنند — یعنی یخ میبندند . سواحل شبه جزیرهٔ (لیائوتونغ) از « پیچه وو » باینطرف ازیخ خالیست اما درابتدای حرب چون آنجاهادر زیر تهدید ، وبیم دسته های کشتئی جنگئی پور آرتور بودازان ونقطهٔ انتخاب عسکر براوردنرا شاید تهوسزاوار نمیشمرد . پس بخوبی معلوم میشودکه برای بیرون براوردن لشکر ، برگزیده ترین لنگرگاههای بحر اصفر همانا بندر (شه مولپو) بود .

بعضی کسان برژاپانها خورده گیری کرده گفته اند که بسبب محروم بودن ژاپانها ازفکر ایجاد، واختراع عیناً پلان ، یعنی نقشهٔ جنگ سفرچین خودشانرا دنباله گیری کرده اند . حالآنکه این خورده گیری برژاپانهانی ، بلکه برای روسها موجب عیب و خجالت باید شود . زیرا روسها بمغلوبیتی که ازین نقشهٔ جنگ قدیم ژاپانها گرفتار آمدند اولا این یك را اثبات کردند که از تاریخ حرب بهره و آگاهی نداشتند .

ثانیاً اینکه اسباب مغلوبیت وانهزام چینیان به آن پلان ژاپان امرظاهر و آشکاری

بود که روسهاازان هیچ عبرت نگرفته ، وبمقابل آن پلان ظاهر وپدیداریك پلان ونقشهٔ بهتری برای کارزار نیندیشیدند، وازچنینان باربار بتروبرفلاکت تر مغلوم ومنهزم گردیدند .

تدابیر روسها

این احتمال که ازطرف ژاپانیها (کوریا) عسکربراورده شود هنوز در اول ماه دسمبر سنهٔ ۱۹۰۳ درمحفلهای عالئی روس بنظر دقت و مطالعه گرفته شده بود .

امیرال (الکسیه‌ف) درراپورتیکه ازتاریخ ۲٦ دسمبربه ایمپراطورروس درباب مطالبات وخواهشات ژاپان تقدیم کرده بودنوشته‌بودکه : اگرژاپانیها (کوریا) رابی آنکه موافقت ورضای روس را حاصل کرده درزیر اشغال وضبط خود دراندبرای روسهاخوبتروبهترخواهد بود . وامیرال (آبازا) که رئیس مجلس خصوصئی که درپترسبورك درباب مذاکرات مسائل اقصای شرق بحضورخود ایمپراطور انعقاد یافته بود بهاین‌کلمات آنرا چنین شرح و تفسیر نمود :

« اگرژاپانیها (کوریا) رادرزیراشغال‌عسکرئی‌خود درارند . بسببی‌که درانوقت یکسرویکدم همسایهٔ ماییشوندازانرو بلاقیدوشرط بهر آرزوو ارادهٔ ماتابع میشوند . زیرا باقوتهای خود ایشانرا ازسه طرف احاطه میکنیم ، و ازهرطرف تضییق وفشار میدهیم . بنابرین مذاکرات را قطع کرده بگذاریم که ژاپانیها کوریارا درزیراشغال عسکری خود درارند . »

ولی‌باوجود این رأی امیرال(آبازا) بازهم مذاکرات سیاسیه‌راروسها قطع‌نکرده بمباحثات ومناقشات قلمیه دوام ورزیده شده‌است .

در ٦ جنوری سنهٔ ۱۹۰٤ امیرال (الکسیه‌ف) برخلاف نوشتهٔ که در

۲۶ دسمبر داده بود چنین نوشت که : « اگر قوت های بسیار خفیف عسکرئی ژاپان به خاك (کوریا) بیرون براید وضعیت سوق الجیشیهٔ او دوی اقصای شرق روس راخیلی خرابی خواهد رسانید » ، وبرسر اینهم تکلیف میکرد : « که قوای عسکریهٔ اقصای شرق در حال بحال سفر حرب حاضر شده حوضهٔ نهر (یالو) رادر زیر اشغال درارد » .

ایمپراطور روس در ۸ جنوری اجرا شدن سفر حرب را اگرچه امر نموده است اما درباب منبع نهر (یالورا) درزیر اشغال دراوردن مواففقت و رضا نداده است ، مگر که یك لزوم بسیار مجبری پیش آید .

تابه نهایت ماه جنوری ازطرف امیرال (آبازا) وخود ایمپراطور بسی تلگراف های دیگر نیز به امیرال (الکسیه ف) رسیده است که درهریك ازین تلگرافنامه ها جدا جدا جاهارا در (کوریا) برای اشغال کردن ژاپانها نشان داده شده است . تاآنکه در ۸ ماه فبروری یعنی دوروز بعد از انقطاع مناسبات دیپلوماتیکیه برای امیرال (الکسیه ف) بطرز (اوامر عمومیه) این تعلیمات فرستاده شده است .

« ما آرزوداریم که حرکات خصمانه ازطرف مانی ، بلکه ازطرف ژاپانها آغاز کنند . درباب داخل شدن ژاپانها درسواحل شرق . وجنوب (کوریا) ممانعت مکنید . ولی اگردسته های کشتی جنگی ژاپان ازدایرهٔ عرض (۳۸) بر تجاوز کردن جرأت کنند شمارا امراست که گله انداختن آنهارا میدان ندا ده بشدت تمام بران هاهجوم نمائید . خاطر جمعی واعتمادم برشما کاملست . جناب حق مددگار شماباشد ! »

این تلگراف نامه راامیرال الکسیه ف دروقتی گرفت که دستهٔ کشتیهای جنگی ژاپان برکشتی های جنگی روس هجوم برده به بد صورت آنهارا دو چار خسار نموده بود . بنا برین امیرال الکسیه ف دران هنگام بچنان حالتی

نبود که امر جناب ایمپراطوری رادرباب تعرض وهجوم شدیده بردستهٔ کشتی های جنگی ژاپان اجرا وبجابیارد .

الکسیه ف چون ازاجرای این امرایمپراطوری بسبب خسارت زده گی کشتیهای جنگی زرهپوش خود محروم ماند درحال جنرال (قاشتالنسکی) رابالوای سوم نشان اندازسیبریای شرقی از (پور آرتور) ، ولوای قازاق را به افسری جنرال (میچه نقو) از (مانچوری) به استقامت (آنتونغ) بر « یالو » بحرکت کردن امر نمود .

لوای کرندیل نشان اندازعبارت از (۸) کندك پیاده ، (٤) غندشکار انداز ، (۲) طوپخانهٔ صحرا ، (۱) طوپخانهٔ کوهی ، و (۱) غند تفنگ ماشین‌دار بود . تولی قازاق نیزعبارت از (۱۸) طرب رساله ویك طوپخانهٔ سواری مرکب بود . این لوادرجوار (آنتونغ) توقف کرده اخذ موقع نمود .

جنرال (میچه نقو) در ۱۷ ماه فبروری بوقت صبح ازحد (ویجو) نهر منجمد (یالو) رادرگذشته بنابرمقصداستکشاف ازراه کوهستان (زو نشون) یکسربسوی (آنجو) پیشرفت . ولی بسبب خرابئی راهها طوپ خانهٔ سوارئی خوراغفوزبزونشون نارسیده بواپس گردانیدن مجبور گردید .

در ۲٤ ماه فبروری قولهای کشف جنرال (میچه نقو) به (قازان) نام موقع واصل شده بودند .

بیرون برامدن اردوی نخستین ژاپان به خشکه

هنوزدر ٥ ماه فبروری یعنی — پیش از انقطاع یافتن مناسبات سیاسیه اردوی نخستین ژاپان راامرحاضرسفرحرب داده شده بود ؛ وفرقهٔ ۱۲ باقطعات فنئی خود یکجا از (موجی) به (موزامفو) ، و(فوزان) سوق وارسال شده درانجا بساختن استحکامات خاکی آغازنهاده بودند .

این استحکامها هم لنگرگاهای (موزامفو) و (فوزان) راکه روبروی جزیره های ژاپان واقعشده است در زیر امن وامان میدراورد، وهم استحکامات (چوشیما) .و(ساسه بو) که آبنای (کوریا) رابصورت ناقص وناتمام سدکرده بودکامل واتمام مینمود .

یك مفرزهٔ دیگرکه مرکب از ٤ کندك پیاده و منسوب بفرقهٔ ١٢ بود بادستهٔ کشتئی جنگئی امیرال (او ریو) در ٦ فبروری از لنگرگاه (ساسه بو) حرکت کرده . وبعدازانکه در ٩ فبروری کشتیهای جنگئی (واریاق) ،و(قوریه تس) روسی رامحو ونابود ساختندبه (شه مولپو) رامده است . یك قسمی ازین مفرزه بمجرد برامدن بخشکه، بساختن یك پلی برای عسکر گذرانیدن آغاز کرده اند . قسم کلئی ان در ١٠ فبروری (سه ئول) رادرزیر اشغال عسکری دراورده اند . وایضاً در ١٠ فبروری یك مفرزهٔ این فرقه(ژه نسان) رانیز اشغال کرده اند . وظیفهٔ یگانهٔ این مفرزه آن بودکه موقع مذکوررا از تعرضات جهت خشکه یی ودریائی دشمن محافظه نماید ، وهم جناح راست اردوی نخستین راستر ودر امان دارد .

اینست که چون به اینصورت مهمترین لنگرگاههای خالی از یخ (کوریا) بدست ژاپانیا نهادرامد در ١٤ فبروری قسم کلی فرقهٔ ١٢ از (موجی) به شه مولپو به نقلیات آغاز کردند .

حرکات عسکر بیرون براوردن حقیقتاً بمشکلات بی اندازه بوقوع آمد . چونکه در بندرگاه داخلی یعنی — لنگرگاه درونی تنها پنج کشتی لنگرانداز میتوانست شد . بندرگاه خارجی یعنی — لنگرگاه بیرونی اگرچه واسع وفراخ بودولی در زمان جذریك قسم بزرگ آن خشك شده حالت خندق پرگل ولای را دربرمیگرفت . ازین سبب کشتیهای بزرگ بقدر دوکیلومترو دور ازساحل لنگرانداخته عساکر بواسطهٔ کشتیهای کوچك وقایقها ودیگر اسباب خوردوریزه بساحل براورده میشدند . وباوجود آنهم ازسنگ ، وریگ ، و

چوب وسیم وغیره ساختن پلهای نردبان دار واسکله ها نیز برای براوردن عساکر، وطوپ، وسواری ودیگر مهمات ضروری ومجبوری بود.

این عملیات بمعاونت وسعی مشترك اهالئی بسیار ژاپونی که در (شه مولپو) سکونت داشتند سر انجام پذیرفت باوجود آنهم بیرون برامدن فرقه تا به پنج روز دوام وورزید وبراوردن همهٔ مهمات عسکریه تابه دوم مارچ بطول کشید.

یك مفرزه درحال براستقامت (پنیغ یانغ) فرستاده شد، خود فرقه نیز بعد ازانکه همه گی در (سه ئول) گرد وجمع آمدند سر راست بسوی (پنیغ یانغ) بحرکت افتاد، ودر اواسط ماه مارچ یعنی — حمل بموقع مذکور رسیدند از قرار حساب، این فرقه اینمسافهٔ (سه ئول — پنیغ یانغ) راکه (۲٤۰) کیلومتر وست درظرف ۲٤ روز قطع نموده اندکه در هرروز گویا (۱۰) کیلومتر وراه پیموده اند.

عسکر سواری یعنی — رسالهٔ که بمفرزهٔ اول ملحق شده بود بسرعت و چالاکئی تمامی حرکت کرده در ۲۷ ماه فبروری برج حوت در جوار (پنیغ یانغ) باقولهای کشف قاراق روسی مصادمه نمودند.

مفرزهٔ فرقهٔ ۱۲ که به (زه نسان) براورده شده بودند نیز یکسر بسوی (پنیغ یانغ) حرکت کرده درنصف اخیر ماه مارچ به فرقهٔ مذکور ملحق گردید.

درین اثنا سواحل قسم شمالئی (شه مولپو) ازیخ و افسرده گی باز شده بسواحل مذکور نیز براوردن عسکر ممکن شده بود. فیلو — یعنی دستهٔ کشتئی جنگئی روس که در (پور آرتور) بود بسببی که قوهٔ حربیهٔ خودرا خیلی از خیلی ضایع کرده بود. وامیرال (توغو) مدخل بندرگاه (پور آرتور) را بصورت موقت برای برامدن زرهپوشهای بزرگ بسد کردن موفق شده بود از انرو حرکات بیرون براوردن عسکر را از لنگرگاه (شه مولپو) تعطیل داده به لنگرگاه خلیج (تا تونغ) آغاز نهادند، وقسم کلئی اردوی نخستین یعنی — تمامئی فرقهٔ خاصه، و فرقهٔ (۲) به خلیج (تا تونغ) براورده

شدندکه به اینصورت نسبت به (شه مولپو) ، (۲۳۰) کیلومتر و پیشقدمی و منفعت بدست آورده شد .

در (۱۰) مارچ بسببیکه امیرال (توغو) مدخل بندرگاه خارجی راباز بیشتر ازاول یکقدری بندکرده توانست برای براوردن عسکر به پیشتر زیاده تر خاطر جمعی حاصل شده ، یك فرقهٔ دیگر به لنگرگاه (شینامفو) به بیرون کشیدن آغاز شده است .

حرکات بیرون براوردن عسکر به (شینامفو) عیناً بمشکلات و زحماتیکه به (شه مولپو) پیش آمده بود برخورده است . پشته های گل وریگی که درزمان جذر بساحل پیدا میشد برای قایقها وکشتیهای کوچکی که عسکررا از واپورها بساحل می آوردند مانع میشد . بنابرین این فرقه در (۱۸) مارچ به خشکه برامده است که درانوقت فرقهٔ (۱۲) به پنیغ یانغ رسیده بودند .



نقلیات بحریهٔ ژاپان

محافظه کردن ، وحمایه نمودن یك فیلو نقلیه — یعنی یك دسته کشتئی عسکربارشده — رادربحر از تعرض وحملهٔ کشتیهای جنگی دشمن خیلی امر صعب ودشوار یست . واپورهائیکه برای نقل عسکر استعمال میشود از هرگونه وسایط مدافعه محروم میباشند، یعنی — نه طوپ کشتی شکاف دارندنه زره ، ماشینخانه وچرخهای آنهانیزازسطح آب بالاتر است که به این سبب یك گلهٔ طوپ کشتئی جنگی در لحظهٔ واحد یك کشتئی بزرگ نقلیه را غرق ونابود میتواند . و هم سرعت سیر وشناورئی سفاین نقلیه نسبت به سفاین حربی کمتر است .

حالا تصور شود که یك دستهٔ کشتیهای جنگی بیست سی عدد سفاین نقلیهٔ را که مانوره وحرکت دادن آنهاخیلی بسستی وآرامی اجرا میشود درزیر جناح حمایهٔ خود گرفته از گله های دستهٔ کشتیهای جنگئی دشمن محافظه کردن چقدر

امر مهم وچسان وظیفهٔ دشوار ومشکلیست !

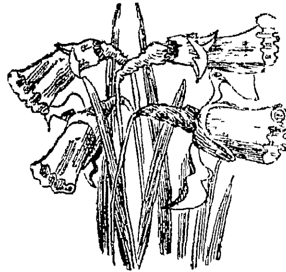
بیست سی عدد کشتیهای بخارئی جسیم نقلیه در روی دریا یك میدان بسیار واسعی را اشغال وفرا میگیرد که این سفاین را از هر طرف مانند یك دیوار قلعهٔ آهنینی احاطه کردن به دستهٔ کشتیهای جنگی بسیار بزرگی محتاجست .

بنابرین برای دستهٔ کشتیهای جنگیئیکه بوظیفهٔ نگهبانئی دستهٔ کشتیهای جنگی سفاین نقلیه مکلف است موافقترین تدبیر ها همینست که دایما در جهتیکه زیاده تر بیم وخوف از انجهت ملحوظ باشد بکمال بیداری وحاضرباشی به آنطرف نگران باشد، وبمجرد دیدن کشتیهای جنگئی دشمن بتمام شدت وسرعت برانها هجوم ویورش برده نگذارد که بسفاین نقلیه نزدیك شود .

امادشمن اگر صاحب مهارت باشد با کشتیهای جنگئی محافظ دستهٔ کشتی های جنگئی نقلیه بمحاربهٔ منتظم بحری نمیداریدبلکه بواسطهٔ طورپیدوها و کروواز ورهای کوچك خود از هر هر طرف بصورت المانی بر سفینه های نقلیه هجوم ویوریش میبرد که درانحال برای دستهٔ کشتیهای جنگی محافظه کار خیلی دشوار میشود .

دروقت شب امر حمایه ومحافظه کردن سفاین نقلیه از بسیارئی دشواری سراسر مرفوعست . درین حال بجز اینکه در آغوش ظلمت التجا برده شود دیگر هیچ چیزی باقی نمیاند . والحاصل این طرز حمایه ومحافظه هم خیلی مشکل، وهم امنیت وخاطرجمعی دران نیست لهذا بهترین تدابیر ومعقولترین چاره ها همینست که دسته های کشتیهای جنگی دشمن را در لنگرگاهیکه اس الحرکات شانست محاصره کرده نگذارند که ازانجا بیرون برایند . وازین بود که امیرال (توغو) همیشه همین اصول حرکت را تعقیب وپیروی کرده است . حتی مدخل بندر گاه را نیز چندبار بسدو بند کردن تشبث نموده است، وهروقتیکه یك دستهٔ کشتی جنگئی نقلیهٔ ژاپان از لنگرگاههای ژاپان بسوی (کوریا) حرکت کرده است

هما ندم دسته های کشتئی جنگئی امیرال (تو غو) درافق (پور ار تور) پدیدار گردیده درمقابل شهر مذکور ، دسته های کشتئی جنگی روس نمایشها وتهدید هااجرا نموده است . اما باوجود آنهم از بیم آ نکه مبادا یکچند کشتیٔ کوچك بسیارسریع السیر دشمن خط محاصره را به پنهانی تجاوز کرده سفاین نقلیه را ضرر برسانند دا ئمادسته های کشتی سفاین نقلیه رایك دسته کشتی کوچك جنگی برای حمایه ومحافظه همراه بوده است .





دار الحرب ، یعنی — زمینها ومملکتهای که دراقصای شرق جنگ و جدال وحرب وقتال در ما بین روس وژاپان دران برپاشده عبارت ازین چند مملکت است :

اولا قطعهٔ (مانچوری) که (۹۸۲،۰۰۰) کیلومترمربع مساحهٔ سطحیه، و(۱۲) ملیون اهالی را مالکست . ثانیاً قطعهٔ (کوریا) که (۲۲۳،۵۲۵) کیلومترمربع و(۱۰) ملیون نفوس دارد. ثالثاً ولایت (اوسوری) که (۱۷۹،۹۱) کیلومترمربع اراضی، و(۲۰۰۰۰۰) نفوس دارد، رابعاً جزیرهٔ (ساخالین) است.

این قطعهٔ وسیعه بوسعت وجسامت ربع اوروپای روسی برابراست . اما منطقهٔ که محل جریان حرکات حربیه — یعنی (دارالحرکات) است عبارت ازقسم شمالئی (کوریا) وطرفهای جنوب (مانچوری) میباشد که وسعت همین دارالحرکات حربیه که بهمینصورت تحدید گردید بازهم برابر مساحهٔ مملکت (اناطولئی) عثمانیه میآید .

مانچوری

قطعهٔ (مانچوری) درمابین (۳۸درجه و۰ دقیقه) و(۵۳درجه و۳۰دقیقه) عرض شمالی ، و(۱۱٤ درجه و۲۰ دقیقه) و(۱۳۲ درجه و۲۰دقیقه (طول غربی واقعشده است ، جهت شرقئی این قطعه، ممالکت (کوریا) و(ایالت ساحلیه)؛ جهت شمالئی آن ولایت (آمور)) و(سیبیریا) ؛ جهت غربئی آن ایالت (ماورای بایکال) و (موغولستان) ؛ وجهت جنوبئی آن باخلیج (پچیلی)

محدود ومحاط میباشد .

بغیر از وادئی فراخ ومنبتی که نهر (لیائو) آنرا آبیاری مینماید دیگر همه اراضئی (مانچوری) کوهستان ، وپر از پستی و بلندیست . ولی کوهها اکثر ارتفاع و سطحی را مالك میبا شند : — یعنی بلندی آن ها از (۱۵۰۰) متر تجاوز نمی کند .

از حد ملتقای نهرهای (آمور) و(اوسوری) تابه منتهای جنوبئی شبه جزیرهٔ (قوا نتونغ) تمام قطعهٔ مانچوری بایك سلسلهٔ عظیم جبال سرتاسر محاط میباشد که طول کامل این سلسله بقدر (۱۰۰۰) کیلومترو ست ، ودر هرجا نامهای مختلف میگیرد . (جبال ابیض) یاآنکه (شان پای شان) نام اصل سلسله از خلیج (کوریا) آغاز کرده بازروه های مرتفع وپر برف خود در سواحل دریای ژاپان دراز شده میرود . مرتفعترین زروهٔ این سلسله (۲۶۰۰) متر ارتفاع را مالك است که (په یشان) نام دارد وعقدهٔ همه کوههای دارالحرکات حربیه راتشکیل میدهد .

سلسلهٔ (شان پایشان) یکسر بسوی جنوب غربی دراز شده سلسلهٔ (ایرخا خون) وکوههای (بوتیه ن لنغ) که مانچوری را ازدشت های مو غولستان جدا میکنند بوجود می آورد . این سلسلهٔ آخرین را سلسلهٔ (لیا ئوتونغ) نیز مینامند که شبه جزیرهٔ (لیائوتونغ) را پرکرده ، ویکسر بسوی جنوب امتداد یافته نیم جزیرهٔ (قوا نتونغ) را تشکیل میدهد . سلسلهٔ (لیا ئوتونغ) بازروهای خشك و برهنهٔ خود از دیگر کوهها تفرق وتمیز میکنند . ارتفاع این سلسله درطرف های شمال اکثر متجاوز از (۱۰۰۰) متر است درنزدیکئی بر زخ (کینچو) ارتفاع اراضی به(۶۲۴) متر ومیرسد . کوههای که درگوشهٔ جنوب شبه جزیره واقعشده است از سطح دریا(۴۶۳) متر ارتفاع دارد . کوههائیکه (پور آرتور)را احاطه کرده است از (۲۰۰ تا ۳۰۰)

متر بلندی دارد . درجنگلها ئیکه این کوهها را مستور داشته بیقاعده وبی اصول کندن وبریدن اجرامیشود . امابا وجود آنهم بسیار جنگلهایی موجود است که هنوز هیچ دست نخورده است .

کوریای شمالی و مانچوری جنوبی بصورت عمومی پر آب وبا انهار میبا شند . درهر طرف بحد وبیشمار جویهاونهرها ادار است . بزرگترین نهر های مانچوری نهر (چونغاری) ست که از توابع نهر (آمور) است . این نهر تابه (۱۵۰۰) کیلومتر وبرای سیر وسفر کشتیها مساعد وموافقست . در بعضی جاها عرض آن خیلی کسب وسعت مینماید .

بعد از (چونغاری) مهمترین نهرهای « مانچوری » نهر (لیا ئو) میبا شد . این نهراز کوه « چیلی » که در جهت شرقی (پکین) پایتخت چین وا قعست میبراید . وبه خلیج (لیائوطونغ) میریزد . طول آن (۹۰۰) کیلو متراست . نهرمذکور درسال سه ماه انجماد میکنند . ودراواسط ماه مارچ یخ ها آب میشود .

اقلیم مانچوری وکوریا خیلی سرد است . از اواسط ماه نومبر مطابق برج عقرب تا به نهایت ماه مارچ برج حمل یك سرمای بسیار خشك و تیزی حکمفرمامیباشد .

صحرا ها ، وچمنزارهای مانچوری لطیف است ، وجنگلها ومرعاهای خیلی مظلم وغلویی دارد . درمانچوری سیب زمینی ، وتوتون ، و کنویر خیلی وافر بعمل می اید . زغال سنگ ، طلا . آهن نیز بکثرت دارد . درجنگلها پلنگ ، وگرگ وغیر هم موجود است .

مانچوری برسه ولایت منقسمست : در جنوب ، ولایت (موکدین) در وسط ، ولایت (کیرین) درشمال ، ولایت (آمور) موجود میباشد . حوالئی جنوبیهٔ مانچوری — یعنی شبه جزیرهٔ (لیائوطونغ) وعلی الخصوص

طرفهای (لیا ئویا نغ) خیلی معتدل ، وغله خیز ، وپرمردم ، وتوانگرترین زمینها ست . اما حوالیٔ مانچوریٔ شمالی غیر منبت وخشك وغیر مسکونست . در جهت غربی مقدمات صحرای (غوبی) دیده میشود . این صحرا وحشت انگیز ترین وخشك ترین ، وبی علفترین صحرا های دنیاست .

طرز حیات ومعیشت قوم مانچوری نسبت به چینیان خیلی پست تر و فرو مایه تراست ، در اول امر یك مرد مانچوری از یك مرد چینی وحشی تراست ، دیگر آنکه کار ومشغولیت مانچوریان عبارت از خیلی کار های عادی وفرومایه میباشد . مذهب قدیم (قونفوچیوس) در مردم مانچوری خیلی اجرای نفوذ کرده است . اگرچه بعضی اقسام اراضی مانچوری بسبب معادن حتی معدن زغال سنگ خیلی توانگر دیده میشود ، لکن هنوز آن معدن ها دست نخورده است تنها معدنهای زغال سنگ (یه نتای) در کاراست که روسها ازان خیلی فائده برداشته بودند .

خط راه آهنیکه روسها در مانچوری کشیده اند هیچ حیات تازهٔ به انقطعه نه بخشیده است . چنان گمان میشود که افسرهای روس نقشه وپلانی که برای اینخط تنظیم کرده اند محض همین یکمقصد را هدف اتخاذ کرده اند که شهر های (پورآرتور) و « ولادیووستوك » را از راه اسهل وکوتاه بخط کبیر سیبریا ربط والصاق نمایند تا به اسانی از یکنقطه بدیگر نقطه قطعات جسیمهٔ عسکریه را سوق ونقل داده بتوانند وغیر ازین دیگر هیچ مقصد را برای منفعت اهالی واراضی درمد نظر نگرفته اند .

باوجود اینهم انقطعهٔ مانچوری در نظر چینیان خیلی یك پارچهٔ قیمتدار ی شناخته میشود . زیرا اهالی مانچوری برای عسکری خیلی فائده مند مردم هستند . دیگر اینکه خاندان حکمداران چین که درینوقت حاضر بر تخت حکومت نشسته اند از قطعهٔ مانچوری نشأت وظهور نموده اند . درسنهٔ

(۱٦٤٤) میلادی (تەسونغ) نام حکمدار بزرگ مانجوری بعد از محاربه های بسیاری که با چینیان نمود بکمال ظفر واقبال به «پکین» که پایتخت چین است دا خلشده بودند، از ان تاریخ قطعهٔ مانجوری منشأ خاندان حکمداران چین گردیده عساکر جرار وصداقت شعار چین از همینقطعه بعمل آمده است، امپرا طورهای چین نیز تا بحال به این مملکت اصلئی خودشان و اهالی صادقهٔ آن از اظهار محبت وتوجه صمیمی خود داری نموده اند.

اینست که قطعهٔ مانجوری بسببیکه منشاء ظهور امپراطوران چین است درنزدشان خیلی مقدس شمرده میشود، زبان مانجوری نیز از زبانهای معتبر و رسمئی امپراطوری چین معدود است حتی کسانیکه به مأموریتهاو خدمتهای دولتی مستخدم میشوند بلسان مذکور متکلم بودن شان شرط مجبوریست واز ینست که جملهٔ آثار مهمهٔ ادبیات چین بزبان مانجوری نقل وترجمه شده است، بنابرین قطعهٔ مانجوری از روی اهمیت سیاسیهٔ عنصری، ویاد آورئی شرف ونام سلسلهٔ عتیقهٔ حکمداری در نظر عموم چینیان خیلی مقبول ومعتبر گرفته میشود.

برای دانستن احوال ما ضیهٔ قطعهٔ مانجوری صحیفهٔ بسیار درخشان تاریخ آن شهر (موکدەن) است:

مقر ادارهٔ تمام مانجوری، ومرکز ولایت (لیائوتونغ) شهر (موکدەن) میباشد که از پکین بمسافهٔ (٦٥۰) کیلومتر ودور واقعشده است. این شهر در (٤١) درجه و(٥۰) دقیقه و(٣۰) ثانیه عرض شمالی، و(۱۲۱) درجه و(۱۷) دقیقه و(۲۰) ثانیه طول شرقی، دریك وادئی بسیار منبت ومحصولداری برکنار نهر (هون) که از توابع نهر (لیائو) ست بنا شده است.

شهر (موکدەن) از جهت پاکی وانتظام کوچه هاو بازارها وظرافت ونزاکت اهالی، واحتشام ولطافت سرایها ومعبدها از اکثر شهرهای چین یك تفوق معلومداری نشان میدهد، شهر بادو جادهٔ بسیار وسیع وبزرگی طولاً وعرضاً سر

تا سر همدیگر را قطع نموده است. و از چار اطراف این دو جاده بسی جاده های دیگر نیز بهر هر طرف امتداد یافته است. در نقطهٔ تلاقی دو جادهٔ بزرگ — یعنی در مرکز شهر یك قلهٔ بسیار بزرگ و مصنعی دیده میشود که بر سر این قله یا مناره — یا برج یك طبل و سرنای بزرگی موجود است که طلوع شمس و یا ظهور یك تهلکه را مانند سوختن وغیرهم را خبر میدهد. چچه های عموم خانه ها خیلی عریض و نوکهای آنها بسوی سما متوجه میباشد، و به بسی اشکال غریبه و نقوش بدیعه مزین است.

شهر (موکده ن) با دو قلعهٔ متین و بزرگی که از نقطهٔ نظر عسکری زمان حاضر هیچ اهمیت و اعتباری ندارد محاط است. یکی ازین دو سور بر تمام محله های شهر محیط و به امتداد (۱۸) کیلومتر وست سور دیگر بمثابهٔ ارگ است که محتوی بر دوایر حکومتی میباشد.

سرایها و عمارتهای حکومتی شهر (موکده ن) از بهترین سرایهای ممالك وسیعهٔ چین معدود است. از شهر (موکده ن) تخمیناً ده کیلومتر و بسوی شمال غربی قبرستان مشهور (چارلیغ) که مخصوص اجداد خاندان حکمدار فی حالائی چین است موجود میباشد. قبل ازین به این مقابر هیچ یك اجنبی نزدیکشده نمیتوانست: اجنبیانی که به آن مقامها نزدیك میشدند به جزای قتل و اعدام محکوم میشدند. اما بعد از اشغال عسکری روس این اعتناها و این جزاها خیلی سستی و خفت پیدا کرد. جادهٔ بزرگی که از شهر موکده ن برخاسته به این قبرستان منتهی میشود از جاده های بسیار مزین و دلکشایی میباشد. اطراف این جاده با هیکلهای حیوانات مختلفهٔ از سنگ تراشیدهٔ بسیار مصنعی زینت یافته است. پلهائیکه درین جاده موجود است از سنگ مرمر بکمال صنعت و مهارت ساخته شده است. درین جاده یك طاق ظفری نیز از سنگ مرمر بنا یافته که بسبب زینت و جسامتی که دارد از نفس آثار معماری شمرده میشود. رفته رفته این جاده بمعبد مرکزی میرسد که این معبد خواه از جهت صنعت و خواه از جهت غرابت آثار هرگاه یك نمونهٔ

بدایع وغرائب شمرده شود سزاست . والحاصل شهر موکدن به اینسببهای تاریخیه وموقعیه در نزد تمام اهالئی چین خیلی شهر مقدس وقدیم وشهر تشعاری میباشد .

﴿ کوریه ﴾

نیم جزیرهٔ (کوریا) درمابین چین و ژاپان یك سد متینی تشکیل میدهد . مساحهٔ سطحیهٔ آن (۲۲۰۰۰۰) کیلو متر مربعست که تقریباً برابر بمساحهٔ سطحیهٔ شبه جزیرهٔ (ایتالیا) می آید . نصف جنوبی این شبه جزیره مدخل (بحرا صفر) وخلیج (پچیلی) واطراف وجوانب آنرا مدافعه میکنند . مملکت (کوریا) ازجهت خشکه با ایالتهای (لیائوطونغ) و (کیرین) محدود است . نهرهای (یالو) و (تومن) در میان وصل مشترك تشکیل میدهند . همهٔ این حوالی درجهت منبع این دونهر کائن ، واراضی کوههای بلندیکه ازعقدهٔ جبال (په یشان) که ذکر آن پیش از این درگذشت تشعب نموده تشکیل یافته است .

مملکت (کوریا) باد وسلسلهٔ جبال بسیار جسیمی مقطوعست . اصل سلسله که از کوه (په یشان) به استقامت جنوب جداشده ست دربرابرئ « هام چنغ » درساحل دریای ژاپان بقدر (٤٠) کیلومترونزدیك میشود ، ودربرابری « ژه نسان » بقدر (۱۰) کیلومترونزدیکشده (پورلازاره ف) نام لیمان — یعنی بندرگاهی که بهترین بندرگاههای ساحل مذکور رابعمل آورده است در میان یك منحنی بسیارعمیقی احاطه میکند ویکسر بسوی جنوب بشکل ماربیچ درازشده میرود . بزرگترین کوههای این سلسله از ارتفاع وسطی تجاوز نمیکنند . کوه هائیکه ازین دوسلسله تشعب کرده بدرازی نهر (تومن) امتداد می یابد تابه (۱۵۰۰) مترو بلندی میگیرد ، و ا ن کوهها باجنگلهای بسیار کثیف وغلوبی محاط میباشد .

حوالیٔ غربی ممالك (کوریا) نیز کوهستانست . بلندیهای این کوهها اگرچه ارتفاع زیادی ندارد امابسبب عارضه ناك بودن شان حرکات عسکریه را خیلی بصعوبت ومشکلات می اندازد . والحاصل همهٔ مملکت بایك شبکهٔ جبال و تلال مستور است که اگر گفته شود که درممالك کوریا هیچ صحرا نیست جادارد .

ساحل شرقی (کوریا) یکطرز ویکنسق دیده میشود . اماسواحل جنوبیهٔ آن که بطرف دریای ژاپان افتاده است ، و سواحل غربی آن که بطرف چین متوجه است بابسی جزیره هامحاط ، وخیلی عارضه ناکست . مهمترین این جزیره ها جزیرهٔ (چوشیما) ست . جزیرهٔ (کلپارت) که بمثابهٔ دیده بان آبناهای بحر ژاپان ، وبحر اصفر ، وبحر چین است نیز خیلی جزیرهٔ مهمست . دیگر یك مجموعهٔ جزایریست که لنگرگاه مشهور (ها میلتون) درانست . قبل ازین این مجموعهٔ جزایر را انگلیسها میخواستند بگیرند تا آنجارا (جبل طارق) اقصای شرق بسازند .

مجرا های نهرهایی که در (کوریا) موجود است همه‌گی کوتاه وخیلی عارضه ناکست . مهمترین این نهرها نهر (یالو) ست . نهر یالو از دامنهٔ جنوب غربی کوه (به یشان) بنعان میکند ، وبخلیج کوریا میریزد . طول این نهر بقدر (۵۲۰) کیلو مترومی آید ، وعرض آن ششصد متراست . این نهر خیلی عمیق وسریع الجریا نست ، وتابه (ماونه رسان) باقایقها وکشتیهای که زیرشان هموار باشد سیرو سفرمیشود . درسواحل نهر (یالو) انچنان جنگلهای جسیم وفراخی موجود است که درهیچ طرف دنیامثل آن دیده نمیشود . درنزدیکی (ویجو) نهرمذکور بقدرشش هفت کیلومتروسعت پیدا میکند . درطرف پایان (ویجو) نهربه دوقول جداشده به فراخیٔ «۴۰» کیلومتروبدریا منتهی میشود .

جنگلهائیکه درساحل (کوریا) و آبریزش نهر مذکور موجود است از طرف یك کمپنی روس به اجاره گرفته شده کاردران انداخته شد ، وبه بهانهٔ محافظهٔ ان عساکر مسلحه درانجا داخل کردندکه اینمسئله موجب غضب ژاپانها گردیده مهمترین اسباب ظهور حرب راتشکیل کرده است . نهر (یالو) ازاواسط نومبر تابه نهایت ماه مارچ — یعنی از برج عقرب تابه آخر حمل یخ می بندد ، ودرموسم باران تابه (۲۰) متر و بلند میشود .

نهر (تومن) که آنهم ازسلسلهٔ جبال (پهیشان) میبراید ، وبعدازانکه بقدر (۴۰۰) کیلومتر و گردش میکنند ازخلیج (پوسیه) بچهل کیلومتر و بسوی جنوب بدریای (ژاپان) میریزد . نهر (تومن) حدود ایالات ساحلیهٔ روس را با کوریا تشکیل میدهد ، و یك قسم آن درمابین (کوریا) و (مانچوری) حد فاصل میشود .

مرکزاداره — یعنی پایتخت (کوریا) شهر (سه ئول) میباشد ، تقریباً (۱۹۵۰۰۰) نفوس راما لك میباشد . اینشهر ازهرطرف باجنگلهاو تپه ها محاطست . بدرازئی (۲۲) کیلومتر یك سوری دورادور شهر رافرا گرفته است که بعضی جاهای این قلعه بااستحکامات خاکی محکم بندی شده است داخل شهر بکوچه های بسیار تنگ وتاریك و چتل ومرداری که دارد ، بنظر سیاحین خیلی منظرهٔ ثقیل وغلیظی تشکیل میدهد . بغیرازسرای امپراطوری ، واقامتگاههای سفرا ، ویك دوسه دکانهای بزرگ اوروپایی دیگر همه خانهای شهر ازخشت وگل ساخته شده خیلی مسکنهای حقیر وسفیلی میباشد . این خانه ها بطرف کوچه نه اورسی دارد ، ونه پنجره ، وازهمه بدتر که خانه ها دودکش هاوبدررفت آبهای چتل ومستعمل راانزمالك نیست . ازان سبب دودهاو آبهای چتل ازدر وازه های خانه هامیبرایدو به کوچه انتشار میکنند . عجبتر اینکه سرای امپراطوری وبعضی جاده ها بضیای الکتریك تنویریافته . ویك شمندوفر — یعنی ریل الکتریکی از (سه ئول) تابه (شه مولپو)

کشیده شده که این بدایع اختراعات مدنیت وصنایع با آن آثار وحشت وخرابیت هیچ مناسبت وقرابت بهم نمیگیرد بلکه یك ضدیت بسیار غریبی تشکیل میکند .

بندر دریایی (سه‌ئول) لنگرگاه (شه‌مولپو) ست که در ساحل غربئی شبه جزیرهٔ (کوریا) واقع ، واز (سه‌ئول) بقدر (۳۲) کیلومتر دور است . تخمیناً (٦) هزار نفر اهالی دارد که حبلی از انها چینی ، وارانهم بسیار تر ژاپانیائی میباشند . قسم اعظم تجارت اینشهر بدست ژاپانیانست ویك چند تجارت خانهٔ انکلیسی نیز موجود میباشد . ادخالات تجاریه عبارتست از قماشهای نحی ومصنوعات اهنی . اخراجات آن نیز پوست ، سبزه باب خشك ، وبرنج ، وغیره میباشد .

(شه مولپو) در حقیقت حال از پیشه‌ها وصنعتها محروم ودر ایام طوفانها امنیت آن مشکوك یك لنگرگاهی میباشد . لکن این لنگرگاه بازو فراخ چون بر منصب نهر (سه‌ئول) واقعشده از انرو یك اهمیت خصوصئی را حائز است که این نهر را (هانغ یانغ) مینامند . درمیان این نهر از (شه‌مولپو) تا به (سه‌ئول) کشتیهای کوچك رفت و آمد میتواند . این وضعیت مهمهٔ آن در سنهٔ (۱۸٦۵) میلادی از طرف افسران فرانسوی قدرشناسی شده بود . ودر سنهٔ (۱۸۸۲) از طرف بحریه های انکلیس برای اخراج اشیای تجاریه را به (سه ئول) انتخاب گردید . بعد از یکسال این لنگرگاه برای تجارت اجنبیه آزاد گذاشته شده ازان زمان روز بروز در ترقی کردنست .

سواحل ممالك (کوریا) معتدل ، وممالك داخلئی آن سرد است . در موسم بهار بارانهای سیل آسا متصل میبارد . زمینها خیلی فیض آور وبرکت دار است . برنج ، حبوبات ، ترکاری ، توتون ، فلفل ، پنبه ، رچنیه — یعنی ساجقهای که از بعضی درختان میبراید بکثرت بهم میرسد . لکن در (کوریا) چای وشکر هیچ پیدا نمیشود .

این مملکت جنگلهای بسیار جسیمی را مالك است . درین جنگلها درختان

ارچه،واخلامور ، وسنوبر،وغیره موجودمیباشد. (کین سنغ) نام یك درخت نیز موجود . است که خلاصهٔ بیخ آن خیلی مغذی یك خاصهٔرا مالك میباشد . حیوانات اهلیه در (کوریا) از اوروپا آورده شده است ، ازچین بزوگوسفند می آورند . اهالئی (کوریا) بزراعت خیلی ذوق وانهماك دارند . یك دهقان کوره یی همهٔ مایحتاج خودرا خودش میسازد ، یعنی بساختن خانه ، ولباس ، و آلات وادوات خود بدیگری محتاج نیست .

صنایع (کوریا) در ایام سابق خیلی مترقی ودرخشان بود . اما امروزه روز بمنزلهٔ هیچ تنزل کرده است . تنها از لیف یك نوع درخت توت که آنرا (بروسونه نیا) میگویند خیلی نازك واز حد گذشته متین ومحکم کاغذ میسازند .

ژاپانیها پیش از ین حرب اخیر به بسیار وقتها یك کارخانهٔ کاغذسازی که به بخار حرکت میکرد ساخته بودند وبرای شالی کوبی متعدد ماشینها بوجود آورده اند ، ودر هرطرف فعالیت وکارگذاریهای بزرگی اظهار کرده اند . علماو ادبای « کوریا » بزبان چینی تکلم میکنند ، وبه قواعد واحکام مذهب « قونفوچیوس » رعایت میکنند . مذهب مردم عوام عبارت است از بعضی اعمال وحرکاتیکه بر اعتقادات باطله مستند میباشد . در (کوریا) ازمذهب (بودا) کسی خوشنود نیست . نصاری نیز کمست ، درتمام « کوریا » بقدر (۱۵۰۰۰) « کاتولیك » ویکچند صد (پوروتستان) موجود است .

اخراجات تجاری « کوریا » برنج ، ماهی ، پوست وغیرهم میباشد .

تجارت داخلی شان خیلی جزویست .

احوال تاریخیهٔ کوریا

مبدأ احوال حکومت « کوریا » تابه امروزه روز مجهول ودرزیرپردهٔ اسرار مستوراست . برای گرفتن معلومات درحق این مملکت میباید که از میلاد عیسی به دوازده عصر پیشتر رجوع نمائیم . دران زمان می بینیم که از

سلالهٔ (شانغ) که دران زمان درچین اجرای حکومت میکردند (کی‌چه) نام یك شهزادهٔ در (کوریا) بسر خود یك حکومتی تشکیل داده اعلان استقلال کرده است . (۱۱۶) سال بعدازمیلادعیسی مملکت (کوریا) بر سه حکومت انقسام کرده بود که آن حکومتها (قاعولی) ، «په چی» و (زین را) نام داشتند . ژاپانیهاازان دوربا «کوریا» به عقدروابط ومناسبات آغاز کرده بودند . درعصرسوم میلادی از امپراطوریچه های ژاپان (زینفوقوغو) نام زنی اول باراین مملکت را فتح وتسخیرنمود . بعدازان بعصیانهاوحرکات متعددهٔ یی هم کوره ئیان خود شانراازتعدیات ژاپانیان رهایی داده اعلان استقلالیت کرده اند . درنهایت عصریازدهم قرال «قاعولی» دوحکومت دیگررادرزیر ضبط وتسخیرآورده ممالك (کوریا) رابیك حکومت متحدگردانیده است .

هنگامیکه خاندان (مینغ) درچین بحکومت رسیدند (تایجو) نام یك شخصی بمعاونت ومددگارئی این خاندان خروج نموده حکومت کوریارا غصب نمود ، ودرسنهٔ ۱۳۹۲ میلادی خاندان (چی زیهن) را تأسیس داده است . اخلاف این خاندان باژاپانیها محاربه های بسیاری اجرا کرده است . تا آنکه درسنهٔ — (۱۵۹۲) (حایقوساما) نام امپراطور ژاپان یك اردوی مدهشی به (کوریا) فرستاده همهٔ مملکت را ضبط وتسخیر ، وپادشاه (کوریا) رابه تصدیق کردن حاکمیت ژاپان مجبور گردانید . درسنهٔ (۱۶۱۵) بموجب مصالحهٔ که عقد کردید حکومت ژاپان لنگرگاه (فوزان) را استیلا نمود ، وحکومت (کوریا) راهرسال بدادن مالیهٔ معین مکلف ساخت .

مناسبات صمیمهٔ که درمابین حکومت چین و(کوریا) موجودبوداز وقتیکه حکومت چین بقبضهٔ حاکمیت تاتارهای (مانچور) درامدزوال پذیر گردید . در عصرشانزدهم میلادی رؤسای (مانچور) لشکربه (کوریا) فرستاده (سه‌ئول) را

ضبط وکوره‌ئیانرا بخزاج دادن مکلف ساخت . باینصورت (کوریا) هم به ژاپان وهم بچین باج گذارشده بود .

اینست که برای جستجوی اسباب محاربهٔ که درسنهٔ (۱۸۹٤) درمابین چین وژاپان بوقوع آمده بود باینقدردور زمانها نظر کردن لازمست . چونکه دولت ژاپان سراسر آزادئی کوریارا آرزو مینمود ، ودولت چین میخواست که آنرادر زیر حمایت خوددرارد . تا آنکه در ۲٦ ماه آگست سنهٔ ۱۸۹٤ کوریاباژاپان یك معاهده نامهٔ عقدکردکه مقصدش از معاهده نامه این بودکه استقلالیت خودرا محکم ومؤید نماید ، وعسکر چین راازممالك خود بیرون براردد . اینست که باینسبب درمابین چین وژاپان جنگ وقتال ظهور نموده بموجب معاهدهٔ (سیمونوراکی) که به انمحاربهٔ ژاپان وچین خاتمه داده است پادشاه کوریادرهرخصوص مستقل شناخته شده بود ، ویك شورای دولت ، ویك شورای خصوصی تشکیل داده بوده .

—{ راههای داخل دارالحرکات }—

راههای موجودهٔ اقصای شرق خیلی کم وبسیار خرابست . غیراز یك سرك بزرگ که از (پکین) تابه (موکدهن) رفته‌است دیگر هیچ سرکی موجود نیست . حرکات عسکریه‌را چیزیکه زیاده‌تر مشکلات می‌اندازدهانا موجود نبودن راهها وعلی الخصوص مفقودیت پلهاست . اکثرنهرها وجویهارا از گذرها گذشتن لازم میآیدکه درموسمهای باران وسیلاب آن نیز محال میشود . وازینست که اردوی ژاپان دراول امرپیش ازحرکات عسکریه بساختن راهها مجبور گردیده‌اندو بعد ازان بحرکات تعرضیه آغاز نهاده اند .

یك افسر المانی که دراقصای شرق سیاحت کرده است درخصوص راههای مانچوری وکوریا معلومات وتفصیلات بسیار مکملی بیان میکند که مانیز درینجا عیناً آنرا نقل میکنیم :

درمملکت کوریا که هرطرف آن کوهسار است عرابه‌را هیچ کس نمیشناسد

که چیست • سیاحین را باتسکره ها وکمچت ها میگردانند • اشیا واسباب هارا باحیوانات بارکش علی الخصوص بااسپانی که مخصوص کوریامیباشد و آنرا (پونی) مینامند نقل میدهند • اینرا نیز بگوئیم که این حیوان نه علف، ونه جو، ونه کاه میخورند • بلکه هرروزیك طعام گرمی که ازجواری وفصولیه میپزند آنرامیخورند • اینحیوانات در مدت عمرخود آب سرد ننوشیده اند • چون من در جوار (سه ئول) با اینحیوانات یکچند جولانی نموده بودم ازانرودرین سیاحت با این اسپان خوب گشت وگذار توانستم •

«در ۱۹ ماه جون سنهٔ ۱۹۰٤ از (نیوچوانغ) تابه (قای پنیغ) یك سیاحتی اجرا نمودم، در خریطه — یعنی نقشهٔ که بدست داشتم یك جادهٔ بزرگی نشان داده شده بودکه از (نیوچوانغ) تابه «قایپنیغ» ممدود شده بود• ازروی نقشه چنان گمان میکردم که برین سرك هیچ مشکلات وزحمتی نخواهم دید • لهذایك ره بلد چینی باخود گرفته براه افتادم• ازکوچه های کج وپیچ تنگ شهرتا به دروازهٔ (قایپنیغ) رسیدم، ازدست یك پهره دار روسی که بردروازه بود به بسیارزحمت خودرارهایی داده برجاده برامدم • اماچه جاده ! که تنها برروی خریطه جاده گفته میشود • دوطرفهٔ این راه بالای زارهای کشتزارهای برنج محاط شده بود • بعد ازانکه تقدرسه کیلو متروبرین راه ناهموار قطع مسافه نمودم یکدهی رسیدم که درخریطه نام آن نوشته نشده بود • دریجا جاده منقطع شده درمیان کلبه هاوخانه ها بعضی کوره راهها پیداشد، وبعد ازانکه ازده برامدم راه سراسرادرمیان کشتزار های شالی کاری غایب گردید • بنابرین براستقامت شرقی برکناریك خندق مدهشی بریك راه باریکی روان شدم • چنددفعه تهلکهٔ درگل غرق شدن را گذرانیده بوقت ظهربیك قریهٔ رسیدم که نه کیلومترواز نیوچوانغ دوربود •

«ازینجا چنان تخمین میکردم که تابه شام به نیوچوانغ خواهم رسید

ولی از هر کس شنیدم که در موسم تابستان برین راه مرور وعبور غیر قابلست زیرا راه گویا هیچ چیزی نیست ، همه راههادر زیر آب و گل ولای پنهانست .»

پس اینست احوال راههای (مانچوری) که حال جادهٔ کبیر آن این بود که بیان شد دیگر راههارا بران قیاس باید کرد . در چنین مملکت برای حرکات عسکریهٔ یك اردوی تعرض که قوای جسیمه وقطارهاوقافله ها اسوق نماید این یك امر طبیعی و آشکاراست که بچه گونه موانع و مشکلات عظیمه برخورده میشود .

راههای آهن کوریا

راههای آهن کوریااز بهر ژاپان اهمیت عظیمهٔ رادارااست . ازین سبب رجال حکومت ژاپان ظهور یك حرب ناگهانی رابا روس درزیر نظر دقت گرفته ساخته شدن راه آهن مذکوررابسرعت وزودی تمام از کارهای اهم وضروری خود میشمردند . لهذا اول خط (سه ئول — شه مولپو) را آغاز بساختن نهادند . هنوز آن خط کامل نشده بود که یك کمپنی دیگر ژاپانی امتیاز خط ساحل جنوبی را گرفته بکشیدن آن خط ابتدانمودند .

بعد ازیکنیم سال از خط شه مولپو بسوی قصبهٔ (پونغ تونغ پو) بساختن شعبهٔ خط راه آهن دیگر نیز مباشرت ورزیده شد . درسنهٔ ۱۹۰۳ برای آنکه امر انشاآت یك آن اولتر رسیدهٔ حدختام گردددولت ژاپان بهزاران عمله ومزدور کارانراشب وروز بکار وکوشش انداخته است .

دولت ژاپان برای این خط ۲۵ ملیون (یه ن) یکبار وباز ۲ ملیون یه ن در سنهٔ ۱۹۰٤ تخصیص ومقرر نمود . تاآنکه خط مذکور به اتمام رسید . در گذرگاه این خط — یعنی از سه ئول تابه فوزان اعمالات صناعیه خیلی بسیاراست . ازجمله ۲٤ عدد(تونل) — یعنی سوراخهای زیر کوهی موجود

است که مسافهٔ مجموع همهٔ این تونلها ٤ کیلومترومی آید . ۲۲۹ عدد پل درین خط موجوداست . (۲۸) لوقوموتیف ، (٨ ٥) واغون رهروان (۲۳۰) واغون اشیابرای این خط مقرراست . درروزدوترن — یعنی قطاردر آمد وشد است . (۵۳) استاسیون — یعنی ایستگاه برین خط ساخته شده است . ترنها این خط را که بطول (۳۵۰) کیلو مترو طول دارد در ۱۵ ساعت قطع مینماید .

بعداز اعلان حرب ؛ حکومت ژاپان تابه (ویجو) نیزیك شعبهٔ ازین خط جدا کرده بواسطهٔ مهندسان عسکری ممدود نمودند . پلهائیکه درین قسم موجود است اکثر چوبی و (رای) های آن نیزازمالزمهٔ خفیفه انتخاب شده است واین ازانست که خط بچابکی تمام شود ، وحرکات عسکری پیش رود . از دیگرطرف مهندسان ژاپانی بکشیدن یك‌یك خط دیگردرمابین (آنطونغ) و (لیائویانغ) و « سه ئول » و « ژه نسان » نیزابتداو مباشرت ورزیدند . خط (سه ئول — ژه نسان) ازعرض شبه جزیرهٔ (کوریا) راقطع کرده بحرژاپان وبحراصفر رابایکدیگر ربط داده است . والحاصل ژاپانها چنانچه درهمه‌کارها دارند درساختن شمندوفرنیز خیلی آثارفعالیت وسعی وهمت نشان نداده اند که به این سبب درمدت بسیارکمی خطهای (فوزان — یالو) و (آنطونغ — لیائویانغ) ژاپانیـارا یکسربا او روپا بهم مواصلت ومناسبت میدهد .

جزیرهٔ ساخالین

جزیرهٔ (ساخالین) نیزدرداخل دارالحرکاتست . ژاپانها به اینجزیره اهمیت بسیاربزرگی عطف مینمایند . بنابرین ازبدایت حرب بازبدست آوردن جزیره راهی اندیشیدند . ویکی ازشرایط اساسیهٔ صلح اینمحاربه را نیزعبارت از همین مسئله میپندارند .

اینچنین یك جزیرهٔ که ازروی سیاست و موقعیت حائز اهمیت عظیمهٔ میباشد درباب احوال تاریخیه و جغرافیهٔ آن که سراسر در پردهٔ مجهولیت مستوراست بعضی معلومات دادن از شرایط تحریریه وترتیبیهٔ این اثر ماست .

—﴿ احوال جغرافیه ﴾—

جزیرهٔ ساخالین ، یك پارچه ایست ازجزایر مجتمعهٔ ژاپان که یکسر بسوی شمال درازشده رفته است . علوم جغرافیا، وتاریخ، وعلم انسال بشر حقوق صریحهٔ ژاپانها را درین جزیره اثبات میکنند .

اینجزیره که ازجزیره های بزرک دنیا معدوداست بردارترین جاهای آن (۱۵۰) وتنکترین آن (۳۰) کیلومترومیباشد . طول آن از (٤٦) تابه (٥٤) درجه است که تخمیناً (۱۲۰۰) کیلومتر میباشد . نقطهٔ منتهای شمالئی آن دماغهٔ (سن الیزابت) است که این دماغه بحر (اوقوچقا) می دراید . طرف جنوب این جزیره بشکل نعلست . درمابین جزیرهٔ (یه‌روز) وجزیرهٔ (ساخالین) آبنای (لاپه‌روز) واقعشده است . وازقطعهٔ (سبیریا) با آبنای (تاتار) جداشده است . بسببی که این آبنا یعنی — کلوکاه در موسمهای زمستان یخ میبندد داك ساخالین بواسطهٔ قازاقها یعنی — عرابه های یخ مالی که باسکها آنرا میکشند نقل میشود . جزیره متصرف نشین است که یك نوعی از حاکم نشینی میباشد . مرکز ادارهٔ جزیره، شهر (الکساندروفسك) است .

جزیرهٔ ساخالین بسببیکه بحریانهای بادهای بسیار سرد شمالی معروضست اقلیم آن خیلی سردو راطب میباشد . باوجودیکه منتهای شمالئی آن بعرض (برلین) پایتخت دولت المان برابراست بازهم سگهای مخصوص ممالك شمالی درانجا خیلی پیدامیشود . جزیره بزراعت خیلی مستعد نیست . لنگرگاههای کارآمد نیزدرسواحل آن موجود نیست . بنابرین نزدیکشدن کشتیها بسواحل اینجزیره، مشکلات وصعوبات بیشماری دارد اکثرسواحل اینجزیره باسنکلاخهای بسیار بلندوسرتیزی محاطست

که از انرو برای کشتیهایك ملجا وماوای امینی راماللك نیست . هنگامیکه بادهای شمالی بوزیدن میآید کشتیهائیکه در پیشگاه شهر (الکساندروفسك) لنگر انداخته میباشند بزودی ولك لنگر نموده بدریاچهٔ (کاستری) که بساحل آسیا میباشد بالتجا بردن شتابان میشوند .

در نجزیره دو جوی مشهور موجود است که نام یکی (تیم) وازدیگری (بوروای) است . اما از جوی کرده اگر مجرای سیل بگویند بهتر وموافقتر خواهدبود . زیرا بسببی مجرای مایلی که آنهادارند آبها مانندسیل خروشان به بسیارسرعت روان گشته میروند .

احوال اهالی

اهالئی ساخالین نیز مانندطبیعت اراضئی آن بعادات واخلاق مختلف اند . (طونغوز) هائیکه در دامنه های کوه اقامتگزینند مانندبرادران سیبریائی خود بخیمه نشینی وکوچی گری امرارحیات مینمایند . قبیله هائیکه آنرا (اورچوم) مینامند درجنگلهای (تایغا) به صیدوشکار گذران میکنند . افراد اینقبیله نیم عیسوی میباشند . حالآنکه قبیله های (آینوسها) و (ژیلیانها) که درسواحل اقامت دارند وبصید ماهی مشغولند بهیچ مذهب تابع نیستند .

درساکنان جزیره (ژیلیان) هاخیلی جالب دقت یك قبیلهٔ میباشد ساکنان جزیرهٔ ساخالین علی الاکثر بصید ماهی وصیدوشکاربری تعیش میکنند ، در نزدیك های مجراهای نهرها، وکنارهای جنگلها اقامت میکنند ، مدارثروت و توانگرئی یگانهٔ شان عبارت ازسگهاست . هرکس که بسیارسگ داشته باشند همانقدر بیشترشکار میکنند . وبه قازاقها بسته بواسطهٔ آن مزدوری وتجارت مینمایند، و وقتیکه ازکار باز مانند آنرا کشته گوشت شانرا میخورند ، و از پوست ان لباس میسازند .

خانه هائیکه دران اقامت میکنند عبارت از بعضی کلبه هائیست که خیلی تنگ وتاریك میبا شد • در بعضی کلبه هاکه گنجایش چار نفر را دارده پانزده نفر دران جمع می آیند • مسئلهٔ ملکیت درمیان شان مشترکست • درخصوص ازدواج مراسم مخصوصهٔ ندارند •

قبیلهٔ آینوس بنام (جشن خرس) یك جشن مخصوص غریبی دارند ، چنانچه یك خرس بزرگی را که بصورت مخصوصه آنرا پرورانیده اندبابسی ساز ها وجمعیتها ودبدبه هادر روز مخصوص آن دریك میدان مخصوصی می آورند ، وبعضی مراسم وآئینهااجرا کرده آنرا به قتل میرسانند • واین قتل خرس را گویاشگون اینکه درموسم بهار خرس بسیارشکار کنند، ودرموسم زمستان شکار ماهی بسیارکنند فال خیر میشمارند • این عادت خود شانرابه بسیار اعتناواتعصب در هرسال بموسم مخصوص آن اجرامینمایند •

جزیرهٔ ساخالین ازمعادن وکانها خیلی توانگراست • غیرازمعدن زغال سنگی که هیچ تمامی ندارد و درساحل بحر (او قوچقا) کشف شده است معدنهای پترول — یعنی تیل خاك بسیارتوانگری نیزپیدا شده است • دراین ما نهای آخریك مهندس سیکه این طبقات پترو لرا کشف نمو ده چنین بیان کرده است که این منبعها برمنابع امریکاوقافقاسیه خیلی فایقتروبسیار توانگرتراست • ازقول مهندس مذکور هفت تالاب بسیار بزرگ که هریك بقدر پنجاه شصت هزارمترمربع وسعت دارد درجزیرهٔ ساخالین درزیرزمین موجود است که همه ازپترول پراست • غیرازین معدنهای نفت و طلا نیزدرین جزیره موجود میباشد •

دیگر منبع ثروتی که درجزیرهٔ ساخالین موجوداست اینست که ژاپانیها در سواحل جزیره شکار گاههای بسیاری برای صیدماهی (رینغا) وضع وترتیب کرده اندکه باینصورت بکثرت ووفرتی که شایان حیرتست ماهی مذکور

در انسواحل صید وشکار میشود . ازین ماهی یك نوع روغنی استخراج میشود که درعالم تجارت برای چرم وصابون فوائد عظیمی حاصل میشود .
جزیره دراصل اراضی ژاپانست . اجداد ژاپانها این اراضی را بنام (قارافتو) یادمیکردند . جزیرهٔ ساخالین که اینقدر منابع طبیعیهٔ ثروت را جامع میباشد از وقتیکه بدست روسها درامده — یعنی ارسنهٔ ۱۸۷۵ بجای اینکه خزاین ثروتی را که درسینهٔ اسرار خود پنهان داشته بمیدان برارد مع التأسف برای اصحاب شقاوت وارباب جنایت که ازمما لك روسیه نفی و اخراج میشدند یك قرارگاه ابدئی تشکیل دادهاست . اما حالا برای جزیرهٔ مذکوریك دورهٔ عمران واقبال جدیدی مکشوف شده است .

احوال تاریخیه

دراوایل جزیرهٔ (یه دو) یك خانی وسردارئی مستقلی بود . وحدود شمالی آن سراسر مجهول وغیرمعین میبود . درنصف اخیر عصر هشتد هم کشتی های روس پئی هم در سواحل شمال این جزیره پدیدار میشد . حکومت ژاپان که درانوقت موجود بود درسنهٔ ۱۷۸۰ نظردقت خودرابطرف شمال توجیه داده درباب کشفیات وتدقیقات جزیره های آنطرف دومأمورکاشف بابعضی کشتیها ارسال نمود . درسنهٔ ۱۷۹۹ جزیرهٔ (یه دو) وقسم اعظم جزیرهٔ (ساخالین) درزیر نفوذ حاکمیت حکومت مرکزیه ژاپان درامده . وازان وقت درسواحل جزیرهٔ (ساخلین) ازطرف حکومت ژاپان بعضی قریه های کلبه های ما هیگیران تأسیس یافت . درسنهٔ ۱۸۰۴ در زیر ادارهٔ (له زانوف) نام سردار روسی یك هیئت سفریهٔ به (ناغازاکی) آمدند . رئیس هیئت سفریهٔ مذکور نامهٔ ایمپراطور روس را باهدایایی که ازطرف حکومت متبوعهٔ خود آورده بود به (میکادو) تقدیم کرده عقد کردن یك معاهده نامهٔ تجارتی رادرمابین حکومت روس وژاپان طلب نمود . اماحکومت

ژاپان این مطالب ایلچئی روس رااسعاف نکرده ردنمود ، لهذا هیئت سفریهٔ روس بطرف شمال رفته جزیرهٔ ساخالین و(ایتوروب) را یغماوتاراج کرد .

درسنهٔ ۱۸۰۸ (رینچو) نام یك سیاح جسور ژاپانی تمام ساحل غربئ جزیرهٔ ساخالین راکشف ودورکرده در بعضی نقاط عسکر اقامت داد . وهم نشانداد که ساخالین نیم جزیره نی بلکه جزیره است . بعدازین دور دوباره هیچ یك کشتئی روسی درانظار فهادیده نشد . حکومت ژاپان نیز دیدکه مسئلهٔ اعمار طرفهای شمالی موجب مصارف عظیمه میشود ، وحاصلات ومنافع آن هیچ بمصارفات آن مقابله نمیکند لهذا آهسته آهسته عساکر خودرا واپس کشیده درسنهٔ ۱۸۲۱ جزیره را سراسر خالی نمود .

درسنهٔ ۱۸٤۹ یکی از یوز باشیهای روس (نویلسقوی) بنا بر تشویق (قه ات مورا ویه ف) سردار مشهور روسی برجزیرهٔ ساخالین هجوم برده در ساحل غربئ جزیره ودرجوار (دوی) نام موقع یك لیمان — یعنی لنگرگاهی تاسیس داده است . درسنهٔ ۱۸۵۳ امیرال (پوتیا تین) با نامهٔ امپراطور (نیکولا) ی نخستین به ژاپان آمده این دومقصدرا طلب نمود : یکی اینکه حدود شمالیه درمابین روس وژاپان تحدید یابد . دیگر اینکه یك معاهده نامهٔ تجارت درمابین دولتین عقد شود .

بعد ازمذاکرات دوردرازی که درمابین ایندودولت درینباب جریان یافت نخستین باریك معاهده نامهٔ تجارتی در میان دولت روس و ژاپان امضا گردید ، وحدود نیز باینصورت تحدید شد : که آبنای (قوریل) در مابین دولتین حد فاصل باشد . اما درباب جزیرهٔ ساخالین هیچ یك تحدید قطعی قرارداده نشده احوال حاضرهٔ اهالی جزیره که مرکب ازروس وژاپان بود ازهردوطرف محافظه میشد . روسها ازینمسئله استفاده کرده بکشف کردن داخلهای جزیره برخاستند ، ویکجند معدن زغالراپیدا نمودند .

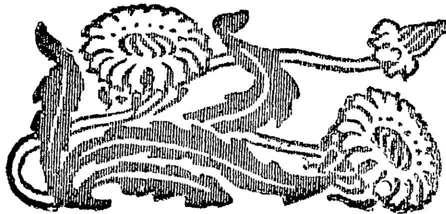
درسنهٔ ۱۸۰٤ دولت روس در خصوص توسیع ممالك بریهٔ خود در آتا به بحر محیط سر از نو به فعالیت و کارگذاری آغاز نهاد • درسنه ۱۸۵۹ قونت مورا ویه‌ف معاهده نامهٔ (آیفون) را که درسنهٔ ۱۸۵۸ با حکومت چین عقد نموده بود بهانه و سررشته اتخاذ کرده بایك کشتئی جنگئی به دریاچهٔ (یه دو) آمده بر حکومت ژاپانیا تکلیف نمود که همهٔ جزیرهٔ ساخالین رامال و اراضئی روس بشناسند، و آبنای (پهروز) درمابین دولت روس و ژاپان خط حدود تعیین شود • زیرا حکومت چین بموجب معاهدهٔ (آیفون) که بادولت روس عقد کرده تمام الکهٔ (آمور) را باقطعات اراضئی سواحل بدولت روسی ترك نموده است که جزیرهٔ ساخالین نیز ازجملهٔ این قطعات اراضیست • امارجال دیپلوماتهای ژاپان نیز بر مقاومت وپایداری قرار داده همهٔ اصرارها و تکلیفهای قونت موراویه‌ف رارد نمودند، وقونت مشار الیه بی نیل مقصود براهیکه آمده بود برگشت •

درسنهٔ ۱۸۷۱ روسها باز از مشکوکیت حال و وضعیت احوال استفاده کرده، وشهر (الکساندروفسك) رابنا کرده مرکز ادارهٔ جزیرهٔ ساخالین قرار دادند ودایرهٔ نفوذ خود شانرا بجهات مختلفهٔ جزیره نشر و وسعت دادند • حتی تا بحوالئی جنوب که قریه های ماهیگران ژاپانی بود نیز توسیع دایرهٔ استیلا نمودند •

بعدازیکمدتی ژاپانها چون شنید که دولت روس (الاسقا) رابرحکومات متفقهٔ امریکا فروخت باطرخارجیهٔ ژاپان نیز بخیال فائده برداشتن افتاده اقسام جنوبئی جزیرهٔ ساخالین را که درزیر نفوذو حاکمیت ژاپان بود خواست که بمبلغ نیم ملیون پوند بر روسها بفروشد • اما دولت روس به این تکلیف دولت ژاپان راضی نشده رد نمود •

درسنهٔ ۱۸۷۳ دولت امریکا خواست که همهٔ حقوق ومدعاتیکه ژاپان در حق ساخالین دارد بنام روس اشترا نماید • حالآنکه درهمانوقت دولت ژاپان

بنابر وصایائیکه مفتش فرستاده گنئی اودرباب جزیرهٔ ساخالین بدولت مشار الیها نموده بود برین یك قرارداد بودکه همهٔ جزیره رابدولت روس ترك نماید .
درسنه های مابعد آن بعد ازمذاکرات و مناقشات بسیاریکه درینباب روداد نهایت الامر درسنهٔ ۱۸۷۵ درمابین هر دوحکومت یك معاهده نامهٔ عقدگردیدکه بموجب اینمعاهده نامه همهٔ جزایر (قوریل) مال ژاپانیا وجزیرهٔ ساخالین مال روس میشد .





برامدن اردوی دوم ژاپان بخشکه

بعدازانکه اردوی نخستین ژاپان در (یالو) مظفر گردید. و مدخل (پور آرتور) برای مرور و عبور کشتیهای بزرگ جنگی روس تایکدرجه مسدود شد برای براوردن قطعات عسکریهٔ ژاپان درسواحل نیم جزیرهٔ (لیائوطونغ) محذور ومانعی باقی نماند .

تابحال که این تشبث عسکر براوردن از طرف ژاپانها تأخیریافته بود از ین بودکه اولاً سواحل مذکوره بایخ مسدود بود، ودیگراینکه بیم برامدن دستهٔ کشتیهای جنگئی روس ازمدخل پور آرتور وکشتیهای نقلیهٔ ژاپانرا دوچار تهلکه ساختن در مد نظر بود . حالا نکه درینوقت یخها آب گردید، ومدخل لنگرگاه پور آرتور نیز بسعی وهمت جسورانهٔ امیرال (توغو) تایکدرجه مسدود شد .

ازچندهفته باینطرف درمیان مردمان ساحل نشین شایع شده بودکه یك دستهٔ کشتیهای جنگی نقلیهٔ ژاپانی درحوالئی (طاقوشان) درکشت وگذاراست لهذا روسها چنان گمان میبردندکه ژاپانها اول درموقع مذکور عسکر حوا هند براورد . حالا نکه دفعتهً عساکر ژاپان در (پیچه وو) بخشکه بیرون برامده این خبر بکمال دهشت درقلعهٔ (پور آرتور) طنین انداز بیم ورعب قلوب قلعه بندان گردید .

درپنجم ماه می مطابق برج جوزا درپیشگاه (پیچه وو) بقدر (۶۰) قطعه کشتئی نقلیهٔ ژاپانی که حامل قطعات اردوی دوم بود عرض وجود نموده بود . انحرکات اخراج عساکر ژاپانی درزیر حمایهٔ دستهٔ کشتیهای جنگئی ئیکه درزیر

کوماندانئی امیرال(حوروزیا)بوداجرا میکردید، وغیرازین ۱۲ قطعه کشتئی جنگی دیگر که ازدستهٔ کشتیهای جنگی امیرال (توغو)جداشده بودنیز این دستهٔ کشتی های جنگئی نقلیه را معاونت وحمایت مینمود . این دوازده قطعه کشتئی جنگی از (لیائوتیشان) گرفته تمام اطراف وجوانب پور آرتوررا در زیرترصدودیده بانی میداشت که به اینصورت خروج وحمله آوری طورپیدو های روس راعدیم الامکان نموده بود .

ساحل شرقئی نیم جزیرهٔ(لیائوطونغ)عیناً بساحل غربئی(کوریا)مشابهت دارد . یعنی — درین سواحل نیز بیرون براوردن عسکر ومهمات حربیه خیلی صعوبت و دشواری دارد . درپنجم ماه می بوقت صبح دوقطعه سفینهٔ نقلیهٔ ژاپان درحالیکه کشتئی(طورپیدو)ی نمبر(۲۰) برفاقت آنهابوددر پیشگاه ساحل نمودار گردید . عسکرروس که درتهانهٔ سرتپه دیده بانی میکردند باگله های طوپهای طورپیدوی نمبر(۲۰) تارومار گردیدند . بسبب جذروکم آبئی ساحل کشتیهای نقلیه بالطبع بقدر هزار متردورتر توقف نمودند . افرادعسکر باافسران خود تفنگهای خودرا ازسرخود بالا گرفته خودشانرا در آب انداختند ، و درحالیکه تابسینه های شان در آب بودندهزارمترومسافه راقطع نموده بساحل برامدند . برامدن اینهابساحل همان بود وپدیدارگشتن قسم کلئی سفاین نقلیهٔ عسکری بادستهٔ کشتیهای جنگئی حامئی آنهادرکنار افق همان .

افرادعساکریکه اول برامده بودند برای علامت استیلا، وورودقسم کلئی بیرق ژاپانی را برسریك تپهٔ کنارساحل برافراشتندوصداهای(زنده بادمیکادو) رابرکشیدند . سه دسته عسکر کشاف روسی که دراینحوالی برای محافظه ودیده بانی بودند برعساکر بیرون برامدهٔ ژاپانی آتش کشادندولی آتش طوپ های سه کشتئی طوپ کش ژاپانی آنهارا امان نداده در آن واحد تارومار نمود .

بساعت هشت روز، قسم کلی نزدیکشده، وبحرکات بیرون براوردن آغاز

نهاد . این حرکات از طرف دشمن به‌ادنا سکته وتعرضی نیزدوچار نگردیده بکمال خاطر جمعی اجرا گردید .

اردویی که درینجا بیرون برا ورده شد اردوی دوم ژاپانست که درزیر کوماندانی وافسرئی جنرال (اوقو) میباشد ، واساساً از فرقه های اول ، وسوم ، و چارم پیاده ، وطرب نخستین سواری ، وغندك دو مین طوپچی مرکب است .

امرحاضرئی‌سفراین‌اردودرپنجم ماه مارچ داده شده‌بود . در (۱۵) ماه مذکوربرای‌سوارشدن درکشتیهادرلنگرگاههای(کوبه)و(اوجیما) به‌نقلیات عسکریه آغازشده بود .

این سوقیات بحریهٔ ژاپان‌که درروز های اول ماه‌اپریل — برج ثور — متصور بودبنابرتأثیرحرکات استکشافیهٔ امیرال(ماقاروف) چنانچه پیش‌ازاین مذکور شده بودبه تأخیر وتعطیل افتاده بود .

وقوعات۱۳اپریل چنانچه تفصیل آن‌پیش‌ازین‌سبقت‌نموده‌بودبه ژاپانهارا آزادی‌بخشیده روزدیگر، نخستین واپورنقلیه‌بدریابادبا نکشای‌عزیمت کردید . واپورنقلیهٔ مذکوربه (شیناموپو) آمده، ودرانجا همهٔ دستهٔ کشتیهای جنگئی نقلیه به آن التحاق نموده منتظرمرور نمودن اردوی نخستین از نهر(یالو) بماندند ، وچون اردوی نخستین مظفرانه ازنهر (یالو) درگذشتند اینست که این‌اردوی دومین نیزدرساحل(پیچه وو) بحرکات‌بیرون برامدن آغازنهادند .

درینجامی‌بینیم‌که قوهٔ‌بحریه وبریهٔ ژاپان‌باهمدیگر دست‌داده،وافق‌برنقشه وپلانی که ازطرف هیئت‌ارکان حربیهٔ عمومیه کشیده شده خیلی‌مدبرانه و بصیرت‌کارانه حرکت‌کرده اند .

بمجردیکه حرکات بیرون برا ورد دن عسکر آغاز نهاد جنرال (اوقو) بسوی جنوب ، وغرب قولهای‌کشف خودرابشکل وصورت بادزن سوق

وارسال نمود . ودوتولی پیاده رانیز بسوی (پولا نتیه ن) فرستاد .

روسهاازتقرب دستهٔ کشتیهای جنگی نقلیهٔ ژاپان دردوم ماه می خبر دار شده بودند . ازانرو کوشش ورزیدندکه مفرزه های کوچك کشفیهٔ خود راباد شمن تماس بدهند . یکی ازین مفرزه ها برجادهٔ (پولا نتیه ن) بایك قطعهٔ عسکریهٔ ژاپان برابر آمده بعدازیك محاربهٔ مختصری عقب کشیدند .

دسته های دیده بان پیش ژاپانی درروز دیگربه (پولا نتیه ن)درامده بریك قطار راه آهنی که یکسر بسوی (پور آرتور) درتك وبازبود آتش بیهوده اجرانمودند ، وبقطارهیچ ضرری رسا نیده نتوانستند .

روسها (پولا نتیه ن) رابی هیچ مدافعه ومقاومه ترك کرده بودند . ژاپانها درهما نروز اگرچه خط راه آهن راخراب کردند ولی این تخریبات چنانچه شاید و باید مهم نشده بود . چونکه جنرال (قوروپاتکین) برای امپراطور تلگرافی کشیده دران ذکر کرده بودکه : « اگرچه ژاپانها خط راه آهن راخراب کردند ولی بچابکی تمام راه را تعمیر نموده میرالای (سپیریدوقوف) یك قطاری که ازمالزمهٔ حربیه پربود به (کینچو) رسانیده و بعد ازان (لوقوموتیف) — یعنی انجن راسالما به لیائویانغ پس بیاورده »

بواقعیکه همچنین هم بود . حتی درین قطار غیر ازمالزمهٔ حربیه برای تعمیروترمیم کشتیهای جنگی خسارزدهٔ روس نیزبسی آلات وادوات لازمی موجودبودکه اگراین آلات وادوات به (پور آرتور) میرسیدی تعمیروترمیم سطحی وسادهٔ کشتیهای خسارزدهٔ روس ممکن میشدی .

نهایت الامردر ۱٤ ماه خط راه آهن رابقدر (۲۰) کیلومترو مسافه خراب نمودند وراه آمد وشد قطار های راه آهن روس را سراسر مسدود ساختند . در آخرین قطارراه آهن که پیش ازخراب شدن راه ازپور آرتور حرکت نمود نائب امپراطوری (الکسیه ف) و « پرنس بوریس » نشسته

بودندکه امیرال (الکسیه ف) پورآرتور را ترك کرده به (موکده ن) میرفتند.
بنابرین کوماندانی — یعنی سرافسری فیلو — یعنی دستهٔ کشتیهای جنگی (پور آرتور) به امیرال (ویت هفت) محول گردید. جنرال (شتو سل) نیز دانست که برای قلعهٔ پور آرتور یك دورهٔ خطرناکی آغاز نهاد. چونکه برآوبحرآدرزیر محاصره بماند، وخط مواصلهٔ آن نیزمنقطع گردید.
امیرال (ویت هفت) بمجردیکه امروکوماندانی بحریه رابدست گرفت فوق العاده اظهارفعالیت وکارگذاری نمود. اول کاری که کرد آن بودکه کشتیهای آتشی را که امیرال (توغو) درمدخل بندرگاه غرق کرده راه را مسدود نموده بود برهوا کردن گرفت.
درین اثنا یك دسته کشتی جنگی ژاپانی دریاچهٔ (کینچو) و سواحل غربی رامتجسسانه کشف وتدقیق مینمود. همین فیلو — یعنی دستهٔ کشتی های جنگی در۱۷ ماه پل راه آهن نهر (کینچو) را که درزیر محافظه ونگهبانی یك مفرزه عساکر روس بود درزیر آتش طوپ گرفته پل را خراب وعساکر روس راتارومار گردانید. ومنطقهٔ اراضی شمالی (کینچو) رابرای حرکات عساکر ژاپان پاك وبی خطر ساخت.
امیرال (توغو) برای آنکه وظایف جدیدهٔ را که سرازنو برای دستهٔ کشتیهای جنگئی ژاپان آغازنهاده است بخوبی اجرا نماید دستهٔ کشتیهای جنگی خودرا برقسمهای متعددی جدا نمود. از (تاقوشان) تابحد آبریزش نهر (طاشان) که درجنوب (پیچه وو) واقعست درزیر افسرئی (حوروزیا) یك دستهٔ کشتی جنگی رابه ترصدودیده بانی مقرر نمود. منطقهٔ جنوبیرا نیز درزیر کوماندانئی امیرال (قاتاعوما) بایك دستهٔ کشتئی جنگی به ترصدمامور نمود. امیرال (اوریو) رانیز باقسم کلی دستهٔ کشتیهای جنگی درنزدیکئی (پور آرتور) دردریاچهٔ (پچیلی) به ترصد مقرر ساخت. ساحل غربئی نیم جزیره را نیز خود

بالذات ترصدمینمود که تاثیر و حرکت دستهٔ کشتیهای جنگی خود او تابه (اینقو) تمادی مینمود .

این دستهٔ کشتیهای جنگیئیکه مذکور گردیدغیراز ترصدودیده با ئی امر محاصره بوظیفهٔ پاك کردن ورفع نمودن طورپیلها — یعنی نقبهای دریایی که از طرف روسها دران سواحلها افشانده شده بودنیزمأمورومکلف بودند .

ضایعات دستهٔ کشتیهای جنگئی ژاپان

دریاچهٔ (که ر) که خیلی عمیق و محفوظ یك دریاچه ایست بسبب طورپیل هائیکه روسها دران افشانده بودخیلی مهلکه بود از ان وامیرال (قاتاعوما) کشتی های طورپیدوییرا که درمعیت او بودند بررفع وزایل کردن این مواد مهلکه مأمورساخته بسیاری ازان هارا برهوا کرده بودند . ولی وا اسفا که کشتیهای طورپیدوی نمبر٤٦ و نمبر ٤٨ دراثنائیکه یك طورپیل رامیخواستند برهوا کنندطورپیل مذکورپیش ازانکه کشتئی طورپیدوی نمبر ٤٨ بدرجهٔ کافی ازو دورشود آتش گرفته کشتئی طورپیدوی مذکوررا ازمیان بدونیم ساخت وحالاً غرق گردید .

در(١٤) ماه (می یاقو) نام کشتئی طوپ کش ژاپانی نیز بعین همین مصیبت گرفتار آمد . وازکشتی نشینانش تنها (٨) نفر رهایی یافت . حالاً نکه بهمین قدر مصیبت اکتفا نشده روز دیگر بسبب ضایع شدن کشتئی (گرووازور (یوشینو) وزرهپوش های (فوجی) و(هاتسوزه) حقیقتا برای ژاپانیها یك یوم فلاکت عظیمی شده است کیفیت غرق این سه کشتئی بزرگ را بیننده گان آن چنین حکایت میکنند :

درروز ١٥ ماه می برج جوزا — ازسر (کوه طلا) وکوه (لیائوتیشان) دیده شدکه یك دستهٔ کشتیهای جنگئی ژاپانی که مرکب ازسه زرهپوش، وسه گرو وا

زوربودار جهت جنوب شرقی یکسر بسوی (پور آرتور) می آیند . گروواز ور
هادر پیش وز . هپوشهادر عقب انهار فتار داشتند . کشتیهای جنگی ژاپانی این
یك راعادت کرده بودند که هر روز یك چند گله بر پور آرتور بیندازند . روسها
امروز باز از دیدن کشتیها منتظر آتش طوپ شده بمقابله حاضر میشدند .
دستهٔ کشتیهای جنگی ژاپان چون بجای مقرری خود نزدیکشدند در
اثنائیکه حاضرئی طوپ اندازی رامیخواستند به بینند دفعتهً زرهپوش (فوجی)
که سوم کشتی بود بیك طورپیلی تماس نموده طورپیل مذکوردرزیر بینئی کشتی
ازهم بکفید کشتی توقف نمود ؛ و بطرف راست رو به پیش بشدت میل نمود .
یك دود بسیار کثیفی مانند دوستون مدهش ازدود کشهای آن بهوا بلند شده
ازین یك معلوم گردید که ماشین یعنی — آتشخانه کشتئی مذکور نیز دوچار
خسار گردید . حالاً دو کشتئی گروواز ور به امداد زرهپوش مذکور شتافته
اورا از افق (پور آرتور) بیرون کشیدند .
زرهپوش (فوجی) پیش از انکه یك ملجای بیابد دراثنای راه غرق
گردید . بعدازغرقشدن (فوجی) بیك چند دقیقه زرهپوش (هاتسوزه) نیز
بیك طورپیلی برخورده درظرف یکدقیقه آن کشتی محتشم باسه نفر کوماندانهای
نامدار و سی وسه افسر و سی صدنفر مرتبات خود غرقهٔ گرداب فنا گردید .
تنها امیرال (تاشی یا) و (۳۰) نفر مرتبات رهائی یافتند .
دراثنائیکه دیگر کشتیهای ژاپانی برای امدادقضازدگان کشتیهای مغروقه
ازاطراف وجوانب میدویدند امیرال روس ازین سراسیمه گئی دستهٔ کشتیهای
جنگی ژپان استفاده کردن خواسته ۱۶ قطعه طورپیدورا با گروواز ور (نو
ویق) برای حمله آوری سوق نمود . ولی دوسه گروواز ور ژاپانی بمقابل
آنهاشتافته به آتش شدید طوپ آنهارابه برگشتن مجبور گردانید .
حالا از کیفیت غرق گروواز ور محفظه دار (یوشینو) بیان کنیم : گروواز ور

مذکور با کرووازور زرهپوش (قازوغا) وچند عدد طورپیدو وطوپ کش در جوار جزیرهٔ (میاعوتو) به ترصدما مأمور بودند . امروز در انطرفها چنان دمهٔ کثیف وغلیظی حکمفرما بود که درروز روشن چراغهای الکتریکی کشتیها از صدمتر و به آنطرف را روشن نمیتوانست . کشتیها هیچیکی دیگر خود را نمیتوانستند به بینند . درین اثنا کشتئی (یوشینو) دفعةً درپیش روی خود بینئی کشتی کرووازور زرهپوش (قازوغا) را مشاهده کرد . تامیخواست که خودرا کناره کند مهمیز سرتیز بینئی (قازوغا) به بغل چپ (یوشینو) بشدت برخورده تابه دایرهٔ ماکینهٔ آن نفوذ نموده .

ازشدت این ضربه ماکینهٔ کشتی وآلات الکتریك تنویرات داخلئی آن زیر وزبر گردیده داخل کشتی را یك ظلمت تیره درونی استیلا نمود باوجود آنهم کپتان سفینه همه وسایط ممکنه را استعمال کرده به تأخیر کردن غرق شدن کشتی همیکوشید . لکن همهٔ سعی وغیرت او بی نتیجه بماند چونکه رخنهٔ که مهمیز مدهش (قازوغا) درجسم اوکشاده بود خیلی بزرگ بود ، وآب مانند سیل خروشان بداخل کشتی میریخت .

کوماندان کشتی چون دیدکه همه سعیهای او محوگردید فرو آوردن فلوکه های طرف راست کشتی را امر نمود . تابه اینزمان همهٔ مرتبات کشتی سکونت واعتدال دم خودرا محافظه کرده بودند ، واامر های کوماندانرا یکان یکان بجامی آورند .

رخنهٔ سفینه چون بطرف چپ بازشده بودوکشتی یکسر بآنطرف میل کرده بوداز انرو فلوکه های دست راست را فرو آوردن لازم میآمد وازین بودکه کوماندان نیز همچنین امر نمود .

فلوکه ها بدریا فرو آورده شدمرتبات به تخلیص جان خود شان به امر کوماندان شتافته درفلوکه ها نشستند ، وکسانی هنوزمی نشستند که دفعةً

بخلاف قاعده سفینهٔ (یوشینو) بطرف راست بر سر فلوکه هائی که پر از قضا زده گان بود ، وهنوز از (یوشینو) دور نشده بودند بشدت هرچه تمامتر بغلطید وهمه فلوکه هارا از هم پاره پاره کرده باخود بقعر نایاب بحر غوطه خوار گرداب ممات گردانیده . کپتان سفینه درپی رهائی خود نیفتاده ؛ و درحجرهٔ خود درامده باسفینهٔ خود یکجاره بپای بحر عدم گردید .

(اشتراك ورزیدن کشتیهای جنگئی ژاپان بمحاربهٔ کینچو)

جنرال (اویو) ازخط (پولا نتیەن -- ویچه وو) آهسته آهسته بسوی جنوب بردوقول به حرکت آغاز نهاد . یك قول خط راه آهن ویك قول راه سرك را تعقیب مینمود .

جنرال (شتوسل) به این یك هیچ راضی نبود که اردوی ژاپان بی آنکه به هیچگونه مقاومت تصادف نماید ، ودر مقابل خودکسی را به بیند خرامان خرامان تابه پیشگاه استحکامات (پور آرتور) بیاید ! لهذا خواست که تا ممکن مرتبه اردوی ژاپانرا بضایعات ومشکلات دوچار نماید ، وتابه نزدیك قلعه برسد درخارج بااو خوب پنجه هابدهد . ازانرو بقدر ۷ کیلومترو بسوی جنوب قصبهٔ (کینچو) برتپه های بلند ومحکم آن یك وضع مدافعهٔ مستحکمی تأسیس کرده بود که هردو جناح این موضع بدریا مستند بود . درطرف جناح چپ آن برزخ فراخ وکم آب (کینچو) ، و درطرف شرق آن یك دریاچهٔ عمیق وتنگی که تابخط شمندوفر درون رفته وآنرا دریاچهٔ (هاند) مینامند موجوداست . این تپه هاوکوه پشته ها خیلی عارضه ناك وصعب المروربود . بناءً علیه بمقابل اردوئیکه بر (پور آرتور) پیش آید یك سد طبیعئی تشکیل مینمودند .

محاربهٔ (کینچو) رادر بحث مخصوص محاربات بریه انشاءالله بیان خواهیم

کرد . درینجا تنها ازمناسبات حرکات بحریهٔ که به این محاربه تعلق دارد بیان مینمائیم :

درروز (٦) ماه می برج جوزا هنگامیکه شفق سرزد طوپچئی ژاپان آتش بسیار شدیدی کشاده درزیرحمایهٔ آن قطعات پیاده پیش شدند مرکزرا فرقهٔ نخستین ، جناح شمال را فرقهٔ سومین ، جناح یمین را فرقهٔ چارمین تشکیل میداد .

برای تأیید واستناد هجوم عساکر ژاپان . وبلرزه آوردن جناح شمال ، وضع روس دستهٔ کشتیهای جنگئی امیرال (حوروزیا) را امیرال (توغو) به دریاچهٔ (کینچو) فرستاده بود .

این دستهٔ کشتیهای مرکب از (٤) قطعه طوپ کش ، و (٤) قطعه طورپیدو بود ، بمجردیکه عساکرپیاده به پیش رفتن آغاز کردند دستهٔ کشتیهای جنگی نیز برجناح شمال روسها آتش کشادند . امابعدازیك مدت کمی دستهٔ کشتیهای جنگی آتش خودرا بریده بدریا بادبانکشا شدند . ژاپانها که درینمحاربه بضایعات عظیمه ومشکلات جسیمه گرفتار آمده‌اند محض ازینست که کشتیهای ژاپانی آتش طوپ خودرا قطع نمودند . وسبب این انقطاع آتش کشتیها ازین پیش آمده بودکه درصبح همان روزیك دمهٔ بسیارکثیف وغلیظی دریا وخشکه را استیلا کرده بود ، وطوفان بسیارشدیدی درشب پیش آمده بودکه بسبب آن طوفان دریاخیلی متموج بود ، وچون آب دریاچهٔ (کینچو) نیزخیلی کم وتنك است واین عوارض هم باآن ضم وعلاوه گردیده بود ازانروکشتی های طوپ کش بساحل تامنزل انداخت مؤثرنزدیك شده نمیتوانستند . لهذا آتش خود شانرا بریده بدریای بزرگ خودرا کشیدند حالانکه یك کشتئی طوپ کش روسی بادومخرب طورپیدو تابه آخر دریاچهٔ (هاند) بسخو گرفته برجناح چپ اردوی ژاپان ازگله ریزی خودداری نمیکردند . جنرال (اوقو)

به‌تنك آمده بعسکر پیادهٔ خود امر هجوم ویوروش را داده روسها بیك متانت، واعتدال، وانضباط بسیار بلیغی که شایان تحسین و آفرینست مدافعه ومقابله میکردند. محاربه بلافاصله بکمال شدت تا بوقت عصر دوام نمود. جناح چپ ژاپانها خیلی زحمت و مشکلات کشیدند وبرای شان یکقدم پیشرفتن میسر نشده بود.

آتش کشتیهای روس خیلی تأثیرناك بود. درین اثنا به جنرال (اوقو) خبر مدهش تمام‌شدن جبه خانه نیز واصل شد. جنرال، درینه دقیقهٔ هول ناك پرخطر تدبیر مأیوسانهٔ آخرین هجوم بردن را اندیشیده بوقت شام باز بر تمام خط حرب عسکر خود امر هجوم ویوروش پرشدت راعطا نموده عساکر ژاپان سر از نو شدت ومتانت دلیرانهٔ هزبرانهٔ اظهار کرده، ومرگ را بنظر حقارت واستخفاف دیده هجوم بردند. ولی باوجود آنهم مسافهٔ بسیاری را قطع کرده نتوانستند، و تلفات وضایعات بسیاری دادند جبه خانه نیز لحظه بلحظه رو به تمامی مینهاد.

جنرال (اوقو) کاررا خیلی دشوار ومهلك دیده میخواست که امر رجعت را بدهد که بناگهان ازطرف جناح راست خط حرب دستهٔ کشتی های جنگی طوپ کش ژاپانی ظهور نموده بایك آتش بسیار شدید ومؤثری بمیدان حرب داخل گردید. فرقهٔ چارم ژاپانی که درین جناح بود بدل پرئی آتش طوپ دستهٔ کشتی های جنگئی بر جناح چپ روس که از تأثیر آتش دستهٔ کشتی های جنگی زده ومیده شده بود یك هجوم شدیدانه ومعندانهٔ اجرا نمود.

جناح چپ روس به این هجوم شدید عساکر دلیر ژاپان و آتش مؤثر دستهٔ کشتیهای جنگی تاب آور مقاومت نگردیده سراسر شکست فاحش خوردند، و موقع خودرا ترك کرده روبفرار نهادند. این موفقیت وکامیابئی فرقهٔ چارم نتیجهٔ محاربه را تعیین نمود. یعنی ـ مظفریت را برای اردوی ژاپان. ومغلوبیت

را برای اردوی روس نتیجه بخشید •
محاربهٔ (کینچو) یك نمونهٔ مثال خوبی برای اشتراك دستهٔ کشتیهای جنگی بحری با اردوی بری وحسن تأثیر آن نشان داد • اگر در نمحاربه معاونت حربیهٔ دستهٔ کشتیهای جنگی بحری نمیبود تشبث اردوی بری عقیم میماند • بلکه انهزام نیز محقق دیده میشد • امابا وجود اینهم ، شرط اساسئی این معاونت بحری ها تا حاکمیت بحری دستهٔ کشتیهای جنگی ژاپان بوده چونکه ژاپانها اگر مالك حاکمیت بحریه نمیبودند درانحال ظاهر و آشکار بود که یك دسته کشتیهای جنگی قوت ناك روسی از (پور آرتور) برامده دردریاچهٔ (کینچو) اخذ موقع مینمود ، ومانع اشتراك دستهٔ کشتیهای جنگی ژاپان بااردوی بری شان گردیده همین کاریکه درینوقت دستهٔ کشتیهای جنگی ژاپان درحق اردوی روس اجرا نمود دران وقت دستهٔ کشتی های جنگی روس آن را براردوی ژاپان بروی کار میآورد • حالا نکه امیرال (توغو) با تمام دستهٔ کشتیهای جنگی خود (پور آرتور) را از هر طرف محاصره نموده برای منع کردن انچنین یك تشبث روسها درهر دقیقه حاضر و آماده بود •
در ۲۹ ماه می مفرزهٔ عسکر روس که در (دالنی) بودند زیاده بران اقامت را در انجا قابل ندیده قصبهٔ مذکور را خالی کردند • این مفرزه مالزمهٔ شمندوفر یعنی — ریل ودیگر مبانئی بندری راحو و برهوا کردند • بعدار محاربهٔ کینچو فردای ان امیرال (توغو) اعلان نمود که همهٔ شبه جزیرهٔ (قوانطونغ) در زیر محاصرهٔ بحری گرفته شده است •

(حرکات دستهٔ کشتیهای جنگی ولادیووستوق روس تابه نهایت)

ماه جولایی

در (ولادیووستوق) بسببی که تهلکهٔ محاصره قریب الوقوع نمی نمود لهذا

نسبت به (پور آرتور) بیم و اندیشه تا کی کمتر حکمفرما بود . تنها از دمه دائمی که موجود بود اندیشهٔ ظهور کردن ناگهانی دستهٔ کشتی های جنگی ژاپان دردلها یك وسوسهٔ می انداخت .

(بوغاتیر)) نام کروواز ور روسی که برای مقصد استکشاف به دریاچهٔ (اوسوری) رفته بود بسبب کثرت دمه بسنگ برخورده دوچار خسار شده بود . این حادثه برای دستهٔ کشتیهای جنگی و لادیو وستوق که دراصل خیلی ضعیف بود ضیاع بسیار مهمی شمرده میشد . طوپ ها، وطورپیلها و دیگر ما لزمهٔ کشتئی مذکور را بیرون کشیده به تدابیر شناور ساختن آن توسل نمودند .

در (۲۵) ماه می امیرال (سقریدلوف) به ولادیووستوق آمد که ویس امیرال (بزوبرازوف) نیز باو موجود بود . امیرال (سقریدلوف) برای آنکه آمدن خود را فعلاً به (ولادیووستوق) اثبات نماید بر امیرال (بزوبرازوف) امر نمود که یك جولانی نموده سفاین نقلیه ژاپان را تعجیز و زحمت رساند . بنابرین در ۱۲ ماه جون برج سرطان امیرال مذکور با کرووازورهای (غروموبوی) و (روریق) و (روسیا) به دریا بیرون برامد .

تا به ۱۵ ماه جون بقدر (۱۰۰) میل قطع کرده تا به آبنای (شیمونوزاکی) نزدیک گردید . درانجا در منتهای افق دو کشتی دیدند . روسها به تعقیب آن شتافتند امابسبب دوری مسافه به آن نرسیدند . بعداز کمی یك کشتئی دیگری نیز دیدند . کشتئی (غروموبوی) در پئی آن افتاد . این کشتئی نقلیهٔ ژاپانی بود که نامش (ایجومی) بود که بدار الحرب عسکر وارزاق برده حالا واپس گردیده بود . (ایجومی) (غروموبوی) را یك کشتئی ژاپانی گمان کرده بود . اماچون یکی یکبار یك کلهٔ آمده درپیش روی (ایجومی) افتاد ودرپئی آن دیگر کله ها نیز آمدن گرفت (ایجومی) دانست که خطا خورده دشمن را دوست گمان کرده است . لهذا

همان لحظه کپتان کشتی و دیگر مرتبات بداخل کشتی درامده اوراق مهمه را محو گردانیدند وبعد ازان خود شانرا بدریا انداختند .

بعد ازانکه (انجومی) را غرق کرد (غروموی) دو کشتئی دیگر نیز دید ؛ و در پئی آنها شتابید . نام یکی ازین کشتیها (هیتاشی) بود که در میان آن هزار نفر عسکر، ویکمقدار لوازم حربیه ، وچندرأس اسپ موجود بود . (هیتاشی) بفرار تشبث ورزید . به اشارت روسها جواب نداد . بنابرین کروزور به طوپ اندازی آغاز نهاد . بعد ازانکه آتش طوپ یکمدتی دوام ورزید هیتاشی غرق شد . بقدر دوصد نفر عسکر به آتش طوپ تلف شدند، ویك قسمی خود را خود کشتند، ویك قسمی ندرزنده خود را غرق کردند و تابه آخر نفس واپسین بصداهای (زنده باد میکادو) دوام میورزیدند .

کشتئی دیگر که (حادو) نام داشت مالزمهٔ اسباب ساختن راه آهن مابین (سه ئول) و (ویجو) را حامل بود ویك بلوك عسکر پل ساز نیز دران موجود بود .

کرنیل (هوشینو) که آمر کشتی بود همهٔ مرتبات و نفری کشتی را جمع نموده خود کشی را سراسر ازیشان منع نموده گفت : که (هریك فردی ازافراد مکلف ومجبوراند بینکه تابه نفس آخرین خود درراه دولت خود کوشش ورزند ، وبه تیغ یا گلهٔ دشمن بمیرند لهذا شمارا ازاتحاذ یعنی — خودکشی منع مینمایم مگر دروقتیکه بدانید که اسیر میشوید » .

روسها بر کشتی (حادو) طورپیلهای متعدد انداختند ، اما این طورپیلها اکثر دو زیر خط آب اصابت مینمود ، وچون این کشتی بیك ترتیب مخصوصی ساخته شده بود نفوذ آب را تحدید میکرد ، وبسرعت غرق نمیشد ، روسها نیز ازبیم رسیدن دسته کشتی های جنگی ژاپان یك آن اول رفتن را آرزو میکردند ازان رو کشتئی (حادو) را بحال خود ترك داده برفتند . کشتئی حادو باینصورت تا بجزیرهٔ (مانرورا) بردن موفق گردیده است ، از کشتئی

(حادو)(۱۵۳)نفر، وار کشتئی (هیتاشی)(۵۹۷)نفر به بندرهای ژاپان آمده توانسته است .

این هردو کشتی اساساً از روس بوده است ، در اوایل حرب از طرف ژاپانها مصادره شده ، ونامهای آنرا تبدیل داده در خدمت نقلیه استخدام کرده شده است . غیر از بندوکشتی درحوالی مذکوره تقدر (۲۰) قطعه کشتئی دیگر ژاپانی که همه با عسکر و مهمات حربیه مملو بودند نیز موجود بود . ولی از طرف روسها کشف نشده بامان مانده اند .

امیرال (قامیمورا) برای عقب گیرئی دسته کشتیهای جنگی روس در (۱۵) ماه جون (پور آرتور) را ترك کرده بود . لکن رسیده نتوانسته . امیرال (بودونا) که در (طاقاشیمسکی) میبود نیز یك دسته کشتیهای جنگی طورپیدو در عقب کشتیهای روس فرستاده بود ولی بسبب باران و دمه بهیچ چیزی کامیاب نشدند .

روسها دروقت برگشتن ساحل غربئی ژاپونیارا گرفته در (۱۷) ماه بی آنکه بهیچگونه ضایعاتی دوچار شوند به (ولادیووستوق) رسیدند . دراثنای راه گروواز ورهای روس بیك کشتئی انگلیزی که (آللانتون)ام داشت و زغال سنگ بار کرده بود برخورده آنرا اسیر کردند وباخود به (ولادیووستوق) آوردند . یك کشتئی دیگر انگلیزی که پر از مالزمه اسباب خط راه آهن بود ودر اوایل حرب از طرف ژاپانها خریداری شده بود نیز بدست روسها افتاده به (ولادیو وستوق) آورده شد .

امیرال (قامیمورا) در (۱۹) ماه جون باز بطرف آبنای (کوریا) برگشت . عدم موفقیت وکامیابئی مومی الیه درین بار نیز در ژاپان موجب بسی شکایات واتهامات گردید . اهالی براقامتگاه عایلهٔ امیرال(قامیمورا) در (توکیو) هجوم برده نمایشها اجرا کردند ، حکومت اقامتگاه اورا در زیر حمایهٔ پولیس گرفت .

دختران او که بمکتب اصیل زادگان در (توکیو) دوام میورزیدند از شنیدن بسیاری طعنه وتوبیخی که چرا پدرت تاحال خودرا نکشته بترك کردن مکتب مذکور مجبور گردیدند .

امیرال (سقرید لوف) در تلگرافنامهٔ رسمئی خودکه به (پترسبورك) کشیده میگوید :

« فرقهٔ ط، رپیدوبی که در ۱۵ ماه حال بسواحل ژاپان فرستاده بودم بعد ازاجرای حرکات درانطرفها امروز واپس به (ولادیووستوق) رسیدند . فرقهٔ مذکور درساحل جزیرهٔ (حایقودا) بهلنگرگاه (جاشی) نزدیکشدند . لکن بسبب دمه به داخل لنگرگاه درامده نتوانستند . دراثنای راه بسی کشتی های بادی ومعونه های ژاپانی را که ازارزاق وکدام بار بودند ضبط کرده اند . درینوقت سفاین حربیهٔ که دسته کشتیهای جنگی (ولادیووستوق) راترکیب داده برای آنکه برای استقبال دسته کشتیهای جنگی بحره « بالتیك » حاضر باشند در بندرگاه « ولادیووستوق » استراحت شان اقتضا میکند . باوجود آنهم بازدسته کشتیهای جنگی مذکور در « ۳۰ » ماه جون بوقت شفق در پیشگاه « ژهنسان » دیده شدند . ودرداخل لنگرگاه مذکوریکچند کشتئی بادباندار ومعونه هارا غرق ، وچونئی عسکرئی ژاپانرا بزیر آتش طوپ گرفته بسوزانیدند . »

درروز اول ماه جولایی بوقت شام کرووازورهای روس درجوار آبنای (چوشیما) ظهورکرده بعضی نمایش اجرا کردند . ولی بسبب تاریکی شب بازدرینبار نیزازپنجهٔ امیرال (قامیمورا) رهایی یافتند که امیرال (سقریدلوف) در راپورت رسمیٔ خود این تصادف خود راباامیرال (قامیمورا) باینصورت حکایت میکند :

« قونتراامیرال (بهزوبرازوف) باکرووازورهای خود درشام روز

اول ماه جولایی آبنای کور یارادرگذشته بود که به (۷) قطعه کشتیهای جنگی ژاپان برخورده بازگشت ، دشمن کشتیهای مارا تعقیب نموده از مسافهٔ بعیدی آتش بی تأثیری برما اجرا نمود ، کشتیهای ما جواب ندادند ، در ساعت ۸ شب ۱۱ قطعه طورپیدوی دشمن که درپشت جزیرهٔ (چوشیما) پسخو کرده بودند برماهجوم نمود ، ولی هجوم شان بیهوده رفت ، روز دیگر درداخل افق ازدشمن هیچ اثری دیده نشد ، هیچ خسارت وضایعات نداریم ، »

با وجودیکه این تشبثات و حرکات هیچ اهمیتی ندارد ، باز هم امیرال (سقریدلوف) در (ولادیووستوق) به آندرجه مظهر محبت و توجه عامه گردید که درروز جشن رسمیٔ شناور شدن وابور (بوغاتیر) عساکر بریه وبحریهٔ قلعهٔ (ولادیووستوق) « هوررا » ها کشیده عرابهٔ امیرال را بشانه های خود کشیدند ، حالا آنکه درحقیقت حال موفقیت و کامیابی بزرگ امیرال (سقرید لوف) همین بوده ازدستهٔ کشتیهای جنگی امیرال (قامیمورا) اجتناب کرده توانسته است ،

بعد ازانکه کرووازورهای روس دانستند که امیرال (قامیمورا) برای محافظهٔ سفاین نقلیهٔ ژاپان تدابیرمکملهٔ اتخاذ نموده ، و دیگر هیچ کاری ازدست شان برنمیآید به شکار کردن وابورهاتجارتی انگلیز ، والمان ، وامریکا که مالزمه ساختن راه آهن رابه اجرت نقل میدادند آغازنهادند ، امیرال (سقرید لوف) درراپورتی که دربنباب نوشته چنین میگوید :

« در ۲۲ ماه جولایی ۱۰۰ میل دورتراز(یوقوهاما)(آرابیا)نام وابور المانی که مالزمهٔ ریل ، و آرد بسیاری بار کرده بود اسیر گرفته شده به (ولادیووستوق) فرستاده شد ، در ۲۳ ماه مذکوریك کشتئی دیگری دیده شده توقیف نموده شد ، بعدازانکه اوراق رسمیه کشتی معاینه گردیده معلوم شدکه این کشتی (کنی قوماندر)نام وابورانگلیزیست که مالزمهٔ اسباب راه آهن رابه

(ژاپونیا) میبرد، لهذا ضبط ومصادرهٔ آن لازم آمد، ولی چون آنقدر زغال نداشت که تابه (ولادیوو-ستوق) برسد از از وطایفه و عملهٔ واپور مذکور را بیرون براورده خود واپور را محو نمودیم .

«در ۲۴ ماه، مذکور یك واپور المانئی دیگر دیده شد، چون از غنایم مشروعه بود ضبط گردید ولی چون رسانیدن آنرا بیکی از بندرگاههای روسی امکان نداشت غرق نموده شد .

«در ۳۰ ماه مذکور کرووازورهای ما بطرف آبنای (چوفارو) حرکت کرد، درساعت ۳ در نزدیکی ساحل شمالی یك قطعه کرووازور ژاپانی با ۳ قطعه طورپیدو ، ودرپی آن یك زرهپوش با ٤ قطعه طورپیدو دیده شد، بعداز کمی یك کشتئی محافظ ساحل نیز ظهور نمود ولی سرعت کرووازورهای ما آنهارا خیلی عقب انداخت .

اقدام وتشبث نخستین دستهٔ کشتیهای جنگئی پورآرتور

بر بیرون برامدن خراج

امیرال (ویت هفت) برای رهایی دادن دستهٔ کشتیهای جنگی خود را از قید اسارت ومحصوریت برین قرار داد که (پور آرتور) را ترك کرده بیرون برآید ، موصی الیه چنان گمان و تخمین میکرد که باین مقصد خود بدون محاربه واصل خواهد شد ، باوجودیکه در (پور آرتور) وسایط تعمیریه خیلی ناقص بود باز هم کشتیهای خسارزدهٔ روس تا یکدرجه بخوبی صورت تعمیر شده بودکه به اینصورت بسبب ضایع شدن زرهپوشهای (هاتسوزه) و (فوجی) دستهٔ کشتیهای جنگی روس ازروی عدد زرهپوش بر دستهٔ کشتیهای جنگی ژاپون تفوق و برتری هم داشت .

امیرال (ویت هفت) مانورهٔ بیرون برامدن خودرا در ۲۳ ماه جون

خواست که ارقوه بفعل برارد . لکن این تصور امیرال بخلاف آرزوی او پنهان نماند . بهر صورتیکه بود ژاپانها خبردار گردیده هنوز در ۲۲ ماه مذکور بوقت شام کشتیهای طورپیدوی ژاپانی برای افشاندن طورپیل — یعنی نقبهای دریایی درگذرگاه دستهٔ کشتیهای جنگی روس دربندرگاه خارجی پدیدار گردیدند .

اگرچه گرووازور های روسی براین کشتیهای طورپیدوی ژاپانی هجوم برده آنهارا دفع نمودند ولی برین قناعت حاصل نتوانستندکه آیا آنها را از ایفای وظیفهٔ شان که عبارت از نقب افشانیست آیا منع کرده توانسته اندیانه ؟ اینست که این اندیشه حرکت بیرون برامدن رادرروزموعود خیلی بتأخیر ومشکلات انداخت .

بهرصورت درساعت ۸ صبح ۲۳ جون امیرال (ویت هفت) بمانوره آغازنهاد . — یعنی حرکات وتعلیمات قواعد بیرون برامدن را اجرانمود . بعدازسه ساعت همهٔ دسته کشتی های جنگی بیرون برامده دربندرگاه خارجی اخذ موقع نمودند .

حالا پیش ازانکه بدریای فراخ بحرکت آغاز کنند لازم بود که خط سیروسفرخودرا ازطورپیل های افشانده شدهٔ دست ژاپانها پاك نمایند . برای اینکار چنان لازم بود که بوسعت حرکت رفتار دستهٔ کشتیهای جنگی یك راهی دردریاتعیین نموده آن راه را قدم بقدم جستجو وتحری نمایند . این عملیات چون یکمدت وزمان درازی میخواست لهذادستهٔ کشتیهای جنگی دربندرگاه خارجی بارلنگرانداز عطالت گردید .

طورپیدوهای روس که برای جستجو مقرر بودند بسیاری از نقبهای دریایی ابت وسابحی پیدا کرده ازراه رفع نمودند . تا آنکه بعدازظهر کشتیهای روس لنگر برداشته بدریای فراخ وآزادرهسپارعزیمت شدند . زرهپوشها بنظام یکه تازی

یعنی — یکی بدنبال دیگر حرکت میکردند . در پیش روی همه زرهپوشی که بیرق امیرال بر ان افراشته شده بود میرفت . در دوطرفهٔ زرهپوشها و پیش روو پس پشت آنها کشتیهای طورپیدو ، و کرووازور ها رفتار داشتند .

دستهٔ کشتیهای جنگی روس که به این نظام وانتظام حیرت افزا حرکت میکرد ، امیرال (ویت هفت) راچنان گمان بود که بدون محاربه ومزاحم کشتیهای جنگی خود را بهر جائیکه دلش بخواهد سوق خواهد توانست . لکن وا اسفا که بعد از مدت کمی که دستهٔ کشتیهای جنگی بسرعت اعظم خود رفتار نمود همه امیدهای امیرال دوچار تبدل وروال گردید .

کرووازورهای دیدهبان ژاپانی که دائما در پیشگاه بندرگاه خارجی (پور ارتور) دیدهبانی و پهره داری میکردند بمجرد دیدکه حاضرئی خروج روسها را بدیدند در حال بواسطهٔ تلگراف بی سیم امیرال (توغو) را آگاه ساختند .

ژاپانیها برای اینگونه احوال هر چیز را از اول حاضر و آماده کرده بودند . جزیرهٔ کوچکی که درجوار (پور آرتور) بود ، وعد تلاقی انتخاب شده بود . وهمهٔ کشتیها از همدیگر بمسافه های معینی که دائما بواسطهٔ اشارت با همدیگر بکمال امنیت مخابره بتوانند موجود بودند . لهذا در بنیار نیر اجتماع دستهٔ کشتیهای جنگی ژاپان بسرعتی که شایان حیرتست بوقوع آمد .

امیرال (ویت هفت) از همهٔ اینچیزها بی خبر ، وبره وفقیت پلان ونقشهٔ که تصور نموده اعتماد آور بوده متصل قطع مسافه مینمود ، چون دستهٔ کشتیهای جنگی روس از ساحل خوب دور شد و بسوی جنوب شرقی توجیه استقامت نمود ، امیرال (توغو) بنا گهان از پشت جزیرهٔ که تجسسگاه او بود برامده در پیش روی دستهٔ کشتیهای جنگی روس بوضعیت عمودی حرکت ، واخذ استقامت نمود . و برای بریدن خط رجعت دستهٔ کشتی های جنگی روس یك فرقه دستهٔ کشتی های جنگی طورپیدوی خود رادرزیر حمایه چندکرو

وازور خفیف درمابین دستهٔ کشتیهای جنگی روس ومدخل پور آرتور برای افشاندن طورپیل روانه نمود .

برامیرال (ویت هفت) درین حالت چنان لازم بود که سرفه جویی نمیکرد وبضایعات خود نظر نکرده بیك تعرض شدید وحمله عنیدی تابدرجه که ممکن میبود دشمن خودرا دوچار خسار مینمود . هرگاه امیرال روسی اینچنین حرکت میکرد خیلی بهتر وفائده مندتر بود ازینکه کشتیهای خودرا برای عاقبت فجیعهٔ که وقوع آن محقق مینمود درقید محصوریت بندرگاه پور آرتور نگهدارد .

لکن امیرال (ویت هفت) ازظهور ناگهانی دستهٔ کشتیهای جنگی ژاپان بخوف ورعب افتاده بسرعت عظیمه بسوی (پور آرتور)عودت نموده امیرال (توغو) چون دیدکه دشمن رجعت نمود خواستکه اگرهیچ نباشد بقدر ممکن اورا درزیر آتش طوپ گرفته هرطرفش را بلرزه دراورد . لهذادر پی اش شتابان گردید . ولی بسبب فرو آویخته شدن پردهٔ ظلمت شب برین تشبث خود کامیاب نیامد . بسبب زمان جذردریا دستهٔ کشتیهای جنگی روس به بندرگاه داخلی درامده نتوانسته بالمجبوریه دربندرگاه خارجی لنگرانداز اقامت گردید .

بسبیکه امشب مهتاب خیلی درخشان بود ، ودستهٔ کشتیهای جنگی هم درزیر حمایهٔ استحکامات درامده بود ازهجوم طورپیدو های دشمن چندان خوف وباکی نداشت . امابا وجود آنهم طورپیدو های دلاور ژاپان ازساعت ۱۰ شب تابصبح به اندك اندك فاصله ازاجرای هجوم وصولت فارغ نه نشستند . ولی بجز از کشتئی جنگئی (سیو استپول) روسی دیگر کشتیهارادوچار خسار نتوانستند. امیرال (توغو) درباب این هجوم طورپیدوهای خود دررابورت خود چنین مینویسد :

« باران گلهٔ که دراطراف طورپیدوهای ما میریخت یك گردباد طوفان

نهاد آبی برمیخیزانید . وضیای پروژه کتورهای ساحل نیز چشمها را می درخشانید . لهذا هجوم طوربیدوها یك نتیجهٔ مستحسنهٔ نبخشید . »

ملاحظه

این حرکت بیرون برامدن امیرال روسی بیك تردد وبی تأملی بزرگی اجراشد . چونکه درامیرال (ویت هفت) عزم قوی ومتانت حرکتی که درچنین زمانهای بحران آمیز برای حاصلشدن موفقیت ونتیجه بکاراست موجود نبود .

از چنین یك تشبثی که نتیجهٔ آن خیلی مهم بود، بمجرد دیدن دستهٔ کشتی های جنگی دشمن از محاربه روگردانیدن حقیقتاً که موجب حیرت یك حرکتیست ! علی الخصوص که دستهٔ کشتیهای جنگی ژاپان آنقدریك فایقیت عظیمی راهم حائزنبود که دستهٔ کشتیهای جنگی روس بر محاربه کردن باآو جسارت نورزد .

هرگاه امیرال روس وضعیت عمومیهٔ حربیه رابنظر تأمل، وسلامت فکر ملاحظه ومحاکمه میکرد بادستهٔ کشتیهای جنگی ژاپان بکمال جرأت وفداکاری بمحاربه درامده تاکه میتوانست آنرا دوچار خسارات مینمود . زیرا برای خود او حیات وممات علی السویه بود . پس هرقدر که دشمن را دوچار خسار میکرد همانقدر فائده برای وضعیت عمومیهٔ حربیه بظهور می انجامید . حالا نکه به این حرکت ناشایستهٔ خود که بمجرد دیدن دستهٔ کشتیهای جنگی دشمن رجعت کرد دستهٔ کشتیهای جنگی خود رابیك انهزام معنوی دوچار وناقابل تلافی یك خطای عظیمی ارتکاب واظهار کرده است .

محاصرهٔ پورآرتور

در ۳۰ ماه می بعدازانکه (دالنی) ضبط واشغال گردید قطعات پیشدار

عساکر ژاپان بحرکات پیشروی آغاز کرده بموقع (سان شیلیو) که نقطهٔ تلاقیٔ خطوط شمندو فر است مواصلت ، و تابه اواسط ماه جون درانجا اقامت کردند ، درین اثنا اردوی جنرال (اوقو) بااوردوی جنرال (نوژی) مبادله کرده‌شد ، وغیرازین دریاچهٔ (تالیه ن) از نقبهای دریایی پاك کردیده بندرگاه (دالنی) برای بیرون براوردن عسکر، وبیرون براوردن طوپهای بزرك محاصره حاضرو آماده کردید .

بعداز اواسط جون اردوی جنرال(نوژی) که اردوی محاصره گفته میشود باز بحرکت پیشروی آغاز نهاده بقدر ۱۲ کیلومترو بسوی شرق پور آرتور بساحل نهر(لونغ وانغ) بیامد که آنطرف نهر بدست روسها بود .

محاصرینی که ازطرف بحر قلعه را محصورداشتند به ایفای انچه‌ند وظایف موظف ومکلف بودند .

۱ — طوپ ، وعسکر، ولوازمهٔ حربیهٔ که برای اردوی محاصرهٔ بری فرستاده شود آنهارا محافظه کردن وبکمال امنیت بخشکه براوردن .

۲ — جناحهای اردوی محاصره را که تابه دریاممتدشده حمایه کردن .

۳ — بقلعهٔ محصوره داخلشدن ذخیره ودیگرلوازمات را نگذاشتن .

٤ — از قلعهٔ محصوره خروج دستهٔ کشتیهای جنگی روس رامنع نمودن .

این فقرهٔ آخرین اساس مقصدرا تشکیل مینمود ، چونکه مقصدکلی همین بود که پیش از رسیدن دسته کشتیهای جنگی بحر (بالتیك) روسی دستهٔ کشتیهای جنگی(پور آرتور) محو وفنا کردد ، فتح شدن قلعهٔ (پور آرتور) نیز از نقطه های نظر سیاسی وملی لزوم مجبر دیده میشد .

مدخل(پور آرتور) درروز با کروو وازورها، ودرشب باطورپیدوها ترصد ودرزیر نظارت کرفته میشد ، برای تعجیز وزحمت دادن قلعه را از جهت دریا دایما مفرزه های کوچکی مرکب از طوپ کشها و طورپیدو ها بمد خل

فرستاده میشد. وظیفهٔ این مفرزه‌ها کشف کردن مدخل وجوار آن بود، ودرجاهای مناسب که احتمال برامدن کشتیهای روس ازانجاهامیبود طورپیل ونقب افشاندن، وتشبثات بیرون برامدن کشتیهای روس را عقیم گذاشتن نیزاز وظایف اینمفرزه هابود.

روسهانیزدرشبها مدخل رابا سدهای متحرك می‌بستند، واین سدهارا باآتش طوپ کشتیهای طوپ کش، وطوپ خانه‌های استحکامات خفیفه — چرا که طوپ خانه های ثقیله را در درون قلعه برای مدافعهٔ محاصرهٔ بریه برده بودند — مدافعه میکردند.

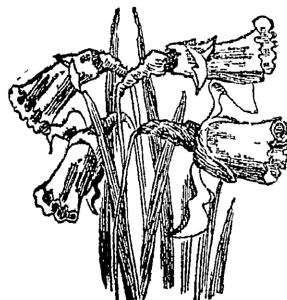
درمحاربهٔ بری ۳ و ٤ ماه جولایی روسهاتپه‌های دست چپ نهر (لونغ وانغ) را که ژاپونها ضبط کرده بودند واپس ستانده بودند. بنابرین کوماندان اردوی محاصرهٔ ژاپان به استعمال یك قسمی از طوپ های بزرگ محاصرهٔ خود احتیاج دیده بود. آوردن این طوپها، وبجاهای مناسب سوارکردن آنهادرتمام مدت ماه جولایی دوام ورزید، تا آنکه در ۲٦ ماه جولایی یك گله ریزی بسیار مدهش وشدتناکی اجرا وبهجوم وپوروش عمومئی آغاز نهادند. به این هجوم وگله‌اندازی کشتیهای جنگئی ژاپان ازطرف بحرنیزاشتراك ورزیدند.

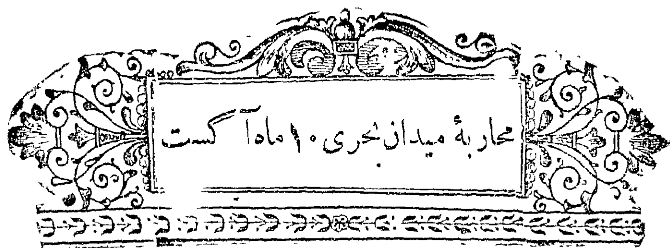
روسهانیزموضعهای خودراخیلی خوب محکم بندی کرده مقاومت ومدافعهٔ بسیارعنودانهٔ نشانمیدادند. کشتیهای جنگئی روس نیزبمقابلهٔ کشتیهای جنگی ژاپان بیرون برامده بودند. این کشتیهادرزیرحمایهٔ طوپ خانه های استحکامات ساحل شرقی درامده برکشتیهای ژاپان آتش کشادند. یك گلهٔ (۲۱) سانتیمتروئی کشتئی (بایان) روسی، برپروهٔ کشتئی (زوشیمای) ژاپانی برخورده خیلی خرابئ بعمل آورد. لهذا کشتیهای ژاپانی آتش خودرا قطع نموده رجعت کردند.

دراثنای رجعت کشتئی (چیبودا)ی ژاپانی بیك طورپیلی برخورده طرف سر آن درآب فرورفت، وبهزارمشقت خودرا تابه لنگرگاه (دالنی) رسانیده توانسته.

محاربه سه روز متمادیاً دوام ورزید . ولی ژاپانها موفق وکامیاب نشدند .
بنابر طلب واصرار جنرال (اشتوسل) امیرال (رایچهن شتاین) با کشتیهای جنگی (بایان؛ وره تویزان؛ وپالادا؛ و آسقولد) وطوپکشهای (اوتواشنی؛ وغیره میاچی؛ وگیلیان) بر کنار کنار ساحل رفته جناح چپ اردوی بری ژاپانها را بعد از پیشین تا بساعت سه درزیر آتش شدید طوپ بگرفتند . کروواز ور (نوویق) با (۱۲) طورپیدو از جهت دریا تعرضات محتملهٔ امیرال (توغو) را ستر و محافظه میکردند .
دستهٔ کشتیهای جنگی ژاپان از بیم تهلکهٔ طورپیل، وقوهٔ بحریهٔ قوتمندروس که بسبب التحاق کشتئی (ره تویزان) زیاده تر کسب قوت کرده بودند و بسبب زخمی شدن کشتئی (زوشیما) قوت خودشان کمترشده بود بر محاربه کردن جسارت نمیورزیدند .

درأثنای عودت دستهٔ کشتیهای جنگی روس به (پور آرتور) کشتئی (بایان) بهیك طورپیلی مصادمه نموده دوچار خسار گردید . در ۲۸ ماه جولایی جنرال (اشتوسل) اعلان کرد که جملهٔ هجوم متعرضین را رد کردم . دوروز بعد ژاپانها باز باهمهٔ قوتهای بری و بحرئی خود هجوم ویورش سختی بر قلعه بردند، در (٦) ماه آگست برج سنبله بر شهر و بندرگاه (پور آرتور) که ریزئی دستهٔ کشتی های جنگئی ژاپان بوقوع آمد .





امیرال (ویت هفت) بعداز خروج (۲۳) ماه جون بازبه بندرگاه (پور آرتور) خزیده ، دران آرامگاه قدیم خودزانو بزمین اندیشه وسکون نشسته بود . که درین اثنابرای رفتن به (ولادیووستوف) ازطرف جناب امپراطور یك امرقطعی به اورسید .

برامدن دستهٔ کشتی های جنگی روس از (پور آرتور) بهاینچندسبب خیلی لازم و ضروری مینمود :

اولا اینکه تپه هائیکه استحکامات روس بران مبنی بود تا هنگامیکه بدست دشمن نیفتاده بود قلعهٔ (پور آرتور) برای دستهٔ کشتیهای جنگی روس یك ملجأ وپناگاه امن ومحفوظی بود . ولی چون بعداز (۳۰) ماه جولایی آنجاها از طرف اردوی بری ژاپان ضبط واستیلا گردید ، وطوپ های قلعه کوب محاصرهٔ خود شان رابران تپه هاو کوهها جایگیر کرده ازهفتهٔ اول ماه آگست بکوبیدن قلعه آغاز نهادند ازو برامدن دستهٔ کشتیهای جنگی روس از (پور آرتور) واجب وضرور گردید .

ثانیاً چون این دستهٔ کشتیهای جنگی مانع عسکر براوردن ژاپانیها بسواحل بحر اصفر شده نمیتوانند ، بودن آن در (پور آرتور) سراسر بیلزوم ؛ بلکه مضر شمرده میشد .

ثالثاً رسانیدن مهمات حربیه ، وارزاق وذخیره ، وزغال سنگ نیز برای دستهٔ کشتیهای جنگی روز بروز کسب مشکلات مینمود .

رابعاً چون زمان سقوط (پور آرتور) روز بروز تقرب مینمود لاجرم ازینکه آن کشتیهای نازنین را که بصرف شدن ملیونها طلا بوجود آمده است روسها بدست خود آنرا محو وفانی گردانند بهتر آنستکه تامیتوانند یك طریق نجات برای آن جستجو کنند ، و ازین مجلس مضیق ومظلم بیشتر ازانکه برای نیفتادن بدست دشمن بها تحاریعنی — خودکشی مجبور شوند بیرون برآمده یك چارهٔ نجاتی برای خود بجویند .

بلی! عقل سلیم همچنین امر مینمود . زیرا بیرق روسی که از خیلی زمانها بربرج وبارهٔ قلعهٔ (پور آرتور) تموجهای مهابت و سطوت بود به باد طوفان نهادبسیارتندیکه ازطرف جزیرهٔ (نیپون) بوزیدن برخواسته بودبه تزلزل سقوط ، ولرزهٔ هبوط آغاز نهاده بود . وچنان دیده میشد که این استحکام آهنین که حاکمهٔ دریای اقصای شرق شمرده میشود ، در مقابل هجومهای دلیرانهٔ چپ وراست اولاد های شمس طالع پایداری واستواری نتوانند . لهذا کشتیهای نازنین دلنشین روسی رالازم نیست که درچنین جای خطرناك توقف نمایند .

حرکت خروج ؛ دایماخیلی خونریز ، وشرف انگیز بوقوع می آید . چونکه دفعتهً از محاصره برامدن ، و زنجیر آهنین خط محاصره رابریدن ، وخودرابه آنسوانداختن از خطوه اندازهای مشکلترین عالم حیات شمرده میشود خروجهائیکه مانند خروج (عثمان) پاشاباشدکه بایکمشت عسکر حلقهٔ آهنین دهشت آور محیطهٔ خودرا ازهم دریده به آنسوبر جهد درتاریخ بشر خیلی نادر تصادف میکنند .

حالا ببینیم که دستهٔ کشتیهای جنگی روس ، محیط سیار و آتشینی را که ازماهها اورادربر گرفته است چسان میشکافد؟ و آن زنجیر اسارت وتضییق راچگونه پاره کرده بآنسو برمیجهد ؟

حاضری حرکت خروج در (۹) ماه آگست اجرا گردید . امیرال (ویت هفت) برین یك قرار داد که کشتی خسارزدهٔ (بایان) راباده عدد طورپیدوی زده و زخمی ، و کشتیهای طوپ کش در (پور آرتور) بگذارد . بعدازان امر امپراطوری را که برای رفتن (ولادیو وستوق) وارد شده بود بتمام کوماندانهاوافسران ماتحت خود تبلیغ نمود .

سخن تمام شد ، دستهٔ کشتیهای جنگی (پور آرتور) درعرصهٔ شطرنج حرب چال آخرین خودرامی بازد . تادیده شود که اسپ تازی ظفر کدام دستهٔ کشتیهای جنگی رارخ میدهد .

بساعت (۵) صبح کشتیهای که خط آب شان کمتر بود آهسته آهسته ازبندرگاه به برامدن آغاز نهادند . بساعت هشت و نیم تمام دستهٔ کشتیهای جنگی بیرون برامده ، وبه ترتیبی که بیان میشود براه افتادند :

زرهپوشها:

سه زارویچ [بیرق خود ویس امیرال (ویت هفت) بران افراشته شده بود]
ره تویزان ؛
پوبیه دا ؛
په ره سویت [بیرق قونتر امیرال (او ختومسکی) بران افراشته شده بود]
پولتاوا ؛
سیواستیول ؛

کرووازورها:

آسقولد [بیرق قونترامیرال (رایت زه نشتاین) بران افراشته شده بود]
پالادا ؛
دیانا ؛

این زرهپوشها ، وکرووازورها اصل دستهٔ کشتیهای جنگی را تشکیل

داده بود . دیگر سفاین صغیره و کشتئی (نوویق) باچندقطعه طوپ کشها در زیر حمایهٔ طورپیدو ها درپیش میرفتند ، و برای دستهٔ کشتیهای جنگی راه میکشادند .

ازمنطقهٔ مهلکهٔ که طورپیل دران افشانده شده بوددرظرف دو ساعت بیرون برامدند . بساعت (۱۰) طوپ کش ها ، ویك قسمی ازطورپیدو هاباسفاین راه بازکن به (پور آرتور) برگشتند . دستهٔ کشتی‌های جنگی باده قطعه طورپیدوی مخرب ، برفاقت سفینهٔ (نوویق) بهاستقامت جنوب‌شرقی توجیه چرخ حرکت ، وتدریجاً درساعتی(۱۳) میل‌تزئید سرعت نمود .

هنوز آفتاب نبرامده بود، ودستهٔ کشتیهای جنگی روس ازبندرگاه بیرون نشده بودکه کشتیهای دیده بان ژاپانی بواسطهٔ تلگراف بی سیم به امیرال (توغو) ازحرکات حاضرئی برامدن دستهٔ کشتی‌های جنگی روس خبررسانیده بودند . لهذا امیرال ژاپانی یکنیم ساعت اول ازحرکت دستهٔ کشتی‌های جنگی روس ازجزیره های (ئه‌لیوت) بادستهٔ کشتی های جنگی نخستین خود حرکت کرده بود .
این دستهٔ کشتیهای جنگئی نخستین ، از زرهپوشهای (میقازا) که حامل بیرق خود امیرال بود؛ و (آساهی) و (فوجی) و (شیکی شیما) ؛ وکروواز ورهای (قاروغا) ، و (نیشین) مرکب بودند . امیرال (توغو) دستهٔ کشتیهای جنگی خودرا برچنان استقامتی حرکت میدادکه دروقت ظهور ازطرف بغل راست خود بتمامها کشتیهای دشمن را تفریق وتشخیص مینمود .

یعنی — ازطرف پیش بغل چپ دستهٔ کشتیهای جنگئی امیرال (ویت هفت) بقدر هشت نه کیلومتردور (۶) قطعه سفینهٔ امیرال (توغو) موجود بودکه اردوی نخستین اصلئی ژاپان اتشکیل میداد . وسبب یگانهٔ بروزبرساختن نقشه وپلان روسها همین اردوو همین قوت شده‌است . برطرف بغل راست آن درمسافهٔ بسیار دوری دستهٔ کشتیهای جنگی دومین ژاپان موجود بودکه مرکب از

گرووازورزره پوش (یاقومو) وگرووازورهای محفظه دار (قازاکی ؛ و یاغازاغو ؛ وشیطوزه) بودند . این فرقهٔ بحریه اغلب احتمال ازجزیرهٔ (میاتو) می آمدند . دستهٔ کشتیهای جنگی کوچك کوچکی که از ٤٠ قطعه طورپیدوها مرکب بودند برای داخلشدن بخط الحرکات دستهٔ کشتیهای جنگی درمنتهای افق به مانوره هایعنی — قواعدوتعلیم مشغول دیده میشدند .

دستهٔ کشتیهای جنگی پنجم وششم ژاپانی که ازسفاین قدیمه وفیشن کهنه مرکب بودند دربنمحاربه اشتراك نتوانسته اند .

امیرال (ویت هفت) دربنبار بازیك خطای عظیمی کرده وازفرصت استفاده نتوانسته ازهجوم بردن بردستهٔ کشتیهای نخستین ژاپانی که بقوت با اومساوی بلکه فایق هم بود پیش ازانکه دستهٔ کشتی های جنگی دوم به اوبرسدروگردان شده بمجرد دیدن دستهٔ کشتیهای جنگی دشمن راخودرا بسوی شمال استقامت داده میدان کارزاررا سراسر به امیرال (توغو) ترك نمود .

امیرال ژاپانی چون دیده امیرال روسی بسوی شمال چرخ خورد اول حرکتی که کرد همین بود که تاممکن مرتبه خودرا از نظردشمن پنهان نماید . لهذا دستهٔ کشتیهای جنگی خودرا درهشت یك ربع دایره بطرف چپ تبدیل استقامت داد . بعدازان بطرف راست بعینه بهمین طورحرکت باز براه اول خود برگشت .

ازظهر ۲۰ دقیقه گذشته بودکه درین اثنا دستهٔ کشتیهای جنگی روس نه اینکه بمحاربه کردن اندازوی آرزو نشان بدهد متصل به استقامت شمال شرقی بدورشدن نظردوخته بود . پس اگر امیرال (توغو) نیز برهمان استقامتی که داشت برفتارخود دوام میورزید هیچ شبهه نبودکه بعدازمدت کمی دستهٔ کشتی های جنگی دشمن را سراسر ازنظر غایب میکرد .

بنابرین امیرال ژاپانی یکی یکبار بحرکت شانزده یك یك ربع دایره تبدیل

استقامت نموده درعکس جهت نظام یکه قول درامد؛ و بر راهیکه موازی بخط الحرکات دشمن گفته میشد بحرکت آغاز نهاد .

بعداز ظهر بیکساعت ازمسافهٔ (۱۱۰۰۰) متر و نخستین بار صدای طوپ اما چون از ینقدر مسافه تأثیر انداخت هیچیك منفعت کاملی حاصل نمیکنند از ان رو بعداز چند انداخت هردو طرف آتش خودرا بریده سکوت کردند .

درساعت یکونیم امیرال (توغو) برای آنکه دستهٔ کشتیهای دوم خودرا از نظر غائب نکند بطرف راست رخ گردانید . امیرال (ویت هفت) نیز ازین حرکت دستهٔ کشتیهای جنگی ژاپان استفاده کرده برفتار مقابل تا به استقامت جنوب شرقی بطرف راست پیش آمد .

دستهٔ کشتیهای جنگی ژاپان بقدر نیم ساعت به استقامت جنوب غربی رفتار نمود . اما بساعت ۲ برفتار مقابل بر استقامت شرقی تبدیل جبههٔ عزیمت کرد . وبه اینصورت دستهٔ کشتیهای جنگی هردو دشمن رفته رفته بایکدیگر تقرب نمودند .

بساعت دو نیم باز اتش طوپ آغاز نهاد . و این آتش از مسافهٔ (۸۰۰۰) مترو تا بساعت سه و نیم دوام ورزید . اما روسها برای نزدیکشدن بژاپانها یکسر به استقامت شرق آمده بودند . دراثنای این مجادله کشتئی کروواز ورز رهپوش (آسقولد) روسی دوچار خسار بسیار مهمی گردید . چونکه یك گلهٔ (۳۰،۵) ملیمتروی از کشتئی زرهپوش (شکیشما)ی ژاپانی آمده برپل طرف راست کشتی برخورد . وبعد ازانکه افسری را که درانجا تعیین مسافه مینمود بقتل رسانید، و پل را خراب کرد بر دودکش پیش رو از هم بکفید، و دیگ بخار نخستین را پاره پاره و موقع اشارات ضیائیه را نیز خراب کرد . خرابی و خسارت (آسقولد) بهمینقدر نماند . یك گلهٔ دیگر نیز ازهمان چاپ آمده بقدر یکونیم متر و بالاتر از خط آب کشتی برخورد . وبعد ازانکه بدنهٔ کشتی را شکافت درداخل حجرهٔ جبخانهٔ طوپ های (۵۷)

میلمترویی درامده اشتعال نمود .

بنابرین کشتی (آسقولد) سراسر بیکار شده از خط حرب بیرون برامد . امیرال (ویت هفت) کشتئی زده وزخمئی (آسقولد) را بادیگر گروواروزها که اورا پیروی داشتند بطرف چپ خود گرفت . وچون کشتیهای طورپیدوی روسی نیز با آنطرف رفتار داشت ازان ودستهٔ کشتیهای جنگی روس تنها بار زره پوشها بگله های دشمن بغل داده بر سه قول رفتار داشت که اینهم یك غلط صریح امیرال روسی درین جنگ شمرده میشود ، چونکه باینصورت هم گروواز ور های خودرا از آتش کردن بر دشمن محروم ساخت ، و هم درزیر گله های دشمن که اززرهپوش ها سر کنند بینداخت .

درین اثنا امیرال (توغو) برای رسیدن دستهٔ کشتیهای جنگی دوم ؛ سرعت سیر سفاین خودرا کم نموده ازان ودر ساعت سه ونیم مسافه درمابین دودشمن بیشتر شده آتش منقطع گردید .

وقتاکه دستهٔ کشتیهای جنگی دوم به دستهٔ کشتیهای جنگی نخستین ملاقی شد ، بقوت مکمل گردید برای بدست آوردن دشمن امیرال (توغو) بسرعت اعظم به پیش رفتن اغاز نهاده مسافهٔ را که ضایع کرده بود بظرف دوساعت باز بدست اورده درساعت پنج ونیم سفینه های هردو امیرال برابرئی همدیگر مقابل شدند . وهمانلحظه از مسافهٔ (۷۲۰۰) متر و باز به آتش کردن آغاز نهادند .

وضعیت درینوقت سراسر بعکس افتاد . یعنی تفوق و برتری که تاحال بطرف روسها بود ، حالا بجهت ژاپانیها بیامد . اگرچه این تفوق از روی عدد کشتی خیلی مهم نبود ، ولی از جهت نظام حربی که امیرال (ویت هفت) گرفته بود بر آتش چهار گروواز ور خودرا بیفائده گذاشته بود خیلی مهم شمرده میشد .

حالا نوبت هجوم بسیار شدید به امیرال (توغو) رسیده بود . حالا نکه امیرال مشار الیه باز هم از افراط احتیاط خوددر نمیگذشت ؛ ودرچنین فرصت

به‌این حزم واحتیاط ،معندانه هیچ ضرورت نبود . چونکه بسبب این احتیاط بیغی — چنانچه بعدازین دیده خواهدشد — دشمن رابسوی (پور آرتور) بازفرصت فرار داد .

ساعت ۶ بود که آتش حرب وجدال بکمال شدت شعله ور گردید . در نبار اول روسها به آتش ابتدا کردند . روسها همهٔ آتش طوپهای خودرا برسفینهٔ امیرال که روح قوت؛ وروان سطوت دستهٔ کشتیهای جنگی ژاپان بود جمع وتوحید نمودند . گله های هیبت انتمای روس دراطراف وجوانب زرهپوش (میقازا) که سواری امیرال بود مانند تکرك همیریخت . و گرد باد عظیم آبی را باآتش خود غبار آساهمی بیخت . باوجود این طوفان آتش امیرال (توغو) و ارکان حربیهٔ معیت او بکمال صلابت و اعتدال محاربه را سوق واداره مینمودند . وا ویلای دهشت انتمای این گله‌های صدمنی بگوش این نهنگان آتش خوارمانند نداهای بشارت میآمد درین‌اثنابه قلهٔ زرهدار کشتی (میقازا) ی امیرال یك گلهٔ عظیم(۳۵۰) چاپی برخورد . گله مذکور برروی زره کفیده بداخل کشتی نفوذ ننمود . ولی قلهٔ مذکوررا خراب ، و وپرنس(فوشیمی)نام کوماندان قله راجریحه دارساخت . درپئی این گله یکی دیگری نیزرسید . کم‌مانده‌بود که‌این گله موجب فلاکت عظیم همه دستهٔ کشتیهای جنگی ژاپان بشود . گلهٔ مذکور درپیش روی پل کوماندان کل بکفید ، وبکمال شدت دانه های خودرا درهرطرف امیرال (توغو) ورئیس ارکان حرب وپنج افسربزرگ دیگرکه برپل‌مذکور بودندبپاشید . امیرال (توغو) ورئیس ارکان حرب وچار افسردیگرزخمدار گردیده ولی به وجودخودامیرال‌هیچ ضرری نرسیده . [?]

درساعت شش‌ونیم عیناً همین‌بلابرکشتئی امیرال روسی بیامدکه نتیجهٔ ان خیلی وخیم گردید : یکی‌ازگله های فولادشکاف کشتی‌های ژاپان برکشتئی

(سه زاروویچ) که سوارئی امیرال (ویت هفت) بود اصابت نموده دکل بزرگ آنرا بغلطانید . بعداً ان مجرهٔ کوماندان نفوذ کرده درانجا بیك طراقهٔ هولناکی ازهم کفید . وامیر ال (ویت هفت)، ویاور حرب او را با چند افسر ونفر دیگر بقتل رسانید .

بنابرین کشتئی (سه زاروویچ) هماندم بیرق علامت ماتم را برافراشته کشته شدن امیرال ، ومحروم ماندن سرافسرئی خود را از بودن سفینهٔ امیرالی بدیگر رفقای خود دانسته کرد .

سوازهمین وقت سوق وادارهٔ دستهٔ کشتی های جنگی روس از قرار قاعده به امیرال (اوختومسکی) که امیرال دوم بود، ودر کشتئی زرهپوش (په ره) سوار بود عائد وراجع گردید . ولی امیرال مذکور چنان گمان میشود که خیلی سراسیمه ومتحیر ومتردد شده بود که به اشارت (سه زاروویچ) هیچیك جواب مقابل داده نتوانست . لهذا (سه زاروویچ) چون از هیچیك طرف هیچیك امری نگرفت همچنان در پیش روی دستهٔ کشتی های جنگی بحال خود مانده برفتار خود دوام ورزید .

این وضعیت غریبهٔ دستهٔ کشتیهای جنگی بیسر وافسر هنوز خیلی وقت برهمین حال وهمین منوال دوام کرده میرفت ، ولی وااسفا که یك گلهٔ دیگر ۳۰۵ ملیمترویی آمده بریکی از (بلوقهاوز) های کشتی مذکور اصابت نموده یکبارگی دهشت بکفید . (سه زاروویچ) ازین صدمه خراب اندر خراب گشته ، ومانند سرمستان بخود بریك خط غیر معین برفتار لنگان لنگان آغاز نهاده از صف نظام حرب بیرون برامد زرهپوش (ره تویزان) نیز از برای مدد گاری وحمایهٔ او از صف برامده بی آنکه بداند بکجا میرود اورا پیروی نمود .

در کشتیهای باقی ماندهٔ دستهٔ کشتیهای جنگی یك پراکنده گی وسراسیمه گیٔ عظیمی حکمفرما گردید . هر کشتی بسر خود سرسریانه و بیهوشانه

بیك حالت غیر منتظم و پریشانی دوچار شدند .

بعـد ازخراب اصره امیرال (اوختومسکی) عقلش بسرش آمده کو ماندانی و آمریء دستهٔ کشتیهای جنگی را در عهده گرفت . و کشتیهای خود را که حقیقتاً پریشان و سرگردان مانده بودند برای پیروی کردن در پئی خود متمادیاً اشارت کردن گرفت . امیرال (اوختومسکی) راه (ولادیو وستوق) را گذاشته واپس بسوی (پور آرتور) رهسپار دریانوردی گردیده ودستهٔ کشتیهای جنگی را به اشارتهای پئی هم درپئی خود دعوت و طلب مینمود .

دستهٔ کشتیهای جنگی از هم پراکنده ، کشتیهای (سه زاروویچ) زخمی و (ره تویزان) رادرزیر تأثیر آتش دشمن ترك کرده بیك حالت درهم و برهم بصورت غیر منتظم درپئی امیرال جدید خود بر استقامت (پور آرتور) بگریختن رونهادند .

امیرال (ویت هفت) در وقت نفس واپسین خود به دستهٔ کشتی های جنگی روس این امر را تبلیغ نمود که :

« زنهار این یك راهیچگاه از خاطرتان بیرون نکشید که حضرت امپراطور پس گشتن دستهٔ کشتیهای جنگی را به پور آرتور قطعیاً منع نموده است . »

حالا آنکه کشتیهائیکه بسوی (پور آرتور) فرار کردند همهٔ آنها بر دوام کردن محاربه مقتدر بودند . پس امیرال (اوختومسکی) که فرار را بر قرار اختیار نمود آیا بر چه فکر و کدام دلیل مستند بود ؟

امیرال مومی الیه در راپوری که نوشته درخصوص رجعت خود به (پور آرتور) هیچ یك سببی که خود را معذور یاذی حق نشان بدهد بیان نکرده است . چونکه او تنها چنین ساده و بسیط یك راپوری نوشته است :

« بسببیکه سکان کشتی (سه زار ویچ) خراب گردید خط حرب را ترك کرد . و این اشارت را بر افراشت که : « سفینهٔ امیرال امر و افسری دستهٔ

کشتیهای جنگی رابدیگری میسپارد » لهذابسببیکه دگلهای کشتی (پره سو
یت) که سواری خودمنست بخسارزده شده بود ارا بر و بدیگر وسایط عادیه
مخابره کردن قابل نمیشد ، لهذاخودبربام کشتی برامده امر کردم که : (در
پئی من بیائید) ، اماهمهٔ کشتیها این اشارت مرا ندیدند ، چون ضایعات
بومجروحین مابسیاربود ، وتجهیزات ووسایط الکتریکیه خیلی دوچار خسار
شده بودند به برگشتن (پور ارتور) قراردادم ، کشتی های (زره پوش)
« پوبیه دا ؛ وپولتاوا ؛ وسیواستپول ؛ وره تویزان ؛ وسه زاراویچ » با
کرووازور (پالادا) مرارفاقت میکردند ،

« سه زارویچ » چون خیلی زخمی شده بود از همه پسترمانده بود ،
بسرعت وسطی رفتارداشتیم ، امابسبب تاریکی شب وهجوم متمادی طورپید و
های دشمن کشتیهای ما ازهمدیگر پراکنده و پریشان شده ازنظام و قواعد
بیرون برامدند ، در وقت سحر کشتیهای « ره تویزان ؛ سیواستپول ؛ پره
سویت ؛ پوبیه دا ؛ پولتاوا ؛ پالادا » راباسه طورپیدو درپور آرتور یافتم ،
تعمیرات، باوسایطی که در کشتیهاودربندرگاه موجوداست اجرا کرده میشود ،»

ازمیدان اینمحاربه بازیك شعاع مظفریت گذشت، ولی امیرال ژاپان آنرا
ندید ، بخت وطالع بازیك گلدستهٔ مظفریت کامله رابسوی(توغو) بینداخت
ولی اوبگرفتن آن تنزل نمود ، چونکه هنگامیکه حادثهٔ (سه زارویچ) بوقوع
آمدو پریشانی وسراسیمه گی دردستهٔ کشتیهای جنگی روس پیش شده، هرگاه
دران اثنا امیرال توغو بسوی چپ تبدیل استقامت مینمود همهٔ قوای حربیه
خودرا بردو کشتئی زرهپوش سه زارویچ ، وره تویزان که ازقسم کائی دسته
کشتی های جنگی جدا شده بودندسوق میتوانست که درانوقت این دوسفینه
ابدیاً ازدست روسها میبرامد ، وضیاع کلی دردسته کشتیهای جنگی روس
پدیدار میشد ،

والحاصل پیش‌ازانکه تیره‌گئی شب جهانرا فرا گیرد ، میدان محاربهٔ اینچنین یکمنظرهٔ را نشان میداد :

که دستهٔ کشتی‌های جنگی روس بصورت نیم‌منتظم بریک خط جبهه‌یی بسوی (پور آرتور) خودرا همیکشید ، و گاه‌گاه ازبسیار نزدیک با کشتیهای دشمن یکچند گلهٔ طوپ ردوبدل کرده برراه خود دوام میورزید ، کشتئی (ره‌تویزان) بسرعت اعظم خود ازپئی دسته کشتی‌های جنگی روان ، وکم مانده بودکه بقسم کامی برسد ، ازپئی آن ازمسافه بسیار دوری یعنی -- ازچار پنج میل دورتر کشتئی زده وزخمئی (سه زارویچ) بکمال زحمت و مشقت دستهٔ کشتیهای جنگی راتعقیب وپیروی مینمود .

آفتاب جهانتاب ؛ درین اثنا شعاعات زرین کار آخرین خودرا برین دو دستهٔ کشتیهای جنگی که از چند ساعت باینطرف بخو نریزئی همدگر کوشش میورزیدند بصورت بسیار حزن آلودی انعکاس داده درپردهٔ افق بحر محیط کبیر پنهان گردید .

کوماندان فرقهٔ گرووازورهای روسی یك حرکت واژگونهٔ بسیار غریبی اجرانمود . چونکه کشتیهای معیت خود را اشارت کردکه ، (مراتعقیب و پیروی نمائید) . و بسرعتی که ممکن بوداز دستهٔ کشتی‌های جنگی روس دوری نمود . درمابین نهایت قول دستهٔ کشتیهای جنگی دوم ژاپان ، وسر قول دستهٔ کشتیهای جنگی نجم ژاپان یك مسافه واسع وفراخی پدیداربود . کوماندان گرووازورهای روسی باسفینه های گرووازور (آسقولد ؛ نوویق ؛ پالادا ؛ دیانا) خود رادرهمین گذرمذکورانداختند .

گرووازورهای (آسقولد) و(نوویق) ازدو گرووازورهای دیگر پیشتر بودند . هنگامیکه درگذرمذکور برجهیدند وانحرکت غریب ناشایسته‌را اجرا کردنداز طرف محافظهای ساحل دستهٔ کشتیهای جنگی نجم ، و گرووازور

های دستهٔ کشتیهای جنگی ، وم ژاپانی به آتش طوپ شدیدی گرفتار آمدند .

کشتئی (آسقولد) که از اول هم زخمدار شده بوددر نبار نیز از طرف کرو وازورهای ژاپانی بخسارات متعددی دوچار گردید، ولی هیچیك ازاقسام اساسیهٔ آن جریحه دار نگردید . این سفینه درساعتی ۲۳ میل سرعت رامالك بود که بسایهٔ این سرعت خوداز کشتیهای دشمن ازمسافهٔ (۲۸۰۰) متر و در گذشته آنهارا درعقب گذاشت . برین کرووازور روسی ۱۳ که اصابت نموده بود دودکش ماشین آخرین آن بدرجهٔ رخنه دار گردید که دفعتهً سرعتش به ۲۰ میل فرو آمد . کرووازورهای ژاپان نیز ازعقب گیری وا ایستادند . چونکه کشتئی (آساما) درسوختن بود .

بعد ازرسیدن گلهٔ دهم بر کشتئی (آسقولد) رخنهٔ بزرگی دران بازشده سرعت سیر آن به ۱۲ فرسخ فرو آمد . بعدازانکه کشتیهای روس برین یك امین شدندکه خودرا ازنظر دشمن پنهان کرده توانسته‌اند کوماندان کروازور هاامیرال (رایت نشتاین) که در (آسقولد) بود کرووازور (نوویق) راکه بهمراه او بوددر مانوره و حرکاتش آزاد گذاشته، خوداوازمسافهٔ که مساوی به سواحل کوریاوچین بود . بر فتار آغاز نهاد . درراه باوی (غرو زوبی) نام مخرب طورپیدوی روسی تصادف کرده در (۱۲) ماه باطورپیدوی مذکور یکجا به (شانغهای) واصل شدند که درانجا نا بر قواعد بیطرفی تجهیزات واسلحهٔ آنهارا ضبط ورفع کرده تابه انجام حرب بصورت نظر بند منتظر ماندند .

این بود انجام کار کشتئی (آسقولد) حالا بیائیم بر کشتئی (دیانا):

کشتئی (دیانا) که ازدور آسقولدرا تعقیب مینمود بسبب تیره گئی شب اورا ازنظر غایب کرده براستقامت جنوب شرقی برفتار خود دوام ورزید . درراه اگرچه به هجوم کشتئی طورپیدوی ژاپانی معروض گردیدولی هیچیك هجوم آنها بروتأثیری نبخشید .

چون روز شد درهر طرف افق هیچ یك اثری ازکشتئی آسر خود پیدا نکرد . لهذا از شرایط مجبوریت عسکریه برامده برین یك قرار داد که تامیتواند کشتئی خودرا از دارالحرب بجای دوری ببرد . تا آنکه در (۲٤) ماه درلنگرگاه (سایغون) رسیده . در بجا بنابر قواعد احکام بیطرفی اسلحه وتجهیزاتش رفع وضبط گردیده نظربند ماند .

حالا بیائیم بر کشتئی (نوویق) این کشتی ساعت پنج شام (۱۱) ماه آگست به لنگرگاه (چنیغ تائو) واصل شده بود . درانجا بیك کشتئی نقلیهٔ انگلیزی که برای زغال رسانیدن به دستهٔ کشتیهای جنگی روس به اجاره گرفته شده بود برخورده ها بلاحظه ازان بزغال گرفتن آغاز نهاد ؛ وبعد ازان یکسر بجانب (ولادیووستوق) تحریك چرخ عزیمت نمود .

در ۱۳ ماه سفینهٔ مذکوره ازطرف (غالیق) نام واپور داك درجنوب (کیوشیو) دیده شده بود . در(۱۹) ماه ازمابین جزیرهٔ (کوماهینی) ، و (یه ته ردب) گذشته بودکه باینصورت از آبنای (پهروز) گذشته رفتن آن به (ولادیووستوق) خیلی ظاهر و آشکار مینمود .

برای ترصد وتوقیف کردن گرووازورهای روس که ازمیدان محاربهٔ (۱۰) آگست گریخته بودند، ژاپانها (شیطوزه) و(چوشیما) نام دوکشتئی جنگی خودرا به این حوالی فرستاده بودند . (شیطوزه) درجوار دماغهٔ (صویا) و(چوشیما) دریاچهٔ (قورچاقوف) را کشف وتحری میکردند .

واپور (چوشیما) درساعت چارشب گرووازور (نوویق) را مشاهده کرده بود . (نوویق) نیزدشمن خودرا بوقت صبح دیده بهاستقبال آن شتافت . بعد ازکمی درمابین شان محاربه آغاز نمود . بعدازانکه بقدر یکساعت برهمدیگر گله بارانیدند هردودشمن ازهمدیگر جداشدند، وبرای تعمیر خسارات خود هریك بیکطرفی خودرا کشیدند .

کشتئی (چوشیما) درزیر خط آب خود درخنه دار گردیده آب زیادی دران داخل میشد . کشتئی (نوویق) سکان خودرا ضایع کرده بیکار وبیحرکت افتاد . سفینهٔ (شیطوزه) که بواسطهٔ تلگراف بی‌سیم ازین واقعه خبردار گردیده بود در تاریکئی شب بجوار دریاچهٔ (قورچاقوف) مواصلت کرده بود . اما بسبب تاریکئی شب بداخل شدن بندرگاه که کشتئی (نوویق) دران داخل شده بود جسارت نورزید .

کوماندان کرووازورروس هرانقدرسعی وکوشش نمود به تعمیر کشتئی خود موفق نشد . وهم چون دید که یك کشتئی تازه‌دم دیگر دشمن راه‌رابرو گرفته ، و خود را غیر مقتدر بر محاربه یافت لهذا چارهٔ سلامت را مفقود یافته کشتئی خودرا بدست خود غرق نمود .

کشتی (شیطوزه) چون بوقت صبح داخل بندرگاه گردید کشتی (نوویق) رادید که بیك بغل برسر ریگها غلطیده ، ومرتبات آن بافلوکه هابساحل میبر امدند .

کشتی طور پیدوی (بوربوئی) روسی که ازدستهٔ کشتیهای جنگی جدا افتاده بود ، درجواردماغهٔ (شانطونغ) بسنگ برخورد . کپتان آن چون دید که چارهٔ حرکت دادن آن مفقود است بدست خود آنرا برهوا نمود . هیئت افسران ومرتبات آن بساحل برامده پیاده تابه (وای هایوای) بیامدند .

اینحرکت کوماندان دستهٔ کشتیهای جنگی کرووازورروسها که ازدستهٔ کشتیهای جنگی جدا شده ، وپیروی امیرال جدید برنس (اوختومسکی) را نموده ، وهو جب فلاکت دستهٔ کشتیهای جنگی گردیده خیلی شایان توبیخ وسرزنش یك حرکتیست . چونکه اینگونه حرکت از دوحال خالی نیست ؛ یاعدم اطاعت ، ویا انکه یك اثر بزرگ جهالت است . که بهردوحال خطاوغلط عظیمی شمرده میشود .

بعد از گروواز ورها نوبت به طور پیدوها آمد . طور پیدوها نیز تقلید گرو وازورها را نموده در اثنائیکه کشتیهای جنگی به هجومهای مکرر دشمن معروض مانده بود آنزمان را فرصت فرار انتخاب کرده از همان راه بر جهیدند .

اینحرکت نیز خیلی شایان حیرت یك حرکتیست . آیا چرا امر آمر خود را قبول نکرده کشتی های جنگی را پیروی نکردند؟ این غرایب احوال و حرکات اثبات میکنند که اردوی بحریهٔ روس در امور تعبیة الجیش ، وسوق الجیش بحری سراسر بیگانهٔ هنر و معرفت میباشند .

طور پیدوها به ایفای وظایفی که به زرهپوشهای خود بران مجبور و مکلف بودند از اساس آن آنرا ترك کردند حالانکه میبایست بر سفاین زرهپوش دشمن هجوم ببرند . واینرا بیندیشند که مسلح شدن آنها با طور پیل محض از برای همینکار است . لکن هیهات! که این فکر و اندیشه بخیال و خاطر آنها نگذشته بود !

پنج قطعه زرهپوش روس که در زیر افسری و کوماندهٔ امیرال جدید پرنس (اوختومسکی) بود . بسرعت وسطی یکسر بسوی (پور آرتور) میشتافتند . طور پیدوهای ژاپان که از غروب آفتاب آنها را در نظر دوخته بودند مانند سیل ملخ برانها هجوم بردند سفاین حربیهٔ روس همه شب متمادیاً به سی بار هجوم طور پیدوها معروض ماندند . اگرچه سفاین مذکوره ازین هجوم طور پیدوها بیك ضرر وزیان کلی و مهمی دوچار نشدند ولی اینقدر شد که این هجومهای طور پیدو آنها را از همدیگر جدا کرده ، وخط نظام آنها را برهم زده از همدیگر پراگنده شدند .

اما باوجود آنهم در روز (۱۱) ماه هنگامیکه شمس تابان پیشگاه قلعهٔ (پور آرتور) را غرقهٔ ضیای پرتوبار خود نمود همهٔ کشتیهای زرهپوش غیر از زرهپوش (سه زارویچ) ، که گروواز ور (پالادا) وسه مخرب طور پیدو نیز با آنها همراه بود به پور آرتور آمده لنگر انداختند .

اینست که به اینصورت دستهٔ کشتیهای جنگی روس درحالتیکه زیروزبر وزده وزخمی گردیده ، و بعضی عضوهای مهم آن بریده شده وهیچ نتیجهٔ مثمری ازتشبث بیرون برآمدن خودنگرفته بازبه آرامگاه قدیم خود یعنی — حبسخانهٔ (پور آرتور) عودت نمود .

زرهپوش (سه زارویچ) یکسر بسوی (شانطونغ) توجه استقامت کرده بود ، وکپتان دوم آن که بجزاودیگرافسربزرگی درکشتی نمانده بود رفتن (ولادیووستوق) راقطعیاً درذهن خود قرارداده بود . اما چون طورپیدو های ژاپان درعقب اوافتاده بودند سفینهٔ مذکوره به نه هجوم پی‌هم آنها دو چارگردیده بود . ولی شایان تعجب اینست که باوجودیکه زرهپوش مذکور برای جلب نکردن نظردشمن هیچگونه مقابله ومدافعه به پرداخت باز هم هیچیکی از طورپیلهای دشمن براوکارگر نیفتاد .

کپتان (ایوانوف) چون ازین هجومهای طورپیدو خودرا وارهانید باوجود زده وزخمی خود بهزارمشکلات بقطع مراحل آغازنهاد . چونکه قطب نمایی که راه رابه آن تعیین نماید نیزضایع شده ازانرو بهزارمشقت خودرا بدریاچهٔ (کیائوچو) رسانیده توانست ، ودر(چنیغ تائو)لنگر انداز اقامت گردید .

در۱۲ ماه(به زبوچادنی) و(به ستراشنی)نام دو محرب طورپیدوی روسی نیزبه آنجا واصل شد ، که سبب آمدن این دو محرب تابه آنجای دورهیچ دانسته نشده زرهپوش (سه زارویچ) ، ومحربهای طورپیدوی مذکوربنابرقواعد بیطرفی ازطرف حکومت آنجا ازهمهٔ اسلحه وتجهیزات لحث وبرهنه گردیده تاروز آخرین ختام محاربه درانجا نظربند ماندند ، وحوادث بریه وبحریهٔ محاربه‌را ازدور ، دست بسته تماشا کردند .

حالا درخصوص اینمحاربهٔ ۱۰ آگست یکقدری محاکمه ، و ملاحظه کردن لازمست ، که آیاضرروزیان مادی ومعنوی طرفین تابچه درجه است ، وخطاوقصورهای آن هادرکدام نقطه هاپدیداراست ؟

از ۱۸ قطعه سفینهٔ حربیهٔ روس که بمحاربهٔ ۱۰ آگست اشتراك ورزیده اند تنها کرووازور (نوویق) بتأثیر محاربه محو وفناشمرده میشود . باقی دیگر یك زرهپوش بزرگ ، ودو کرووازور بزرگ . وچارقطعه طورپیدوکه به بندرگاههای بیطرف رفته ترك سلاح کرده اند به آندرجه خساراتی که موجب این بیعری باشد گرفتار نشده اند . وهمچنان اقسام متباقئی دستهٔ کشتی های جنگی که به (پورآرتور) عودت والتجا کرده اند نیز بدا ندرجه خساراتی که عذرشانرا معقول وذی حق بدارد دوچار نگشته اند .

در میان تمام کشتیهای روس ازهمه بیشتر کشتئی (سه زاروچ) زحمت و خسارت رامظهرشده بود . حالا نکه خسارت وفلاکت او نیز بدرجهٔ که روسها آنرا بزرگ نشانداده بودند نبود . اگرچه گله های بزرگ دشمن باربار بران رسیده ، وحیلی خ. ابیها برورسانیده است ، ولی باوجوداینهمه خرابیها وخسارتها بازهم بدرجهٔ که از استعمال سا قط شود ، وبه تسلیم سلاح مجبور گردد عاجزوضعیف نشده بود . ضایعات نفوس آن نیز عبارت از (۸) مقتول که یکی ازانهاامیرال (ویت هفت) است ، و (۳۲) مجروح بود .

درمیان زرهپوشها (بعداز (سه زاروچ) کشتئی (رهتویزان) به آتش دشمن ازمسافه نزدیك هدف شده بود . برین سفینه (۱۱) زخم رسیده بوده اما هیچ یکی بدرجهٔ فوق العاده مهلك گفته نمیشد . زرهپوش (پره سویت) یك طوپ بزرگ آن بازتیبات الکتریك آن ضایع شده بود .

درکرووازورها کشتئی که بسیار زحمت وخسارت یافته همانا کشتی (اسقولد) است . این کشتی دودودکش بزرگ اوبتأثیر گلهٔ دشمن غلطیده ، ویك دیگ بخار را نیزسوراسوراز کار انداخته است . دیگر دودکشهای ان نیزسوراخ سوراخ گشته است ویك طوپ بزرگ ان نیز کور شده است . ضایعات نفوس آن نیزعبارت از (۱۱) مقتول ، و (۱۵) مجروح بوده است . باوجود اینهمه بازهم گفته

نمیشود که این کشتی سراسر بیکار ومعطل شده باشد .

کرووازور (پالادا) (۱۲) رخنه یافته بود . وبر کرووازور (دیانا) تنها یك گله رسیده بود . دیگر کشتیهای متباقئی فراری وتسلیم شده راهیچ ضرر و زیانی نرسیده بود .

حالا اینرا نیز باید اندیشید که تنها کشتیهای روس نی بلکه کشتیهای ژاپان نیز خسارزده ، وزیان دیده شده بودند . اگرچه ژاپانیها در محاربه خسارتهای خود شانرا بیك دقت مخصوصهٔ پنهان کرده اند ، وضایعات خودرا خیلی کم نشان داده اند — برخلاف روسها که حبهٔ خودرا قبه ساخته اند — ولی بنا بر قواعد عمومیهٔ محاربه که برزدوخورد مستنداست از ضرر وزیان خالی نمانده است . علی الخصوص کشتئی (میقازا) که حامل بیرق خود امیرال (توغو) بود ، بقدر کشتئی (سه زاروپچ) که بیرق امیرال (ویت هفت) بران افراشته شده بوددوچار خسار گردیده است .

کرووازور نیشین (ژاپانی) نیز بدرجهٔ کرووازور (آسقولد) روسی خسارت زده شده است . درکرووازور (آساما) نیز حریق ظهور یافته بود . اما زرهپوش (میقازا) وکرووازور (نیشین) باوجود خسارات وضایعاتی که بدان دو چارشده بودند بازهم برروی دریا بکاروبارخود دوام ورزیده اند . نه همچون کشتی های روس که به بندرگاههای بیطرف رفته اختیار استراحت وعطالت بکنند .

صلابت ، ونشهٔ غالبیت که درقوهٔ معنویهٔ افسران ومرتبات ژاپانی موجود بود ، خسارات ، وضایعات مادی شانرا در نظرشان خیلی بی اهمیت ، وبی مزیت در اورده از تشنه گئی که بجنگ وخونریزئی دشمن داشتند سیراب ورو گردان نشدند . حالا آنکه روسها پیش ازانکه بمحاربه دست وگریبان شوند بسبب پریشانئی قوهٔ معنویهٔ که داشتند زخمها ئیرا که از گله های دشمن گرفتند تاکه میتوانستند

آنرا بزرک کرده ، وآن را برای خود وسیله وبهانهٔ ساخته قطعیاً میدان محاربه را ترك کردند .

اینرا هیچگاه بخاطر نباید آورد که مظفریت را تفوق عدد کشتیها بوجود آورد زیرا تفوق عدد کاه به اینطرف وکاه به آنطرف بود . نی نی ! ژاپانها بسبب صاحب حسن اخلاق بودن خودشان غالب آمده‌اند ....

براستی که امیرال (توغو) کارهای بسیار بزرکی اجرا نمود . شبخونی که در اول محاربه در ۸ فبروری برج حوت بر دشمن در (پور آرتور) برد، وترتیبات وحرکات سوق الجیشیهٔ که درخصوص محاصرهٔ (پور آرتور) بروی کار آورد از چنان حرکات عسکریه ایست که شایان هزاران تحسین و آفرینست . درین خصوص هیچ کفتکو نداریم ، وباآنکه احترامات وتحسینات فوق العادهٔ خودرا چنانچه به بزرکترین امیرالهای بحریهٔ دنیا عرض و تقدیم نمائیم بجناب مشارالیه نیز ایفای آنرا برخود واجب میشماریم ؛ ولی باوجود آنهم بنام فن حرب اینقدر میگوئیم که امیرال (توغو) درین محاربه (۱۰) آکست از قوهٔ بی بدل عسکرئی خود درفن تعبیة الجیش بدرجهٔ مطلوب استفاده نتوانسته است ، وبدرجهٔ که درفن سوق الجیش داشت درداخل تأثیر تعمیه حرکات آزادانه وجرأتکارانه اجرانموده است .

بحقیقت که افراد بحریهٔ ژاپان ، وافسران بحریهٔ ژاپان ، وامیرالهای بحریهٔ ژاپان جملةً بتمام غوامض صنعت حرب کاحقه واقف و آشنا بوده‌اند ضبط وربط عسکری باهمهٔ معانی خوددرین قوهٔ ممتازه حکمفرمابود . اما باوجود اینهمه امیرال(توغو)درمحاربهٔ(۱۰) آکست بحرکاتی که فی الحال محو وپامالیٔ ودشمنرا نتیجه بدهد تشبث ننموده است .

اکرچه پریشانی وضایعات کلی درینمحاربهٔ مذکوره برای دستهٔ کشتیهای جنگی روس پیش آمد. امامطلوب کلی ما این بود که زرهپوشهای دشمن نمیبایست

ازینمحاربه جان بسلامت ببرد .

مغلوبیت روسهاازاسباب ومنابع بسیارعمیق دیگری بظهور آمده است :
کوماندان وافسری که دستهٔ کشتیهای جنگی رابحسن صورت سوق واداره کنند موجودنبودارکان وامرای بحریه بنابر بعضی مطالعاتیکه باصنعت حرب هیچ مناسبتی نداردانتخاب شده بودند ، حتی به اینسبب بعضی افسران وکوماندانهای فرقه ها ، وجزوهای تام که بفن حرب بحری سراسر بیگانه وناآشنابوده اند ، بماموریتهای بزرگ نصب وتعیین شده بودند . افسران کوچك بما فوقهای خود شان هیچ حرمت وامنیت نداشتند ، وهمیشه بیکصورت بسیار تحقیر آمیزانه از انها بحث میراندند ، ودر زیر حکم واداره آنهااز رفتن بمقابل آتش دشمن خیلی متنفر ومجتنب میمودند .

از افراد نفری گرفته تابامیرالبهاهرکس چنان حس میکردند که بمقابل یك فلاکت ومصیبت مغلوبیت همیروند . اماچه چاره ! بایدکه بروند !

سبب مظفریت ژاپانیها ، ومغلوبیت روسهارا در شماریدن عدد طوپهاو زرهپوشها ، وکرو وازورها ، و طوپ پیدوهای شان عبث وبیفائده است . چونکه اینهابدوم درجه تأثیر اجرا کرده میتوانند . اما اصل نتیجه ازمصادمه ، ومحاربهٔ اخلاق فاسده ، وفاضله بطهور انجامیده است .

یك دختریکه درکشتی خسته خانهٔ (مونغولیا) نام روسی در [پور آر تور] پرستارسیماران بود تاثیر خروج ومحاربهٔ [۱۰] آگست رابایئصورته تصویر میکند :

« دستهٔ کشتیهای جنگی ما ؛ بنابر مقصد یکجا شدن بادستهٔ کشتیهای جنگی (ولادیو وستوق) ، وبعد از ان به اتفاق همدیگر برزخ « کینچو » رابزیر طوپ گرفته برای رهائی دادن (پور آر تور) بجنرال « قوروپا تکین » مدد رسانیدن آخرالامر در (۱۰) آگست بنابر امرامپراطوری ازبندرگاه

بیرون برامد .

« شکر خدارا که برای دستهٔ کشتیهای جنگی مابیم و اندیشهٔ نیست . زیرا اخبار (نووی قرای) در نسخهٔ امروزینهٔ خود بما مژده داده که قسم اعظم دستهٔ کشتیهای جنگی دشمن به طور پیلها صادمه کرده غرق شده است . پس ما که مالك ٦ کشتی زرهپوش — یعنی ٦ قلعهٔ آهنین شناور میباشیم از دستهٔ کشتیهای جنگی نقصان یافتهٔ دشمن چه بیم و اندیشه کنیم ؟

« آنشب همه شب نخوابیدیم . چونکه باز بعضی خیالات و اندیشه های مظلمه برما اجرای تأثیرمینمود . از بسیار مسافهٔ دور صداهای غریدن طوپها مانند غریو رعدیکه از نقاط بعیدهٔ جوهوا بگوش رسد شنیده میشد . این صداها بخوبی میفهمانید که در نحریك مجادلهٔ آخری وقطعی بوقوع آمده باشد .

« صبح وقت ، بام برامدم . ازدور دیدم که چند کشتی درپئ هم آهسته آهسته به بندرگاه تقرب مینماید . آیا این دستهٔ کشتیهای جنگی ماست ؟ آیا رفتن (ولادیووستوق) کامیاب نشده است ؟

« چون نیك نظر کردم ، دیدم که کشتیهای مذکور که به بندرگاه میدرآمد عبارت از زرهپوشهای « ره تویزان ؛ پره سوت ؛ سیواستپول » و کروازورهای « پولتاوا ؛ وپریه دا » میباشد . بوقوع آمدن یك حادثهٔ مدهشه وجود مارا لرزه ناك نمود . چونکه دیدیم که همهٔ این کشتیها خسار زده بودند . یکی بدنهٔ آن سوراخ سوراخ شده ، ویکی دود کشهای آن غلطیده ، دیگری قله های آن پاره پاره شده است . این منظرهٔ الیمه جگرهای ما را نیز پاره پاره نمود .

« اما چون کشتیهای مذکور به بندرگاه لنگر اندازشدند دیده شد که کشتی های سه زارویچ ؛ ودیانا ؛ و آسقولد ، ونوویق موجود نیستند . آیا آنها چه شدند ؟ درین اثنا یك نفر بحری امده بشارت داد که دستهٔ کشتی های جنگی ژاپان سراسر محو گردید ، وکشتی های سه زارویچ ؛ ودیانا ؛ و اسقولد ؛ و

توویق ودستهٔ کشتی های جنگی ولادیووستوق به یکجاشدن کامیاب گردیدند .
واین کشتیهای ما که به بندرگاه آمده اند تعمیرات خودرا اجرا کرده واپس میروند . چرا که دریا ازدستهٔ کشتیهای جنگئی دشمن پاك گردیده . واینرا نیز علاوه کرد که ازهمه بیشتر کشتی ره تویزان مادرینمحاربه کار کرده است . چونکه بعدازانکه چند کشتئی دشمن راغرق کرده بندرگاه (دالنی)را نیزدرزیر آتش طوپ گرفته است .

« ازشنیدن این بشارت خیلی ممنون شده برای مژده دادن به بیماران فرو آمدم . همهٔ بیماران ازنخبر خشنودشده گفتند که : ازین یك همهٔ ما امین بودیم که ژاپانهای حیله کاررا آخریك ضربهٔ قطعی خواهد زدیم .

« وا اسفا که این خشنودی وشطارت عمومی بسیاردوام نورزید . در ساعت سه بودکه بسیاری ازمجروحین کشتیهای مذکور بخسته خانهٔ ما آمدند .
وبعکس این مژده خبردادند : امیرال (ویت هفت) بقتل رسیده ؛ سه زارویچ محوشده ، بسیاری ازطورپیدوها غرق گشته ، کشتیهای که برنگردیده اند همه گی بی نام ونشان شده !

« نظر بگفتهٔ زخمیها دردریامحاربهٔ بسیار شدیدومدهشی بوقوع آمده ، انسان خودرادرمحاربه نی باکه دردریای آتش گمان میکرده است !!

« اخبار(نووی قرای) بماباوری داده بودکه قسم اعظم کشتیهای ژاپان یاطورپیل محوشده است . حالآنکه یکدانهٔ آنهانیز کم نشده بود . ژاپانها ، کشتی یانان بسیارماهری هستندکه حیرت افزامانورهاا اجرا میکنند . حالآنکه در طرف مابجزسراسیمه گی وتلاش کستری دگرهیچ چیزی دیده نمیشود .

« مشاهدهٔ دستهٔ کشتیهای جنگی مصیبت زدهٔ ماانسان راخیلی متألم مینمود .
چونکه (دستهٔ کشتیهای جنگی) و(انهزام) حکم یك لفظ مترادفی رادربر گرفته بود . بحریه های کشتیهای فلاکترده به برامدن شهر جسارت ورزیده نمیتوانستند ، چرا که رفقای بری شان آنهارا سنگباران میکردند .



(۱٤) ماه آگست

هنگامیکه امیرال (توغو) خبر خروج دستهٔ کشتیهای جنگی (پور آر تور) روسی را در (۱۰) ماه آگست گرفته بود ، هماندم برای امیرال (قامیمورا) خبرفرستاد که بیدار و هشیار باشد. امیرال (قامیمورا) هماندم از آبنای (کوریا) گذشته برای جلوگیری سفاین حربیهٔ روس ه اگر برفتن [ولادیووستوق] تشبث ورزند تدابیر لازمه را اجرا نمود.

خود امیرال (قامیمورا) با دستهٔ کشتیهای جنگی سوم ه مرکب از کشتیهای کرووازورزرهپوش (ایواتا ؛ ایجومو؛ آجوما ؛ توکیووا) بود، درشمال غربی جزیرهٔ (چوشیما) جایگیر گردیده وامیرال (اوریو) بادستهٔ کشتیهای جنگی چارم که مرکب از کرووازور های (نانیوا ؛ ناقاشیهو ؛ نی یاتاقا ؛ چوشیما ؛ شی هایا) بود ، درمابین ساحل (کوریا) وجزیرهٔ (چوشیما) وساحل (ژاپان) به ترصدات ودیده بانی مأمور گردید .

دمه های بسیار کثیف وغلیظی که ازچندروز درجوار آبنای (چوشیما) حکمفرمابود در ۱٤ ماه آگست زایل وبرطرف گردید . نظر به این ترتیبات سفاین حربیهٔ ژاپان چنان معلوم میشد که دستهٔ کشتیهای جنگی دشمن از هرجائیکه بگذرد بهمه حال گریبانش بدست خواهد افتاد . چونکه هرگاه دشمن ازین دو آبنای مذکور از هرکدامی که ظهور نماید همانلحظه ازطرف دیده بانهای بزرگ ژاپانی دیده شده با تلگراف بی سیم به امیرال خبر

میدهند ، واونیزبدون ضایع کردن وقت بمقابل دشمن میبرامد ، بناءً علیه گرفتن اینگونه ترتیباتی که مذکورشد برای دشمنی که از طرف جنوب ظهور نماید خیلی معقول یك حرکتی بوده اغرابت وحیرت در مجاست که دشمن ازجنوب نی بلکه از شمال آمد ! هیچ شبهه نیست که امیرال (قامیمورا) باین چنین ظهورناگهانی هیچ منتظر نبود .

حوادث خروج دستهٔ کشتیهای جنگی روس از (پور ارتور) در ۱۱ ماه آگست در (ولادیو وستوق) شایع گردید . بنابرین در ۱۲ ماه امیرال (ژه سن) کشتیهای گروواز وربزرگ (روسیا ؛ وغروموبوی ؛ وروریک) رالنگربرداشته به استقبال دستهٔ کشتیهای جنگی (پور آرتور) برامد .

آیا از تقویه دادن دستهٔ کشتیهای جنگی (پور آرتور) را با این فرقهٔ (ولادیووستوق) هیچ یك فائدهٔ متصور بود ؟ این یك محقق بود که این فرقهٔ بحریه که ازسواحل (کوریا) بگذشتن مجبور بود بهمه حال ازطرف دشمن دیده میشد، وبمجرد دیده شدن ؛ دستهٔ کشتیهای جنگی امیرال (قامیمورا) که ازبسیار وقتها به توقیف وتأخیرحرکات آن مأمورشده است بادستهٔ کشتی های جنگی خود بیدرنگ به پیش روی اومیبرامد . وگیرم که ازوخودرا رهایی میداد ، باامیرال (توغو) آیاچه میکرد ؟

حالآنکه برای مدد رسانی دستهٔ کشتی های جنگی پور آرتور بهترین مانوره ها این بود که این فرقه یك حرکتی اجرا میکردکه مانع جمع آمدن قوای حربیهٔ ژاپان میگردید . مثلادستهٔ کشتیهای جنگی (ولادیووستوق) را بسوی سواحل ژاپان برای یك نمایشی فرستاده ، وخودرابدشمن نشان دادن لازم بودتاآنکه انظاردشمن به آنسوجلب شده ، دستهٔ کشتیهای جنگی سوم — یعنی دستهٔ کشتیهای جنگی امیرال (قامیمورا) بآنطرف برود ودران فرصت خروج دستهٔ کشتیهای جنگی (پور آرتور) لازم بود .

ولی برای این حرکت کشیدن نقشه وپلان لازم بود . واسفا که در روسها اینگونه چیزها مفقود بود . نقشهٔ اینگونه حرکات یا از (پورا تو) ویا از (ولادیووستوق) سوق واجرا باید میشد . حالا نکه اوامرسوق وا دارهٔ حرکات یکسر از (پترسبورك) بوقوع میآمد .

والحاصل امیرال (ژه سن) در ١٢ ماه از (ولادیووستوق) برامده ، ودرها نشب یکسر براستقامت آبنای (کوریا) تدویر چرخ حرکت کرده بود . ودر ١٤ ماه مذکور در وقت فجر کاذب از دماغهٔ شمال جزیرهٔ (چوشیما) ٣٢ میل بطرف شمال شرقی رسیده بود . دربحار ای داخلشدن در آبنای (کوریا) بسوی غرب تبدیل استقامت نمود . دریمرمان تخمیناً ٨ میل بسوی شمال گفته ٤ قطعه کرووازور امیرال (قامیمورا) پدیدار گردید . مقصد امیرال (قا میمورا) ازیحرکت شمالی این بود که از پس پشت خط رجعت دستهٔ کشتیهای جنگی روس را قطع نماید .

ساعت ٤ بود ؛ که امیرال روس برای گریختن بسوی شمال شرقی بدست چپ تبدیل استقامت ورزید . ولی امیرال (قا میمورا) اینحرکت امیرال روس را دیده برای نزدیکشدن به او تزئید سرعت نمود .

امیرال (قا میمورا) اشارت حاضرباشی را برافراشته همهٔ سفاین حربیهٔ خودرا بحاضری امرداد . در هرکشتی این امر بکمال آرزو واشتیاق ایفا گردید . در پی آن اشارت محاربه کشیده شد . در مابین طرفین ازمسافهٔ (١١٠٠٠) متر و آتش طوپ آغاز نمود . وچون به (٨٠٠٠) متر و نزدیکشدند امیرال (قا میمورا) نیز مانندامیرال (توغو) محاربهٔ نزدیك را ارزو نکرده بخط روسها موازی یك راهی گرفتند .

رفته رفته محاربه کسب شدت مینمود . گله های مدهشی که ازطرفین انداخته میشد درجوهوا اشتعال ورزیده منظرهٔ مهیبی تشکیل میداد . دستهٔ

کشتیهای جنگی ژاپان وضعیتی گرفته بودند که آفتاب در پشت سرشان مانده بود ۰ دستهٔ کشتیهای جنگی روس بالطبع روبآفتاب بودند ۰ لهذا انداخت روسها درصدی هفتاد راست نمی آمد : روسها هم از جهت قوهٔ معنوی ، وهم ازجهت نقطهٔ موضع که گرفته بودند ؛ علی الخصوص درکم مهارتی که در فن انداخت دا شتندغلبه درصدی نود بسوی ژاپانها دیده میشد ۰

امیرال (قامیمورا) به امیرال (اوریو) بوا سطهٔ تلگراف بی سیم خبر دادکه یك کرووازورخودرا بسرعت هرچه تمامترسوق نموده راه‌را بر دستهٔ کشتی های جنگی روس بگیرد ۰ همین بودکه کرووازور(نامینوا) برفتارسرعت اعظم خود ازجهت جنوب پدیدار گردید ۰ دستهٔ کشتی های جنگی امیرال (اوریو) ازصنف درجهٔ دوم وسوم بود که نسبت به کرووازورهای صنف درجهٔ اول هیچ نبودند ۰

راپوریکه امیرال (زه سن) نوشته یك فقرهٔ آن شایان دقت وحیرت یك عبارهٔ را حاویست ۰ چنانچه میگوید :

« چون نیت ومقصد مارا دستهٔ کشتی های جنگی ژاپان درك وحس نمود کرووازور (نامینوا)ی دشمن هماندم راه را برما گرفته به اجرای مانورهٔ ما مانع آمد ۰ »

حالا اینمسئله هیچ بعقل نمیگنجد که یك کرووازوریکه با ۸ طوب (۱۲۰) ملیمترویی بصورت بسیار فقیرا نه مجهزباشد راه راچسان برسه کرووازور بزرگ صنف درجهٔ اول بریده میتوا ند ؟ پس ازینهم معلوم میشود که امیرال (زه سن) ازبیم یك تهلکهٔ خیالی ، وتا ثیر قوهٔ معنوی تاچه درجه ترسیده ، وتاچه پایه سراسیمه شده است ۰

امیرال (زه‌سن) یکی یکبار بسوی دست راست برگشت، وبایك رفتار مقابل براستقامت شمال غربی بقطع مسافهٔ آغازنهاد؛ که ازین ره‌پیمایی مقصدش

این بود که پیش از آنکه گریبان خود را بدست دشمن بدهد بسواحل کوریا خود را رسانیده بتواند .

امیرال (قامیمورا) مانورهٔ دشمن را درك کرده او نیز بسوی راست توجیه عنان عزیمت نمود . اما باز درینمدفعه از طرف پیش بغل چپ دشمن را بزیر طوپ گرفت که مقصدش ازین وضعیت این بود که بغل چپ کشتی های دشمن که از مدتی درزیر آتش طوپ گرفته شده وانگذارد ، وهمان خسارا تی را که با نطرف رسانیده تزئید وافزونی دهد .

درینوقت جنگ شکل خصوصئی حال رجعت را گرفت . روسها هدف همهٔ بدیها ئیکه بمحاربهٔ رجعت دارند گردیدند .

یك قوهٔ بحریهٔ که برای پیدا کردن ملجأ سلامت بگریختن مجبور گردد خیلی یك وضعیت بحران آمیز پر مشکلاتی را میگیرد . چنانچه درین محاربهٔ ۱۴ اگست این مشکلات بخوبی مشاهده میشود .

کرووازور (رور یك) هنوز در ابتدای رجعت دیگر رفقای خودرا پیروی کرده نمیتوا نست ، وپس میماند . بنابرین کشتئی مذکور به آتش همهٔ کشتیهای ژاپان هدف گردید . این کشتی چون در سرعت بدرجهٔ کشتی های دیگر نبود پسترمانده آماج خوبی برای طوپچیان بحریئی ژاپان تشکیل داده بود . گله های ژاپان بی آنکه آماج خودرا غلط کنند هر گله بکمال درستی بر هدف مقصود برمیخورد وصدا های مسرت وغالبیت طوپچیان ژاپانی که (بانزای !) گفته بر میکشید ندبه آفاق بحر بلند گشته به اهالئی ژاپان مژده و بشارت میرسانید .

ژاپانها چنان چه یك مانورهٔ تعلیمی اجرا بکنند بکمال سکونت وبیقیدی ایفای وظیفه میکردند . ژاپانها بدل خود چنان انداخته بودند که درپیش روی شان کشتئی جنگی دشمن نی بلکه یك آماج متحرکیست .

بساعت ۷ صبح هردو کوماندان یعنی — افسران کشتئی (روریک)
تلف شده بودند ، وبیشتر از نصف طوپ های آن کور کرده شده بودند .
بساعت ۸ یك گلهٔ ۲۰۳ ملیمتروئی ژاپونی بردنبالهٔ کشتئی (روریك) برخورده
دایرهٔ سکان کشتی را پارچه پارچه ساخت . وسکان سراسر ازکار بیفتاده .
کشتی درحال شکسته شدن سکان را اشارت کرده از خط نظام بیرون
برامد . اینست که باینصورت سفینهٔ (روریك) ازحرکت افتاده تنها بسر
خود در پیش روی همه دستهٔ کشتیهای جنگی دشمن بیفتاد .

درین اثنا امیرال (ژەسن) برای رهائی دادن (روریك) غیرت وهمت
فوق العاده اجرا نمود . مومی الیه بادو کشتی (روسیا ؛ وغروموبویی) برگشته
تاکه میتوانست بمقابل دشمن (روریك) را ستر ومحافظه نموده برای تعمیر
سفینهٔ مجروح فرصت بدست کشتی نشینان بداد . این حرکت پس کشتن
امیرال روسی براستی که خیلی قهرمانانه ودلاورانه یك حرکتی بود ولی تهلکهٔ
آن نیز عظیم بود .

هرگاه امیرال ژاپانی بدرجهٔ کافی بدشمن تقرب مینمود دستهٔ کشتیهای
جنگی روسی کارش تمام شده بود . حالا نکه (قامیمورا) این خطوه را ننداخت
وازدور بمحاربه اکتفا نموده ازمسافهٔ (۶۰۰۰) متروگله ریزی نمود . اگر
چه این گله ریزئی اودو کشتئی روسی را بیضرر وخسارت نگذاشت ، اما
آنهارا سراسر از استعمال ساقط نمود .

ژاپانها یکبار شدت به آتش دوام ورزیدند . (روریك) درمیان آتشها
وگرد باد آب آتش آلود مانده بود . درکشتیهای (روسیا) و(غروموبوی)
حریق ظهور نمود . حال دستهٔ کشتی های جنگی روس خیلی وخیم گردید .
شعله هائیکه ازحریق بر میخواست بشدت باد بازازتیرکشها بدرون کشتی
هجوم نموده غریوها برمی آورد . دودها ئیکه بسوی سمای نیلگون برمی

خواست روی هوارا بایك سحاب کثیفی میپوشید . ولی روسهاازکوشش وانه ایستاده به خاموش کردن حریق کامیاب آمدند .

ژاپانها درین اثنا آهسته آهسته آتش میکردند. کرووازور (روریك) به بغل چپ میل نموده ، وازتاثیرزخم خود از حرکت باز مانده بود . این این کشتیٔ بدبخت باز هم بصورت بسیار نو میدانه بمحاربه دوام مینمود . دوکشتی رفیق اومانند پروانه براطراف آن میگردید ، ودرباب تخلیص او بجان همیکوشید . اکثرطوپهای (روریك) کور گردیده ازاستعمال ساقط ماند . درسفینهٔ (روسیا) شش بارحریق ظهوریافت .

امیرال (ژه سن) بقدریکساعت برهمان وضعیت بماند اماچون آخرالامر بدیدکه (روریك) راباخودبرده نمیتواند ازازواورابحال خودترك کرده یکسر بسوی شمال فرارنمود . کشتیهای ژاپان بقدر ٤ ساعت آنها راتعقیب نموده وا پس بسوی جنوب برگردیدند. کشتیهای(روسیا ؛ وغرومبوئی) نیز خود را بهزارمشکلات به (ولادیووستوق) رسانیدند .

(روریك) تنها درمقابل دوکرووازورژاپانی — یعنی (نانیوا) و (تاقاشیهو) که از دنبال رسیده بودند مانده بود . (روریك) بیچاره از کارمانده بود . باوجود آنهم باز بسیاردلاورانه مقاومت مینمود . بادوطوپ باقی ماندهٔ خود بکمال صبوری بهزار مشکلات آتش میکرد . کپتان چارم کشتی همه سعی وکوششی که دربارهٔ شناورساختن کشتی اجرانمودهمه بیهوده رفت . ولی بازهم امید خودرا قطع نمیکرد .

نهایت کپتان (ایوانوف) خواست که سکان رابرهوا کنندتاباشدکه مانع رفتار کشتی رفع شود . لهذا یکی از نفرهای کشتی را برای گذاشتن نقب را درسکان بدریا فروآورد . ولی هنوز بمنزل مقصود نارسیده یك گلهٔ دشمن آمده نفر بیچاره را درربود .

دو کرووازور ژاپانی ازمسافهٔ (٤۰۰۰) متر وبرروریك بدبخت آتش میکردند، ورخنه های بزرگ دروجودش میکشادند تا آنکه طوپ آخرین آن را نیز از استعمال ساقط ساختند. (ایوانوف) چون دید که هیچ چارهٔ نماند بغرق کردن کشتی آغاز نهاد. مجروحین را باآلات تخلیصیه بسته بدریا انداخت. دروازه های آب را باز کرده آب مانندسیل خروشان بدرون کشتی ریختن گرفت. از ساعت (۱۰) ٤۰ دقیقه گذشته بود که (روریک) بدبخت بقعردریا غرق وناپدید گردید.

نفر یهای روسی که در بحر افتاده، وباموجهای بحر هم آغوش بودند صداهای استمداد ومعاونت طلبی برمی آوردند. درین وقت بمحل وقعه (چوشیما؛ نی تا قا؛ شی ها یا؛) نام دستهٔ کشتیهای جنگی امیرال (اوریو) با پنج قطعه طورپیدوی ژاپانی نیزرسیده بودند. همهٔ این کشتیهابه رهایی دادن مرتبات کشتی (روریک) که صداهای مددطلبی برمیکشیدند اقدام ومسارعت ورزیدند. سفاین مذکوره ٦۱۳ نفرازمرتبات رارهایی دادند که کپتان (ایوانوف) قهرمان نیز درمیان آنهاموجودبود.

درکرووازور (روریک) ۱۹۲ مقتول، و۳۵۰ مجروح بوقوع آمده است. واز۱۳ نفرافسران آن نیز ۷ نفر آن تلف و(٥) نفر آن مجروح گردیده اند.

هنگامیکه کرووازورهای (روسیا) و(غرومبویی) به بندرگاه(ولادیووستوق) عودت کردند خیلی الیم ویأس آوریك منظرهٔ تشکیل نمودند، پیش ازچند روزچون این دوکشتی باکشتئی روریك یکجا بندرگاه (ولادیوستوق) را بصورت بسیارمغرورانه ترك میکردند همهٔ اهالی درحالتیکه دلهای شان به نشه وهیجان امید ظفرمالامال بود، برسرلك سنگ بست بندر جمع آمده برای مظفریت وغالبیت قطع دستهٔ کشتی های جنگی روس شعشعه

داردعا ها نمودند .

اینست که دستهٔ کشتیهای جنگی گرووازورمذکورار میان اینچنین هیجان پرمسرت از (ولادیووستوق) عزیمت کرده بود .

دستهٔ کشتی های جنگی (ولادیووستوق) درمیان قوای بحریهٔ اقصای شرق روس یگانه دستهٔ کشتی های جنگی ممتازی بود که سطوت وناموس عسکرئی روس را محافظه نموده بود . اینست که این دستهٔ کشتی‌های جنگی پرشان وشرف دراینوقت برای ایفا کردن وبجا آوردن یك وظیفهٔ بسیار مهمی میرود . بلی ! میرودکه دستهٔ کشتی‌های جنگی‌روس‌را که‌ازمدت ماهها درقلعهٔ (پور آرتور) محصور مانده ، ودر (۱۰) ماه آگست‌خروج کرده استقبال نماید : و آنرا گرفته به(ولادیووستوق) بیارد .

اهالئی (ولادیووستوق) هر روز بیك هیجان زیاد وبیقرارئی تمام اطراف افقرا تجسس مینمودند . وبرای استقبال کردن دستهٔ کشتیهای جنگی درین بندرگاه اقصای شرق روسی یك حاضری وانتظار بسیار عظیمی حکمفرما بود .

یك روزی بود ، که ازکنار افق یك دوگرووازوری پدیدارگردیدکه بیك بطائت وآهسته روئی سرسریانه‌ولنگ لنگانه یکسر بسوی بندرگاه می آمدند . چون یکقدری نزد یکشده همه کس‌شناختند که گرووازور های (روسیا) و(غرومبوبی) میباشند . ولی دستهٔ کشتی‌های جنگی‌قونتاکی که انتظار آنرا داشتند باآنها نیست ، وتنها بسرخود می آیند . دیگراینکه هنگامیکه دستهٔ کشتی‌های جنگی‌ازبندرگاه‌بیرامد ازسه قطعه کشتی مرکب‌بوده حالا آنکه دراینوقت دوقطعه شده اند .

این دوقطعه نیزبچه حال ؟

دکل‌های شان‌یك قسمی پارچه پارچه شده ، ویك‌قسمی‌غلطیده ، و

هر دو سفینه بیك وضع بدنمایی بیك یك بغل میل نموده است . کروواز و رها هرا نقدر که نزدیک میشدند آثارمد هشهٔ خرابیهای آنها زیاده تر ظاهر و آشکار میگردید .

در پیش طوپهای کورشدهٔ شکسته زخمیهای دست وپابیکسو افتاده، نعشهای در خون ودود آلوده ، اعضاهای بدن ازهم جدا جدا گشته دیده میشد . گوشتها چربیها روده ها خونها سطح کشتی را هزار بار بدتر ازسلاخخانه ساخته بود . آدمهای زندهٔ آن نیز بتأثیرغازهای مسمومهٔ باروت و آلات ناریهٔ پرآتش ودود ، یك رنگ زرد وبنفش بد منظری پیدا کرده بودند .

سبحان الله ! منظرهٔ این کروواز ورها چقدر فجیع والیم بود ! دودکش ها مانند غربال سوراخ سوراخ شده ، وبعضی ازمیان بدونیم شده مانند ناوهٔ شکسته به هم دیگر آویزان مانده بود .

کپتان کشتئی (روسیا) مقتول ، واز (غرومبویی) مجروح شده بود ، بدنه های کشتیها نیز شکاف شکاف گشته بود ،لوحه های آهنین زره کشتی مانند کاغذ های پارد شده اویزان شده بود .

کشتی ها چون بساحل آمده لنگر اندا ختند اینهمه احوال فجیعهٔ الیمه باتفصیلات آن معلوم گردید و آنهمه امید های درخشان یگان یگان محو ونابدید شد .

درژاپونیا ، این مظفریت کوچك (چوشیما) یك سور پرسرور ، و هیجان شادمانئی بزرگی حاصل کرد . آری ! گفته اند : (مصایب قوم عندقوم فوائد) ها نقدر غم والمی که ازینمحاربه برای روسها حاصلشده بود ، دوچندان آن شادی وخرمی برای ژاپانها پدیدار گردیده بود .

شهرهای (توکیو) (و یوقوهاما) باهزاران هزار فانوسها وقندیلهای رنگا رنگ وبیرقها وگلدسته های شوخ وشنگ آراسته وپیراسته گردید .

مردمان درهرطرف سرورها وشادیها اجرا کردند .

مردمانی که دروقت غرقشدن کشتئی نقلیهٔ (ساد ومارو) و(هیتاژی مارو) برامیرال (قامیمورا) و خانه و عیال او به بعضی حرکات تحقیرانه وافراطپرورانه قیام نموده بودند درینوقت اورا تقدیس وتکریم میکردند بخانهٔ مومی‌الیه که در(توکیو) بود ازهرطرف بصدها مکتوب وتلگراف نامه‌ها برای مبارکبادی وشکر گذاری باریدن گرفت . اخبار های ژاپانی صورت بسیاری ازین مکتوب هاوتلگراف هارانقل و نشرنمودندکه مادرینجابه نقلکردن دوتلگراف نامهٔ آنا اکتفا میورزیم :

« بسبب گرفتن انتقام پسر خود خیلی ممنون شدم . ازشما نیازمندم که شکر گذاری بسیار احترامکارا نهٔمرا بزوج محترم‌خود تبلیغ نمائید . دستخط

والدهٔ یکی از مرتبات
سفینهٔ کینشو مارو
که غرقشده بود

« دستهٔ کشتیهای جنگی ولادیووستوق آخرجزای سزای خودرا دید . ژاپان غلبهٔ پرشرف را احرازکرد . همهٔ مابشما مدیون شکران عظیم هستیم دستخط

نه ساله پسر، و هفت‌ساله دختر یکی‌از
نفریهای بحری که دراینجا ربه
کوچاك چوشیما مقتولشده





وقوعاتیکه از محاربهٔ ١٤ آگست

تا بمحو شدن دستهٔ کشتیهای جنگی پور آرتور جریان یافته

هنوز درابتدای ماه آگست برج سنبله موضع مدافعهٔ اصلئی (پور آر تور) از طرف خشکه باطوپ‌های بزرگ قلعه کوب ژاپانی درزیر آتش گرفته شده بود . ولی در ١٩ ماه مذکور گله ریزی بموضع مذکور ، ودیگر اطراف شهر بصورت جدی ومؤثر بلا فاصله تا بوقت آخر فتح عمومی دوام ورزید .

بومبار دمان ، یعنی — گله ریزی — دراول امر مقدمهٔ یك هجوم عمومی را تشکیل کرده بود که این هجوم نومیدانه وفدا کارانه در ٢٤ ماه آگست بیك عدم کامیابئی خون آلودی منجر گردید . بنا برین جنرال (نوژی) به اصول محاصرهٔ منتظمه حرکت کردنرا بهتر واولاتر شمرد .

درین اثنا ، احوالیکه دردریا بوقوع آمده بدینموالست :

در ١٨ ماه آگست یك کشتئی طوپ کش روسی درجوار (لیائوتیشان) بیك نقب دریایی برخورده غرقشد .

در ٢٢ ماه مذکور کشتئی زرهپوش (سیواستپول) برای گرفتن مو ضعهای برئی ژاپازا بزیر طوپ ازبندرگاه خروج نمود . ولی اونیز بیك نقبی برخورده خسارزده گردید ، وکشتی دیگراورا بخود بسته تابه بندرگاه رسانید . ودرهمان روزکشتیهای(نیشین و(قازوغا)نام ژاپانی (پور آرتور) را بزیر طوپ گرفتند .

در ٢٤ آگست دو مخرب طورپیدوی روس درپیشگاه مدخل به نقب

دریائی طورپیل مصادمه کرده یکی غرق ، ودیگری بهزار زحمت به بندرگاه عودت کرده است .

در ۳۱ آگست ۷ قطعه کشتی های روسی — غیراززرهپوشها — برای منع تکرار اینگونه مصیبتها ازبندرگاه برامدند ؛ تاآنکه طور پیلهایی را که خود شان افشانده بودند ، وتابحال بغیرازضرر هیچ نفعی ازان ندیدند رفع وزایل سازند . ولیکن ساعت سه ونیم بودکه ازیکی ازین کشتی ها به طورپیل مالش یافته غرق گردید .

در ۲ ماه ستمبر : ج میران یك کشتی دیگرروسی نیزکه برای همین مسئله برامده بود به نقب دریایی غرق شد . وهم درهمان روز در پیشگاه دریاچهٔ (تاحه) یك طورپیدوی ژاپانی ، ودر ۳ ماه دیگر کشتئی ژاپانی به طورپیل برخورد یکی غرق ودیگری خسارزده شده است .

در نهایت ماه ستمبر در دریاچهٔ (کبوتر) یك کشتئی طوپ کش ژاپانی نیزبهمین فلاکت دوچار گردید .

از (۱۹) ایلول تا به (۲۳) آن ازطرف خشکه برجبهه های شمال و شمال غربئی (پورآرتور) باز هجومها یعنی — یورش ها اجرا کرده شده است . اصل مهاجمات عساکر ژاپان بر (استحکامات معاونه) که در شرق وجنوب شرقئی (سیوئیه ن) واقع شده است ، بر تپهٔ راقم دار (۲۰۳) اجرا میگردید .

استحکامات جوار (سیوئیه ن) آهسته آهسته سراسر ازدست روسها برامد . ولی تپهٔ (۲۰۳) اگرچه یکچند ساعت در دست ژاپان ها ماند ، ولی در (۲۳) ماه مذکور بیك هجوم مقابل روسهاباز پس استرداد گردید .
درظرف چارهفتهٔ که بعدازین هجوم مرورنموده است ، ژاپانهاسرازنو بعضی حاضریها وتدارکات تازهٔ در آتش طوپچئی خوددیده اند .

از (۲۵) اوکتوبر برج عقرب، تابه (۳) نومبر برج قوس بسی محاربه های خونریزانه یورشی بعمل آمد .

یوم جشن ولادت امپراطور ژاپان چون به (۲) ماه نومبر مصادف بود ازان روژاپانها تصور و مصمم کرده بودند که در انروز یك هجوم عمومئی برده (پور آرتور) رافتح و تسخیر نمایند . این هجوم بر جبهه های شمال و شمال شرقی اجرا گردید . درظرف ۸ روزیکه این هجومها اجرا میگردید . اگرچه ژاپانها چندبار استحکامات منفرده راضبط کردند، ولی بعودت تعرضیهٔ عسکر احتیاطهای روس واپس رانده شده‌اند . باوجود آن هم استحکامات مذکوره درین مهاجمات چنان زیروزبر گردیدکه از مستحکمی هیچ نام و نشانی برایش باقی نمانده است . خلاصهٔ کلام از نتیجهٔ این هجوم خونریز — که تفصیلات مکمل آنها در دیگر جلدهای این کتاب بیان خواهد گردید — همه استحکامات مما ونه دردست ژاپانها درامد ، و به سایهٔ این موفقیت بخط مدافعهٔ استحکامات دائمه خیلی نزدیك شدند .

برای تلافی کردن ضایعات و تلفات این مهاجمه های آخرین ، فرقهٔ هفتم نظامیه از ژاپانیا به پیشگاه پور آرتور فرستاده شد .

در ۲٦ نومبر یورش چارم بوقوع آمد . از نتیجهٔ این هجوم خونریزی که از طرف فرقهٔ اول وفرقهٔ هفتم مشترکاً اجرا گردید ، درجبهٔ شمال غربی یك نتیجهٔ قطعی بحصول آمد . یعنی — تپهٔ راقم دار ۲۰۳ بصورت قطعی بدست ژاپانها درامد .

هنگامیکه این تپهٔ راقم ۲۰۳ بدست ژاپانها درامد ؛ درانوقت این تپه را برای سوق واد ارهٔ آتش توپچیء خود نقطهٔ ترصد انتخاب کرده باطوپهای (۲۸) سانتیمترویی به گله ریزی برسفاین روس که در نقطه های مختلف بندرگاه داخلی لنگر انداز بودند آغاز نهادند .

هریك ازکشتیهای روس جداجداهدف گرفته شده باینصورت یکی را درپی دیگرغرق نمودند .

این بومبارد مان -- یعنی گله ریزی طرفین — درما بین طوپخانهٔ ژاپان، وکشتیهای روس در ۳ دسمبر برج قوس ابتدا نموده تابه ١٢ ماه مذکور دوام ورزید .ژاپانها آتش خودشا نرابرکشتیهای زرهپوش (ره تویزان) ، و (پولتاوا) ، و (پره سویت) ، و (پوبیه دا) وکرووازور های (پالادا) ، و (بایان) ، و طوپ کش (کیلیاق) و کشتی نقب افشان (آمور) متوجه ساخته بودند . تنها زرهپوش (سیوا ستپول) پیش ازابتدا کردن بومباردمان فك لنگرنموده به بندرگاه خارجی برامده بود .

معلوماتیکه درحق این بومباردمان بدست آمده باینصورتست :

زرهپوش (پوبیه دا) در ۳ دسمبر (٦) بار ، ودر (٥) دسمبر (٧) بار زخمدارگردید . در (٨) ماه مذکور بطرف چپ خیلی میل نموده و اقسام زیرخط آب آن بتمامها بیرون برامده آماج مکملی برای طوپچی ژاپان تشکیل داد . تاآنکه بعد ازچندگلهٔ دیگربجز بعضی اقسام آن که بسبب کم عمقی اب بندرگاه پنهان نشد دیگرسراسرمغروق گردید .

(ره تویزان) در دوروز اول بومبا رد مان ١٩ زخم خور ده بچنان خسارات وخیمهٔ مبتلاشدکه ازشناخت برامد ، ودر ٨ دسمبر بعد از ظهر بقعر آب زیر آن تکیه یافت بقدریك متر آب ازسطح آن بالا برامد .

زرهپوش (پولتاوا) در(٥) دسمبراز ١١ رخنهٔ که یافته بود نیز بهمین حال گرفتار آمد .

زرهپوش (پره سویت) در ٧ ماه دیده شدکه تابسطح آن آب بالا برامده .

کرووازور (پالادا) بسببی که درمیان (ره تویزان) و آمور بود ازطرف طوپچی های ژاپان بخوبی معلوم نمیشد . ازانروکمتر زخمدارگردیده بود .

ولی در ۸ ماه بتأثیر یك گلهٔ بزرگ آتش گرفته بردنبالهٔ خود در آب فرونشست .

کشتئی گرووازور (بایان) نیزدرهمانروز آتش گرفته بیك بغل بغلطید .

کشتئی (آمور) نیزدر (۸) ماه به ۱٤ گله بقعر آب نایاب شد .

کشتئی طوپ کش (کیلیاق) نیز به یازده گله سراسر غرق گردید .

جنرال (نوژی) عاقبت حال دستهٔ کشتی های جنگی (پور آرتور) را باتلگراف ۱۲ ماه جنوری خودبه (توکیو) به اینصورت خبر داده است :

« ٤ قطعه کشتی زرهپوش (پولتاوا ؛ پره سویت ؛ پوبیهدا ؛ رهتویزان) وگرووازور (پالادا ؛ بایان) ویك کشتئی طوپ کش ، ویك کشتئی نقب افشان روس را که دربندرگاه (پور آرتور) بودند سراسر بحالیکه از محاربه خارج باشند دراوردیم . به بومباردمان دیگر کشتی های خوردوریزه حاجت نمانده است . بعدازین برشهر آتش کرده خسارات عظیمه بوقوع میاوریم . »

اینست که کار دستهٔ کشتی های جنگی پور آرتور به اینصورت به انجام رسید .

گلدستهٔ فتح وظفری را که در (۱۰) آگست بخت وطالع بسوی امیرال (توغو) انداخته بود . واو ازان چشم پوشی کرده بود ، بعداز ٤ ماه جنرال (نوژی) آنرا درربود .

مگر اجل این دستهٔ کشتیهای جنگی بحری ازدست بحرنی ، بلکه ازطرف بر رسیده بود .

دراثنای بومباردمان کشتیها ، بسیاری ازمبانئی روس را نیز خسارات عظیمه واقعشده بود . درروز پنجم ماه بریك جبه خانهٔ روسی یك گلهٔ کفیده جبه خانهٔ مذکور آتش گرفت ، وبقدر چندساعت یك حریق عظیمی راباعث گردانید .

در۱۳ ماه گله ریزی بردایرهٔ کشتی سازی شروع شد . کارخانهٔ کشتی سازی طورپیدو را آتش گرفت ، وسه عدد طورپیدو را نیز غرق وخراب گردانید .

اما اصل خرابیها ئیکه در شهر و قلعهٔ (پور آرتور) بوقوع آمده بعد از بومباردمان کشتیهاست که تفصیلات آن بعد ازین در ذیل محاربات بری ذکر و بیان خواهد شد.

حالا بیائیم براحوال کشتئی زرهپوش (سیواستپول).

کپتان این زرهپوش چون دانست که تپهٔ راقم ۲۰۳ بدست ژاپانها درامد پیش ازانکه به بومباردمان آغاز شود به بندرگاه خارجی برامده در زیر بغله های بسیار بلند نیم جزیرهٔ (پلنگ که سراسر از تأثیر آتش طوپ دشمن خارج بود التجا برد.

روز دیگر یعنی — در ۲۹ نومبر طورپیدوهای ژاپان بهجوم آغاز نهادند.

دراول امریك بادتند شمالی هجومهای طورپیدوها رامانع آمد. روز دیگر هوا چون کسب سکونت نمود هجوم نخستین طور پیدوها وقوع یافت. کشتئی (سیواستپول) تورفولادئی خودرا براطراف خود کشیده بود، و از کشتیهای مغروقهٔ دیگر نیز تورهای شانرا آورده بردورادور خود بر کشیده بود. اینست که امشب وروز دیگر همین تورها اورا از آسیب طورپیدو ها وارهانید.

ژاپانها نزدیکشده طور پیلهای خود رابرسیواستپول بینداختند. اما طوپ سیواستپول نزدیکشدن طورپیدوها را بیشتر ازان منع نمود. هیچیکی از طورپیلهای طورپیدوها کارگر نیفتاده ولیکن پیش از طلوع شمس در بسیار نزدیك سیواستپول دوطورپیدوی دشمن دیده شد آنقدر نزدیك بودند که صداهای تعلیم وقواعد افسران آن نیز شنیده میشد.

تقریباً از صد متر و مسافه دوطورپیل انداخته شده بنابرین سیواستپول بشدت آتش کرده کشتیهای طورپیدو از نظر غائب گردید. طورپیلها بر کشتی برخوردند، ولی تور اطراف کشتی مانع نفوذ آنها گردید. طورپیل اول آنقدر نزدیك کشتی بکفید که از تأثیر آن یك شکافی در کشتی پدیدار شده وطور

پیل ثانی درتور معلق مانده بدریا افتاد • عجب ریت دنبالهٔ کشتی را بسا حل نزدیك کردند شب دیگر طورپیدو های ژاپان سرا زنوهجوم بردند • ازین طورپیدوها یکی بیك طورپیلی برخورده غرق شد • ازدیگر طورپیدوها طورپیل های متعدد انداخته شدازانها یکچندی بر تور دو. کشتی اشتعال نمودند ، وبرکشتی آسیبی رسانیده نتوانستند •

درشب اول روز دسمبر ۲۰ طورپیدوی ژاپان برکشتئی روسی هجوم نمود • این کشتیهای دشمن چون بقدر (۱۲۰۰) مترو نزدیك شدند طورپیلهای خودرا انداختند • پیش ازیك شب یك دستهٔ کشتی های طورپیدوی روسی بمعاونت ومددکاری کشتئی (سیواستپول) آمده بودند که ماندان کشتی سیواستپول طورپیدوهای مذکوررا بیکوضعی تعبیه کرده بودکه همهٔ دریاچهٔ که دران جا بگیر بود به آنهامستور شده بود ، وسه طورپیدوی مخرب رانیزدرپیش روی خود وضع نموده بود • لهذا بمجرد هجوم ژاپانهاازین طورپیدوها وخودزرهپوش بر طورپیدوهای ژاپان باران گله باریدن گرفت • دوطورپیدوی ژاپانی بخسارات عظیمه دوچارشدند • ژاپانها تنهادرهمین شب (۶۰) طورپیل انداخته بودند •

شب دیگر یك طوفان وگردلهٔ شدیدی برخواست که بهاینسبب روشنئی پروژه کتورها را مانع گردیده بود • ژاپانهاازین طوفان فرصتی فائده گرفتن را اندیشیده دوکشتئی طورپیدوی شان تابه نزدیك کشتئی زرهپوش روس رسیدند • یکی ازانهاتابه پیش سیواستپول آمده دوطورپیل خودرا بیك آن بر ان بینداخت • اگرچه یکی ازانهاخطارفت ولی یك طورپیل دیگردرپیش سکان کشتی دردرون تورفولادی کفیده سکان راسراسر ازکاردرانداخت • یك پارچهٔ طورپیل بسرکوماندان طورپیدوی ژاپان که برسرکشتی ایستاده بود اصابت نموده کله اش رادرربود •

(سیواستپول) خیلی زحمت کشیده بود ، وبسبب این زخمی که بردنباله

اش اصابت نمود سراسر ازکار افتاده بر دنبالهٔ خود بر ریگ نشست • امشب هجوم ژاپانها خیلی پردهشت بود • طورپیدو های روس نیز بر موضع خود شان تاب آور مقاومت نشده پراکنده و پریشان گشتند •

ژاپانها، چون گمان کردند که (سیواستپول) را بحالتیکه از محاربه خارج شده باشد دراورده‌اند ازانرو هجومهای خود شانرا نهایت داده‌اند •

(سیواستپول) ازین فرصت استفاده جسته باطوپ‌های (۳۰۵) ملیمتروی خود از پشت نیم جزیرهٔ (پلنگ) به انداخت قوسی بر عساکر ژاپان به گله‌ریزی آغاز نهاد • و بخراب کردن یك طوپ خانهٔ صحرائی ژاپانها کامیاب امد •

درشب ۲۰ اوکتوبر کوماندان کشتی از افسر بزرگ خود یك امری گرفت که بسبب قریب الوقوع بودن تسلیم قلعه کشتئی خود را باید ه غرق کنند • لهذا باوجودیکه این امر موجب حیرت و تعجب او گردید بازهم اطاعة لامر بغرق کشتی قرار داده باینصورت حرکت نمود :

دراثنای شب • بعدازانکه جمله مرتبات خودرا بجز (٤۰) نفر بخشکه براورد ازجائیکه لنگر انداز بود کشان کشان خودرا تاجائیکه عمق آب (٦٥) متر بود بیاورده • درانجا باقی مرتبات خودرا نیز در فلوه ها نشانده مجراهای آب کشتی را باز نمود • کشتی آهسته آهسته گاه بچپ و گاه براست میل کرده بقعر آب فرو رفتن گرفت تا آنکه بعد از ۱۲ دقیقه سراسر غرق شده از نظر پنهان گردید •

درپنجم ماه دسمبر در (پور آرتور) بانمضمون یك بیاننامهٔ نشر گردید:

«ای مدافعان دلاور وبها در پور آرتور! به این شرف و شانی که زره‌پوش سیواستپول سراز نو احراز نمود ، و بوجود کوماندان او کپتان (ئه سه ن) که ازکپتانهای صنف اولست . وجملهٔ افسران ومرتبات که این حرکات قهرمانانهٔ رااجرا کردند همهٔ تان فخر ومباهات کنید • اینحرکت جنگاورانهٔ کشتئی

سیواستپولرا که مدت پنج شبانه روز تنها بسر خود هجومهای بیست قطعه طورپیدوهای ژاپانرا بصورت بسیار شجیعانه ازخود دفعه نموده میباید که در لوحه های خاطر خود محلوك ومنقوش بدارید تابرای اولاد ها ونبیره های خود آنرا حکایت کنید . شماچون نیز ازمحاربهای این سفرحرب میباشید لهذا درحرکات شجاعتکارانهٔ رفقای بحریٔی شمایك حصهٔ شرف وافتخار شما نیزموجود است .

« زنده باد دلاوران زرهپوش سیواستپول »

§

بیوفانی شدن دستهٔ کشتی های جنگی (پور آرتور) امیرال (توغو) را یك آزادی واستقلال بزرگی عطانمود . بعدازین خواه قلعه فتح شود یانشود ، امیرال (توغو) برای انتظار کشیدن دستهٔ کشتی های جنگی بحر (بالتیك) روس دم راست حاضر و آماده میتواند شد . چونکه دیگر خوف وخطری ازجهت اینکه بندرگاه (پور آرتور) اس الحرکات دستهٔ کشتی های جنگی روس باشد ، وامیرال (توغو) نیزمترصدومترقب آن بود باقی نماند .

مقصدیگانهٔ احتیاط کاریهای امیرال (توغو) در محاربه ها همین بودکه ضایعات وتلفات بسیاری دردستهٔ کشتی های جنگی او حاصل نشود . تاآنکه ازعهدهٔ مقابلهٔ دستهٔ کشتی های جنگی بحر (بالتیك) روسی که قریب الورود است بخوبصورت برامده بتواند .

اینست که این مقصد امیرال ، بهسایهٔ همت معاونت بسیارقیمتدار اردوی محاصرهٔ بری بخوبی بحصول انجامید ، ووظیفه بسیار گرانبهای اودرخصوص معاونت عسکر براوردن اردوی بری ختام پذیر گردید . لهذا حالا بکمال سکونت وخاطرجمعی بورود دستهٔ کشتی های جنگی بحر (بالتیك) انتظار کشیده میتواند .

جناب امپراطور (میکادو) امیرال صادق ولایق خودرا به این تلگرافنامه تحسین‌ها و آفرین‌ها خوانده‌است:

«وظایفی را که در (پور آرتور) بدسته‌های کشتی جنگئی خودمان سپرده بودیم، وایشان، هیچ یك‌از مهالك طوفانها، و آتشهای دشمن نظر نکرده بکمال شجاعت ودلیری شب وروزدرایفا واجرای آن کوشش ورزیده اند بیك حس بسیار بزرگ ممنونیت آنرا قبول میکنیم. باوجوداینهمه مشکلات، دسته های کشتئی جنگی ما وظیفهٔ خودشانرا بی آنکه یك‌تلاش و بی اسطامئی جزوئی دران راه بیابد، بمعاونت متقابله رعایت‌کرده بکمال خوبی ودرستی برانفای آن کامیاب آمده اند. بنابرین بر اثارجرأت وفداکارئی که درحسن اجرای وظیفه های خودشان نشانداده‌اند تحسین‌و آفرین میخوانیم، واز حرکات شجاعتکارانهٔ شان بیان مسرت وخشنودیت مینمائیم.»

بعدازانکه (پور آرتور) ضبط و تسخیر گردید — کیفیت این ضبط و تسخیردردیگر جلدبیان‌میشود — بنابراذن واجازهٔ جنرال(نوزی)(آتاشه میلتر) — یعنی مأمورعسکرئی که درمعیت سفیرها میباشند — دولت المانیا (برونزا رشلندر) قلعهٔ (پور آرتور) را سیرو تماشا کرده حال بندرگاه و منظرهٔ دستهٔ کشتئی جنگئی روس را به‌اینصورت نقل وتصویر کرده‌است:

«درروز ۲۲ جنوری بااجازهٔ جنرال (نوژی) بندرگاه (پور آرتور) را سیروتماشا کردیم اولابه بندرگاه شرقی رفتیم. درپیش کارخانهٔ کشتی سازی پروانه های بزرگ بزرگی‌که برای تعمیر کشتی ها ازروس آورده شده بود موجود بود. درنزدیك یك حوض‌کوچك کشتی‌سازی کرووازور معاون (آمور) خوابیده بودکه ازطرف گله های بسیارسنگین بدفعات زخمدار شده بود. درمبانئی بحریهٔ که درپس‌بندرگاه شرقی بود آثار خرابیها، وحریق مشاهده میشد. دردامنهٔ شمالئی کوه (طلا) به ساختن‌یك حوض نوکشتی سازی آغازشده بود. یك‌کمی به آنطرف سفینهٔ مغروقهٔ (بایان) دیده‌میشد.

بریك سرك نوکج وپیچ فراخ بر کوه (طلا) بالا بر امدیم . میدان نظر از ینجا خیلی واسع بود . از ینجا چون بسوی بندرگاه نظر میانداختیم انبارخانه های بزرگ سپاه عسکری رامیدیدیم .

« در ۲٤ ماه خواستیم که از ین بندرگاه به نیم جزیرهٔ (پلنگ) بگذریم یك باد بسیار تند وخیلی سردی دروزیدن ، وموجهای آب خیلی بلند بود . فلوکهٔ ما راموجها مانند گوی باینسو و آنسوی می انداخت . افسر ژاپانی که برای جمع کردن ومحو ساختن طورپیلهایی که روسها درهر طرف افشانده بودند بکاره مشغول بود چنان معلوم میشد که گویا ازیکپارچه یخ تراشیده شده باشد! چونکه هر قطره آبیکه بر وافشانده میشد همانلحظه یخ میبست بخشکه امدن ما بخیلی مشکلاتی تصادف نمود . چونکه اسکله — یعنی پل حواره بندئی — که از چوب های کشتی های خراب شده وشکسته ساخته شده بود بشدت موجها خراب شده بود ، ودهشت موجها فلوکهٔ رقصان ما را فرصت نمیداد که خودرا از فلوکه بساحل پرتاب نمائیم . وضعیت طبیعی ساحل نیز فرصت برامدنرا در موضع نمیداد . بنابرین از سیاحت نیم جزیرهٔ (پلنگ) بصرف نظر کردن وبرگشتن مجبور شدیم . دراثنای عودت ، زرهپوشهای غرق شدهٔ (پالادا ؛ پوبیه دا ؛ پولتاوا ؛ ره تویزان ؛ پره سویت) را جدا جدا تماشا کردیم و برای گرفتن تصویر آنها بار بار باطراف آن ها دور وگردش کردیم . طوپ های سفاین مذکوره کاملاً برا ورده شده بود . تنها طوپ های بزرگترین آنها باقی مانده بود که بادهنهای تار وسیاه خود مانند دیوهای غلطیده ، احوال فلاکت خود شانرا تماشا میکردند . کشتی های مذکور چون سراپا بیخها منجمد شده بودند بداخل آنها درامده نتوانستیم . کشتیهای مذکور بضرر وزیان بسیاری دوچار شده بودند . علی الخصوص دکلها وپلهای افسر نشین آنها ، ودودکشهای شان خیلی برهم ودرهم شده بود . لوحه های زره اطراف کشتی از بسیار جاها ازهم پاره شده ، ونقطه هائیکه گله های طوپ های (۲۸) سانتیمتروی ژاپانی

بران رسیده بود، سوراخهای بسیار مدهش خوف انگیزی بعمل آورده بود .

« آن کشتی های قوت ناك ومحتشمی که یکسال پیش ازین برای سطوت و شوکت بحریهٔ اقصای شرق روس یك یك شاهد آهنینی شمرده میشد ، درینوقت درمیان آنها بجز خرچنگها، وماهیان آبی هیچیك فرد ذیروحی دیده نمیشود، وبیکصورت پرفلاکتی زنگ زده، وزخمهای خوف انگیزی بران بدیدار گشته وبعضی بیك بغل . وبعضی بردنباله وبعضی بکله درمیان آب غلطیده دیده میشد که حقیقتاً منظرهٔ آنها خیلی رقت انگیز مینمود !

« افسر ژاپانی که باما رفاقت داشت ، دایما ازاینقدر خرابیهای اساسئی کشتیهای روسی شکایت میکرد ، چرا که تعمیرات آنها ، وشناورساختن آنها را خیلی پرزحمت وکثیرالمشکلات برای ژاپانها میدیدند .

« افسران روسی ، چنان نشر واعلان کرده بودند که کشتیهای خودرا ازبرای آنکه بدست ژاپانها نیفتد خود بدست خود غرق کرده اند .

« حالا آنکه ماازایشان سوال میکنیم : که اگر چنینست برای غرق کردن آنها چرا بندرگاه خارجی را که عمیق بود ، وبراوردن آنهارا ازانجا برای ژاپانها مشکلتر مینمود انتخاب نکردند ؟

« روسها بلکه خواهند گفت : که مقصد شان ازغرق کردن کشتیهای شان رادربندرگاه داخلی این بود که بعدازاتمامیافتن حرب (پورآرتور) باز بدست ماخواهدماند . درانوقت باز کشتیهای خودرا براورده استعمال خواهیم نمود .

« انچنین جواب بجز سفسطه دیگر هیچ طرز معقولی درانداده نمیشود . زیرا اولا این کشتیها ازهمه علامات آن معلوم میشود که بتأثیر گله های (۲۸) سانتیمتروی ژاپانها غرق گردیده است . ثانیاً اینکه یکی از کشتیهای روس، یعنی — کشتئی (سیواستپول) ازتأثیر گله های دشمن خودرا ببندرگاه خارجی کشید ، ودر آخرامر خودرا درموضع عمیق بحر غرق ساخت .

بحریون روس ، اگر مقصد آنراداشتند که کشتیهای خودرا بازاز دریا کشیده

استعمال نمایند پس چرا بهترین کشتی خودرا در بحر عمیق بیرونی غرق کردند ؟ اینست که به این سوال هیچ سبب معقولیکه بیان کنند نیست .»

از نقطهٔ نظر فن حرب این عاقبت احوال دستهٔ کشتیهای جنگی بحر محیط کبیر روسی از مقاومت مدیدهٔ قلعهٔ (پور آرتور) زیاده ترشایان استفاده و اهمیت است این دستهٔ کشتیهای جنگی ، بی آنکه بخصم خود نایك ضرری رسانیده بتواند به آتش طوپخانه های خشکهٔ دشمن قربان وفداشده رفته است . تاریخ سفالت وفلاکت دستهٔ کشتیهای جنگی (پور آرتور) یك رهان بلیغ ود لیل روشنی شد برینکه درحرب حرکات عسکریه رایك ادارهٔ متردد انهٔ غیرفعالانه تابچه جاها وکدام راهها میرساند .

محافل بحریهٔ روس بشدت تمام جرح ومؤاخذه میکنند که قلعهٔ (پور آرتور) برای زیاده کردن قابلیت تدافعیهٔ خود دستهٔ کشتیهای جنگی رادر بندرگاه حبس کرده ازوسایط حربیهٔ آن اوراسراسر محروم گذاشته است .

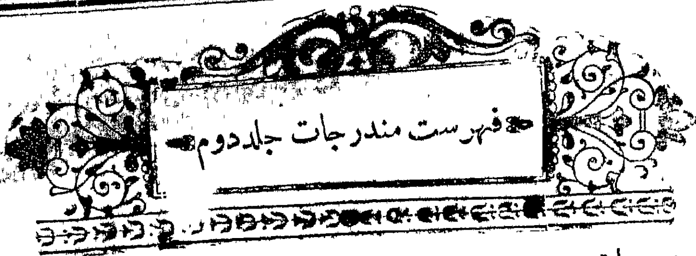
حالا آنکه اینمطالعه هیچ گاه برصواب نیست . چونکه بالعکس اگر حمایهٔ قلعهٔ (پور آرتور) نمیبود دستهٔ کشتیهای جنگی روس پیشترازین محو وفانی میگردید . دیگر اینکه دستهٔ کشتیهای جنگی دایما به آرزوی خود بحمایهٔ قلعه التجا گزین شده است . چونکه هیچگاه برای حرکت آزادانهٔ خود بیك تشبث جدی وحقیقی آرزو نکرده است .

بعد از محاربهٔ (١٠) آگست اگرچه بعضی قوای حربیهٔ دستهٔ کشتیهای جنگی رابرای تقویه دادن مدافعهٔ مطلقهٔ استحکامات بیدر بی بخشکه نقل و اخراج داده اند ، ولیکن اینهم برای زیاده کردن عمر دستهٔ کشتیهای جنگی تدبیر آخری بودکه اجرا شده است .

﴿ انتهای جلد دوم ﴾

﴿ مترجمش ﴾

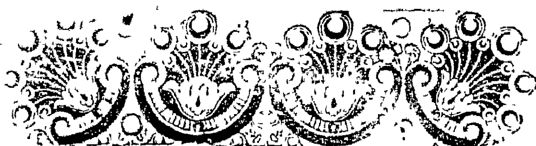
محمود طرزی



فهرست مندرجات جلد دوم

مندرجات — صحیفه

انتهای جلد دوم



﴿یادآوری﴾

برارباب مطالعه پوشیده نماندکه (تاریخ محاربهٔ روس وژاپان) پنج جلد است که جلد اول ودوم آن همین است که فارغ الطبع گردیده درمعرض نشر آمد . جلد سوم آن قریباً انشاء الله ازطبع فارغ شده تقدیم انظار اولی الابصار میگردد ، و بطبع جلد چارم و پنجم آن شروع میشود . معلوم است که بوجود آوردن اینچنین اثرهای بسیار نافع ومهم ، باپسی زحمت هاودشوار یهابوجودمی آیدکه جبیرهٔ مافات آن زحمات وفداکاریهاشوق ورغبت هوسکاران مطالعه است بسوی اینچنین آثار . بنابرین ﴿ مطبعهٔ عنایت ﴾ هرانقدر شوق ورغبت که ازشایقین علم وعرفان درخصوص اینچنین آثار کشایش دهندهٔ افکار و اذهان به بیند همان قدردرخصوص بوجودآوردن آثار نافعه کوشش خواهد ورزید .

(ومن الله التوفیق)

مطبعهٔ عنایت



اعلان آثار مبارکهٔ

مطبعهٔ عنایت

عدد	اسم کتاب	قیمت روپیهٔ کابلی
(۱)	جغرافیای منظم افغانستان (نسخه اش باقی نمانده)	
(۲)	سیاحت بر دور دور کرهٔ زمین بهشتاد روز	(۲)
(۳)	ازهر دهن سخنی وازهر چمن سمنی	(۲)
(۴)	سیاحت در جوها	(۲)
(۵)	روضهٔ حکم	(۲)
(۶)	(بیست هزار فرسخ سیاحت در زیر بحر مصور)	(٤)
(۷)	(جزیرهٔ پنهان مصور)	(٦)
(۸)	(پراکندهٔ مجموعهٔ اشعار محمود طرزی مصور)	(۲)
(۹)	(سیاحت سه قطعهٔ روی زمین مصور)	(۷)
(۱۰)	اطاعت اولی الامر [رایگان توزیع وتقسیم شده]	
(۱۱)	محاربهٔ روس وژاپان	( )

همهٔ این کتابهای فوق در کابل در نفس (مطبعهٔ عنایت) از (عبدالرؤف خان) سرمرتب، ودربازار کتاب فروشی متصل مدرسهٔ شاهی از دکان های حاجی (ملا غلام محمد) و (باز محمد) تاجران کتب بقیمتهای معین آن که درپشت هرکتاب رقم شده است خریداری میشود. ازخارج کسیکه آرزوی خریداری آنهارا بکنند با مدیر وسرمحرر جریدهٔ سراج الاخبار افغانیه مخابره کنند.